

فصل اول

تاریخچه کوزوو

جغرافیای طبیعی، سیاسی کوزوو^۱

ایالت کوزوو با مساحتی بالغ بر ۱۰۸۸۰ کیلومتر مربع یکی از دو ایالت خود مختار جمهوری صربستان^۲ بشمار می‌رود. این منطقه که در ناحیه جنوب غربی جمهوری صربستان واقع شده است، از جنوب شرقی به جمهوری مقدونیه، از جنوب غربی به کشور آلبانی و از غرب به جمهوری مونته‌نگرو محدود و محصور گردیده است. رودهای فراوان، مزارع وسیع، دشتهای حاصلخیز، جنگل‌های سرسبز، خاک مستعد و جاده‌های پرپیچ و خم این منطقه، ویژگی خاصی به آن داده است. کوزوو از ذخایر معدنی متنوع و سرشاری برخوردار بوده و تنها ذخایر ذغال سنگ آن به ۶ میلیون تن بالغ می‌گردد.^۳ دیگر منابع معدنی این سرزمین شامل ذخایر قیر سیاه، سیدرایت، آلومینیوم، روی، مس، نقره و طلا می‌باشند. در عین حال با توجه به تسلط قهرآمیز صربها بر این منطقه، تا کنون شرایط مناسبی برای بهره‌برداری آلبانی‌تبارها از این منابع فراهم نگردیده و صربها در جهت منافع خود از آن بهره‌برداری می‌کردند.

با این وجود کوزوو یکی از توسعه نیافته‌ترین مناطق صربستان و یکی از فقیرترین

۱- صربها ایالت کوزوو را کوزوو و متوخیه می‌نامند و نسبت به این مسئله حساسیت ویژه‌ای از خود نشان می‌دهند.

۲- پس از تجزیه یوگسلاوی سابق، جمهوری صربستان و جمهوری مونته‌نگرو، دو جمهوری از شش جمهوری تشکیل دهنده یوگسلاوی سابق اتحاد خویش را حفظ نمودند و تحت عنوان جمهوری فدرال یوگسلاوی در ۲۷ آوریل ۱۹۹۲ اعلام موجودیت کردند.

۳- کتاب سبز جمهوری فدرال یوگسلاوی، گردآورنده احمد جعفری، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران ۱۳۷۷، ص ۱۴۴.

بخشهای یوگسلاوی سابق بشمار می‌رود که بخش اعظمی از جمعیت آن بدلیل فقر اقتصادی از این ایالت مهاجرت نموده‌اند. این مهاجرت‌ها در شرایطی انجام می‌پذیرفت که بخشهایی از پتانسیل و منابع طبیعی صربستان که حتی مازاد بر نیاز داخلی مردم آن می‌باشد، در این منطقه قرار دارد.

بنابر آخرین آمار غیر رسمی ۹۰٪ از جمعیت دو میلیونی ایالت کوزوو را آلبانی‌تبارها تشکیل می‌دهند. براساس سرشماری سال ۱۹۸۱، جمعیت کوزوو بالغ بر ۱،۵۸۴،۴۴۰ نفر بوده که تعداد ۱،۲۲۶،۷۳۶ نفر آنها آلبانی‌تبار ۲۰۹،۴۶۸ نفر صرب ۲۷،۰۲۸ نفر مونته‌نگرویی ۲،۶۷۶ نفر آنها یوگسلاوی و بقیه از سایر نژادها بوده‌اند. بنابر سرشماری سال ۱۹۹۱ که از سوی آلبانی‌تبارها تحریم گردید، تعداد کل جمعیت کوزوو ۱،۹۵۶،۱۹۶ نفر برآورد گردید که از این تعداد ۱،۵۹۶،۰۷۲ نفر آلبانی‌تبار ۱۹۴،۱۹۰ نفر صرب ۲۰،۳۶۵ نفر مونته‌نگروئی ۳،۴۵۷ نفر یوگسلاو و بقیه از سایر نژادها و اقوام می‌باشند.^۱

پرشتینا مرکز این ایالت قبل از آغاز جنگ اخیر دارای جمعیتی بالغ بر ۱۵۵،۰۰۰ نفر بوده است. علاوه بر پرشتینا شهرهای دیگر همچون پریرزن، گنیلان، گلوگواچ، جاکویتسا، دراگاش، دچان، کوزوووسکامیترویتسا، کلینا کوزوووسکا، کامینجا، کاجانیک، پیچ، ایستوک، پردویو، اروحاواچ، لیپلان، لپوساویتسا، ویش، اورشواچ و چند شهر دیگر در این ایالت وجود دارد. در بیشتر این شهرها آلبانی‌تبارها در اکثریت می‌باشند. بعنوان نمونه آلبانی‌تبارها در دو شهر گلوگواچ و کاجانیک به ترتیب با ۹۹/۸ و ۷۹/۹ درصد جمعیت و صربها در شهر لپوساویتسا با ۸۸/۶ درصد جمعیت بیشترین ترکیب جمعیتی را دارا می‌باشند. همچنین بیشترین تعداد مسلمانان نیز در شهر گورانیتسا واقع در منطقه دراگاش با ۴۵/۵ درصد حضور دارند.^۲

۱- آمارهای ارائه شده بدلیل، اینکه از منابع صربی استخراج شده است، چندان دقیق و مورد اعتماد نمی‌باشند. اما تنها آمار موجود در خصوص جمعیت و ترکیب نژادی در کوزوو می‌باشد.

۲- در یوگسلاوی اگر چه آلبانی‌تبارها مسلمان می‌باشند، ولی نظر به تقسیم نژادی بجا مانده از زمان یوگسلاوی سابق، اسلام بعنوان یک نژاد مورد شناسائی قرار گرفت. در اوراق شناسایی مسلمانان، نژاد آنها با حروف بزرگ Moslem مشخص گردید و مذهب آنان نیز با حرف کوچک moslem تعیین شده است. این تفکیک به تقسیم‌بندی جمهوریها و مناطق در یوگسلاوی سابق برمی‌گردد، اما در اینجا منظور از مسلمان همان بوشناکهای

تصویر

در قانون اساسی سال ۱۹۶۳ جمهوری فدرال سوسیالیستی یوگسلاوی، منطقه کوزوو بعنوان یک استان خودمختار مورد شناسایی قرار گرفت. در آخرین اصلاحات بعمل آمده در قانون اساسی فدرال یوگسلاوی سابق در سال ۱۹۷۴ نیز از کوزوو بعنوان یک منطقه با خودمختاری وسیع در چارچوب جمهوری صربستان ولی دارای نمایندگان مستقل در دستگاههای اجرایی و قانونگذاری فدرال از جمله شورای ریاست جمهوری، مجلس و دولت فدرال نام برده شد. همچنین کوزوو به همراه دیگر استان خودمختار صربستان یعنی ویوودینا علاوه بر داشتن نمایندگانی در دستگاههای فدرال، خود نیز از یک مجلس و دولت مستقل محلی برخوردار بوده است.^۱

در سال ۱۹۸۱ کمتر از یکسال پس از مرگ تیتو رئیس جمهور و رئیس اتحادیه کمونیستهای یوگسلاوی، اعتراضات و تظاهرات گسترده‌ای در کوزوو آغاز گردید و طی آن آلبانی تبارها خواستار اعلام جمهوری با حق و حقوق مشابه شش جمهوری دیگر تشکیل دهنده یوگسلاوی سابق (صربستان، مونته‌نگرو، مقدونیه، کرواسی، اسلوونی و بوسنی - هرزگوین) برای کوزوو شدند. با اوجگیری این ناآرامیها، شورای ریاست جمهوری یوگسلاوی سابق در این ایالت وضعیت اضطراری اعلام و واحدهای پلیس به منطقه اعزام نمود و بطور موقت این قائله خاتمه یافت. هنگامیکه در سال ۱۹۸۹، چشم انداز بحران داخلی در یوگسلاوی سابق نمایان گردید، نمایندگان مجلس محلی کوزوو با تصویب اعلامیه‌ای جمهوری مستقل کوزوو را اعلام نمودند. سه روز بعد از تصویب این اعلامیه، پارلمان صربستان، مجلس محلی و دولت کوزوو را منحل کرد. در هفتم سپتامبر همان سال نمایندگان مجلس کوزوو در محلی بنام کاکانیک، قانون اساسی جدید جمهوری کوزوو را به تصویب رساندند و سه هفته بعد از آن پارلمان صربستان قانون اساسی جدید جمهوری صربستان را تصویب کرد که براساس آن خودمختاری گسترده کوزوو ملغی و یک خودمختاری بسیار محدود سرزمینی به آن اعطا شد.^۲

۱- کتاب سبز جمهوری فدرال یوگسلاوی، ص ۱۴۷.

2- Kosovo A Short history, Noel Malcolm, London, Macmillan Publisher, 1998. p.347.

در همین سال بود که میلو شوویچ بعنوان رئیس جمهور صربستان بقدرت رسید و روحیات و احساسات ناسیونالیستی صربی نیز اوج گرفت. وی در همان روزهای اول بقدرت رسیدن، به کوزوو سفر کرد و از آلبانی تبارها خواست تا دستورات صادره از سوی بلگراد را رعایت نمایند^۱ وی همچنین خطاب به جمعیت صرب ساکن این منطقه گفت به هیچ کس اجازه نخواهد داد تا آنها را مورد اذیت و آزار قرار دهد. میلو شوویچ در این مقطع زمانی بدنال ایجاد صربستان بزرگ بود و خواب الحاق بخشهای عمده‌ای از بوسنی - هرزگوین و کرواسی (منطقه کنین و اسلونیا) به صربستان را می‌دید و به همین دلیل حاضر نبود تحت هیچ شرایطی کوزوو بعنوان مهد صربها را از دست بدهد.

آلبانی تبارهای ساکن کوزوو بدنال محدود شدن خودمختاری این ایالت از سوی صربستان دست به سیاست مقاومت منفی زدند و در این راستا اقدام به تشکیل نهادها و مؤسسات دولتی، آموزشی و امور بهداشت و درمان موازی با نهادهای دولت صربستان نمودند که از سوی دولت مرکزی به رسمیت شناخته نشد. طی این مدت آلبانی تبارها و صربهای ساکن کوزوو هر کدام زندگی خاص خودشان را داشتند و این شکاف روز به روز بیشتر می‌شد. در سال ۱۹۹۳ آلبانی تبارها با تشکیل سیستم آموزشی مستقل، علیرغم سرکوب دائمی پلیس، اقدام به تشکیل کلاسهای درس در سطوح مختلف آموزش و پرورش و دوره‌های دانشگاهی در منازل خصوصی خود نمودند. هزینه آموزشی را مردم بویژه آلبانی تبارهای ساکن برخی از کشورهای اروپائی تقبل میکردند^۲.

همچنین طی این سالها آلبانی تبارها کلیه انتخابات محلی، پارلمانی و ریاست جمهوری در سطح جمهوری صربستان و فدرال یوگسلاوی را تحریم و خود بطور مستقل اقدام به برگزاری انتخابات می‌کردند. در ژوئن سال ۱۹۹۲ احزاب سیاسی آلبانی تبار کوزوو در تلاش برای تشکیل مؤسسات و نهادهای سیاسی جداگانه، اقدام به برگزاری انتخابات ریاست جمهوری و پارلمانی

1- Into The Fire, W Nelan, TIME, 5 April 1999.

۲- بعنوان نمونه بالغ بر ۱۰۰ هزار تن از آلبانی تبارهای کوزوو قبل از بروز بحران در آلمان سکونت داشتند که کمک‌هایی را برای مردم کوزوو می‌فرستادند.

مستقل نمودند که این انتخابات در میان جو رعب و وحشتی که پلیس صرب بوجود آورده بود، در بعضی از منازل شخصی آلبانی تبارها برگزار گردید. علیرغم مخالفت دولت صربستان و نیز ضبط و توقیف چند صندوق اخذ آراء، رئیس کمیسیون برگزار کننده انتخابات در پایان رای‌گیری اعلام داشت ۸۷ درصد از واجدین شرایط در انتخابات شرکت نموده^۱ و ابراهیم روگوا رهبر بزرگترین حزب سیاسی وقت آلبانی تبار کوزوو یعنی: اتحادیه دمکراتیک کوزوو^۲ با کسب ۹۰ درصد از آراء اخذ شده بعنوان رئیس جمهور انتخاب و اعضای حزب وی نیز ۷۰ درصد از کرسی‌های پارلمان را بخود اختصاص داده‌اند. بدنبال برگزاری این انتخابات مجلس مستقل و نیز دولت در تبعید به ریاست (نخست وزیری) بویار بوکاشی تشکیل شد.

پس از خاتمه بحران بوسنی - هرزگوین، توجه جامعه بین‌المللی بویژه بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی به مسئله کوزوو جلب گردید. در این مقطع زمانی ابراهیم روگوا بعنوان مرد شماره یک آلبانی تبارهای کوزوو و رئیس جمهوری خود خوانده، طرف گفتگوهای نمایندگان کشورهای ذی نفوذ در مسائل بالکان و از سوی بلگراد نیز بعنوان رهبر آلبانی تبارها مورد شناسائی قرار گرفته بود. به منظور کاهش تنش موجود بین دولت مرکزی و آلبانی تبارهای کوزوو مؤسسه خیریه کاتولیک ایتالیا سعی نمود به نحوی دیدگاههای طرفین را در خصوص چگونگی اداره آینده کوزوو به یکدیگر نزدیک نماید. مذاکرات مؤسسه خیریه مذکور با طرفین صرب و آلبانی تبار در سپتامبر ۱۹۹۶ منجر به امضاء موافقتنامه آموزشی گردید. براساس این موافقتنامه نظام آموزشی خودگردان آلبانی تبار (از دبستان تا دانشگاه) مورد شناسائی دولت مرکزی قرار گرفت و در یک فرآیند تعیین شده به نظام آموزشی دولتی الحاق پیدا می‌کرد. این موافقتنامه بطور همزمان توسط میلوشوویچ رئیس جمهور وقت صربستان در بلگراد و روگوا رهبر آلبانی تبارهای کوزوو در پرشتینا امضاء گردید^۲ هر چند که با تلاش مؤسسه خیریه کاتولیک چند دور مذاکره بین هیاتهای دو طرف به منظور نحوه اجرای موافقتنامه مذکور صورت

1- Kosovo a Short History, Noel Malcolm, p.347.

2- Ibid.

پذیرفت، اما دولت صربستان هرگز بطور جدی برای به اجرا درآوردن این موافقتنامه وارد عمل نشده بود.

رهبران برجسته کوزوو

- ابراهیم روگوا

ابراهیم روگوا در دوم دسامبر ۱۹۹۴ در دهکده سرنتسه از توابع شهر ایستوک کوزوو دیده به جهان گشود. وی تحصیلات خود را در رشته ادبیات آلبانی ادامه داد و موفق به اخذ درجه دکترئی در این رشته گردید. روگوا که از کمونیستهای سابق می‌باشد دارای دیدگاه‌های لائیک و ضد دینی است و برخی بر مسلمان بودن وی شک و تردید دارند. روگوا ریاست انجمن نویسندگان کوزوو را بعهده داشت و نیز یکی از امضاء کنندگان اعلامیه‌ای بوده که در سال ۱۹۸۹ حدود ۲۱۵ تن از روشنفکران کوزوویی آنرا امضاء کرده و طی آن مخالفت صریح و آشکار خویش را با اصلاحات مطرح شده در قانون اساسی صربستان برای لغو خودمختاری کوزوو اعلام نمودند. وی بخاطر امضاء این اعلامیه از عضویت در اتحادیه کمونیستهای یوگسلاوی محروم گردید.^۱

ابراهیم روگوا که یک فرد میانه‌روست، در حال حاضر رهبری اتحادیه دمکراتیک کوزوو را بعهده دارد. وی یکی از محبوبترین و برجسته‌ترین سیاستمداران آلبانی تبار بویژه قبل از شروع بحران به شمار می‌رفت در واقع با تولد ارتش آزادیبخش کوزوو و ورود این جبهه به صحنه سیاسی، نقش محوری روگوا در صحنه سیاسی کوزوو کمرنگ شد، تا جائی که هاشم تاجچی بعنوان رئیس هیات آلبانی تبارهای کوزوو در کنفرانس صلح رامبویه انتخاب گردید. بدنبال بروز جنگ در کوزوو روگوا توسط نیروهای صرب دستگیر و به بلگراد انتقال داده شد. پس از تشدید فشار بر یوگسلاوی، اسلوبودان میلوشویچ برای کاهش فشارهای بین‌المللی روگوا را وادار به ملاقات با خویش و مصاحبه با خبرنگاران نمود. وی در این مصاحبه خواستار خاتمه حملات ناتو علیه یوگسلاوی و آغاز مذاکرات سیاسی گردید. این ملاقات و اظهار نظرها در برهه زمانی

بسیار حساس که آلبانی تبارها فوج فوج در بدترین شرایط ممکن از کوزوو اخراج می‌شدند، مورد بهره برداری گروه‌های رقیب روگوا قرار گرفت و با تبلیغات علیه وی محبوبیت روگوا را بشدت کاهش بخشیدند. در این خصوص ارتش آزادیبخش کوزوو با صدور بیانیه‌ای اقدام روگوا را خیانت به آرمان آلبانی تبارها دانست و آنرا محکوم نمود. روگوا در ضمن نویسنده، روزنامه نگار و استاد ادبیات زبان آلبانیائی نیز می‌باشد وی دو جایزه صلح یکی در سال ۱۹۹۵ از بنیاد PL-Fonden دانمارک (جایزه صلح و آزادی) و دیگری در سال ۱۹۹۸ از پارلمان اروپا در استراسبورگ بخاطر حمایت از حقوق بشر (جایزه ساخاروف) را دریافت نمود.^۱ پس از پایان جنگ و استقرار نیروهای بین‌المللی در کوزوو برخی از کشورهای اروپائی که از افزایش قدرت ارتش آزادیبخش در کوزوو نگران بودند، سعی در مشارکت بیشتر روگوا در آینده کوزوو دارند. در اولین انتخابات آزاد ایالت کوزوو حزب ابراهیم روگوا موفق شد حداکثر آراء را بدست آورد.

- آدم دماچی

دماچی در ۲۶ فوریه ۱۹۳۶ در روستای دونیه لاپاچ واقع در حومه شهر پودویوو کوزوو به دنیا آمد. وی مقطع دبیرستان را در شهر پرشتینا به اتمام رساند و برای ادامه تحصیل راهی بلگراد شد، اما بلحاظ برخی مشکلات خانوادگی پس از ۲/۵ سال، مجبور به ترک تحصیل گردید. در سال ۱۹۵۸ دماچی با چاپ اولین رمان خویش تحت عنوان "مارهای خونی" دستگیر و به ۵ سال زندان محکوم گردید. اما بعداً دادگاه عالی صربستان محکومیت وی را به ۳ سال تقلیل بخشید. سه سال پس از آزادی از زندان مجدداً در سال ۱۹۶۴ به همراه یک گروه از آلبانی تبارها دستگیر و به اتهام تلاش برای ایجاد انقلاب و فعالیتهای تروریستی به مدت ۱۵ سال محکوم به زندان گردید. اینبار نیز مدت زندانی وی به ۱۰ سال کاهش یافت و در هشتم ژوئن ۱۹۷۴ از زندان آزاد گردید.^۲

۱- خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، ایرنا، ۱۳۷۷/۹/۲۶.

۲- کتاب سبز جمهوری فدرال یوگسلاوی، ص ۱۲۴.

یک سال بعد یعنی در ششم اکتبر ۱۹۷۵ دماچی به همراه گروهی از روشنفکران آلبانی تبار مجدداً دستگیر و به ۱۵ سال حبس محکوم گردید. وی در ۲۱ آوریل ۱۹۹۰ از سوی شورای ریاست جمهوری یوگوسلای مورد عفو قرار گرفته و آزاد گردید و بدین ترتیب آدم دماچی ۲۷/۵ سال از عمر خویش را در زندان گذارند، به همین خاطر وی به نلسون ماندلای کوزوو مشهور گشت. از آن پس وی به روزنامه نگاری و نویسندگی مشغول بود تا اینکه در سال ۱۹۹۷ به عنوان رئیس حزب پارلمانی انتخاب گردید. پس از نضج بحران کوزوو و اعلام موجودیت ارتش آزادیبخش کوزوو و ورود این جبهه به صحنه سیاسی کوزوو، فرماندهان نظامی KLA بدنبال فردی برای بدست گرفتن رهبری شاخه سیاسی آن برآمدند و نهایتاً موفق شدند با آدم دماچی برای تصدی این پست به توافق برسند. از آنجاکه دماچی دارای دیدگاههای تند و رادیکالی در خصوص آینده کوزوو و به کمتر از اعلام جمهوری مستقل کوزوو رضایت نمی داد، ارتش آزادیبخش در آن برهه زمانی توانست با وی به توافق برسد.

هنگامیکه ارتش آزادیبخش کوزوو در فوریه ۱۹۹۹ با فشار جامعه بین‌المللی آمادگی خویش را برای حضور در کنفرانس صلح رامبویه اعلام نمود، دماچی در اعتراض به این تصمیم از سمت خویش یعنی رهبری شاخه سیاسی ارتش آزادیبخش کوزوو استعفاء کرد. دماچی که از بیماری لاعلاجی رنج می برد، پس از آن هیچ نقشی در تحولات سیاسی کوزوو بعهدہ نگرفت.

- هاشم تاچی

از بیوگرافی هاشم تاچی این جوان ۳۰ ساله که با حمایت پنهان و آشکار آمریکا موفق شد پله‌های ترقی را یکی پس از دیگری طی نموده و به مرد شماره یک آلبانی تبارهای کوزوو مبدل گردد، اطلاعات چندانی در دست نیست. حضور موثر تاچی در صحنه سیاسی با استعفاءی آدم دماچی از رهبری شاخه سیاسی ارتش آزادیبخش کوزوو همزمان بود. وی بلافاصله پس از کنارگیری دماچی از رهبری شاخه سیاسی KLA به منظور شرکت در کنفرانس صلح رامبویه، عازم پاریس گردید و علیرغم حضور ابراهیم روگوا رئیس جمهور خود خوانده در ترکیب هیات،

بعنوان رئیس هیات کوزوویی شرکت کننده در مذاکرات صلح برگزیده شد. هاشم تاچی که دوستی زیادی با جیمز روبین سخنگوی وقت کاخ سفید داشت، بشدت تحت تاثیر واشنگتن قرار داشته و دارد. وی در فاصله دو دور مذاکرات رامبویه به همراه پنج تن از رهبران عالیرتبه KLA بطور محرمانه از آمریکا دیدار بعمل آورد و در اولین ماه آغاز جنگ ناتو علیه یوگسلاوی، دولت موقت کوزوو به نخست وزیری خویش را تشکیل داد که در کابینه وی سهم اتحادیه دمکراتیک کوزوو به ریاست روگوا بسیار اندک بود. تاچی همچنین در طول جنگ و پس از آن سعی نمود با حضور مستمر در بین آوارگان و تماس با رهبران کشورهای ذی نفوذ در بحران موقعیت خویش را تحکیم بخشد و از سوی کوشنر رئیس وقت هیات سازمان ملل در کوزوو (یونیماک) و همچنین ژنرال جکسون فرمانده وقت نیروهای حافظ صلح در کوزوو (کیفور) بعنوان شخص اول آلبانی تبارهای کوزوو مورد شناسائی قرار گیرد. هر چند این امر چندان خوشایند برخی از قدرتهای اروپائی نبوده است.

ارتش آزادیبخش کوزوو^۱

ارتش آزادیبخش کوزوو از یک گروه کوچک مهاجر مستقر در سوئیس که جنبش فراگیر کوزوو (LPK) در اوایل دهه ۱۹۸۰ را بنیان گذاشته بودند به وجود آمد. با لغو خودمختاری کوزوو در سال ۱۹۸۹ و آغاز جنگ در بوسنی - هرزگوین در سال ۱۹۹۲ جناح چپ LPK سیاستهای حزب LDK به رهبری ابراهیم روگوا را به تمسخر گرفته و سیاست تهاجمی در پیش گرفتند.

در سال ۱۹۹۳ در اوج جنگ بوسنی جنبش فراگیر کوزوو تصمیم گرفت جبهه دومی علیه صربها در کوزوو بازگشایی کند، فلذا در پی یکسری مذاکرات و نشستهای مخفی در مقدونیه ارتش آزادیبخش کوزوو (KLA) تاسیس گردید. بسیاری از رهبران ارتش آزادیبخش کوزوو تبعیدیان سیاسی بودند که مدتها در زندانهای صرب بسر می بردند. طی سالهای ۱۹۹۴ و

1- Kossvo Libration Army (KLA)

۱۹۹۵ پلیس و شهروندان صرب در سراسر کوزوو مورد حمله قرار می‌گرفتند. تیم جوده^۱ در کتاب "جنگ و انتقام در کوزوو" می‌نویسد تا سال ۱۹۹۷ تعداد ۱۵۰ نفر عضو فعال ارتش آزادیبخش کوزوو بودند.^۲

ارتش آزادیبخش کوزوو در فوریه ۱۹۹۶ با حمله به اردوگاه صربها در Krjina در شمال کوزوو رسماً موجودیت خود را اعلام داشت. متعاقب آن چندین حمله علیه صربها صورت گرفت و ارتش آزادیبخش کوزوو طی بیانیه‌ای در ژوئن همان سال مسئولیت کشتار شش صرب (سه پلیس و سه شهروند) در شهر Decani در جنوب کوزوو را بعهده گرفت. تا اواخر ۱۹۹۷ کمتر کسی در کوزوو ارتش آزادیبخش کوزوو را می‌شناخت. رهبران اتحادیه دمکراتیک کوزوو (LDK) از جمله ابراهیم روگوا بر این باور بودند که ارتش آزادیبخش کوزوو صربهایی هستند که تلاش دارند سیاستهای صلح‌آمیز حزب اتحادیه دمکراتیک را تخریب نمایند.

سقوط دولت سالی بریشا در آلبانی در مارس ۱۹۹۷ این فرصت را در اختیار ارتش آزادیبخش کوزوو قرار داد تا به انواع سلاحها (از پادگانهای ارتش آلبانی) مجهز شود و بتواند عملیات چریکی علیه نیروهای امنیتی صرب در کوزوو را آغاز کند. دولت بلگراد نیز علیه این گروه شبه نظامی و هوادارانش دست به تهاجم نظامی زد.

بتدریج ارتش آزادیبخش کوزوو رو به پیشرفت گذاشت در این ایام حزب اتحادیه دمکراتیک کوزوو (به رهبری روگوا) آنها را یک گروه مارکسیست و انوریست (منظور انور خوجه) می‌خواند. شاخه دیگر حزب دمکراتیک کوزوو به رهبری Bujar Bukoshi نیروهای مسلح کوزوو (FARK) را با حمایت رئیس جمهور سابق آلبانی یعنی سالی بریشا تشکیل داد. برای مدتی دو نیروی مسلح کوزوو در کوههای شمالی آلبانی با یکدیگر درگیر شدند. بتدریج در پاییز و زمستان سال ۱۹۹۸ ارتش صربستان تصمیم گرفت ارتش آزادیبخش کوزوو را به مرزهای آلبانی عقب براند.

1- Tim Judeh

2- Kosovo, Fourth Report, Foreign Affairs Committee of House of Common, United Kingdom 1999-2000.

ارتش آزادیبخش کوزوو اندک اندک مورد توجه مردم آلبانی تبار کوزوو و قدرتهای خارجی ذی نفوذ در بحران بویژه ایالات متحده آمریکا قرار گرفت. سال ۱۹۹۸ آمریکا و انگلیس بر حمایت‌های سیاسی و نظامی خویش بر ارتش آزادیبخش (ابتدا بطور غیر مستقیم و سپس بطور مستقیم) افزودند بطوریکه این گروه به یک عنصر تعیین کننده و سرنوشت ساز در بحران کوزوو مبدل گردید. علاوه بر قدرتهای بزرگ، دولت سوسیالیست حاکم بر آلبانی که پس از شکست سالی بریسا در انتخابات مارس ۱۹۹۷ قدرت را در تیرانا بدست گرفت، از ارتش آزادیبخش کوزوو حمایت بعمل آورد، همچنین آلبانی تبارهای مقیم آمریکا، اروپا و بالکان در تجهیز و ارائه کمکهای مالی آنها نقش مهمی بعهده داشتند.

ارتش آزادیبخش که صاحب یک تشکیلات شبه نظامی است برای ورود به صحنه سیاسی کوزوو به یک فرد شناخته شده در مسائل سیاسی و حزبی نیاز داشت و به همین دلیل آدم دماچی رهبر حزب پارلمانی کوزوو که فردی تند رو بود بعنوان رهبر شاخه سیاسی ارتش انتخاب شد. دماچی که از ایده استقلال کوزوو حمایت می کرد، پس از آنکه KLA تصمیم گرفت در کنفرانس صلح رامبویه شرکت نماید، بعنوان اعتراض از مقام خویش کناریگری کرد و این اقدام منجر به بهبود موقعیت هاشم تاچی بعنوان رهبر ارتش آزادیبخش کوزوو گردید. در اواخر بهار سال ۱۹۹۸، ارتش آزادیبخش با حمایت مالی و تسلیحاتی قدرتهای خارجی و نیز مساعدتهای مالی آلبانی تباران مقیم اروپا و آمریکا و با تکیه بر تعداد زیاد چریکهای آموزش دیده خود، توانست بخش قابل توجهی (تقریباً یک سوم) از خاک کوزوو را تحت کنترل خویش درآورد و در روند بحران نقش تعیین کننده ای پیدا نماید. در این برهه بطور روز افزونی بر محبوبیت و اهمیت ارتش آزادیبخش کوزوو در سطح داخلی و بین المللی افزوده و در مقابل از اعتبار و قدرت نفوذ ابراهیم روگوا و اتحادیه دمکراتیک کوزوو کاسته می شد. در اوج درگیریهای گسترده در ایالت کوزوو هولبروک (معمار موافقت نامه دیتون) با رهبران سیاسی و نظامی KLA در مقر این ارتش دیدار و گفتگو کرد که این امر هم مبین اهمیت محلی و منطقه ای ارتش آزادیبخش کوزوو و وجود مناسبات خوب بین KLA و آمریکا داشته است.

علاوه بر این هاشم تاچی در طول دوره دوم کنفرانس صلح رامبویه که ریاست مشترک آنرا وزرای خارجه فرانسه و انگلیس بعهدہ داشتند، بعنوان رئیس هیات آلبانی تبار کوزوو با ارسال نامه‌ای بعنوان خانم آلبرایت (نه بعنوان رؤسای مشترک کنفرانس) ضمن تشکر و قدردانی از تلاشهای واشنگتن در طول کنفرانس اعلام داشت حاضر است در هر کجا و هر زمانی که آمریکا تشخیص دهد موافقتنامه صلح را امضاء نماید. وی تاکید نمود ارتش آزادیبخش متحد آمریکا باقی خواهد ماند.^۱

قبل از شروع دور دوم مذاکرات رامبویه و در راستای یکپارچه نمودن جناح آلبانی تباران به خصوص حذف عناصر رادیکال و تندرو (نظیر آدم دماچی رهبر سیاسی KLA) کاخ سفید از رهبران تراز اول سیاسی و نظامی ارتش آزادیبخش برای انجام گفتگوی محرمانه به واشنگتن دعوت بعمل آورد. هدف واشنگتن از این اقدام سازماندهی آنها برای ساختار سیاسی - حکومتی آینده کوزوو بوده است.

با شروع جنگ نیروهای متحدین علیه یوگسلاوی، ارتش آزادیبخش کوزوو نیز بعنوان نیروهای اطلاعاتی ناتو عمل می‌کرد. برخی گزارشها در این خصوص حکایت از آن دارد که ناتو از اطلاعات جاسوسی ارتش آزادیبخش کوزوو برای حملات هوایی خود علیه اهداف نظامی ارتش یوگسلاوی مستقر در کوزوو بهره می‌جست این اطلاعات از طریق فرماندهان KLA برای دیپلماتهای غربی در مقدونیه و از آنجا برای افسران ناتو مخابره می‌شد. همچنین این سازمان در یک مقطع بعنوان نیروی پیش قراول ناتو در صورت انجام حمله زمینی به کوزوو مطرح و درخاک آلبانی آموزشهای لازم را فرا گرفت. داوطلبین آلبانی تبار مستقر در اروپا و آمریکا نیز در اوایل جنگ ناتو علیه یوگسلاوی، یک واحد نظامی تحت عنوان، بخش آتلانتیک ارتش آزادیبخش تشکیل دادند. در طول جنگ هاشم تاچی رهبر شاخه سیاسی ارتش آزادیبخش با استفاده از غیبت روگوا و همچنین بدنامی وی در ماههای اول بحران (هنگامیکه روگوا گروگان میلوشوویچ بود)، دولت موقت کوزوو را به نخست وزیری خویش تشکیل داد. در این دولت

سهم حزب دمکراتیک ابراهیم روگواتنها یک پست معاون نخست وزیر و چهار وزارتخانه بود. پس از ورود نیروهای بین‌المللی به کوزوو، ژنرال مایکل جکسون فرمانده نیروهای KFOR با امضاء موافقتنامه‌ای با هاشم تاچی جدول زمانبندی خلع سلاح این جنبش را تعیین نمود. بر این اساس توافق شد بخش نظامی جنبش بعنوان پلیس محلی و شاخه سیاسی آن نیز بعنوان بدنه اصلی دولت محلی کوزوو بکار گرفته شوند. این در حالی بود که کشورهای اروپائی سعی داشتند با مطرح نمودن ابراهیم روگوا رهبر میانه روی آلبانی‌تبارهای کوزوو قدرت مانور KLA و به نوعی آمریکا را محدود نمایند. ارتش آزادیبخش کوزوو با استفاده بهینه از فقدان حضور سایر نیروها، تلاش کرد با بهره‌وری از تجارب سازماندهی و تشکیلات منسجم خود در سایه حضور ناتو در این ایالت رهبری فعالیتهای خدمات مدنی، بهداشتی و آموزشی را از آن خود نماید که این اقدامات با هدف تقویت و تحکیم نهادهای مدنی وابسته به این جنبش در آینده سیاسی کوزوو صورت می‌پذیرفت.

مدلهای ارائه شده برای کوزوو

بحران کوزوو یکی از موضوعات مهم در مباحثات بین سیاستمداران، نظریه پردازان و تحلیل‌گران مسائل سیاسی منطقه بوده است. برای حل این بحران طرحها و ایده‌های متفاوتی مطرح گردید. یکی از مدلهایی که از سوی عده‌ای از سیاستمداران و مردم صرب در این رابطه ارائه شد، تقسیم کوزوو به دو قسمت است، براساس این طرح ۲۰٪ تا ۳۰٪ از ایالت کوزوو به صربستان منضم شود و آلبانی‌تبارها در مناطق خود از استقلال برخوردار شوند. این ایده به دوبریکا چوسیچ^۱ نویسنده و رئیس جمهور اسبق فدرال یوگسلاوی و اعضای آکادمی علوم صربستان نسبت داده می‌شود. این راه حل، از حمایت آلبانی‌تبارها و جامعه بین‌المللی برخوردار نمی‌باشد. میادراگ یویچ^۲ یکی از اعضای صرب آکادمی هنر و علوم صربستان در بلغراد چند سال پیش پیشنهاد کرده بود برای جلوگیری از بروز مشکلات آینده، یوگسلاوی می‌بایست به

1- Dobrica Cosic.

2- Miodrag Jovicic.

مناطق تقسیم شود. در این طرح که از سوی چند حزب کوچک سیاسی صربستان از جمله حزب دمکراتیک صربستان حمایت می‌گردید، یوگسلاوی به ۱۳ منطقه و ایالت کوزوو به دو قسمت تقسیم می‌گردید. این طرح نیز از سوی بلگراد و آلبانی تبارها مورد پذیرش قرار نگرفته بود.^۱

آدم دماچی رئیس حزب پارلمانی کوزوو، پیشنهاد تشکیل کنفدراسیون کشورهای بالکان تحت عنوان «بالکانیا» را ارائه داد. در این طرح ایالت کوزوو از حقوق مساوی با دو جمهوری صربستان و مونته‌نگرو برخوردار خواهد بود. بیشتر سیاستمداران میانه رو آلبانی تبار از جمله رهبر برجسته اسبق کمونیست آلبانی تبارهای کوزوو «محمود باکالی» معتقد بودند تنها راه حل ممکن برای کوزوو شناسایی آن بعنوان یک واحد فدرال در کنار صربستان و مونته‌نگرو می‌باشد. تشکیل کنفدراسیون با جمهوری فدرال مورد مخالفت شدید مونته‌نگرو قرار دارد، زیرا در این صورت مونته‌نگرو از قدرت کمتری برخوردار می‌باشد.

ابراهیم روگوارئیس حزب اتحادیه دمکراتیک کوزوو معتقد بود در مرحله اول کوزوو برای یک دوره انتقالی تحت قیومیت بین‌المللی قرار گیرد تا راه حل نهائی برای کوزوو پیدا شود اما ارتش آزادیبخش کوزوو و آلبانی تبارهای ناسیونالیست تنها راه حل کوزوو را استقلال و تشکیل یک جمهوری مستقل می‌دانستند. این راه حل مورد مخالفت بلگراد و جامعه بین‌المللی قرار داشت.

در مجموع برای حل بحران کوزوو، پنج طرح ارائه گردید:

- ۱- وضعیتی محدودتر از اختیارات یک جمهوری و وسیعتر از یک خودمختاری در چارچوب جمهوری فدرال یوگسلاوی؛
- ۲- وضعیتی شبیه جزیره تیروول جنوبی، این مدل از سوی پردراگ سیمیچ، استاد دانشکده علوم سیاسی بلگراد، طراحی گردید و پس از تأیید آن توسط وزارت خارجه یوگسلاوی، ظاهراً مورد استقبال میلوشوویچ نیز قرار گرفته بود؛

۱- براتیساو گراباچ، بین استقلال و حفظ وضع موجود، بلگراد تایمز، شماره ۲، ۲۷ آوریل ۱۹۹۸.

- ۳- نوعی خودمختاری شبیه جزیره ایسلند را پیش‌بینی نموده که در آن اقلیت سوئدی ساکن در این جزیره در چارچوب کشور فنلاند، از خودمختاری خاص خودشان برخوردار هستند؛
- ۴- چهارمین طرح مبتنی بر مدل روابط بین فدارسیون روسیه و تاتارستان است که پیوند بین آنها براساس توافقنامه ویژه‌ای است که روابط مستقیم بین دولت تاتارستان با رئیس‌جمهور و دولت روسیه را تضمین می‌کند. در این توافقنامه ویژه روسیه تنها در مورد مسائل سیاست خارجی و نیز بهره‌وری از منابع معدنی تاتارستان تصمیم‌گیری می‌کند؛
- ۵- پنجمین طرح از سوی آمریکا پیشنهاد گردیده و براساس آن یک قیمومیت بین‌المللی شبیه آنچیزی که در برچکوبوسنی - هرزگوین است، برای کوزوو تامین می‌گردد دوره این قیمومیت سه ساله بوده تا فضای اعتماد بین دو طرف درگیر در کوزوو بوجود آید.
- از آنجائیکه صربها کوزوو را یک منطقه مقدس و عجین شده با فرهنگ باستانی خویش می‌دانند، بسادگی از این منطقه دست نخواهند کشید. تفویض خودمختاری وسیع به کوزوو با در نظر داشتن استانداردهای اروپایی و رعایت حقوق بشر می‌توانست راه حل قابل‌قبولی تلقی گردد و از بروز جنگ و ویرانی یوگسلاوی و منطقه جلوگیری نماید. اما در این بین قدرتهای خارجی ذی‌نفوذ سعی کردند با در نظر گرفتن اهداف دراز مدت خویش بحران بالکان را مدیریت و هدایت نمایند.

فصل دوم

واگرائی یوگسلاوی و آغاز بحران کوزوو

فرآیند بین‌المللی شدن بحران

با فروپاشی یوگسلاوی سابق و آغاز بحران در بوسنی - هرزگوین، آلبانی تبارهای کوزوو تمایل داشتند همزمان جبهه دومی علیه صربها در ایالت کوزوو باز کنند اما بلحاظ توجه وافر جامعه بین‌المللی به این بحران، آلبانی تبارها شرایط داخلی و بین‌المللی را برای ابراز وجود و تلاش برای احقاق حقوق خویش مساعد ارزیابی نکردند. فلذا پس از خاتمه جنگ بوسنی در سال ۱۹۹۵، آلبانی تبارها فرصت را مغتنم شمرده تحرکات گسترده سیاسی و نظامی خویش را آغاز نمودند. این تحرکات که بعضاً مورد تأیید و حمایت کشورهای ذی نفوذ غربی نیز قرار داشت از سوی بلگراد اقدامی خلاف امنیت ملی و مصالح عمومی کشور تلقی می‌گردید. بطور کلی از دهه هفتاد ناسیونالیسم آلبانی تبار کوزوو بدنبال تحقق بخشیدن به یکی از چهار انتخاب زیر بوده که نوع انتخابشان بستگی به میزان توان، امکانات و حمایت‌های بین‌المللی برای به کرسی نشاندن خواسته‌های آنها دارد:

- ۱- بازگرداندن خودمختاری وسیع مندرج در قانون اساسی سال ۱۹۷۴ یوگسلاوی سابق به کوزوو و تاسیس نهادها و موسسات خودمختاری محلی؛
- ۲- ارتقاء وضعیت کوزوو به یک جمهوری مستقل هم‌مردیف دو جمهوری دیگر صربستان و مونته‌نگرو در قالب جمهوری فدرال یوگسلاوی؛
- ۳- اعلام جدائی کوزوو از صربستان و استقلال آن بصورت یک کشور مستقل و درخواست شناسائی بین‌المللی؛

۴- الحاق کشور آلبانی به کوزوو و تشکیل آلبانی بزرگ به همراه آلبانی تبارهای ساکن مقدونیه و مونتنگرو با مرکزیت پرشتینا.^۱

حداقل هدفی که با توجه به میزان حمایت جامعه بین‌المللی توسط آلبانی تبارها دنبال می‌گردد، انتخاب نوع اول و حداکثر آن که به صورت یک هدف دراز مدت و استراتژیک تعقیب می‌گردد، انتخاب نوع چهارم می‌باشد. اما آنچه مسلم است اروپا و جامعه بین‌المللی تمایل ندارد بیش از انتخاب نوع اول و یا حداکثر نوع دوم امتیاز بیشتری به کوزوو داده شود بطوریکه در کنفرانس رامبویه نیز در همین حد اکتفا شده بود. در طرح یاد شده پس از سپری شدن دوره سه ساله انتقالی کوزوو مدل روشنی تعریف و تبیین نگردیده بود. اما در بیانیه سران گروه هشت در ۱۸ ژوئن ۱۹۹۹ (۲۸ خرداد ۱۳۷۸) و نیز قطعنامه شماره ۱۲۴۴ شورای امنیت سازمان ملل بر خودمختاری وسیع ایالت کوزوو در چارچوب مرزهای یوگسلاوی تاکید شده است.

نقطه آغازین بحران کوزوو به درگیری نیروهای پلیس صرب با شبه نظامیان ارتش آزادبخش کوزوو^۲ (KLA) در ۲۸ فوریه ۱۹۹۸ (۷۶/۱۲/۹) برمی‌گردد، که روند بحران با کشته شدن بیش از ۸۰ نفر آلبانی تبار بدست صربها در ۴ مارس ۱۹۹۸ تشدید گردید. در این راستا به پیشنهاد آمریکا در ۷ مارس ۱۹۹۸ (۷۶/۱۲/۱۸) وزرای خارجه گروه تماس بین‌المللی^۳ (متشکل از آمریکا، انگلیس، فرانسه، آلمان، ایتالیا و روسیه) بمنظور بررسی راههای مهار بحران، در لندن گرد هم آمدند. در پایان این نشست بیانیه ۱۰ ماده‌ای صادر گردید که براساس آن از دولت بلگراد خواسته شد دست از سرکوب آلبانی تبارها برداشته و برقراری گفتگوهای سیاسی را سرلوحه سیاستهای خویش قرار دهد. همچنین گروه تماس تهدید کرد در صورت سرپیچی بلگراد از درخواستهای جامعه بین‌المللی در ضرب الاجل دو هفته‌ای تعیین شده،

۱- بین آلبانی تبارهای ساکن کوزوو و آلبانی از دیرباز در خصوص مرکزیت آلبانی بزرگ اختلافات ملموسی وجود داشته و دارد. آلبانی تبارهای کوزوو که خود را متمدن‌تر از آلبانی‌های می‌دانند بر این نظرند که آلبانی بزرگ با مرکزیت پرشتینا یا پریرن تشکیل گردد، در صورتیکه آلبانی‌های که سالیان متمادی در اندیشه‌های انور خوجه محبوس بودند بر این خیالند که نه تنها از آلبانی تبارهای ساکن کوزوو بلکه از دیگر ملل اروپای متمدن‌تر و پیشرفته‌تر ند و آلبانی بزرگ با مرکزیت تیرانا تشکیل گردد.

2- Kosovo Liberation Army

3- International Contact Group

کشورهای عضو با انجام یک سلسله اقدامات تنبیهی از جمله برقراری تحریم‌های نظامی، اقتصادی و حتی مسدود کردن مجدد داراییهای خارجی یوگسلاوی، این کشور را به پایان دادن سرکوب در کوزوو و آغاز گفتگو با نمایندگان آلبانی تبار ترغیب خواهند نمود.

همچنین سران ۲۶ کشور اروپایی در ادینبورگ با انتشار بیانیه‌ای یوگسلاوی را تهدید به تحریمهای جدید نمودند. رابین کوک پس از پایان این اجلاس اظهار داشت "پیامی برای ابراهیم روگوا رهبر آلبانی تبارهای کوزوو ارسال شد که براساس آن اروپا از افزایش خودمختاری کوزوو جانب‌داری می‌کند اما با استقلال کوزوو و یا جدایی از صربستان موافق نمی‌باشد."

بر آیند مجموعه فشارهای فوق، بلگراد را وادار به آن کرد تا در واکنشی انفعالی، از آمادگی برای مذاکره جهت حل و فصل مسایل مربوط به حقوق مدنی، توسعه اقتصادی و فرهنگی کوزوو بدون دخالت اهرمهای بین‌المللی یاد کند. پس از نشست لندن، پرشتینا و بلگراد کانون توجه کشورهای صاحب نفوذ در معادلات بالکان قرار گرفتند. ملاقاتهای متعدد گلبارد (نماینده ویژه آمریکا در یوگسلاوی سابق)، معاون وزیر امور خارجه روسیه و نیز رابین کوک وزیر امور خارجه انگلیس و رئیس دوره‌ای اتحادیه اروپا از جمله تلاشهای بین‌المللی بشمار می‌آیند. یوگسلاوی با تاکید بر داخلی بودن بحران، هر گونه طرح میانجیگری را مردود دانسته و تنهاگام موفقیت را در گفت و شنود مستقیم با آلبانی تبارها، در چارچوب قانون اساسی صربستان بر می‌شمارد. آلبانی تبارها با تحکیم مواضع خویش در سطح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی بجای خودمختاری برخواست دیرینه خود یعنی استقلال تاکید می‌ورزیدند و هر گونه مذاکره با بلگراد را تنها با حضور اتحادیه اروپا و یا آمریکا میسر می‌دانستند.

بدنبال تشدید فشار بین‌المللی علیه بلگراد، ارتش آزادیبخش کوزوو که با کمک قدرتهای خارجی و حمایت جوانان آلبانی تبار وضعیت مناسبی پیدا کرده بود، تحرکات نظامی خویش در خاک کوزوو را گسترش بخشید و در ژوئن ۱۹۹۸ موفق شد چند مقر پلیس صرب را به تصرف درآورد، متعاقب آن چند شهر از جمله اوراهواتس و معدن زغال سنگ حومه شهر نیز به تصرف کامل آلبانی تبارها درآمد. برتری نظامی KLA و تصرف تقریباً یک سوم از خاک کوزوو موجب

بروز رعب و وحشت در بین اروپائیان گردید. (در چنین شرایطی سخنگوی ارتش آزادیبخش از تشکیل دولتی واحد متشکل از تمامی آلبانی‌تباران منطقه از جمله مقدونیه و آلبانی یاد کرد) صربها در این زمان (تابستان ۱۹۹۸) فرصت را برای قلع و قم آلبانی‌تبارها مناسب دانسته و با یک سری عملیات نظامی گسترده توانستند ارتش آزادیبخش را با شکستهای سنگینی مواجه سازند. شکست آلبانی‌تبارها که به نوعی گام هماهنگ غرب با بلگراد و در جهت ایجاد انعطاف در مواضع KLA بوده است، منجر به تقویت مواضع صربها گردید. ارتش صرب با بهره‌گیری از امکانات نظامی وسیع و با حمله به بزرگراه استراتژیک پچ - پرشتینا - پریزرن، شهرهای مالیشوا، درنیتسا، لیکوواتس را باز پس گرفت و KLA را شدیداً در موضعی انفعالی قرار داد. همچنین همزمان در رویدادهای فرا منطقه‌ای، پلیس سوئیس به مرکز اطلاعات آلبانی‌تباران در ژنو حمله کرد، جعفر شاطری وزیر اطلاعات دولت خود خوانده روگوا را دستگیر و دارایی آلبانی‌تبارهای کوزوو به مبلغ ۵/۳ میلیون دلار در بانک سوئیس را مسدود نمود.

متعاقب تحولات فوق‌الذکر، جامعه بین‌الملل سیاست تهدید علیه بلگراد را تشدید نموده و با تشکیل نشست سفرای ناتو در بروکسل و همراه ساختن آن با بردی تبلیغی (چون رایزنیهای انجام شده در محور واشنگتن، لندن، پاریس و بن، لزوم هماهنگی با مسکو قبل از هر گونه مداخله) طرح تهاجم هوایی علیه صربستان و شیوه اقدام آن را اعلان نمودند. در این رهگذر ۱۱ کشور عضو ناتو به همراه تیرانا مانور زمینی، دریایی و هوایی خود را (بمنظور تحدید دامنه بحران و تجدید گفتگوهای صلح) از تاریخ ۱۷ اوت ۱۹۹۸ بمدت شش روز تحت عنوان «عقاب مصمم» در آلبانی آغاز کردند. مسکو و پکن نیز همچنان با هر گونه مداخله ناتو در بحران کوزوو مخالفت ورزیده و تحقق گامهای سیاسی را کارآمدترین راه ارزیابی می‌کردند.

گروه تماس بین‌المللی نیز با تدوین طرحی ناظر بر اعطای خودمختاری وسیع (همسان با خودمختاری‌های تعریف شده در کشورهای اروپایی) در چارچوب تمامیت ارضی یوگسلاوی و ارائه راهکارهای اجرایی متعدد، برآن شد تا از طریق تجدید روند گفتگوی صلح بر بحران فائق آید. از این روی با فشارهای مضاعف مقامات آمریکایی، روگوا ضمن تاکید بر عوارض منفی

تداوم جنگ در کوزوو، تیم ۵ نفره مذاکره کننده با بلگراد را انتخاب و فهمی آگانی را به ریاست آن برگزید. این در حالی بود که KLA در اقدامی متقابل از حضور در تیم مذکور امتناع ورزیده، تیم ۶ نفره نمایندگان سیاسی تحت رهبری آدم دماچی (رهبر سیاسی ارتش آزادیبخش) را تعیین نمود. دولت بلگراد از گام اخیر روگوا تمجید نموده و با تشدید حملات بر مقر اصلی ارتش آزادیبخش کوزوو و تصرف شهرهای از دست رفته، بر آن شد تا با دست برتر در مذاکرات شرکت نماید. در این راستا فهمی آگانی در ۱۷ اوت ۱۹۹۸ با ارسال نامه‌ای بعنوان مارکوویچ (رئیس تیم مذاکره کننده صرب) آمادگی خود برای انجام مذاکره با پیش شرط قطع تهاجم، خروج نیروهای نظامی صرب از منطقه و لزوم تعیین سقف زمانی و راهکارهای اجرایی گفتگوها را اعلام کرد. اگر چه بلگراد تاریخ ۱۸ اوت را زمانی مناسب برای مذاکره دانست، لیکن آلبانی تباران بدلیل عدم خروج نیروهای نظامی صرب از منطقه از حضور در گفتگوهای صلح استنکاف ورزیدند.

دخالت بازیگران بین‌المللی در بحران

هر چند در جریان بحران بوسنی - هرزگوین اروپائیان با آمریکا اختلاف نظر جدی داشتند و در مقاطع مختلف زمانی سعی می‌کردند یکدیگر را در انزوا قرار دهند، اما در بحران کوزوو شکاف ملموسی در جبهه غرب بوجود نیامده بود، لیکن این مهم همزمان با انتشار مصاحبه نقادانه کریستوفر هیل (سفیر آمریکا در مقدونیه و نماینده این کشور در بحران) از اروپا ابعاد تازه‌ای بخود گرفت. هیل در ۵ سپتامبر ۱۹۹۹ رهبران اروپای غربی را - در حالیکه از اروپای متحد یاد می‌کنند - به پشت کردن بالکان و بی‌تفاوتی نسبت به آتیه کوزوو متهم نموده و از آنها بعنوان عامل اصلی در پیچیده‌تر شدن بحران یاد کرد. کلاوس کینکل وزیر خارجه وقت آلمان در نشست وزرای EU در سالزبورگ اتریش از فرستاده آمریکا در بالکان بشدت انتقاد کرده و بی‌تفاوتی اروپا نسبت به سرنوشت کوزوو را ادعایی بی‌اساس خواند. وی صراحتاً بر ایفای نقش موثر اروپا در حل بحران کوزوو تاکید ورزید و تعیین و اعزام فرستاده ویژه اروپا (سفیر اتریش در بلگراد) به منطقه همگام با هیل را امری ضروری دانست.

در نشست وزرای خارجه اتحادیه اروپایی در سالزبورگ موضوع تحریم خط هوایی JAT (پات) یوگسلاوی به کشورهای عضو اتحادیه مطرح گردید که با وجود مخالفت اولیه لندن و آتن بتصویب رسید. این ابتکار که به اهتمام آلمان تنظیم گردید، در ابتدا از انسجام اجرایی کامل در داخل اتحادیه برخوردار نبود، زیرا یونان با بتعویق انداختن اجرای تحریم هوایی JAT بمدت ۶ ماه و انگلیس با اعلان نیاز زمان بمدت یکسال جهت لازم الاجرا نمودن تحریم، بر طولانی کردن زمان اجرای آن تاکید داشتند. با وجود مخالفت‌های اولیه برخی از اعضاء اتحادیه اروپایی، این طرح به مورد اجراء گذاشته شد و حتی برخی از کشورهای بلوک شرق سابق نیز بدان پیوستند. بلگراد ضمن آلمانی خواندن طرح تحریم، آنرا گامی در حمایت از تروریسم دانست. تحرکات بن علاوه بر تمایل به ایفای نقش محوری در اروپا، ناظر بر کسب حمایت‌های داخلی در انتخابات آلمان بوده است. در همین رهگذر اختلافات اروپا و آمریکا در واکنش‌های کینکل و هیل ضمن توجیه رویکرد فوق، بیانگر این واقعیت است که اروپا همچنان از نفوذ و حضور آمریکا در منطقه نگران بوده و تلاش داشت تا در دوران انتقالی نظام بین‌الملل حتی الامکان در معضلات منطقه‌ای فعال باشد. در این زمان آمریکا محور دیپلماسی خود را با هدف به عهده گرفتن هدایت و مدیریت بحران تمرکز بخشیده و با افزایش رایزنی‌های رسمی خود (چون سفر جان شاتوک و باب دول نمایندگان کنگره آمریکا به منطقه) در محور بلگراد- پرشتینا، تلاش کرد در تعیین وضعیت آتی کوزوو نقش ویژه‌ای ایفا نماید و در این فرآیند از حساسیت اروپا بخوبی واقف بود.

در این رویکرد بلگراد نیز با استفاده از کارت بازی آمریکا و با استقبال از دیپلماسی این کشور و متحد سنتی خویش مسکو و نیز از طریق انجام مانورهای تبلیغی (چون کشف گور دسته جمعی ناشی از سوزاندن اجساد ۲۲ صرب توسط KLA و همچنین برپایی تظاهرات زنان صربی در محکومیت تروریسم و در ادامه سیاست دفع الوقت)، بدنبال برتری در معادله صلح منطقه‌ای بوده است، از همین رهگذر عنایت به طرح آمریکا ضروری بنظر می‌رسد. هیل که مذاکره مستقیم بین آلبانی تباران و مقامات صربستان را کارآمد نیافت، طرح صلحی ارائه کرد که بموجب آن

مذاکرات در خصوص وضعیت آتی کوزوو بمدت سه سال بتعویق افتاده و در این مدت بلگراد با اعطای خودگردانی (تشکیل پارلمان کوزوو، ایجاد پلیس و دادگاه محلی و تنظیم نهادهای اجرایی توسط شهروندان آلبانیایی تبار) و نیز برپایی انتخابات محلی، ترتیبات امنیتی و اجرایی لازم را مشخص کند. متعاقب این اقدام میلوشوویچ در اول سپتامبر ۱۹۹۸ با ارسال نامه‌ای به روگوا پیشنهاد کرد که طرفین درگیر یک موافقتنامه موقت ۳ تا ۵ ساله امضاء کنند که براساس آن کوزوو به وضعیت عادی بازگشته، در پایان دوره در یک همه پرسی با حضور آلبانی تبارها، موضوع تبدیل کوزوو به یک جمهوری مطرح گردد. این پیشنهاد که مورد حمایت روگوا و مجامع غربی قرار گرفته بود از سوی ارتش آزادیبخش کوزوو مردود خوانده شد و مجدداً در ۷ سپتامبر میلوشوویچ طرح برپایی انتخابات با نظارت ناظران بین‌المللی در ظرف سه ماه آینده را پیشنهاد کرد. این در حالی بود که میلوشوویچ در ملاقات خود با فرستادگان آمریکایی، متعاقب تداوم تهاجمات خود بر علیه KLA، بازگشت امن آوارگان به منازل و امکان ملاقات صلیب سرخ جهانی با زندانیان آلبانیایی را تضمین نمود. در چنین شرایطی پس از تهاجمات سنگین ارتش صرب به مواضع KLA که بیانگر موضع سنگین بلگراد در حفظ تمامیت ارضی یوگسلاوی بوده است، استفاده از تاکتیک یک طرح صلح زمانبندی شده مفهوم بهتری یافته و تاثیر گذار تحولات آتی بوده است. در مقابل ارتش آزادیبخش کوزوو که طعم سخت نبرد با ارتش یوگسلاوی را طی چند ماه لمس کرده بود، در این هنگام برای خاتمه بخشیدن به وضعیت نابسامان منطقه از آمادگی بهتری برخوردار گردید که قبلاً این مهم کمرنگ بود.

همزمان با تشدید درگیریها در کوزوو و پخش گزارشاتی از کشتار دسته جمعی آلبانی تبارها توسط نیروهای امنیتی صربستان در ۲۴ سپتامبر ۱۹۹۸، شورای ناتو با صدور بیانیه‌ای تحت عنوان اعلامیه هشدار (Act Warn) از میلوشوویچ خواست تا به اعمال خشونت در کوزوو خاتمه بخشد، در غیر این صورت با حملات هوایی این سازمان مواجه خواهد شد. شورای امنیت سازمان ملل متحد نیز با صدور قطعنامه شماره ۱۱۹۹^۱ در تاریخ ۲۳ سپتامبر

۱- چین به این قطعنامه رای ممتنع داده بود.

۱۹۹۸، این کشتارها را محکوم و خواستار آتش بس فوری و توقف خشونت‌ها، عقب نشینی نیروهای نظامی و پلیس صرب از کوزوو، بازگشت آوارگان و اشخاص بی خانمان به منازل خود و اجازه یوگسلاوی به سازمانهای بشر دوستانه جهت ارسال کمکهای انسانی برای مردم کوزوو و همچنین انجام مذاکرات بدون قید و شرط بین رهبران صرب و آلبانی تبار کوزوو گردید. ویلیام کوهن وزیر دفاع وقت آمریکا تهدید کرد واشنگتن آماده انجام عملیات هوایی علیه یوگسلاوی می‌باشد. حتی رئیس جمهور آمریکا آمادگی ناتو برای حمله به یوگسلاوی را اعلام داشت. ناتو به میلوشویچ ابتدا چهار روز و سپس ده روز مهلت داد تا حملات خود علیه آلبانی تبارها را متوقف سازد. در همین زمان دولتهای آمریکا و انگلیس به اتباع خود در یوگسلاوی توصیه نمودند تا خاک این کشور را ترک نمایند.

در هفتم اکتبر ۱۹۹۸ وزرای دفاع پیمان آتلانتیک شمالی طی یک نشست اضطراری و فوق العاده در بروکسل، چگونگی آغاز حمله هوایی علیه یوگسلاوی را مورد بحث و بررسی دقیق قرار دادند^۱. در این میان بحث عمده بین کشورهای عضو ناتو لزوم دریافت یا عدم دریافت مجوز حمله به یوگسلاوی از سوی شورای امنیت سازمان ملل بود. در حالیکه آمریکا و انگلستان با صدور مجوز شورای امنیت مخالفت می‌ورزیدند، برخی از کشورهای عضو بر این عقیده بودند که صدور مجوز شورای امنیت الزامی است. کوفی انان دبیر کل سازمان ملل ماموریت یافت تا گزارشی از وضعیت نیروهای صرب مستقر در کوزوو و چگونگی عقب نشینی آنها را به شورای امنیت ارائه نماید. در چنین شرایطی اقدامات نظامی نیروهای صرب مستقر در کوزوو علیه آلبانی تبارها متوقف گردید و این اولین نشانه از نرمش بلگراد در مقابل فشار فزاینده بین‌المللی بود. در اقدامی موازی معاون نخست‌وزیر صربستان و رئیس هیات صرب مذاکره‌کننده با ارسال نامه‌ای بعنوان فهمی آگانی از وی خواست تا هر چه زودتر مذاکرات از سرگرفته شود. همچنین نیروهای پلیس صرب عقب نشینی از کوزوو به سوی صربستان مرکزی

۱- بولتن سیاسی - امنیتی اروپا آتلانتیک، شماره ۱۲۲، سفارت جمهوری اسلامی ایران - بروکسل، ۱۳۷۷/۷/۱۶.

را بصورت جزئی آغاز کردند.

در ۱۸ اکتبر گروه تماس بین‌المللی طی نشستی در لندن درخواستها و شرایط خود به میلوشوویچ که قرار بود توسط هولبروک تسلیم رئیس جمهور یوگسلاوی شود را تنظیم و نهائی نمودند. این تقاضا موارد ذیل را در بر می‌گرفت:

۱- توقف کلیه عملیات تهاجمی توسط نیروهای امنیتی صرب،

۲- خروج نیروهای صربستان و نیز تخلیه سلاحهای سنگین به مواضع قبل از ماه مارس ۱۹۹۷،

۳- کمک به دسترسی نهادها و ارگانهای کمک کننده بین‌المللی به کوزوو،

۴- همکاری کامل با دادگاه جنایتکاران جنگی لاهه،

۵- فراهم آوردن شرایط لازم برای بازگشت آوارگان،

۶- گفتگو با آلبانی تبارهای کوزوو براساس طرح کریستوفر هیل.

ریچارد هولبروک (معمار دیتون) با توجه به شناختی که از میلوشوویچ داشت به منظور خارج ساختن بحران از بن بست بوجود آمده، عازم بلگراد گردید. وی که درخواست گروه تماس بین‌المللی را در دست داشت، مذاکرات طولانی و فشرده‌ای را با میلوشوویچ آغاز نمود و در پایان موفق گردید رهبر انعطاف‌ناپذیر صربها را وادار سازد تا به خواست جامعه بین‌المللی تن در دهد.

حاصل این گفتگوها امضاء موافقتنامه‌ای بود که در ۱۲ اکتبر ۱۹۹۸ (۲۰ مهر ۱۳۷۸) بین

هولبروک و میلوشوویچ به امضاء رسید. براساس این موافقتنامه بلگراد پذیرفت:

۱- نیروهای امنیتی صرب را از کوزوو خارج سازد،

۲- نسبت به حضور ۲۰۰۰ ناظر بین‌المللی اعزامی از سوی سازمان امنیت و همکاری اروپا

(OSCE) رضایت دهد،

۳- با پرواز هواپیماهای غیر مسلح ناتو بر فراز کوزوو، جهت نظارت بر روند اجرای توافقات

بعمل آمده مخالفتی ننماید،

۴- مذاکره با آلبانی تبارهای کوزوو را آغاز نماید،

۵- با تشکیل یک دولت خودگردان در کوزوو موافقت کند.

میلوشوویچ پس از امضاء این موافقتنامه در یک نطق تلویزیونی اعلام داشت ما توافق نمودیم تا مشکلات کوزوو را با استفاده از ابزارهای سیاسی و مسالمت‌آمیز حل و فصل نماییم فلذا تهدید به مداخله نظامی منتفی است. وی بخوبی می‌دانست که با امضاء این موافقتنامه، مواضع صربها در تحولات آینده کوزوو بشدت تضعیف و از قدرت سیاسی وی کاسته خواهد شد. اما با توجه به تهدیدات جدی ناتو کارشناسان مسائل منطقه امضاء موافقتنامه مزبور از سوی میلوشوویچ را یک حرکت کاملاً عقلانی ارزیابی نمودند. هولبروک نیز در پایان امضای توافقنامه طی کنفرانس خبری اظهار داشت یوگسلاوی طی روزهای آینده موافقتنامه‌ای را با ناتو به امضاء خواهد رساند که براساس آن به هواپیماهای غیر مسلح این سازمان اجازه داده می‌شود برای کنترل و نظارت بر چگونگی اجرای قطعنامه‌های شورای امنیت و خواسته‌های گروه تماس بین‌المللی برفراز کوزوو ماموریت‌های پروازی داشته باشند. وی در عین حال خاطر نشان ساخت هیچگونه سربازی از نیروی زمینی ناتو در کوزوو مستقر نخواهند شد. نماینده آمریکا اظهار امیدواری نمود هواپیماهای روسی نیز به موازات ناتو برای اجرای قطعنامه شورای امنیت و توافقنامه امضاء شده، در این پروازها شرکت داشته باشند.

در ۱۵ اکتبر ۱۹۹۸ ژنرال ویسلی کلارک فرمانده عالی ناتو در بلگراد با ژنرال پریشیچ رئیس وقت ستاد ارتش یوگسلاوی موافقتنامه‌ای در خصوص ایجاد یک ماموریت تحقیق هوایی بر فراز ایالت کوزوو توسط ناتو همراه با نمایندگی تحقیق سازمان امنیت و همکاری اروپا در کوزوو امضاء نمود. یک روز بعد گرمک وزیر خارجه لهستان و رئیس دوره‌ای سازمان امنیت و همکاری اروپا با ژيوادین یووانوویچ وزیر خارجه وقت یوگسلاوی توافقنامه‌ای در خصوص اجازه استقرار نمایندگی تحقیق سازمان امنیت و همکاری اروپا در کوزوو^۱ به امضاء رساند.

بلافاصله ناتو پروازهای تحقیق و نظارت خود بر فراز کوزوو را آغاز نمود و همزمان خروج نیروهای امنیتی صرب از این ایالت نیز آغاز گشت. یک هفته بعد شورای امنیت سازمان

1- Verification Mission In Kosovo.

ملل متحد با تصویب قطعنامه‌ای به شماره ۱۲۰۳^۱ از یوگسلاوی خواست تا بدون قید و شرط و بدون تاخیر توافقنامه امضاء شده با هولبروک را به مورد اجراء در آورد. در این قطعنامه شورای امنیت اجازه استقرار ناظران زمینی و هوایی در کوزوو را صادر کرد. تعداد ۲۰۰۰ ناظر OSCE به مدت یکسال در ایالت کوزوو مستقر و تقریباً به همین تعداد نیروی پشتیبانی ناتو در کشور مقدونیه در همسایگی یوگسلاوی استقرار یافتند. همچنین در تاریخ ۲۷ اکتبر شورای پیمان آتلانتیک شمالی اجرای عملیات ناتو علیه یوگسلاوی را به تاخیر انداخت.

با امضای توافقنامه ۱۲ اکتبر بین رهبران بلگراد و ریچارد هولبروک آمریکایی و نیز امضاء موافقتنامه بین بلگراد و مقامات ناتو در ۲۵ اکتبر، قرار شد تنها ۱۵۰۰۰ تن از سربازان ارتش یوگسلاوی و نیز ۱۰،۰۰۰ تن از افراد پلیس صربستان در کوزوو باقی بمانند. همچنین مقرر گردید زمان برداشتن اولین گامها برای انجام مذاکرات سیاسی بین مقامات یوگسلاوی و صربستان به منظور یافتن راه حلی برای بحران کوزوو در اوایل نوامبر ۱۹۹۸ تعیین گردد، تا چارچوب مذاکرات و دستور العمل برگزاری انتخابات در کوزوو و نیز موضع رسمی بلگراد پیرامون اعطای خودمختاری معین گردد.

تشدید بحران و واکنش بازیگران بین‌المللی

با امضای توافقنامه‌ای بین رهبران بلگراد و هولبروک میانجی آمریکایی و نیز امضای موافقتنامه بلگراد - ناتو، میرفت تانقش محوری بحران کوزوو همچون بحران بوسنی تمام و کمال در اختیار آمریکا قرار گیرد. لکن روند واقعی بحران حکایت از آن داشت که ارتش آزادیبخش کوزوو علیرغم تحمل خسارت جدی، چندان رغبتی به از سرگیری گفتگوها از خود نشان نداد. رهبران KLA تلاش داشتند ضمن بوجود آوردن درگیری نظامی، از خلاء سیاسی منطقه (عدم پیگیری گفتگوهای مقرر صلح) افکار عمومی بین‌المللی را با برخورداری از حمایت پنهان و آشکار آمریکا علیه میلوشوویچ رئیس جمهور یوگسلاوی تهییج نمایند. آمریکا با

۱- روسیه و چین به این قطعنامه رای ممتنع داده بودند.

چشم‌پوشی از برخی تحریکات KLA، نوک حملات تبلیغاتی خود را متوجه می‌لوشوویچ ساخت و حتی بر سرنگونی وی از قدرت سخن می‌راند. اروپائیان ریشه بحران را فقط متوجه می‌لوشوویچ ندانسته، بلکه خواسته‌های ارتش آزادیبخش را در استمرار بحران مؤثر ارزیابی می‌کردند.

مخالفت برخی از کشورهای صاحب نفوذ اروپائی با حملات نظامی آمریکا و انگلیس به عراق که در این مقطع شدت گرفته بود، اظهارات صریح و روشن ودرین وزیر خارجه فرانسه به هنگام دیدار از مسکو، که از سیاستهای آمریکا در قبال بحران کوزوو انتقاد کرده بود،^۱ حمایت آشکار مسکو و پکن از سیاستهای بلگراد و همچنین وجود اختلافات بین رهبران ارتش آزادیبخش کوزوو و روگوا، می‌لوشوویچ را برآن داشت تا از وضعیت موجود بین‌المللی بهره‌برداری نماید و در قبال بحران کوزوو اقدام به نمایش قدرت نماید. در این برهه از زمان نیروهای امنیتی صرب پس از به قتل رساندن چندین تن از مردم کوزوو، در یک حرکت وحشیانه ۴۵ تن از غیرنظامیان آلبانی تبار را در روز جمعه ۱۵ ژانویه ۱۹۹۹ در روستای راجاک بطور فجیعی به قتل رساندند.^۲ در پی این کشتار بار دیگر بحران بالکان وارد صحنه جدیدی گردید. در چنین شرایطی دولت بلگراد ویلیام واکر رئیس نظارت سازمان امنیت و همکاری اروپا را به اتهام دخالت آشکار در امور داخلی کشور و قضاوت نادرست او در مورد قتل عام مزبور عنصر نامطلوب شناخت^۳ و نیز از ورود خانم لوئیس آربو دادستان کانادائی دادگاه جزائی بین‌المللی یوگسلاوی سابق به خاک یوگسلاوی ممانعت بعمل آورد.^۴ این امر منجر به واکنش شدید جامعه بین‌المللی گردید، تا جائیکه برخی از دوستان یوگسلاوی این فاجعه را تقبیح و محکوم

۱- اوبر ودرین که در تاریخ ۱۲ ژانویه ۹۹ در مسکو بسر می‌برد، پس از گفتگو با همتای روسی خویش از سیاستهای آمریکا در خاورمیانه بویژه نوع برخورد با عراق و بالکان انتقاد بعمل آورد. برای اطلاعات بیشتر ر. ک به خبرگزاری فرانس پرس مورخ ۱۲ ژانویه ۱۹۹۹.

2- Reuters, 16/1/1999.

۳- ویلیام واکر پس از مشاهده اجساد در پرشتینا اعلام داشت: من در متهم کردن نیروهای امنیتی دولت بلگراد در انجام این قتل عام تردیدی ندارم برای اطلاعات بیشتر ر. ک به خبرگزاری فرانس پرس، مورخ ۱۷ ژانویه ۱۹۹۹.

۴- خانم آربور تا پشت مرزهای یوگسلاوی آمده بود، اما مقامات این کشور از صدور روادید ورود برای وی خودداری ورزیدند.

نمودند. تحرک بلگراد که بنوعی نمایش قدرت میلوشوویچ رئیس جمهور یوگسلاوی در قبال جامعه بین‌المللی ارزیابی می‌گردید، حاصل بازیهای سیاسی برخی قدرتهای اروپائی صاحب نفوذ در بحران طی این مدت بوده است.

واکنشهای بین‌المللی

در خصوص کشتار روستای راجاک که بسیار تکان دهنده بود، دولتها و سازمانهای بین‌المللی واکنشهایی داشتند که بطور اجمال به آن اشاره می‌گردد:

شورای امنیت سازمان ملل متحد

این شورا با صدور بیانیه‌ای ضمن محکوم نمودن کشتار غیر نظامیان کوزوو، خواستار تحقیق فوری و کامل قتل عام گردید. رئیس برزیلی شورا تاکید نمود قطعنامه‌های شورای امنیت خواستار همکاری کامل با دادگاه بین‌المللی بررسی جنایات جنگی یوگسلاوی سابق می‌باشد. این شورا همچنین اخراج واکر را تقبیح کرد.^۱ نکته قابل ملاحظه در این بیانیه این است که بلحاظ جانبداری روسیه و چین از یوگسلاوی هیچ اشاره‌ای به دولت بلگراد نشده بود.

سازمان امنیت و همکاری اروپا

سازمان امنیت و همکاری اروپا پس از یک نشست فوری در وین کشتار مذکور در کوزوو را به شدت محکوم کرده و ادامه ماموریت ناظران غیر مسلح این سازمان در کوزوو را به منظور تلاش برای ترک مخاصمه طرفین درگیر مورد تاکید قرار داد.^۲

۱- خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، ایرنا، مورخ ۱۳۷۷/۱۰/۲۹.

۲- همان منبع

سازمان پیمان آتلانتیک شمالی ناتو

ژنرال ویسلی کلارک فرمانده عالی نیروهای ناتو در اروپا پس از صدور حکم اخراج واکر به همراه ژنرال کلاوس نویمان رئیس کمیته نظامی ناتو عازم بلگراد شد و با میلوشوویچ دیدار و پیام ناتو را به وی ابلاغ کرد. کلارک قبل از عزیمت به بلگراد گفت میلوشوویچ تعهداتی به ناتو سپرده اما اکثر آنها را نقض می‌کند، ما بر اجرای تعهدات پافشاری خواهیم کرد و نسبت به عواقب نقض موافقتنامه آتش بس اکتبر ۱۹۹۸ به وی اخطار خواهیم داد.

ایالات متحده آمریکا

خانم مادلین آلبرایت وزیر خارجه آمریکا ضمن هشدار به میلوشوویچ گفت: وی در صورت عدم اجرای تعهدات بین‌المللی خویش در قبال کوزوو، اشتباه فاحشی را مرتکب خواهد شد. همچنین هولبروک که طی این بحران بارها بعنوان نماینده ویژه آمریکا در امور بالکان راهی منطقه شده بود در گفتگو با شبکه خبری CNN اظهار داشت «یوگسلاوی در لبه بحران با ناتو قرار دارد.» وی اوضاع کنونی منطقه در مقایسه با اکتبر گذشته که ناتو آماده حمله به یوگسلاوی بود را بسیار بحرانی‌تر خواند.

انگلستان

رابین کوک وزیر خارجه انگلیس ضمن هشدار به دولت یوگسلاوی اظهار داشت که احتمال‌بنکارگیری حملات هوایی ناتو علیه بلگراد وجود دارد. وی اخراج واکر از یوگسلاوی را محکوم نمود.

فرانسه

اوبر ودرین وزیر خارجه فرانسه در مصاحبه با روزنامه لوپاریزین گفت دیگر زمان کمی برای اجتناب از وقوع بدترین وضعیت در کوزوو باقی مانده است. وی خطر جنگ و سرایت آن

به سراسر منطقه را واقعی خواند و گفت فرانسه کلیه تلاشهای خود را برای به نتیجه رسیدن اعمال فشارها انجام خواهد داد. در صورت عدم موفقیت این تلاشها، بایستی درباره تمام مسائل تجدید نظر نمود.

روسیه

وزارت امور خارجه روسیه با صدور بیانیه‌ای خواستار تحقیق دقیق، بی طرفانه و سریع در مورد کشتار اخیر کوزوو شد. مسکو خواستار فعال شدن گروه تماس بین‌المللی متشکل از آمریکا، روسیه، انگلیس، ایتالیا، آلمان و فرانسه گردید. در این خصوص یکی از مقامات ارشد وزارت خارجه روسیه جهت گفتگو با میلوشوویچ عازم بلگراد شد.

چین

سخنگوی وزارت خارجه چین از ادامه جنگ و خونریزی در منطقه کوزوو ابراز نگرانی نمود و گفت بحران کوزوو باید از راه عادلانه و جامع حل شود. وی اعلام داشت نبایستی به بهانه حل مساله کوزوو حق حاکمیت یوگسلاوی مورد تعرض قرار گیرد.

اسپانیا

وزیر دفاع اسپانیا اوضاع کوزوو را نگران کننده خواند. وی خواستار دخالت موثر همراه با ضمانت اجرایی علیه عاملان کشتار اخیر کوزوو شد.

یونان

وزیر خارجه یونان این کشتار را محکوم نمود و خواستار رسیدگی دقیق این مسئله و مجازات عاملین این فاجعه گردید.

کانادا

وزیر خارجه کانادا با ارسال پیامی برای دولت یوگسلاوی خواستار همکاری آن کشور جهت بررسی کشتار کوزوو شد. وی با احضار سفیر یوگسلاوی در اتاوا به محل وزارت خارجه مراتب نگرانی کشورش را از کشتار اخیر کوزوو اعلام داشت و افزود کاملاً واضح است که مأموران صرب در این کشتار دخالت داشتند.

آلبانی

پارلمان آلبانی با تصویب بیانیه‌ای خواستار دخالت ناتو در کوزوو برای جلوگیری از کشتار مردم این منطقه شد.

پس از وقوع حادثه روستای راجاک، دولت بلگراد در مقابل فشارهای بین‌المللی از تصمیم خویش مبنی بر اخراج واکر صرف نظر نمود که با این اقدام تا حدودی اوضاع متشنج منطقه تحت کنترل درآمد. در این مقطع ماهیت اظهارات مقامات آمریکائی مبنی بر بحرانی بودن وضعیت منطقه در مقایسه با ماههای قبل از این حادثه، نشاندهنده عزم واشنگتن برای تنبیه صربها در فرصت مناسب بود. اما واشنگتن تا کنون بنا به دلایل زیر شیوه‌های سیاسی را در دستور کار خویش قرار داده است:

الف - مخالفت روسیه و چین و ناپختگی بحران،

ب - حضور ناظرین و بازرسان سازمان امنیت و همکاری اروپا در کوزوو،

ج - مشکلات فیما بین کلینتون و سنا^۱.

۱- در این مدت بیل کلینتون رئیس‌جمهور آمریکا در رابطه با مسائل جنسی بشدت با سنا درگیر بود.

فصل سوم

اوج گیری بحران و اقدامات بازیگران بین المللی

نشست گروه تماس بین المللی^۱

همزمان با اوج گیری بحران و تشدید درگیری بین نیروهای امنیتی صرب و ارتش آزادیبخش کوزوو، تلاشهای سیاسی به منظور خاتمه بخشیدن آن با تشکیل نشست گروه تماس بین المللی در سطح وزرای امور خارجه در ۲۹ ژانویه ۱۹۹۹ در لندن وارد مرحله نوینی گردید. کشتار ۴۵ تن آلبانی تبار کوزوو و نیز دستور اخراج واکر رئیس آمریکای هیات نظارت سازمان همکاری و امنیت اروپا از سوی صربها، واکنش تند جامعه بین المللی را به همراه داشت. اما با عقب نشینی میلوشوویچ از مواضع خویش و قبول فعالیت مجدد واکر، جو موجود علیه رهبری بلگراد به فشار علیه طرفین درگیر در بحران تبدیل گردید. ودرین وزیر خارجه فرانسه در دیدار ۱۲ ژانویه ۱۹۹۹ خویش از مسکو ضمن انتقاد از سیاستهای کاخ سفید در قبال کوزوو، خواستار نشست گروه تماس بین المللی شد. در این مقطع فرانسویان تلاش تازه ای را در صحنه بحران کوزوو آغاز کردند. شیراک رهبر کهنه کار و برجسته فرانسه و اروپا با استفاده از این فرصت که کلیتون درگیر بحران اخلاقی خویش بود و نقش واشنگتن در بحران کوزوو در مقایسه با بحران بوسنی تا حدی کمرنگ گردید، تلاش کرد ضمن هماهنگی با رهبران لندن، بن و مسکو میزبانی گفتگوهای صلح کوزوو را در اختیار گیرد.

تماسهای سیاسی بین مقامات فرانسوی و انگلیسی و نهایتاً سفر شیراک به لندن در آستانه نشست وزرای خارجه گروه تماس بین المللی در انگلستان مویید این مهم بود که اروپائیان

۱. کشورهای آلمان، امریکا، انگلیس، ایتالیا، روسیه و فرانسه اعضای گروه تماس بین المللی می باشند.

تمایل داشتند دخالت بیشتری برای پایان بخشیدن بحران کوزوو داشته باشند. در آستانه نشست وزرای خارجه گروه تماس بین‌المللی مادلین آلبرایت وزیر خارجه آمریکا در جریان دیدار از مسکو از مقامات کرملین خواست تا مانع تاثیر گذاری برخی اختلاف نظرهای موجود بین دو کشور (نظیر بحران کوزوو و عراق) بر روابط دو جانبه گردند. یک مقام آمریکائی که آلبرایت را در این سفر همراهی می‌کرد در ارتباط با احتمال حضور وزیر خارجه آمریکا در نشست لندن ابراز تردید نمود و تاکید داشت که فرصت بیشتری جهت آماده نمودن گفتگوهای صلح نیازمند است.^۱

نظر به اینکه تحرک فرانسه جهت فیصله بخشیدن به بحران کوزوو بر محور گفتگوهای سیاسی تمرکز داشته و روسیه نیز مخالفت هر گونه بکارگیری قوه قهریه علیه صربستان بود، فلذا مسکو از تلاش پاریس جانبداری نمود. انگلیس که به پیروی از سیاستهای آمریکا شهرت دارد، تحرک سیاسی قابل ملاحظه‌ای از خود نشان داده و ریاست نشست کارشناسان و وزرای خارجه گروه تماس بین‌المللی را بعهده گرفت. قطعاً می‌بایست مشورتها و تماسهایی که با دو عضو دیگر گروه تماس یعنی آلمان (رئیس دوره‌ای وقت اتحادیه اروپائی) و ایتالیا (کشوری که در جوار بحران بسر می‌برد و بیش از همه نگران امنیت خود است) صورت گرفته باشد. مجموعه این تلاشها و تحرکات و نیز همراهی روسیه سبب تشکیل گروه تماس بین‌المللی در لندن در ۲۹ ژانویه ۱۹۹۹ گردید که این نشست در تعیین سرنوشت بحران از اهمیت زیادی برخوردار بود.

اهم مفاد تصمیمات گروه تماس غرب در لندن

۱- وزرای خارجه بریتانیا، فرانسه، روسیه، آلمان، ایتالیا و ایالات متحده آمریکا تا ششم فوریه ۱۹۹۹ به دو طرف درگیر مهلت دادند گفتگوهای صلح را در رامبویه واقع در حومه پاریس شروع نمایند.

۲- گروه تماس بین‌المللی همچنین مهلت یک هفته‌ای به منظور تحقق یک پیمان صلح را اعلام داشته و تأکید کردند هرگاه گفتگوهای صلح به پیشرفت واقعی دست یابد، این مهلت می‌تواند برای یک هفته دیگر تمدید گردد.

1- France Press, 28 January 1999.

۳- آینده سرنوشت کوزوو در دست رهبران بلغراد و کوزوو می‌باشد. آنان بایست خود متعهد به تکمیل مذاکرات سیاسی برای تحقق صلح در کوزوو باشند. هرگاه آنان در بکارگیری از فرصت ارائه شده، کوتاهی نمایند گروه تماس غرب طرفین را مسئول می‌شناسد.

۴- مذاکرات که به ریاست مشترک رابین کوک و اوبر ودرین وزرای امور خارجه انگلیس و فرانسه تشکیل خواهد شد، بایست براساس طرحهای گروه تماس بین‌المللی برای اعطای خودمختاری اساسی در کوزوو به یک پیمان (صلح) منتج گردد. وزرای امور خارجه گروه تماس بین‌المللی تاکید ورزیدند طرفین درگیر بایست اساس توافق عادلانه‌ای را بپذیرند که شامل اصول عنوان شده توسط گروه تماس بین‌المللی می‌باشد.

۵- بیانیه گروه تماس بین‌المللی از طرفین درگیر (بلغراد و آلبانی تبارهای کوزوو)، خواست به جنگ و منازعه خاتمه بخشند. افزایش خشونت نیروهای امنیتی بلغراد و ارتش آزادیبخش کوزوو می‌بایست، متوقف شود.

۶- گروه تماس از بلغراد خواست کلیه عملیات تهاجمی در کوزوو را متوقف سازد. همچنین فشار به غیر نظامیان توسط نیروهای امنیتی صرب می‌بایست خاتمه یابد و این نیروها از منطقه عقب نشینی نمایند.

۷- به یوگسلاوی گفته شد که آنها باید به طور کامل توافقات بدست آمده در اکتبر ۱۹۹۸ با ناتو و شورای امنیت و همکاری اروپا را رعایت و بازگشت همه آوارگان و همکاری با سازمانهای کمک‌رسانی بشر دوستانه را اطمینان بخشند.

۸- بیانیه همچنین با زبان شدید الحنی کلیه تحریکات ارتش آزادیبخش کوزوو که می‌تواند منجر به تداوم خشونت گردد، را محکوم نمود. بیانیه از رهبران آلبانی تبار کوزوو خواست تا از مذاکرات به منظور خاتمه بخشیدن به اقدامات تحریک‌آمیز که می‌تواند مخل فرآیند سیاسی گردد، پشتیبانی نمایند.

۹- گروه تماس بین‌المللی قاطعانه کشتار آلبانیائی تباران کوزوو در روستای راچاک را محکوم کرد. این بیانیه از بلغراد خواست به دادگاه بررسی جنایت جنگی بین‌المللی اجازه دهد تا در

مورد این کشتار که نیروهای امنیتی صرب متهم به آن هستند، تحقیق و بررسی نماید.

۱۰- شش وزیر خارجه گروه تماس، رابین کوک وزیر خارجه انگلیس را مامور کردند با سفر به بلگراد و پرشتینا در دوم فوریه ۱۹۹۹ جزئیات بیانیه را به اطلاع طرفین برساند.

در این مقطع با توجه به منازعه موجود بین قوای مجریه و مقننه آمریکا بر سر رسوایی اخلاقی کلیتون، اروپائیان تا حدودی پیرامون بحران بالکان متحدتر عمل نموده‌اند و کشورهای برجسته اروپائی پیشرو حل بحران کوزوو شدند. فرانسویان با دو جناح مهم و صاحب نفوذ در بحران (روسیه و انگلیس) وارد مذاکرات تنگاتنگی شدند.^۱ روسیه نیز حاضر شد به منظور کاهش نفوذ روزافزون آمریکادر بالکان و نیز ممانعت از بکارگیری عملیات نظامی ناتو علیه یوگسلاوی با اروپائیان همکاری نماید.^۲ شورای امنیت سازمان ملل متحد در ۳۰ ژانویه ۱۹۹۹ با صدور بیانیه‌ای، از تصمیمات گروه تماس بین‌المللی حمایت و خواستار خودمختاری کوزوو گردید. شورای امنیت ضمن حمایت از گفتگوهای سیاسی طرفین درگیر، بر حفظ حاکمیت و تمامیت ارضی یوگسلاوی تاکید ورزید.^۳ ناتو نیز اعلام داشت جهت اعمال فشار به طرفین درگیر، چراغ سبز لازم را دریافت نمود.

پس از گفتگوهای رابین کوک با رهبران صرب و آلبانی تبار کوزوو، ابراهیم روگوا آمادگی خود برای سفر به پاریس را اعلام داشت. سخنگوی ارتش آزادیبخش نیز گفت حاضر به مذاکره با کسانی است که معتقد به عدم وابستگی کوزوو به صربستان هستند. وی در عین حال گفت طی چند روز آینده دیدگاه رسمی KLA را بیان خواهد داشت. میلوشوویچ در دیدار با کوک گفت نیازمند فرصت لازم جهت پاسخگویی در این خصوص می‌باشد.^۴

اگر چه دولت آلمان از اول ژانویه ۱۹۹۹ ریاست ادواری اتحادیه اروپا را بدست گرفت، اما از آنجا که سوسیال دمکراتها چند ماهی بود که تازه قدرت را بدست گرفته بودند، هنوز موفق

۱- سفر وزیر خارجه فرانسه به مسکو و سفر شیراک به لندن قابل توجه است.

۲- روسیه در سطح معاون وزیر خارجه در نشست مقدماتی کارشناسان و در سطح وزیر در اجلاس وزرای خارجه گروه تماس غرب در لندن شرکت داشت. ۳- خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، ایرنا، ۷۷/۱۱/۱۰.

4- France Press, 30 January 1999.

به بهره برداری از فرصت‌های طلائی در صحنه اروپا نشده و زمینه را برای سایر رقبای خویش همچون انگلیس و فرانسه هموار نمودند. اروپا کوشید رهبریت بحران کوزوو را بدست گیرد، در چنین شرایطی محور لندن - پاریس با برخورداری از حمایت روسیه و سایر کشورهای اروپائی صاحب نفوذ در بحران سکاندار تحرکات سیاسی شدند.

پس از نشست لندن، تلاش‌های سیاسی دول غربی به ویژه فرانسه، انگلیس و آمریکا ابعاد تازه‌ای به خود گرفت. در این خصوص رفت و آمدهای زیادی صورت پذیرفت که از عمده‌ترین آن می‌توان به سفر رابین کوک وزیر خارجه انگلیس بعنوان نماینده گروه تماس به بلگراد و پرشتینا و اسکوپیه اشاره کرد.

موانع تشکیل کنفرانس صلح رامبویه

موانع جدی که در این مقطع بر سر راه تشکیل کنفرانس صلح کوزوو در رامبویه وجود داشت به شرح ذیل بودند:

۱- وجود اختلاف بین نیروهای آلبانی تباران کوزوو

گرچه ابراهیم روگوا رهبر میانه روی کوزوو بلافاصله پس از ملاقات با رابین کوک وزیر خارجه انگلیس موافقت خویش را برای حضور در نشست کنفرانس صلح رامبویه اعلام نمود، لکن ارتش آزادیبخش کوزوو، حاضر نشد بلافاصله موافقت خود را بیان دارد. حتی برخی از خبرها حاکی از آن بود که KLA تصمیم برگزاری کنفرانس صلح کوزوو را عجولانه توصیف نمود.^۱ (ظاهراً این گروه منتظر بود تا بلگراد ابتدا دیدگاه رسمی خود را بیان دارد) همچنین ارتش آزادیبخش می‌کوشید با تاخیر در بیان مواضع رسمی خود، حداکثر امتیازات سیاسی را کسب نماید. هیل سفیر آمریکا در مقدونیه در اول فوریه ۱۹۹۹ با سفر به کوزوو تلاش کرد اختلاف موجود در جبهه کوزوو را مرتفع نماید.

1- Reuters, 2 February 1999.

۲- جبهه صربها

دولت یوگسلاوی که تا دوم فوریه ۱۹۹۹ رسماً موضع رسمی خود را در خصوص شرکت در اجلاس صلح بیان نداشته بود، سرانجام تسلیم شد و موافقت خود را با اعزام هیاتی به رامبویه اعلام داشت. هر چند بلغراد (برخلاف آلبانی تبارها) در انتخاب هیات اعزامی به پاریس مشکل جدی نداشت، اما اسلوبودان میلوشویچ طرح شرکت در کنفرانس صلح پاریس را به پارلمان صربستان ارجاع نمود. یکی از موانع عمده دولتمردان یوگسلاوی در اعزام هیاتی به کنفرانس صلح، نتایج فرمانده بهار سال ۱۹۹۷ در خصوص دخالت بازیگران بین‌المللی در بحران کوزوو بود که بیش از ۹۰٪ از مردم صربستان این مداخله را رد کرده بودند. میلوشویچ بلحاظ فشار جامعه بین‌المللی در اکتبر سال ۱۹۹۸ مجبور شده بود با هولبروک و ناتو موافقتنامه هائی به امضاء برساند و حضور ناظرین بین‌المللی از سازمان امنیت و همکاری اروپا در خاک کشورش را برخلاف نظر مردم بپذیرد، اما شرکت در اجلاس صلح بین‌المللی برای حل و فصل بحران کوزوو را بعهده مجلس صربستان گذاشت تا خود را در مقابل مردم تبرئه نماید.

در برهه‌ای که طرفین بدنبال تعیین اعضای هیات شرکت کننده جهت شرکت در کنفرانس صلح رامبویه بودند، درگیریهای پراکنده‌ای در مناطق مختلف کوزوو میان نیروهای صرب و آلبانی تبارها بوقوع پیوست. تداوم درگیریها عملاً خود مانع جدی بر سرراه تشکیل کنفرانس صلح بود. لکن تجارب بحران بوسنی نشان داد که طرفین درگیر در آخرین لحظات تلاش داشتند از حداکثر توان نظامی در فشار به خصم خود استفاده نمایند. اصولاً ماهیت برگزاری یک چنین نشستهایی می‌طلبد که هر یک از طرفین درگیر قبل از برگزاری آن تلاش نمایند در روند مذاکرات اولیه از امتیازات سیاسی بیشتری برخوردار گردند. قطعاً تحقق این مهم بیشتر به توانمندی طرفین در چانه زنی سیاسی، ابزارهائی موثر و همچنین میزان حمایت قدرتهای خارجی بستگی دارد.

وضعیت سیاسی - نظامی طرفین درگیر (قبل از عزیمت به رامبویه)

برخلاف جنگ چهارساله بوسنی در سال ۱۹۹۵ که طرفهای درگیر در آستانه مذاکرات نهایی عملاً توان ادامه جنگ را از دست داده بودند و برای خروج از بن بست و آغاز مذاکرات از آمادگی نسبی برخوردار بودند، برخی معتقدند که طرفین درگیر در جنگ کوزوو آنچنان وارد یک جنگ تمام عیار نشده و از شرایط بحرانی به ستوه نیامده بودند، بلکه برعکس از تواناییهای لازم در تداوم جنگ نیز برخوردار بودند. در این خصوص تعدادی از اعضای کنگره آمریکا پیرامون اعزام نیروهای نظامی آمریکا به کوزوو و تردیدهای موجود در این رابطه، ابراز داشتند که عدم خستگی طرفین درگیر در کوزوو خود عامل مهمی است که باید در ارتباط با اعزام نیروهای آمریکایی به منطقه و احتمال تداوم درگیری مورد توجه جدی قرار گیرد. در واقع گروهی از صاحب نظران مسائل منطقه بالکان بر این عقیده بودند که شرایط لازم و کافی برای پایان دادن به بحران و برگزاری کنفرانس صلح کوزوو بوجود نیامده بود.

در حالیکه طرفین صرب و آلبانی تبار خویش را برای شرکت در نشست رامبویه آماده می‌کردند، طی یک رشته درگیری‌های پراکنده، هفت نفر (پنج تن آلبانی تبار و دو نفر صرب) در کوزوو به قتل رسیدند، در چنین شرایطی آلن رشارد وزیر دفاع فرانسه اظهار داشت پاریس و لندن سرگرم آماده نمودن طرحی برای اعزام نیروهای بین‌المللی به کوزوو می‌باشند. براساس این طرح قرار بود بین ۲۰ تا ۲۵ هزار نیروی نظامی بین‌المللی به کوزوو اعزام شوند. در همین خصوص بیل کلینتون رئیس جمهور آمریکا نیز احتمال اعزام نیرو به کوزوو را ممکن دانست. اظهارات مقامات غربی در خصوص احتمال حضور نظامی در کوزوو واکنش جدی صربستان را به همراه داشت و مجلس صربستان طی واکنشی با حضور نیروی نظامی بین‌المللی در کوزوو بشدت مخالفت ورزید.^۱ با این وجود کشورهای صاحب نفوذ در بحران کوزوو بویژه فرانسه و انگلیس با تلاش زیاد سرانجام طرفین درگیر را به پای میز مذاکره کشاندند.

نماینده آمریکا در OSCE از احتمال خروج بازرسان سازمان امنیت و همکاری اروپا مستقر در کوزوو خبر داد. واکر در خصوص علت ارائه چنین طرحی گفت در صورت بوجود

آمدن بن بست جدی در روند مذاکرات رامبویه، احتمال حمله نظامی ناتو علیه مواضع صربها وجود دارد که با حضور ناظرین OSCE انجام آن با مشکلاتی روبرو خواهد شد. در همین خصوص وزیر دفاع اسپانیا گفت در صورت بروز اختلال در روند مذاکرات صلح، ناتو علاوه بر حمله نظامی، طرح حمله زمینی علیه مواضع صربها را در دست بررسی دارد.

آمادگی طرفین برای آغاز گفتگوهای مستقیم

سرانجام آلبانی تباران کوزوو و دولت صربستان به درخواست گروه تماس بین‌المللی برای شرکت در نشست گفتگوهای صلح پاسخ مثبت داده و خود را آماده کردند تا در این نشست شرکت نمایند. بر خلاف رهبران حزب دمکراتیک کوزوو به رهبری ابراهیم روگوا که بلافاصله پس از دیدار با رابین کوک وزیر خارجه انگلیس آمادگی خویش را برای شرکت در مذاکرات صلح اعلام داشتند، ارتش آزادیبخش کوزوو پس از اظهار نظرهای ضد و نقیض، روز سه شنبه اول فوریه ۱۹۹۹ رسماً آمادگی خویش را برای شرکت در گفتگوهای صلح رامبویه اعلام نمود. هیات ۱۸ نفره آلبانی تبار کوزوو مرکب از هاشم تاجی، ابراهیم روگوا، فهیم آگانی، یعقوب کراسنیچی، رجب چوسیا، هدایت حسینی و... به هنگام پرواز به سوی فرانسه در فرودگاه پرشتینا با مشکلاتی روبرو شدند که پس از سه ساعت مرتفع گردید.^۱

اسلوبودان میلوشویچ اتخاذ تصمیم در خصوص حضور و یا عدم حضور صربها در اجلاس گفتگوهای صلح را به نمایندگان پارلمان صربستان واگذار کرده بود که پارلمان صربستان در نشست روز پنج شنبه ۲۹ ژانویه ۱۹۹۹ با ۲۲۷ رای موافق در مقابل ۳ رای مخالف از شرکت دولت صربستان در این مذاکرات استقبال نمود.^۲ هیات صرب اعزامی به فرانسه به ریاست راتکو ملادیچ معاون نخست وزیر صربستان در ۳۰ ژانویه ۱۹۹۹ وارد پاریس گردید. در ترکیب هیات

۱- پلیس دولتی صرب فرودگاه پرشتینا به خروج اعضاء هیات آلبانی تبار که دارای گذرنامه‌های غیر یوگسلاو و یا از اعتبار ساقط شده بودند، اعتراض و از صدور اجازه خروج برای آنان خودداری ورزید و نهایتاً با وساطت فرانسه این مشکل حل و فصل گردید برای اطلاعات بیشتر ر. ک به فرانس پرس تاریخ ۷ فوریه ۱۹۹۹.

۲- همان منبع

۱۳ نفره صرب نیکلا شاینوویچ، معاون نخست وزیر دولت فدرال یوگسلاوی نیز حضور داشت. مبنای این گفتگوها پیشنهادات نشست وزرای خارجه گروه تماس بین‌المللی بوده است که از سوی شورای امنیت سازمان ملل، سازمان امنیت و همکاری اروپا و ناتو مورد حمایت و پشتیبانی قرار گرفت. در این خصوص سخنگوی مطبوعاتی سفارت اطریش (بعنوان رئیس دوره‌ای سازمان امنیت و همکاری اروپا) در بلگراد گفت، مبنای مذاکرات رامبویه مصوبه آخرین نشست گروه تماس بین‌المللی در لندن می‌باشد که در آن به خودمختاری گسترده کوزوو تاکید دارد. وی در ادامه افزود در گفتگوهای صلح رامبویه از روش گفتگوهای صلح دیتون استفاده خواهد شد.

فصل چهارم

روند گفتگوهای صلح رامبویه

آغاز مذاکرات صلح

سرانجام روز شنبه ششم فوریه ۱۹۹۹ کنفرانس صلح کوزوو با سخنان ژاک شیراک رئیس جمهور فرانسه و با حضور نمایندگان گروه تماس بین‌المللی، نمایندگان دولت بلغراد و آلبانی تبارهای کوزوو در رامبویه واقع در ۵۰ کیلومتری حومه پاریس در قصر قدیمی که قدمت آن به قرن چهاردهم میلادی بر می‌گردد، افتتاح گردید. این کنفرانس که با تلاش شش کشور عضو گروه تماس بین‌المللی به ریاست مشترک وزرای خارجه فرانسه و انگلیس برگزار شد، در اولین روز خود با مشکلاتی مواجه گردید. روسای هیاتهای دولت یوگسلاوی^۱ و آلبانی تبارهای کوزوو حاضر نشدند بر سر یک میز به مذاکره بنشینند، اما تروئیکای میانجیان صلح، مرکب از کریستوفر هیل نماینده ایالات متحده آمریکا، ولفگانگ پتریچ^۲ از اتحادیه اروپا و بوریس مایورسکی^۳ از روسیه تلاش گسترده‌ای را جهت تبادل نقطه نظر طرفین درگیر از خود نشان دادند تا اولین روز نشست صلح بالکان به آرامی برگزار شود. نظر به پیچیدگی‌های بحران، تروئیکای میانجی صلح با مشکلات متعددی نظیر برگزاری انتخابات در کوزوو، ایجاد نهادهای قانونی و نیز چگونگی نظارت بر اجرای صلح در منطقه روبرو گردیدند.

۱- هر چند هیات صرب اعزامی به رامبویه تلاش داشتند خود را نمایندگان جمهوری صربستان و به نوعی مشکل کوزوو را مربوط به جمهوری صربستان معرفی نمایند، اما حضور نیکلا شاینویچ معاون نخست وزیر یوگسلاوی در ترکیب هیات این باور را با مشکل روبرو نمود. با این وجود صربها هرگز هیات خویش را هیات یوگسلاوی معرفی نکردند.

2- Wolfgang Petritsch

3- Boris Myorsky

با این وجود طرفین مذاکره کننده در یک نمایش نمادین با صدور بیانیه‌ای مشترک انفجار بمب در شهر پرشتینا را که در روز شنبه ششم فوریه ۱۹۹۹ (همزمان با آغاز بکار کنفرانس صلح) منجر به کشته شدن چند نفر گردید، را محکوم نمودند. در همین خصوص ارتش آزادیبخش کوزوو خواستار اعلان آتش بس و استقرار نیروهای بین‌المللی در منطقه گردید، هیات صرب در پاسخ به درخواست KLA، ضمن استناد به موافقتنامه میلوشوویچ - هولبروک (منعقد در اکتبر ۱۹۹۸)، اعلام داشت که آتش بس کماکان برقرار است و به شدت پیرامون استقرار نیروهای خارجی در کوزوو مخالفت ورزید. همزمان وزیر خارجه یوگسلاوی پس از دیدار با همتای یونانی خود در بلغراد تاکید نمود که دولت متبوعش تحت هیچ شرایطی حضور نیروهای خارجی در خاک خود را نخواهد پذیرفت.^۱

هاشم تاچی رهبر ارتش آزادیبخش کوزوو به عنوان هماهنگ کننده هیات آلبانی تبارهای کوزوو در مذاکرات صلح انتخاب گردید، این اقدام برای اولین بار تاچی را در سطح رئیس هیات آلبانی تبار ارتقاء بخشید که خود به نوعی مشروعیت بخشیدن به ارتش آزادیبخش کوزوو تلقی گردید. در این کنفرانس اگر چه یک هماهنگی و همگرایی در مواضع کشورهای عضو گروه تماس بین‌المللی وجود داشت، اما در پاره‌ای از موارد اختلاف نظرهایی بین این کشورها به چشم می‌خورد. بعنوان نمونه در خصوص اعزام نیروی نظامی حافظ صلح به کوزوو، آمریکا تاکید فراوان داشت تا زمانی که جنگ در کوزوو ادامه دارد حاضر به اعزام نیرو به منطقه نمی‌باشد، فرانسه و انگلیس سرگرم تهیه مقدمات اعزام نیرو به بالکان بودند، اما روسیه نسبت به اعزام نیرو به منطقه به منظور پاسداری از توافقات به عمل آمده در مذاکرات صلح پاریس با سایر اعضای گروه تماس اختلاف نظر جدی داشت. یونی‌گازارف^۲ معاون وزیر خارجه روسیه در آستانه

۱- در این خصوص خبرگزاری روسیه گزارش داد هیات صرب در پاریس هیچ اختیاری در ارتباط با تصمیم‌گیری پیرامون استقرار نیروهای خارجی در کوزوو ندارد. این تصمیم تنهادر بلغراد اتخاذ خواهد شد. همچنین نماینده روسیه در مذاکرات صلح در این خصوص به تلویزیون مسکو گفت که این موضوع (حضور نیروهای خارجی) تاکنون در دستور کار مذاکرات قرار نگیرد.

کنفرانس صلح رامبویه طی سخنانی در آلمان بار دیگر بر مخالفت کشورش با اعزام نیروهای خارجی به کوزوو تاکید ورزید. در چنین شرایطی خانم مادلین آلبرایت وزیر خارجه آمریکا سه سناریو پیرامون آینده مذاکرات صلح پاریس ارائه نمود.

۱- بهترین نتیجه طرفداری از روند گفتگوها در فرانسه و ضمانت گفتگوهای صلح از سوی یک نیروی حافظ صلح می باشد.

۲- احتمال شکست مذاکرات از سوی بلگراد است که در آن صورت این کشور مستحق بمباران هوایی می باشد.

۳- عدم پیشرفت گفتگوها بلحاظ خواسته های هیات آلبانی تبارهای کوزوو می باشد. در این صورت هیات آلبانی تبارهای کوزوو، حمایت کنونی جامعه بین المللی را از دست خواهد داد.

هفته نخست مذاکرات صلح کوزوو که در پشت دربهای بسته و بدور از حضور خبرنگاران و از طریق گفتگوهای غیر مستقیم بین هیات صرب و آلبانی تبار از ششم لغایت دوازدهم فوریه در رامبویه جریان داشت، حول محور نزدیک نمودن دیدگاههای طرفین مناقشه تمرکز یافت. براساس اظهارات برخی از بانیان کنفرانس، در نخستین هفته مذاکرات گرچه پیشرفتهائی حاصل گردید، لکن موضوعات حساس و مهمی بر سر راه تداوم گفتگوها تا کسب نتیجه نهائی باقی مانده بود.

عدم پیشرفت جدی در گفتگوهای صلح رامبویه در نخستین هفته آن را بایست در اصرار آلبانی تبارها بر استقلال کوزوو پس از پایان مهلت سه ساله خودمختاری انتقالی (از طریق برگزاری همه پرسی در این ایالت) و تاکید صربها بر حفظ تمامیت ارضی یوگسلاوی و نیز وجود اختلاف نظر جدی بین طرفین درگیر در خصوص حضور نیروهای حافظ صلح بین المللی در کوزوو که صربها مخالف آن و آلبانی تبارهای کوزوو اصرار بر حضور آنان داشتند، دانست. این مشکلات وزرای خارجه گروه تماس بین المللی را بر آن داشت تا در یک نشست اضطراری در چهارم فوریه ۱۹۹۹ در پاریس راهکارهای پیش رو را بررسی نمایند. بر این اساس مقرر

گردید پس از پایان یک هفته گفتگو، وزرای خارجه فرانسه و انگلستان (بعنوان روسای مشترک نشست رامبویه) گزارشی از آخرین پیشرفتهای بدست آمده در کنفرانس صلح را به اطلاع همتایان خویش در گروه تماس بین‌المللی برسانند. حساسیت گفتگوهای هفته اول بین طرفین درگیر در بحران کوزوو، از جمله عدم توافق طرفین بر روی اختلاف ریشه‌ای موجود به خصوص مکانیسم اعطای خودمختاری ویژه به آلبانی‌تباران کوزوو در چارچوب مرزهای یوگسلاوی و چگونگی مشارکت نیروهای حافظ صلح در کوزوو پس از امضای قرار داد صلح، وزرای خارجه گروه تماس را بر آن داشت تا از نزدیک گفتگوهای صلح را مورد ارزیابی قرار دهند و در صورت لزوم نسبت به استفاده از ابزارهای لازم برای اعمال فشار به طرفین مذاکره اقدام ورزند.

خانم آلبرایت وزیر خارجه آمریکا قبل از ترک واشنگتن به قصد پاریس در تماس تلفنی با همتای انگلیسی خود به ارزیابی نتایج گفتگوهای صلح پاریس پرداخت همچنین کلیتون در ۱۳ فوریه ۱۹۹۹ در نطق رادیویی پایان هفته خود اعلام داشت در صورت مصالحه بین هیات صرب و آلبانی‌تبارهای کوزوو، آمریکا آمادگی دارد ۴۰۰۰ نیروی نظامی خود را برای پاسداری از صلح وارد کوزوو نماید. در همین خصوص خبرگزاری ایتارتاس روز جمعه ۱۲ فوریه ۱۹۹۹ گزارش کرد وزیر خارجه روسیه در دیدار با بوریس یلتسین رئیس جمهور ضمن ارائه گزارشی از آخرین تحولات گفتگوهای صلح کوزوو، رهنمودهای لازم را اخذ نمود.

خانم آلبرایت پس از عزیمت به پاریس به منظور شرکت در نشست وزرای خارجه گروه تماس بین‌المللی در اولین اقدام، طرفین مذاکره کننده صرب و آلبانی‌تبار را تحت فشار قرار داد تا از این پس پشت یک میز مذاکره قرار گیرند، در حالیکه آنها طی هفته اول از رودررو شدن با یکدیگر امتناع می‌ورزیدند، این تحرک دیپلماتیک آمریکا یکبار دیگر نشان داد که ایالت متحده آمریکا همچون بحران بوسنی - هرزگوین بیش از اروپائیان صاحب ابزارهای لازم برای اعمال فشار بر طرفین درگیر می‌باشد. این اقدام خود یک موفقیت برای واشنگتن که ظاهراً در حاشیه قرار گرفته بود، محسوب گردید. خانم آلبرایت در مذاکرات جداگانه با رئیس هیات صرب^۱ با وی

۱- میلان میلوتنویچ رئیس جمهور صربستان اگر چه در ترکیب رسمی هیات صرب حضور نداشت، اما پس از

برخورد شدیدی داشت که میلو تنوویچ این گفتگوها را یک جانبه توصیف نمود.^۱ وزیر خارجه آمریکا در ملاقات مشترک با هیات صرب و آلبانی تباران کوزوو تاکید نمود که آنان بایستی تا ظهر روز شنبه بیستم فوریه ۱۹۹۹ به توافق نهائی دست یابند. وی تهدید نمود در غیر این صورت اقدامات نظامی جهت اعمال فشار بکار گرفته خواهد شد. آلبرایت گرچه لحن تهاجمی نسبت به صربها داشت و تاکید نمود حمله نظامی علیه صربستان در صورت اخلال در روند مذاکرات محتمل است، اما در این حال اظهار داشت که هیات آلبانی تباران کوزوو نمی توانند فراتر از خودمختاری اساسی تقاضای بیشتری داشته باشند و ابتکارات گروه تماس بین المللی را نادیده انگارند. این اظهارات بطور تلویحی نشان دهنده پذیرش طرح صلح گروه تماس بین المللی از سوی آلبانی تباران کوزوو بود.

بار دیگر وزرای خارجه گروه تماس بین المللی در ۱۴ فوریه ۱۹۹۹ در پاریس دور هم آمدند و به طرفین درگیر در بحران کوزوو فرصت دادند ظرف یک هفته موضوعات اساسی و عمده را به بحث گذاشته و به توافق نهائی برسند. گرچه رسماً تصمیم جدی گروه تماس برای اعزام نیروهای بین المللی به کوزوو اعلام نگردید اما پس از این نشست تاکید گردید تعداد ۳۰۰۰۰ نیرو که ۴۰۰۰ نفر آن آمریکائی می باشند، به عنوان نیروهای حافظ صلح وارد خاک یوگسلاوی خواهند شد. همزمان با اجلاس گروه تماس، در یک اقدام دیپلماتیک و به ابتکار آلمان (بعنوان ریاست دوره ای اتحادیه اروپا)، نشست وزرای خارجه ۱۵ کشور عضو EU در پاریس برگزار و در خصوص اتخاذ یک موضع مشترک پیرامون بحران کوزوو بحث و بررسی صورت پذیرفت که در پایان از طرح صلح گروه تماس غرب جانبداری بعمل آمد.

بن بست مذاکرات و واکنش بازیگران بین المللی

علیرغم تاکید وزرای خارجه گروه تماس و اتحادیه اروپا بر حل و فصل اختلافات طی

آغاز مذاکرات خود را به پاریس رساند و عملاً هیات صرب را رهبری می کرد.

1- Reuters, 14 February 1999.

روزهای باقیمانده کنفرانس صلح، صربها و آلبانی تباران حاضر به عقب‌نشینی از مواضع اصولی خویش نشدند و بن بست جدی مذاکرات بوجود آمد. روز سه شنبه ۱۶ فوریه ۱۹۹۹، در یک حرکت غیر منتظره کریستوفر هل نماینده ایالات متحده آمریکا در مذاکرات صلح کوزوو در رامبویه ضمن ترک محل گفتگوهای صلح به اتفاق نمایندگان فرانسه و انگلیس عازم بلگراد شد تا با اسلوبودان میلوشویچ رئیس جمهور یوگسلاوی پیرامون بن بست گفتگوهای صلح، به خصوص موضوع استقرار نیروهای بین‌المللی حافظ صلح در این ایالت با رهبر این کشور به بحث و گفتگو بنشینند. قبل از سفر هیل به بلگراد، خانم آلبرایت وزیر خارجه آمریکا طی تماس تلفنی با میلوشویچ بر ضرورت حضور نیروهای بین‌المللی در خاک یوگسلاوی تاکید ورزید.

هیل به اتفاق همراهان فرانسوی و انگلیسی خود، به مدت چهار ساعت با میلوشویچ در ارتباط با استقرار نیروهای خارجی در خاک یوگسلاوی بعنوان ضامن قرار داد صلح کوزوو دیدار و گفتگو نمود. در این خصوص دفتر ریاست جمهوری یوگسلاوی اعلام داشت، میلوشویچ در ملاقات با هیل ضمن تاکید بر مواضع دولت بلگراد در عدم پذیرش نیروهای خارجی در خاک خود گفت: یوگسلاوی نمی‌تواند حضور نیروهای خارجی که ناقص تمامیت ارضی و حاکمیت سیاسی کشور است را بپذیرد.^۱ مجلس صربستان نیز با صدور بیانیه شدیدالحنی اعلام داشت که شهروندان صرب حاضر به تحمل سربازان خارجی در خاک خود نیستند. هیل پس از بازگشت از بلگراد اظهار داشت، رهبران یوگسلاوی به هیچ وجه حاضر به پذیرش نیروهای حافظ صلح بین‌المللی در کوزوو نمی‌باشند. این در حالی بود که آلبرایت تاکید داشت هیچ راه حلی برای بحران کوزوو بدون حضور نیروهای ناتو در ایالت کوزوو وجود ندارد و اگر صربها بخواهند بر خلاف آن عمل کنند، باید منتظر بمباران خاک خود توسط ناتو باشند.

براساس طرح صلح گروه تماس بین‌المللی یک نیروی سی هزار نفری حافظ صلح در کوزوو مستقر می‌شدند تا موافقتنامه صلح را تضمین نمایند. همچنین براساس این طرح مقرر گردید ایالت کوزوو در چارچوب یوگسلاوی باقی بماند. علیرغم مخالفت میلوشویچ با حضور

۱- خبرگزاری تانیوک جمهوری فدرال یوگسلاوی ۱۸ فوریه ۱۹۹۹.

نیروهای خارجی در خاک یوگسلاوی، سفیران ناتو روز چهارشنبه ۱۷ فوریه ۱۹۹۹ در بروکسل تشکیل جلسه دادند و طرح عملیاتی نیروهای صلح کوزوو را به تصویب رساندند و ناتو آمادگی خود را برای اعمال فشار به یوگسلاوی تکرار نمود.^۱

موضع سرسختانه میلوشوویچ در عدم پذیرش نیروهای خارجی در خاک خود، موجب افزایش بدبینی نسبت به استفاده از فرصت موجود در گفتگوهای صلح کوزوو در رامبویه گردید. سفر چند ساعته کریستوفر هیل به بلگراد و مذاکره چهار ساعته‌اش با اسلوبودان میلوشوویچ نشان داد مذاکرات صلح پاریس به نحو چشمگیری وارد یک بن بست سخت و جدی شده است که کلید حل آن تنها در اختیار رئیس جمهور یوگسلاوی قرار دارد. در چنین شرایطی شکست مذاکرات صلح پاریس متوجه دولت بلگراد بود که در صورت عدم عقب نشینی صربها از مواضع رسمی اعلام شده خود تا روز شنبه ۲۰ فوریه ۱۹۹۹ فشار بر آنها تشدید می‌گردید. همزمان تلاشهای دیپلماتیک گسترده‌تری طی روزهای باقیمانده کنفرانس صلح جریان گرفت. آمریکا و ارتش آزادیبخش کوزوو بیش از دیگران علاقمند بودند تا از این فرصت طلایی به منظور ضربه زدن به میلوشوویچ نهایت بهره برداری را به عمل آورند. اروپا نیز در وضعیتی قرار گرفته بود که عدم موفقیت مذاکرات صلح رامبویه یک شکست برای آن تلقی می‌گردید، فلذا در چنین شرایطی بلگراد تحت یک فشار سیاسی و نظامی مضاعفی قرار گرفت که امتناع از پذیرش تقاضای غرب توسط بلگراد عواقب دشواری را به دنبال می‌داشت. در این مقطع احتمال عملی شدن حمله نظامی علیه یوگسلاوی کمی دور از انتظار بود، زیرا تا پایان مهلت تعیین شده از سوی گروه تماس بین‌المللی، انجام یک سری تلاشهای منسجم سیاسی و دیپلماتیک در منطقه از سوی غرب و روسیه وجود داشت.

پس از دو هفته مذاکرات فشرده بین هیأت‌های آلبانی‌تبارهای کوزوو و صرب، طرفین درگیر نتوانستند پیرامون امضای یک سند نهائی به توافق برسند. فلذا گفتگوهای صلح علیرغم تهدیدات اولیه ناتو به لحاظ برخی ملاحظات همچون عدم موفقیت راهکار نظامی در حل و

1- Franc Press, 18 February 1999.

فصل بحران و نیز تلاش جامعه بین‌المللی به منظور ممانعت از شکست کنفرانس صلح و حفظ اعتبار قدرتهای بزرگ، تا روز سه شنبه ۲۳ فوریه ۱۹۹۹ تمدید گردید. گروه تماس در پایان نشست فوق العاده خود پس از اتمام مهلت تعیین شده، با صدور بیانیه‌ای بر استمرار گفتگوها بنا به درخواست طرفین درگیر و نیز وجود روزنه‌های امیدبخش برای دستیابی به یک توافق صلح تأکید نمود.^۱

از عوامل مهم تمدید سه روزه گفتگوهای صلح کوزوو می‌توان به اختلاف نظر روسیه با دیگر کشورهای عضو گروه تماس در خصوص استقرار نیروهای بین‌المللی در کوزوو، سرسختی بلگراد در پذیرش نیروهای خارجی در خاک خویش و نیز اصرار هیأت آلبانی‌تباران در برگزاری همه پرسی پس از پایان دوره انتقالی سه ساله به منظور کسب استقلال اشاره کرد. اما دشوارترین و مشکل‌ترین محور مذاکرات رامبویه استقرار نیروهای بین‌المللی (ناتو) به منظور نظارت بر اجرای توافقات بعمل آمده بود. برای خروج از این بن بست خانم آلبرایت با میلوشوویچ تماس تلفنی برقرار و کریستوفر هیل نماینده ایالات متحده آمریکا در مذاکرات صلح کوزوو به اتفاق نمایندگان فرانسه و انگلیس در بلگراد به مدت چهار ساعت با میلوشوویچ به مذاکره نشستند. رئیس جمهوری یوگسلاوی بر مواضع دولت بلگراد در عدم پذیرش نیروهای خارجی در خاک خود تأکید نمود. کریستوفر هیل برای بار دوم عازم بلگراد شد اما میلوشوویچ از پذیرش وی امتناع ورزید.^۲ در این برهه همچنین تلاشهای دیپلماتیک گسترده‌ای برای خروج از این بن‌بست صورت پذیرفت که عمده‌ترین آنها عبارتند از:

- ژاک شیراک و بیل کلینتون روسای جمهور فرانسه و آمریکا در یک تماس تلفنی ضمن تأکید بر حضور نیروهای بین‌المللی در کوزوو بعنوان ضامن اجرای موافقنامه صلح، توافق نمودند مشترکاً نه هزار نیرو به ایالت کوزوو اعزام دارند. همچنین انگلیس، آلمان، ایتالیا و چندین کشور دیگر عضو ناتو آمادگی خود را برای اعزام نیرو به خاک یوگسلاوی اعلام داشتند.

۱- خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، ایرنا، تاریخ ۱۳۷۷/۱۲/۲.

2- France Press, 19 February 1999.

- پریماکف نخست وزیر وقت روسیه با تونی بلر همتای انگلیسی خود پیرامون بحران کوزوو گفتگوی تلفنی بعمل آورد. وی در این خصوص گفت، حل و فصل منازعه کوزوو بایستی با تصویب دولت یوگسلاوی و شورای امنیت صورت پذیرد.

- نخست وزیر ایتالیا طی یک تماس تلفنی با میلو شوویچ پیرامون استقرار نیروهای خارجی در خاک یوگسلاوی به منظور ضمانت در اجرای موافقتنامه صلح گفتگو نمود.

باتوجه به بن بست بوجود آمده در مذاکرات، اعضاء سفارتخانه‌های برخی از کشورهای غربی مقیم بلگراد از جمله سفارت آمریکا خاک یوگسلاوی را ترک کردند. اما نیروهای ناظر OSCE با وجود تهدیدات ناتو در کوزوو باقی ماندند. حضور این نیروها خود مبین این مهم بود که ناتو هنوز تصمیم قطعی برای حمله نظامی به یوگسلاوی اتخاذ ننمود، فلذا علیرغم این تهدیدات، تلاش سیاسی برای یافتن مکانیزم مورد قبول، ابعاد گسترده‌ای بخود گرفت.

مخالفت بلگراد با استقرار نیروهای خارجی در کوزوو، افزایش تلاش در جهت حفظ یکپارچگی در داخل گروه تماس بین‌المللی با توجه به مواضع روسیه و نیز نقش این کشور در متقاعد نمودن بلگراد به منظور خروج از بن بست مذاکرات صلح، وزرای خارجه گروه تماس را بر آن داشت تا در تحقق یک راه حل سیاسی بجای برخورد نظامی سریع تأکید داشته باشند. در این میان برخی از اعضای گروه تماس بویژه آمریکا تلاش داشتند با تشدید فشار بر هیأت کوزووئی آنان را متقاعد سازند تا از خواست غیرقابل دسترسی خویش یعنی «استقلال» کوزوو دست برداشته و به کسب خودمختاری اساسی تن در دهند. واشنگتن با این هدف که در صورت شکست مذاکرات صلح از سوی هیأت صرب به دلیل مخالفت آنان با استقرار نیروهای خارجی در خاک خود، از مشروعیت بین‌المللی برای بکارگیری حملات هوایی ناتو علیه یوگسلاوی برخوردار شود، هیأت آلبانی تباران را تحت فشار قرار داد.

موضوع ضمانت اجرای موافقتنامه صلح در کوزوو یکی از موضوعات اصلی مذاکرات رامبویه بود. در این خصوص آمریکا، اروپا و هیأت کوزووئی بر استقرار نیروهای خارجی در کوزوو تأکید داشتند، اما هیأت صرب در همان ابتدا شدیداً با حضور نیروهای ناتو در خاک خود

مخالفت می‌ورزید. تلاشهای دیپلماتیک همچنان نزد اعضای فعال گروه تماس غرب به خصوص، آمریکا، فرانسه، انگلیس و روسیه در رامبویه به منظور دستیابی به یک مکانیزم روشن ادامه یافت. جامعه بین‌المللی بر این نظر تأکید داشت که کلیه موضوعات اختلاف برانگیز بایستی قبل از ترک کنفرانس حل و فصل گردد، از منظر جناح غالب گروه تماس، این کنفرانس محکوم به موفقیت بود و موفقیت آن هم منوط به حضور نیروهای خارجی در خاک یوگسلاوی و پذیرش اصل اعطای خودمختاری اساسی به آلبانی تبارهای کوزوو بود. لکن اختلافات موجود بین روسیه و سایر اعضای گروه تماس بر سر استقرار نیروهای خارجی در کوزوو همچنان بر روند مذاکرات سایه افکنده بود. به هر صورت از منظر غرب و آلبانی تبارها حضور طرف سوم به منظور تضمین اجرای توافقات بعمل آمده، امری بود اجتناب‌ناپذیر و پافشاری بلغراد تنها منجر به طولانی‌تر شدن مذاکرات می‌گردید. در واقع حیثیت و اعتبار بازیگران بین‌المللی با نتایج کنفرانس صلح گروه خورده بود و این کنفرانس دو راه در پیش روی داشت موفقیت یا جنگ و گوشمالی طرف خاطی.

پایان بی نتیجه دور اول گفتگوهای صلح رامبویه

با وجود تمدید سه روزه مذاکرات دور اول، بلحاظ وجود اختلافات متعدد و لاینحل بین طرفین مذاکره کننده از یک سو و جامعه بین‌المللی با صربها در خصوص حضور نیروهای بین‌المللی حافظ صلح در کوزوو از سوی دیگر، بنیان کنفرانس را بر آن داشت تا با اعلام یک تنفس بیست روزه، مذاکرات را تا ۱۵ مارس ۱۹۹۹ به تأخیر اندازند. (مدت مذاکرات دور دوم یک هفته تعیین گردید). طی این بیست روز هیاتهای مذاکره کننده فرصت می‌یافتند با رهبران خویش مشورت نمایند تا در روز ۱۵ مارس ۱۹۹۹ در رامبویه گرد هم آیند و در صورت توافق موافقتنامه نهائی را امضاء نمایند.

گروه تماس بین‌المللی مبنای مذاکرات را طرح ده ماده‌ای قرارداد و طرفین مذاکره کننده را تحت فشار گذاشت تا با آن موافقت نمایند، در این طرح صلح به حفظ تمامیت ارضی

یوگسلاوی تأکید اما به استقلال و یا حق تعیین سرنوشت آلبانی تبارها پس از طی سه سال دوره انتقالی اشاره‌ای نگردید. آلبانی تبارها بویژه اعضاء KLA بعزت عدم تحقق خواست اساسی شان در کسب استقلال کوزوو با این طرح مخالفت کردند، اما هیات صربها از نگرش طرح بر حفظ تمامیت ارضی یوگسلاوی استقبال نموده و برای امضاء یک موافقتنامه سیاسی آماده‌تر از آلبانی تبارها بودند. تنها نقطه مشترک طرفین مذاکره کننده در طرح ده ماده‌ای توافق پیرامون یک دوره سه ساله انتقالی بود، اما از آنجائیکه آلبانی تباران بصورت تاکتیکی و بمدت سه سال از استقلال کوزوو دست می‌کشیدند، در خصوص فردای پس از دوره انتقالی بر برگزاری فرماندوم برای تعیین سرنوشت تأکید داشتند. گروه تماس برای نزدیک نمودن دیدگاه طرفین مذاکره کننده پیشنهاد نمود با خاتمه دوره انتقالی در خصوص آینده اداره کوزوو بحث و گفتگو صورت گیرد. هیأت صرب با هدف افزایش فشار بر تحرکات سیاسی آلبانی تباران، سعی کرد از ابتداء موضوع نفی استقلال را نهائی و ابدی سازد. موضوع دیگر مورد اختلاف خلع سلاح آلبانی تباران پس از توافقات بعمل آمده بود که ارتش آزادیبخش کوزوو بشدت با این امر مخالفت ورزید این موضوع به عمیق‌تر شدن شکاف در جبهه آلبانی تبارها منجر گردید.

همانطوریکه پیشتر بحث شد یکی از مشکلات هیأت صرب در رامبویه حضور نیروهای بین‌المللی حافظ صلح در کوزوو بود. از آنجا که رهبران بلغراد قبل از اعزام هیات به رامبویه پیش بینی کرده بودند که با چنین سناریوئی روبرو خواهند شد، روسای جمهور یوگسلاوی و صربستان، نمایندگان مجلس صربستان و دیگر مقامات این کشور با حضور نیروهای خارجی در خاک خویش بشدت مخالفت ورزیدند. این مخالفتها منجر به واکنش جدی جامعه بین‌المللی بویژه آمریکا و دبیرکل ناتو گردید. صربها که با انتظار از حمایت همه جانبه روسیه بشدت بر مواضع خویش اصرار می‌ورزیدند، آخرالامر با این موضع روسها روبرو شدند که «هر نوع حضور نظامی در کوزوو بشرط موافقت بلغراد بلامانع است.» این موضع‌گیری روسیه، بلغراد را در شرایط دشوارتری قرار داد و ناچاراً دولت یوگسلاوی می‌بایستی از بین حضور ناتو یا شکست مذاکرات صلح که خود به معنی آغاز حملات ناتو بود، یکی را انتخاب

می‌کرد، ولی نیاز ناتو به حضور در بالکان و سرسختی آمریکا بر حضور ناتو در بالکان، (خصوصاً در آستانه اجلاس واشنگتن به مناسبت پنجاهمین سالگرد تأسیس ناتو) و ضعف مسکو در حمایت از بلغراد، صربها را در شرایط فوق العاده دشوارتری در تصمیم‌گیری قرار داد.

اوضاع منطقه و وضعیت هیاتها قبل از شروع دور دوم گفتگوها

دور دوم مذاکرات صلح در حالی شروع شد که هیات آلبانی‌تبارها با فشار و تلاش آمریکا با پوسته‌ای بظاهر واحد و با سه‌گرایش متفاوت به رامبویه قدم نهاد:

الف: ارتش آزادیبخش کوزوو (KLA) حامی جنگ مسلحانه بوده حتی آدم دماچی رهبر شاخه سیاسی آن که با شرکت در مذاکرات رامبویه بشدت مخالفت می‌ورزید و حاضر نشد در این اجلاس شرکت نماید، آخر الامر از مقام خویش کناره‌گیری کرد. با حذف دماچی که در همان ابتداء رامبویه را شکست خورده میخواند، هاشم تاچی رهبر جوان ارتش آزادیبخش با حمایت آشکار آمریکا هدایت نیروهای خویش را در دو جبهه سیاسی و نظامی بدست گرفت و موفق شد رهبری مذاکرات رامبویه را نیز بدست گیرد. پس از پایان دور اول مذاکرات صلح، کریستوفر هیل سفیر آمریکا در مقدونیه و نماینده این کشور در کنفرانس صلح رامبویه، در سفری به پرشتینا، از تاچی و پنج تن دیگر از اعضای اصلی ارتش آزادیبخش کوزوو برای یک دیدار رسمی از واشنگتن، دعوت بعمل آورد.^۱

ب: رجب چوسیا رهبر جنبش دمکراتیک از نرمی و انعطاف‌های ابراهیم روگوا خسته شده بود. حامیان او اکثراً از متمردين روگوا بودند که پارلمان و ریاست جمهوری کوزوو را برسمیت نمی‌شناختند و مخالف آن بودند آنها بیشتر به KLA گرایش داشتند.

ج: ابراهیم روگوا رئیس جمهور خودخوانده کوزوو (فردی میانه رو و مخالف حرکت مسلحانه)، در حالیکه توسط اکثر کشورها حمایت میشد با حرکت غیرمستقیم آمریکا تضعیف

۱- در این سفر فرماندهان نظامی و رهبران سیاسی ارتش آزادیبخش کوزوو بطور محرمانه عازم واشنگتن گردیدند. این افراد عبارت بودند از هاشم تاچی، یعقوب کراسنیچی، رامبویا باشکی، نشاری، راموش و زراپی.

گردید، بطوریکه علیرغم عنوان خود، ریاست هیات کوزوو را در کنفرانس صلح بعهده نداشت و KIA رهبری هیات را از آن خود کرده بود.

با گذشت ۱۷ روز از کنفرانس صلح، اختلاف موجود در هیات آلبانی تبار به شدت افزایش یافت بطوریکه هیات آلبانیایی در پایان نشست حتی حاضر نشدند به همراه هم اجلاس رامبویه را ترک کنند. جالب توجه آنکه در بعضی امور چون خلع سلاح، روگوا موافق این امر بوده، اما KLA به شدت با آن مخالفت می‌ورزید که این مسأله خود نیز از نقاط افتراق و بن بست مذاکرات بوده است. متقابلاً میلوشوویچ با همبستگی و اتحاد تمامی نیروهای سیاسی مؤثر صرب (شرکت وک دراشکوویچ غربگرا رهبر جنبش احیاء صربستان و ویسلاوششل ناسیونالیست رهبر حزب رادیکال صربستان در دولت صربستان و یوگسلاوی) و با تکیه بر ملی‌گرایی صربی و اینکه اجازه جدایی یک وجب از خاک خود را نخواهیم داد و نیز با توجه به شناختی که از جو حاکم بر این نوع مذاکرات داشت، از فرصتهای بوجود آمده بهره‌برداری لازم را بعمل آورد. میلوشوویچ پس از چند روز مذاکره هیأت صرب به این نتیجه رسید که میلوئتینوویچ رئیس جمهور صربستان را روانه پاریس نماید. وی با علم به افتراق آلبانی تباران اجازه کمترین خللی در هیات خود را نداد. علیرغم آنکه تمامی تصمیمات با نظر شخص وی گرفته میشد، ولی هنگامیکه هیل نماینده آمریکا در اجلاس رامبویه برای دومین بار، بخاطر سرسختی صربها و به منظور خروج کنفرانس از بن بست، جهت گفتگو به بلگراد عزیمت کرد، جسورانه از پذیرش وی امتناع ورزید و گفت هیات صرب در پاریس است و هر مطلبی را باید با آنها در میان گذاشت. امری که عصبانیت شدید آمریکا را در پی داشت.

گروه تماس بین‌المللی، پیمان آتلانتیک شمالی ناتو و بیش از همه آمریکائیان، پیوسته هر دو طرف (و البته بیشتر صربها) را تهدید میکردند که اگر مذاکرات به بن بست منتهی گردد، ناتو سرعت مواضع آنها را مورد حمله قرار خواهد داد. حضور ۲۰۰۰ نیروی OSCE در کوزوو، ترس کشورهای همسایه از واگذاری پایگاه برای حمله ناتو به یوگسلاوی و نگرانی آنها از تزیاید تنش در بالکان، استقرار نیروهای ناتو (و خصوصاً آمریکائیان) در بوسنی و آسیب‌پذیر بودن آنها

از حمله صربهای افراطی، مخالفت شدید روسیه و چین با حمله ناتو به یوگسلاوی و نهایتاً عدم مشروعیت حمله توسط سازمان ملل متحد بنوعی که هیچکدام از قطعنامه‌های شورای امنیت بهانه حمله را به ناتو نمی‌داد، از جمله دلایلی بودند که در این مرحله امکان حمله ناتو به یوگسلاوی را ضعیف کرده بود. معذک عواملی برای ترغیب ناتو به حمله نظامی نیز وجود داشت که رهبران بلگراد توجه چندانی به آن نداشتند. این عوامل عبارتند بودند از:

۱- آمریکا در آستانه پنجاهمین سالگرد تأسیس ناتو و اجلاس واشنگتن نیازمند دلیلی درخشان برای تداوم حیات و اخذ سه عضو جدید (جمهوری چک، مجارستان و لهستان) برای آن سازمان بوده است،

۲- سیاست آمریکا تضعیف بیش از پیش یوگسلاوی بعنوان تنها مخالف سلطه آمریکا در اروپا بود. یوگسلاوی تنها کشور اروپایی بود که برای عضویت در ناتو تقاضا بعمل نیاورده و حتی در طرح مشارکت برای صلح هم عضویت نداشت و در عین حال دارای ارتشی مقتدر در منطقه بود،

۳- شکست سیاسی روانی حادث شده پس از حمله ناموفق آمریکا و انگلیس به عراق، خصوصاً در آستانه اجلاس واشنگتن نیازمند ترمیم بود.

پر واضح است که ارتش آزادبخش کوزوو موضع آسیب پذیری نداشت و هدف اصلی تهدیدات شدید ناتو (در صورت بن بست مذاکرات) متوجه یوگسلاوی بود. با این وجود آمریکائیان تلاش فراوانی نمودند تا توپ را از میدان آلبانی تباران خارج و به میدان صربها بیندازند تا بهانه حمله به یوگسلاوی را پیدا کنند. مسئله‌ای که جیمز روبین سخنگوی وزارت خارجه آمریکا صراحتاً و علناً بدان اقرار کرد. معذک سرسختی آلبانی تباران خصوصاً اصرار آنها بر لزوم برقراری فراندوم استقلال، پس از سه سال دوره انتقالی موقت، آنها را با مشکلاتی روبرو ساخت. در این مقطع برخی از اعضاء گروه تماس بین‌المللی نظیر ایتالیا، فرانسه و روسیه مخالف استفاده از قوه قهریه بودند.

پس از توقف مذاکرات، طرفین احساس کردند که نیازمند ایجاد درگیرهائی پراکنده در

کوزوو می‌باشند. به همین جهت آلبانی تباران عمدتاً بخاطر نهادینه کردن موضعشان مبنی بر لزوم حضور ناتو در دوره سه ساله انتقالی و صربها نیز بخاطر قلع و قمع بیشتر آلبانی تباران و داشتن دست برتر در مذاکرات نهائی درگیری‌هایی را در کوزوو بوجود آوردند. همچنین آلبانی تبارها بلافاصله پس از بازگشت از رامبویه سرگرم تشکیل دولت شدند که این امر بر اختلافات آنها افزود. دولت آلبانی نیز برای اولین بار بطور مؤثر درگیر مسئله کوزوو گردید و علیرغم مخالفت صربها هیائی ناظر بر رامبویه اعزام نمود. پس از سقوط سالی بریسا رئیس جمهور سابق آلبانی، رابطه کوزوو و آلبانی بشدت تیره شده بود، ولی پس از تغییر دولت آلبانی و حضور مایکو در راس دولت تیرانا، این روابط بهبود یافت و مواضع حمایتی آلبانی از کوزوو فزونی یافت. علیرغم ایده تاریخی تشکیل آلبانی بزرگ، رقابت‌های عمیق و جدی بین آلبانی و کوزوو وجود داشته و دارد.

در صحنه داخلی یوگسلاوی در این مقطع نقش ویسلاو ششل رهبر ناسیونالیست حزب رادیکال صربستان و معاون نخست وزیر صربستان قابل توجه بود. وی که فردی افراطی است با مشارکت در دولت صربستان بعنوان یکی از مهره‌های میلوشوویچ نقش خوبی بازی میکرد فلذا وی در آن برهه از زمان که تهدید استفاده از قوه قهریه ناتو علیه یوگسلاوی قوت گرفته بود، هشدار داد هرگاه حمله ناتو به یوگسلاوی صورت گیرد، یک نفر آلبانی تبار زنده نخواهد ماند. وی همچنین کشورهای همسایه یوگسلاوی بویژه مقدونیه را تهدید نمود در صورت همکاری با ناتو در حمله به یوگسلاوی، مورد حمله ارتش قدرتمند یوگسلاوی قرار خواهند گرفت.

دور دوم گفتگوهای صلح و نتایج آن

دور اول گفتگوهای هفده روزه صلح کوزوو در رامبویه بدون دستیابی به نتیجه نهائی و ملموس بطور موقت بکار خویش پایان داد. بانیان این دور از گفتگوها که نسبتاً از وفاق قابل قبولی برخوردار بودند، به هنگام پایان گفتگوها به طرفین مذاکره کننده بیست روز فرصت دادند تا نسبت به مسائل لاینحل با مقامات خویش رایزنی نموده و برای امضاء موافقتنامه نهائی

مجدداً به پاریس بازگردند. بانیان این نشست انتظار داشتند با تلاشهای دیپلماتیک خویش بتوانند طرفین مذاکره کننده را وادار به انعطاف در مواضعشان نمایند و در پایان دور دوم گفتگوها موافقتنامه نهائی امضاء شود. اگرچه آلبانی تبارها موافقت خویش را برای امضاء موافقتنامه اعلام داشتند، اما صربها کماکان بر مواضع خویش مبنی بر عدم پذیرش نیروهای نظامی ناتو در خاک خود پافشاری می‌ورزیدند. دور دوم مذاکرات در ۱۵ مارس ۱۹۹۹ با حضور میانجی گران گروه تماس بین‌المللی در پاریس از سرگرفته شد. وضعیت بحران و جو حاکم بر این دور از گفتگوها را میتوان به شرح ذیل تشریح نمود:

- ۱- پس از خاتمه دور اول مذاکرات تا شروع دور دوم آن درگیریهای پراکنده‌ای بین نیروهای صرب و ارتش آزادیبخش کوزوو گزارش گردید،
- ۲- آمریکا قبل از شروع دور دوم مذاکرات و در راستای یکپارچه نمودن جناح آلبانی تباران به خصوص حذف عناصر رادیکال و تندرو (استعفای آدم دماچی رهبر سیاسی (KLA) برخی از رهبران ارتش آزادیبخش را به واشنگتن دعوت کرد،
- ۳- هیات آلبانی تبار کوزوو تمایل خویش را به امضاء طرح صلح گروه تماس اعلام داشت. برخی از رهبران آلبانی تباران اظهار داشتند که قرارداد صلح را امضاء خواهند نمود و سپس در ارتباط با اجرای آن بحث خواهند کرد. هاشم تاجی رئیس هیات آلبانی تبار در رامبویه قبل از شروع دور دوم گفتگوها گفت، ارتش آزادیبخش در داخل خود به توافق رسید تا طرح صلح را بپذیرد. وی در عین حال گفت ما جواب قطعی را در پاریس خواهیم داد. همچنین هدایت حسینی یکی از اعضای هیات آلبانی تبار گفت بدون حضور ناتو، هیات آلبانی تبار قرارداد صلح را امضا نخواهند کرد،
- ۴- میلوشوویچ همچنان نسبت به حضور نیروهای چند ملیتی در خاک کشورش مخالفت می‌ورزید. وی در دیدار هشت ساعته با هولبروک بار دیگر مخالفت خویش را با حضور ناتو اعلام داشت. راتکو مارکوویچ (معاون اول نخست وزیر صربستان و رئیس هیات صرب در رامبویه) گفت دخالت نیروهای خارجی در کوزوو را به عنوان یک دشمن تلقی می‌کنیم.

هرگاه توافق سیاسی حاصل شود صربها به تنهایی می‌توانند ضامن اجرای آن باشند. وی در ادامه افزود نیروهای خارجی تنها زمانی میتوانند وارد کوزوو شوند که صربستان هیچ حاکمیتی بر کوزوو نداشته باشد، اما از آنجائی که صربستان دارای حاکمیت سیاسی مستقلی است، این اقدام تنها از طریق دعوت صورت خواهد گرفت،

۵- طی این مدت علاوه بر دیدار هولبروک - میلوشوویچ، وزاری خارجه روسیه و یونان در بلگراد با رئیس جمهوری یوگسلاوی دیدار و گفتگو نمودند. وزیر خارجه روسیه با همتایان خود در کشورهای عضو گروه تماس بین‌المللی ارتباط تلفنی برقرار کرد و آخرین نتایج گفتگوهایش با میلوشوویچ را تشریح کرد،

۶- مدیران کل وزارت امور خارجه شش کشور گروه تماس بین‌المللی در ۱۳ مارس ۱۹۹۹ در پاریس پیرامون آخرین تحولات بالکان به بحث و گفتگو نشستند،

۷- وزیر خارجه آمریکا هشدار داد گزارشات تشویق کننده‌ای از بلگراد به گوش نمی‌رسد. خانم آلبرایت پیرامون مخالفت میلوشوویچ با حضور نیروهای چند ملیتی در کوزوو گفت که هیچ راهی در اجرای سند سیاسی بدون داشتن نیروهای اجرائی وجود ندارد. کاخ سفید بر این عقیده بود که رئیس جمهور یوگسلاوی نمی‌تواند واکنش ناتو را نادیده انگارد،

۸- خاویر سولانا دبیرکل وقت ناتو اظهار داشت که ما نمی‌توانیم اجازه دهیم که یک فاجعه بشری دیگر در کوزوو رخ دهد، هرگاه هیات صرب عامل شکست امضای موافقتنامه صلح باشد، میلوشوویچ می‌داند که چه عواقبی در انتظار اوست. تداوم گفتگوهای صلح در پاریس آخرین فرصت در ممانعت از بکارگیری حملات ناتو می‌باشد. همچنین ویسلی کلارک فرمانده عالی ناتو در اروپا گفت اکنون ما در موقعیت بسیار خطرناکی قرار داریم،

۹- اتحادیه اروپائی در نشست خود در الت ویله^۱ آلمان، خواستار تحقق موافقتنامه صلح کوزوو گردید. این اتحادیه اعلام آمادگی نمود در صورت امضای قرارداد صلح یک کمک ۳۵۰ میلیون دلاری در اختیار کوزوو قرار دهد،

۱۰- وزیر خارجه انگلیس با طولانی شدن دور دوم گفتگوهای صلح مخالفت نموده و افزود دلیلی وجود ندارد که این مذاکرات طولانی باشد. وی هشدار داد اگر صربها با حضور ناتو موافقت ننمایند بایست منتظر عواقب دشوار آن باشند،

۱۱- دولت تیرانا که صاحب نفوذ نسبی در بین اعضای ارتش آزادیبخش کوزوو بود با صدور بیانیهای از هیات آلبانی تباران کوزوو خواست در پاریس موافقتنامه صلح را امضا نمایند.

در طول دور دوم مذاکرات، صربها بر مخالفت خود با حضور نیروهای خارجی در خاک خود تأکید و اصرار ورزیدند. حتی در این خصوص رهبران صرب سعی نمودند با استفاده بهینه از احزاب، گروهها و افکار عمومی داخلی به نحو مقتضی مسئله حضور نیروهای بیگانه در سرزمین خویش را بعنوان یک مسئله ملی و حیثیتی مطرح نمایند. اتخاذ چنین موضعی قطعاً موقعیت این کشور را بشدت تضعیف می نمود. برخی کارشناسان مسائل بالکان از همان زمان بر این باور بودند که میلوشوویچ نهایتاً در آخرین لحظات حضور نیروهای خارجی در خاک خود را خواهد پذیرفت زیرا میلوشوویچ نمی تواند در قبال فشار یکپارچه جامعه جهانی بیش از این مقاومت نماید. آنها با توجه به شناختی که از شخصیت میلوشوویچ بویژه در دوران بحران بوسنی - هرزگووین داشتند براین عقیده بودند که رئیس جمهور یوگسلاوی تلاش دارد با اتخاذ چنین سیاستی امتیازات بیشتری از جمله تقلیل تعداد نیروهای بین‌المللی در کوزوو، لغو تحریمهای اقتصادی، بازگشت به مجامع بین‌المللی و خانواده جامعه جهانی و... کسب نماید.

واشنگتن با فشار به ارتش آزادیبخش و تلطیف مواضع آنان پیرامون کسب استقلال و پذیرش خودمختاری در چارچوب تمامیت ارضی یوگسلاوی می کوشید بن بست مذاکرات را متوجه صربها سازد. در یک چنین شرایطی فشار جامعه بین‌المللی به سمت بلگراد هدایت می گردید و مشروعیت بین‌المللی حمله نظامی علیه یوگسلاوی تا حدودی کسب می شد. آمریکا بیش از سایر اعضای اروپائی گروه تماس بر بکارگیری ابزار نظامی علیه بلگراد اصرار می ورزید.

دور دوم گفتگوهای صلح کوزوو در شرایطی از سرگرفته شد که بانیان آن از ناحیه

آلبانی تبارها تا حدودی آسوده خاطر و تنها به متقاعد نمودن صربها با استفاده از ابزارهای سیاسی در مرحله اول و نهایتاً تهدیدات نظامی بعنوان آخرین ابزار می‌اندیشدند. هیات آلبانی تبارها با پذیرش موافقتنامه صلح بهانه را از دست صربها خارج و عملاً آنها را در موضع انفعالی و ضعیف‌تری قرار داد. واشنگتن در اعلان موافقت هیات آلبانی تبارها با هدف فشار جامعه جهانی به صربها نقش اساسی ایفا نمود. در این خصوص رابین کوک وزیر خارجه انگلیس به بلگراد هشدار داد که موافقتنامه صلح را امضاء کند و نیروهای بین‌المللی حافظ صلح را بپذیرد. کوک گفت «اکنون با پذیرش طرح صلح از سوی آلبانی تبارها، ما خاکریز اول صربها را تسخیر نمودیم».

در چنین شرایطی بلگراد که کماکان بر مواضع خویش پافشاری می‌ورزید، در وضعیتی بسر می‌برد که دو راه در پیش رو داشت:

- ۱- با کسب امتیازات سیاسی، نظامی و اقتصادی از جامعه بین‌المللی، نسبت به پذیرش نیروهای نظامی در کوزوو موافقت می‌نمود.
 - ۲- کماکان بر مواضع خویش مبنی بر عدم پذیرش نیروهای بین‌المللی در خاک خویش اصرار ورزد و با حملات نظامی ناتو روبرو شود.
- جامعه بین‌المللی که در دور اول گفتگوها با طرفین مذاکره‌کننده مشکل داشت این بار از ناحیه آلبانی تبارها مشکل اساسی احساس نمی‌کرد، فلذا در موضع بهتری قرار داشت. اما اکثر کشورهای گروه تماس بویژه اروپائیان بر این باور بودند که حتی الامکان بایستی با استفاده از ابزارهای سیاسی و دیپلماتیک طرف صرب را متقاعد نمایند تا حتی المقدور نسبت به استفاده از قوه قهریه اجتناب گردد. جامعه جهانی نیز در چنین شرایطی سه راه در پیش رو داشت:
- ۱- با استفاده از ابزارهای سیاسی به تلاشهای خویش ادامه داده و نهایتاً صربها را متقاعد سازند. در این صورت می‌بایستی مذاکرات را مجدداً تمدید می‌کردند.
 - ۲- با حمله نظامی صربها را وادار به پذیرش درخواست خویش نمایند.
 - ۳- تن به شکست مذاکرات داده و یا برای یک دوره دیگر آنها را به تعویق اندازند.

فصل پنجم

شکست گفتگوها، آغاز تهاجم ناتو

شکست مذاکرات

زمان تعیین شده برای دور دوم مذاکرات رامبویه به پایان خویش نزدیک می‌شد و صربها کماکان بر مواضعشان مبنی بر عدم پذیرش نیروهای خارجی در خاک خود اصرار می‌ورزیدند. هیاتها پاریس را ترک نمودند و جامعه بین‌المللی برای بلگراد ضرب الاجل تعیین کرد. در این لحظات نفس گیر ریچارد هولبروک معمار موافقتنامه دیتون باتوجه به شناختی که از شخصیت میلوشوویچ داشت وارد بلگراد شد تا بلکه بتواند این مرد سرسخت را متقاعد و از عواقب بد آینده این تصمیم مطلع سازد. دو دور مذاکرات هولبروک نیز نتوانست کوچکترین نرمشی در مواضع بلگراد بوجود آورد. در آخرین دور مذاکرات که صبح روز سه شنبه بیست و سوم مارس ۱۹۹۹ بین هولبروک و میلوشوویچ صورت پذیرفت هولبروک گفت: مایلیم درباره این موضوع (پذیرش موافقتنامه صلح رامبویه) دوباره بحث کنم. یقیناً شما موقعیت ما را درک می‌کنید؟»

میلوشوویچ پاسخ داد: بله. هولبروک ادامه داد: آیا به طور مطلق، واضح و مسلم هست وقتی که ما یکدیگر را ترک کنیم با توجه به موقعیت شما چه روی خواهد داد؟ میلوشوویچ گفت: «بله شما یک کشور بزرگ و نیرومند هستید. شما می‌توانید اگر مایل بودید ما را بمباران کنید.» هولبروک با ناباوری به میلوشوویچ خیره شد و سپس از جا برخاست. در این لحظه میلوشوویچ پرسید: آیا باز هم شما را خواهیم دید؟ هولبروک در حالیکه کوشید لحن صدای خویش را تغییر ندهد پاسخ داد: چنین چیزی به اعمال شما بستگی دارد^۱.

1- Into The Fire, Bruce W Nelan, TIME, 5 April 1999.

سرانجام ضرب الاجل تعیین شده به پایان رسید و هولبروک نیز دست خالی از طریق مجارستان به بروکسل عزیمت کرد. حرکت فرستاده آمریکا به سوی بروکسل (مقر ناتو) مویده این امر بود که ناتو در نظر داشت از حیثیت خویش بطور جدی دفاع نماید. در این هنگام نیروهای ناظر OSCE و همچنین کارکنان سفارتخانه‌های برخی از کشورهای غربی خاک یوگسلاوی را ترک کرده بودند و شامگاه روز بیست و چهارم مارس ۱۹۹۹ برابر با چهارم فروردین ۱۳۷۸ حملات هوایی و موشکی ناتو علیه یوگسلاوی موسوم به «نیروی مصمم» بدون کسب مجوز شورای امنیت سازمان ملل و به منظور حل و فصل قهرآمیز بحران کوزوو آغاز شد.

دبیرکل ناتو اعلام داشت تا قبول همه‌جانبه شرایط جامعه بین‌المللی، بمباران ناتو علیه یوگسلاوی ادامه خواهد یافت و هیچ عاملی مانع از اجرای آن نخواهد شد. این شرایط عبارتند از:

- ۱- توقف کلیه عملیات نظامی و کشتار غیرنظامیان،
- ۲- عقب نشینی نیروهای نظامی، پلیس و شبه نظامیان صرب از ایالت کوزوو،
- ۳- استقرار یک نیروی ناظر بین‌المللی در کوزوو،
- ۴- بازگشت کلیه آوارگان به کوزوو،
- ۵- ایجاد یک چارچوب سیاسی برای منطقه کوزوو براساس توافقات رامبویه،

آغاز حملات ناتو

با شکست گفتگوهای صلح بعثت مخالفت اسلوبودان میلوشویچ رئیس جمهور یوگسلاوی در پذیرش استقرار حدود سی هزار نیروی نظامی خارجی در کوزوو، هولبروک فرستاده ویژه آمریکا سعی کرد با شیوه دیپلماسی تهدید رئیس جمهوری یوگسلاوی را متقاعد به قبول مفاد پیشنهادی موافقتنامه صلح نماید. دو دور مذاکره هولبروک با میلوشویچ و هشدار جدی فرستاده ویژه آمریکا در خصوص عواقب شکست مذاکرات رامبویه به وی، عملاً هیچ نتیجه‌ای نداشت. هولبروک پس از پایان دیدارش با اسلوبودان میلوشویچ گفت «ما در آستانه

اقدام نظامی قرار داریم». بیل کلینتون رئیس جمهور آمریکا نیز طی اظهاراتی گفت: هرگاه میلوشوویچ تمایلی به برقراری صلح (در کوزوو) نداشته باشد، اکنون ناتو متحد و آماده اجرای هشدارهای خود می باشد. ما در صدد محدود نمودن توانایی های میلوشوویچ در جنگ علیه آلبانی تبارها می باشیم^۱ کن بیکن سخنگوی پنتاگون روز سه شنبه بیست و سوم مارس ۱۹۹۹ به خبرنگاران گفت: ما دارای طرحهای سریع و سخت حملات هوایی می باشیم. ما بر این باوریم که این اقدام (حملات هوایی ناتو) برای صربها بسیار دردناک و دشوار خواهد بود.^۲

در شرایطی که دولت بلگراد به مخالفت خویش با حضور نیروهای بین المللی در خاک خود اصرار می ورزید و تأکید داشت که بدون استقرار این نیروها میتواند ضامن بقا و حفظ موافقتنامه صلح کوزوو باشد، گردانندگان کنفرانس صلح رامبویه رهبران بلگراد را به شکست گفتگوهای صلح پاریس متهم نمودند. هنگامی که میلوشوویچ از امضای پیمان رامبویه از جمله حق خودمختاری کوزوویی ها، عقب نشینی نیروهای صرب و نیز انجام مذاکرات نهائی پس از سه سال موافقت کرد اما نسبت به استقرار نیروهای بین المللی در کوزوو مخالفت نمود، همین امر بهانه لازم برای دخالت ناتو علیه یوگسلاوی را فراهم کرد. بعدها اسلوبودان میلوشوویچ پیرامون مذاکرات رامبویه اعلام داشت «رامبویه مذاکره نبود، دیکته دولت کلینتون بود... رامبویه برنامه هایی برای استقلال کوزوو بود که ما قادر به پذیرش آن نبودیم.» به هر حال رهبران بلگراد در شرایط ویژه ای قرار گرفته بودند که مجبور شدند با توجه به شرایط داخلی، منطقه ای و بین المللی بین قبول حضور بیگانگان در خاک خود و تحمل بمبارانها یکی را انتخاب کنند. در این خصوص برخی کارشناسان به این نکته اشاره داشتند که چرا میلوشوویچ این پیمان را امضاء نکرد، بخصوص که آمریکا تهدید کرده بود اگر کوزووییها این پیمان را امضاء کنند و صربها آنرا نپذیرند، یوگسلاوی را بمباران خواهند کرد. آیا میلوشوویچ فکر می کرد که این تهدید یک بلوف است؟ بعید بنظر می رسد... شاید برای او (میلوشوویچ) قبول این پیمان با بمباران شدن فرقی نداشته است؟ یا شاید فکر می کرد که به هر صورت آمریکائیها می خواهند او را سرنگون کنند،

1- Reuters, 23 March 1999.

2- Ibid.

چه با پیمان چه با بمباران^۱».

این تحلیل نیز وجود داشت که میلوشوویچ بلحاظ افکار عمومی داخلی به این نتیجه رسیده بود که سازمان پیمان آتلانتیک شمالی به بهانه بحران کوزوو اصرار به استقرار نیروهای خود در سراسر یوگسلاوی دارد. لذا در شرایطی که نمی‌توان مانع حضور نیروهای ناتو در ایالت کوزوو شد شاید بتوان از حضور گسترده آنها در سایر نقاط یوگسلاوی ممانعت به عمل آورد. شاید به همین دلیل و سایر ملاحظات همچون عدم جدیت غرب در حمله به یوگسلاوی و نیز احتمال جانبداری همه جانبه روسیه از بلغراد پذیرای بمبارانهای ناتو گردید. در راستای این استدلال پس از انتشار مفاد پیمان رامبویه مشخص شد که ناتو اجازه داشت در سراسر خاک یوگسلاوی نیرو پیاده کند و در واقع این کشور را به اشغال خود در آورد. با آنکه مقامات رسمی کشورهای عضو ناتو پیوسته اعلام می‌کردند موضوع فقط خودمختاری کوزوو است که با استقرار نیروی صلح در آنجا تأمین می‌شود، اما براساس ضمیمه «ب» این پیمان تحت عنوان «وضعیت نیروی چند ملیتی مستقر در منطقه» به ناتو اجازه می‌داد که آزادانه نیروهای خود را در سراسر یوگسلاوی یعنی نه تنها در کوزوو، بلکه در صربستان و مونته‌نگرو هم نقل و انتقال دهد.^۲

به هر حال با شکست مذاکرات رامبویه^۳ ناتو زمینه لازم را برای آغاز حمله بدست آورد و سرانجام تهدیدات مقامات ناتو در شامگاه بیست و چهارم مارس ۱۹۹۹ برابر با چهارم فروردین ۱۳۷۸ جامه عمل به خود پوشید و هواپیماهای جنگی سازمان پیمان آتلانتیک شمالی به تهاجم هوایی و موشکی علیه جمهوری فدرال یوگسلاوی مبادرت ورزیدند.

۱- واقعه‌های جنگ کوزوو، ریشه‌درگیریها «گزارشی از شکل‌گیری بحران کوزوو و نقش آمریکا و ناتو در قبال آن، مسعود خرسند، صفحه ۳۰، مجله پیام امروز فروردین ۱۳۷۸.

۲- همان منبع - صفحه ۳۰

۳- یوگسلاوی پس از تحمل یازده هفته بمباران ناتو شرایط پنجگانه این سازمان به ویژه حضور نیروهای بین‌المللی در خاک خود را پذیرفت. در یک چنین شرایطی دیدگاههای متفاوتی بین کارشناسان بالکان در خصوص آنچه که میلوشوویچ می‌توانست در کنفرانس رامبویه بدست آورد ولی وی حاضر به تحمل جنگ ۷۸ روزه ناتو شد، وجود دارد که خود می‌تواند موضوع مستقلی باشد.

ارتش یوگسلاوی به تلافی حملات ناتو، به مناطق روستائی و شهری کوزوو حمله و تعدادی از آلبانی‌تبارها را به قتل رساند و با گروگانگیری گروه کثیری از آنها و استقرارشان در مراکز نظامی سعی داشت تا از آنها بعنوان سپر انسانی و ابزار بازدارنده برای حمله به این تأسیسات استفاده نماید. هدف میلوشوویچ از چنین اقداماتی، افزایش اعمال فشار بر کشورهای عضو ناتو بویژه اروپائیان بوده است.

وضعیت فوق‌العاده در یوگسلاوی

همزمان با آغاز تهاجم ناتو علیه یوگسلاوی، دولت بلغراد در سراسر کشور وضعیت جنگی اعلام کرد. مومیر بولاتوویچ^۱ نخست وزیر جمهوری فدرال یوگسلاوی طی بیانیه‌ای اعلام داشت «جمهوری فدرال یوگسلاوی در معرض یک تهدید از سوی ناتو قرار دارد که ناقض کلیه رویه‌های حقوق بین‌الملل می‌باشد و تهدید مستقیم و تجاوز علیه یک دولت مستقل می‌باشد»^۲. احزاب و گروههای سیاسی در صربستان با وجود تفاوت دیدگاههای شدید، اختلافات خود را در حد بسیار زیادی کنار گذاشتند و همگام با ماشین تبلیغاتی میلوشوویچ مردم را به مقاومت در برابر تهاجم بیگانگان فراخواندند. همزمان دولت از فضای موجود بهره برده و با بستن روزنامه‌های مستقل و اخراج روزنامه نگاران خارجی سعی در کنترل انتشار اخبار و تحولات جنگ نمود. کلیه کانالهای تلویزیونی کشور برنامه یکسان پخش کرده و احزاب مخالف مردم را جهت ارائه خون در بیمارستانها تشویق می‌نمودند. با وجود بکارگیری سیاست آهنین دولت بلغراد علیه احزاب و گروههای سیاسی معارض، برخی از مخالفین میلوشوویچ همچون زوران جنجیچ رهبر حزب دمکراتیک صربستان و شهردار سابق بلغراد اظهاراتی علیه رئیس جمهور یوگسلاوی ابراز داشته و تأکید نمودند هرگاه ناتو به عملیات خود ادامه دهد یوگسلاوی به کشوری به مانند عراق مبدل خواهد شد. وی همچنین افزود مردم یوگسلاوی از هرگونه اظهار نظر علیه میلوشوویچ در هراسند زیرا وی همه چیز را تحت کنترل خویش قرار داده است.

1- Momir Bulatovic.

2- Reuters, 23 March 1999.

دلایل ناتو در حمله به یوگسلاوی

حملات هوایی و موشکی ناتو علیه یوگسلاوی با تصمیم صرف این سازمان در تحمیل قرارداد صلح رامبویه آغاز گردید. این حمله که فاقد مجوز رسمی شورای امنیت سازمان ملل متحد بود واکنشهای متفاوتی در عرصه بین‌المللی برجای گذاشت که در جای خود به آن پرداخته می‌شود. بسیاری از کارشناسان مسائل بین‌المللی که به تجزیه و تحلیل این بحران پرداخته‌اند اعتقاد دارند حمله بدون مجوز شورای امنیت ناتو به یوگسلاوی سبب ایجاد رویه تازه در نظام بین‌الملل گردیده و موجبات نگرانی تعدادی از دولتها که دارای مشکل اقلیتها می‌باشند، را فراهم آورده است. در این بخش سعی میشود به طور خلاصه پیرامون نقطه نظرات غرب در توجیه حمله ناتو به یوگسلاوی و ادله حقوقی آن پرداخته شود که اهم آن به شرح زیر می‌باشد:

۱- توقف خشونت، دفاع از ارزشهای غرب

بیل کلینتون رئیس جمهوری آمریکا در توجیه حمله ناتو به یوگسلاوی گفت: این اقدام برای جلوگیری از جنگ بزرگ صورت گرفته است. با این اقدام ما از ارزشها و منافع خود دفاع کرده و برای پیشبرد صلح تلاش می‌کنیم^۱. رئیس جمهوری آمریکا در جای دیگر گفت: ما به دلایل زیادی دست به این تهاجم زده و این تهاجم را اقدامی معقول می‌دانیم. ناتو با این تهاجم از کشته شدن هزاران تن دیگر از مردم غیرنظامی و بی‌گناه کوزوو جلوگیری کرده و مانع از تهاجم گسترده صربها به کوزوو خواهد شد^۲.

ویسلی کلارک فرمانده ناتو گفت «هدف حملات هوایی متوقف ساختن خشونت در ایالت کوزوو و وادار ساختن میلوشوویچ به پذیرش طرح صلح بین‌المللی در کوزوو می‌باشد». وی افزود: این حملات در واقع سیاستهای سرکوبگرانه دولت یوگسلاوی را هدف قرار داده‌اند^۳.
تونی بلر نخست وزیر انگلستان در حمایت از حملات ناتو به یوگسلاوی گفت: هدف از

1- U.S Today, 23 March 1999.

۲- خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، ایرنا ۱۳۷۸/۰۱/۰۵

۳- همان منبع، ۱۳۷۸/۰۱/۰۵

حملات هوایی جاری در یوگسلاوی مقابله با توانائی رئیس جمهور اسلوبودان میلوشوویچ در سرکوب مردم کوزوو است.^۱

اوبر ودرین وزیر خارجه فرانسه طی سخنانی در نشست ملی حزب سوسیالیست این کشور گفت: هدف از مشارکت در عملیات بالکان جلوگیری از سرکوب، قتل و کشتار در این منطقه است وی افزود: ما معتقدیم که وضعیت کنونی، نحوه سرکوب، قتل و کشتارها و همچنین سوءقصدای تروریستی در این منطقه غیرقابل تحمل می‌باشند. کشورهای عضو ناتو می‌خواهند قبل از هر چیز ماشین سرکوب صربها را منهدم کنند و در عین حال بدنبال دستیابی به یک راه حل سیاسی هستند.^۲

ماساهیکو کومورا وزیر خارجه ژاپن در دیدار با توماس فولی سفیر آمریکا در توکیو گفت: حمله نظامی ناتو به یوگسلاوی برای پیشگیری از تهاجم ارتش این کشور به مردم کوزوو قابل درک است.^۳

۲- عدم پابندی میلوشوویچ به تعهدات بین‌المللی

بیل کلینتون رئیس جمهور آمریکا ضمن انتقاد از رئیس جمهوری یوگسلاوی وی را متهم به نقض تعهدات بین‌المللی نموده و گفت: میلوشوویچ به آنچه که خود در پاییز گذشته (موافقتنامه اکتبر ۱۹۹۸) به ناتو وعده داده بود که فشار بیشتری بر مردم کوزوو وارد نیاورد، پابندی نشان نداده است.^۴

تونی بلر نخست وزیر انگلیس نیز گفت: ما برای یافتن راه حل مسالمت‌آمیز تلاش زیادی کردیم به میلوشوویچ فرصت دادیم که خود را با تعهداتی که قبلاً در ماه اکتبر ۱۹۹۸ پذیرفته بود، سازگار کند.^۵

اوبر ودرین وزیر خارجه فرانسه نیز گفت: مسلماً میلوشوویچ رئیس جمهوری

۲- همان منبع، ۱۳۷۸/۰۱/۰۷

۴- همان منبع، ۱۳۷۸/۰۱/۰۵

۱- همان منبع.

۳- همان منبع.

۵- همان منبع.

یوگسلاوی می‌تواند از طریق همکاری با ما در چارچوب توافقیهای رامبویه هر لحظه به این حوادث خاتمه دهد.^۱»

۳- عدم تحقق راه حل مسالمت آمیز

بیل کلینتون رئیس جمهوری آمریکا در توجیه دخالت نظامی ناتو اظهار داشت «حداکثر تلاش خود را انجام داده‌ایم تا بحران کوزوو بطور صلح‌آمیز حل شود. این اولین بار نیست که با راه‌حلهای اینگونه‌ای روبرو شده‌ایم زیرا زمانی که میلوشوویچ هفت سال پیش (۱۹۹۲) جنگ را در بوسنی - هرزگوین شروع کرد دنیا به اندازه کافی برای متوقف کردن آن سرعت عمل نشان نداد. درسی که در بوسنی - هرزگوین آموختیم را درباره کوزوو بکار خواهیم گرفت، پیش از آنکه خیلی دیر شود.^۲» ژان کرتین نخست وزیر کانادا در توجیه حمایت از حملات ناتو گفت «ناتو هیچ راه دیگری جز اقدام سریع و قاطع علیه جمهوری فدرال یوگسلاوی نداشت.» وی افزود «دشمنی کنونی در بالکان دقیقاً همان چیزی است که ناتو به خاطر آن شکل گرفته است.^۳»

رابین کوک وزیر خارجه انگلستان با گذشت دو روز از حملات هوایی ناتو علیه یوگسلاوی در پارلمان این کشور حضور یافت و در مذاکرات شش ساعته با نمایندگان مجلس انگلیس در خصوص ضرورت آغاز حملات ناتو گفت: ناتو راه دیگری جز عملیات نظامی نداشت و این حملات هوایی تا زمانی که کشورهای عضو این پیمان به اهداف نظامی خود دست یابند، ادامه خواهد یافت.^۴»

۴- انگیزه بشر دوستانه

سازمان پیمان آتلانتیک شمالی با بهره‌گیری از ابعاد گسترده کشتار مردم بیدفاع کوزوو توسط ارتش صربستان انگیزه‌های بشر دوستانه با هدف توقف خشونت و کشتار دسته جمعی در

۱- همان منبع ۱۳۷۸/۰۱/۰۷.

۲- ایرنا مطبوعاتی ۱۳۷۸/۰۱/۰۴

۳- خبرگزاری جمهوری اسلامی ایرنا ۱۳۷۸/۰۱/۰۴

۴- همان منبع، ۱۳۷۸/۰۱/۰۶

این ایالت حملات خود علیه یوگسلاوی را آغاز کرد. ناتو در پی وقوع حادثه روستای راجاک و قتل عام مردم غیرنظامی آن، عملاً توانست افکار عمومی بین‌المللی را در جهت ضرورت اقدام بشردوستانه کسب نماید.

۵- مصوبات شورای امنیت و دیدگاه حقوقی آن

رهبران ناتو بخصوص مقامات آمریکائی و انگلیسی در استدلال ضرورت آغاز حملات ناتو علیه یوگسلاوی عمدتاً به انگیزه‌های انساندوستانه، رعایت و احترام به حقوق بشر استناد داشتند و کمتر علاقمند بودند دلایل حقوقی و قانونی این حملات را بیان نمایند. مقامات لندن در حمایت از حملات ناتو علیه بلگراد تأکید داشتند که یک اجماع بین‌المللی در شورای امنیت در حمله به یوگسلاوی بوجود آمد. زیرا تنها دولتهای مسکو و چین مخالف حملات ناتو بودند اما سایر اعضای دائم و غیردائم شورای امنیت سازمان ملل متحد موافق اقدام ناتو بودند و به نوعی یک اکثریت مطلق از آن حمایت و جانبداری می‌کرد. اگرچه قطعنامه‌های ۱۱۹۹ و ۱۲۰۶ شورای امنیت سازمان ملل متحد وضعیت کلی کوزوو را خطری علیه صلح و امنیت بین‌المللی می‌دانست، اما اقدام نظامی علیه بلگراد با تصویب شورای امنیت سازمان ملل متحد بلحاظ مخالفت‌های مسکو و پکن عملاً عقیم ماند. اما این استدلال نیز نزد حقوق دانان بین‌الملل اختلاف ایجاد کرد.

برخی کارشناسان حقوق بین‌الملل معتقد بودند حملات نظامی ناتو تمامیت ارضی یوگسلاوی را نقض نموده و ناقض قواعد حقوق بین‌الملل می‌باشد که توسل به زور را منع می‌کند، اما گروهی دیگر بر این باور بودند که این اقدام ناتو در راستای حفاظت از ارزشهای اساسی جامعه بین‌المللی بوده است. فلذا برخی کارشناسان حقوق بین‌الملل بر مفاد منشور سازمان ملل متحد تأکید داشته و عده‌ای دیگر نظام ارزشی بین‌المللی را مدنظر قرار می‌دادند. مطابق نظریه کارشناسان گروه اول، براساس بند دوم منشور سازمان ملل متحد نقض تمامیت ارضی و سیاسی کشورها ممنوع است. اما سازمان ملل متحد برای ممنوعیت توسل به زور دو

استثنا را پیش بینی کرده است یکی حق کشور برای دفاع از خود علیه حمله نظامی و دیگری اقدام شورای امنیت در خصوص اتخاذ تدابیری اجباری در صورت تهدید صلح جهانی. در رابطه با مورد اول باید گفت: حمله ناتو به یوگسلاوی دفاع مشروع محسوب نمی‌شود چون یوگسلاوی به کشورهای عضو ناتو تجاوز نکرده بود. در مورد بخش دوم نیز حمله ناتو مجوز شورای امنیت را نداشت.^۱

برخلاف نظریه‌های کارشناسان حقوقی، برخی دیگر از حقوق‌دانان بر این امر تأکید داشتند که حقوق بین‌الملل عمومی از زمان به اجرا درآمدن منشور سازمان ملل متحد تاکنون دستخوش تحولات زیادی شده است. در جائیکه نسل کشی شده و جنایت علیه انسانیت بوقوع می‌پیوندد، حقوق بین‌الملل اقدامات اجباری را مجاز می‌شمارد. چنین مواردی در واقع تهدید علیه صلح جهانی است و باید از آن جلوگیری کرد. اکنون با توجه به این تحولات عظیم در نظام حقوق بین‌الملل نمی‌توان پذیرفت که یک کشور کلیه حقوق انسانی را نقض نماید و جامعه بین‌المللی نیز دست به هیچ اقدام بازدارنده‌ای نزنند... دیگر قابل قبول نیست که یک رژیم تروریستی به نسل کشی و جنایت علیه انسانیت و نقض حقوق بشر مبادرت ورزد چرا که یک کشور دوست اتخاذ هرگونه تدابیر پیشگیرانه را و تو می‌نماید. با این تفصیل، امروز باید حق دخالت بشردوستانه امکان‌پذیر باشد.^۲

واکنش کشورها پیرامون حملات ناتو

دولتهای مختلف براساس منافع ملی و دیدگاه سیاسی خود در قبال حمله ناتو علیه یوگسلاوی موضع‌گیری کردند. به همین دلیل کلیه اعضای ناتو، برخی از کشورهای اروپائی و خاورمیانه از این حملات پشتیبانی نمودند و بسیاری دیگر این حملات را محکوم ننموده و در مقابل اقدام انجام شده قرار گرفتند. اما تعداد اندکی از دولتها همچون روسیه، چین، هند، کره

۱- روزنامه رسالت «بحران کوزوو و محرکی برای اصلاح منشور ملل متحد» ستار عزیز تیرماه ۱۳۷۸.

۲- روزنامه آلمانی زبان NZZ «دخالت ناتو در کوزوو و حقوق بین‌الملل» به قلم دانیل تورر استاد حقوق بین‌الملل و حقوق اروپا از دانشگاه زوریخ چاپ برن مورخ سوم آوریل ۱۹۹۹.

شمالی، عراق و لیبی آن را محکوم کردند. در یک چنین موقعیتی جمهوری اسلامی ایران با توجه به منافع ملی خود و نیز حمایت از حقوق مسلمانان کوزوو بین اعمال وحشیانه میلوشوویچ در نقض آشکار حقوق اساسی مردم کوزوو و دخالت ناتو در یوگسلاوی تفکیک قایل شده بود. جمهوری اسلامی ایران ضمن محکوم نمودن اقدامات دولت بلگراد، خواستار احقاق حقوق اولیه مردم کوزوو گردید و در عین حال بلحاظ فقدان مشروعیت حقوقی و قانونی حمله ناتو به یوگسلاوی، نسبت به این اقدام ابراز تاسف نموده و حملات خودسرانه و بدون مجوز شورای امنیت را برای حفظ صلح و امنیت جهانی خطرناک خواند.

نظر به اهمیت بررسی مواضع دولتها در قبال حملات ناتو علیه یوگسلاوی، و نیز با توجه به بروز واکنش‌های متفاوت در این خصوص در صحنه منطقه‌ای و بین‌المللی، بطور خلاصه به دیدگاه رسمی کشورهای ذینفوذ در بحران بالکان تنها در اولین روزهای حملات ناتو نظر می‌افکنیم.^۱

الف: دول مخالف حملات ناتو

روسیه

یوگنی پریماکف نخست وزیر وقت روسیه برای انجام یک دیدار رسمی پنج روزه در مسیر واشنگتن بود که به علت آغاز حملات ناتو علیه یوگسلاوی و در اعتراض به این عملیات در نیمه راه به مسکو بازگشت. پریماکف پیرامون موضع مسکو در خصوص حمله ناتو گفت «حملات هوایی حس مشترک را انکار می‌کند و این اقدام میتواند اوضاع جهان را بی ثبات سازد. ما به جد مخالف این اقدام می‌باشیم.»^۲

بوریس یلتسین رئیس جمهور روسیه با صدور بیانیه‌ای حملات ناتو علیه یوگسلاوی را

۱- گفتنی است دیدگاه رسمی کشورهای مختلف در طول بحران یکسان نبوده و دارای فراز و نشیبهایی بوده است. بررسی مواضع تک تک کشورهای صاحب نفوذ در بحران بالکان و بویژه نقش و جایگاه اروپائیان در بحران کوزوو خود میتواند بعنوان یک موضوع مستقل مطرح باشد.

محکوم و خواستار توقف آن گردید. همچنین دولت روسیه بعنوان اعتراض سفیر خویش نزد ناتو را فراخواند و به سفیر ناتو در مسکو اعلام نمود تا در اولین فرصت خاک این کشور را ترک نماید.

مسکو در راستای مخالفت با اقدام پیمان آتلانتیک شمالی پیش نویس قطعنامه‌ای را در سازمان ملل ارائه نمود که براساس آن بر توقف فوری عملیات ناتو علیه یوگسلاوی و محکومیت آن تاکید شده بود. دولتهای چین و نامیبیا تنها از این قطعنامه حمایت کردند و سایر اعضا دائم (در واقع اعضای اصلی ناتو) و اعضای غیردائم شورای امنیت سازمان ملل متحد به جانبداری از تصمیمات پیمان آتلانتیک شمالی به این قطعنامه رای منفی دادند. مسکو در یک تلاش سیاسی دیگر پیشنهاد کرد جلسه اضطراری گروه تماس بین‌المللی متشکل از روسیه، آمریکا، فرانسه، انگلیس، آلمان و ایتالیا به منظور بررسی آخرین وضعیت بحران تشکیل گردد.

چین

همزمان با تهاجم ناتو علیه بلگراد، جیانگ زمین رئیس جمهور چین که در کنفرانس خلع سلاح سازمان ملل در ژنو شرکت داشت، عملیات ناتو علیه کوزوو و دیگر بخشهای یوگسلاوی را ناقض مناسبات بین‌المللی دانست. وی با محکومیت این عملیات گفت واقعیتهای نشان می‌دهد که هنوز خلق و خوی جنگ سرد پابرجاست. همچنین تانگ جیاشیوان وزیر خارجه چین در کپنهاک با تاکید مجدد بر مخالفت پکن با حملات هوایی ناتو نگرانی عمیق خود را از روند اوضاع ابراز داشت. وی اظهار داشت «ما با استفاده از زور مخالفیم. باید از تمامی امکانات برای یافتن یک راه حل مسالمت‌آمیز برای بحران کوزوو استفاده کنیم.» وزیر دفاع این کشور نیز خواستار قطع فوری حملات نظامی علیه یوگسلاوی شد. وی افزود شیوه‌های نظامی نمی‌تواند راه حلی برای حل امور داخلی یوگسلاوی باشد و جامعه جهانی باید به حق حاکمیت و تمامیت ارضی این کشور احترام بگذارد. وزیر دفاع چین تاکید داشت «کشورهای جهان اعم از کوچک و بزرگ، قوی و ضعیف از حقوق برابری برخوردارند و هیچ کشوری حق استیلا بر دیگر کشورها را

ندارد^۱».

یونان

کوستاس سیمیتیس نخست وزیر یونان با توجه به افکار عمومی داخلی، روابط دیرینه و سنتی و نیز مشترکات مذهبی با صربها (بعنوان تنها کشور عضو پیمان آتلانتیک شمالی و مخالف با حملات ناتو) عملیات این سازمان علیه بلگراد را محکوم کرد و گفت «یونان کشور همسایه یوگسلاوی است و در اقدام ناتو علیه آن شرکت نمی‌کند^۲». وزارت امور خارجه یونان با صدور بیانیه‌ای خواستار قطع سریع حملات هوایی ناتو علیه یوگسلاوی و از سرگیری گفتگوهای سیاسی شد. اما واشنگتن اعلام داشت «یونان از طریق کانالهای رسمی و دیپلماتیک همراهی کامل خود را با عملیات ناتو اعلام داشته و از آن حمایت می‌کند». سخنگوی وزارت خارجه آمریکا بیانیه وزارت خارجه یونان پیرامون توقف عملیات ناتو علیه یوگسلاوی را تنها مصرف داخلی خواند.

ب: دول موافق حملات ناتو

آمریکا

آمریکا مدتها منتظر فرصت لازم برای گوشمالی صربها در منطقه بالکان بود، که به محض شکست آخرین تلاشهای دیپلماتیک و پایان ضرب الاجل تعیین شده، خود را برای حمله هوایی آماده کرد. بیل کلینتون رئیس جمهور آمریکا روز جمعه ۲۵ مارس ۱۹۹۹ از طریق ماهواره با ملت صرب سخن گفت و به توجیه عملیات نظامی ناتو علیه بلگراد پرداخت. وی هدف حملات هوایی ناتو را غیرنظامیان صرب ندانست و میلوشوویچ را مسئول این عملیات معرفی کرد. رئیس جمهور آمریکا اظهار داشت «میلوشوویچ میتواندست کوزوو رادر قالب

۱- خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، ایرنا ۱۳۷۸/۰۱/۰۶

۲- همان منبع، ۱۳۷۸/۰۱/۰۵.

جمهوری صربستان حفظ کند و صلح را برای مردم به ارمغان آورد، اما بجای اینکار آینده کوزوو و ملت صرب را با جنگ بیشتر به مخاطره افکند.^۱ ویلیام کوهن وزیر دفاع آمریکا نیز گفت «تا هنگامی که قرارداد صلح کوزوو از سوی اسلوبودان میلوشوویچ امضاء نشود، عملیات بمباران با شدت تمام ادامه خواهد داشت. وی افزود «میلوشوویچ نیک میدانند که برای توقف بمباران چه کار باید انجام دهد. این عملیات تا جلب موافقت رهبری صربستان با توقف عملیات نظامی در کوزوو و امضای قرارداد صلح پیشنهادی کنفرانس صلح پاریس و قبول خودمختاری به کوزوو ادامه خواهد داشت»^۲.

ویسلی کلارک فرمانده عالی ناتو در اروپا در مصاحبه با شبکه خبری CNN در کنار حمله به تأسیسات نظامی امکان حمله به نیروهای نظامی یوگسلاوی را متفی ندانست و تصریح کرد «اگر میلوشوویچ به خواسته جامعه بین‌المللی تن در ندهد، بتدریج و به طور سیستماتیک به کار بر روی توانمندیهای نظامی او ادامه خواهیم داد. کلارک همچنین هرگونه ارتباط بین سیاست اعمال فشار یوگسلاوی بر آلبانی‌تبارهای کوزوو و کوچ اجباری آنها با شروع عملیات ناتو را رد نمود و گفت پاکسازی قومی و قتل عام آلبانی‌تبارها توسط میلوشوویچ از مدتها قبل وجود داشت و چیز تازه‌ای نیست تا عملیات ناتو را تحت الشعاع خود قرار دهد»^۳.

انگلیس

تونی بلر نخست وزیر انگلستان خواستار تداوم حملات هوایی ناتو تا تسلیم دولت بلغراد شد. وی همچنین گفت «ما خواستار یک راه حل دیپلماتیک هستیم ولی تحقق این امر زمانی امکان‌پذیر است که میلوشوویچ به اجرای توافقنامه‌هایی که امضاء کرده است بازگردد و جنگ علیه آلبانی‌تبارها را متوقف سازد»^۴. رابین کوک وزیر خارجه انگلیس گفت ناتو راه دیگری جز شروع عملیات نظامی در پیش رو نداشت و حملات هوایی تا زمانیکه کشورهای عضو این

۱- همان منبع، ۱۳۷۸/۱/۶.

2- Reuters, 25 March 1999.

3- Ibid.

۴- خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، ایرنا ۱۳۷۸/۱/۶

پیمان به اهداف نظامی خود دست یابند، ادامه خواهد یافت. وی ضمن سرزنش میلوشوویچ گفت تصمیم به انجام حمله نظامی با نهایت بی میلی اتخاذ شد ولی همه اعضای ناتو به یک تصمیم واحد دست یافتند.

رابرتسون وزیر دفاع وقت انگلیس (دبیرکل کنونی ناتو) نیز به میلوشوویچ هشدار داد اگر حاضر به قطع حملات خود علیه اقلیت آلبانی تبار نباشد، حملات ناتو ادامه خواهد یافت. وی گفت ما گروه گروه از نیروهای نظامی میلوشوویچ را از بین خواهیم برد و این کار را هر قدر که طول بکشد به اتمام خواهیم رساند.

فرانسه

در ۲۵ مارس ۱۹۹۹ ژاک شیراک رئیس جمهور فرانسه در پایان اجلاس دو روزه سران اتحادیه اروپائی در برلین اظهار داشت «میلوشوویچ فقط با آمدن بر سر میز مذاکره برای انعقاد توافقنامه صلح میتواند هر آن سبب پایان یافتن اقدام نظامی ناتو شود.» وی میلوشوویچ را متهم نمود که در بحران بوسنی - هرزگوین نیز به یک چنین اقدامی دست زده بود. شیراک در ارتباط با شرکت فرانسویان در عملیات نظامی ناتو علیه یوگسلاوی گفت: برای از بین بردن بنیه نظامی تهاجمی صربها یا به عبارت بهتر رئیس جمهور میلوشوویچ انجام این اقدام ضروری است.^۱

آلن ژوسپن نخست وزیر فرانسه همکاری نظامی فرانسه با ناتو در حمله به یوگسلاوی را یک دنباله روی صرف (از ناتو) ندانست بلکه انتخابی عمدی و سنجیده خواند. ژوسپن که برای نمایندگان مجلس ملی این کشور سخن می گفت افزود «ما مایلیم در هدایت و پیگیری موضوعی که در آن مسئولیت داریم به همان اندازه که در جستجوی راه حلی سیاسی بوده ایم در عرصه نظامی نیز نقش داشته باشیم^۲». وی همچنین آمادگی فرانسه برای هر گونه میانجی گری برای پایان بخشیدن به این عملیات توسط گروه تماس بین المللی را اعلام داشت.

اوبر ودرین وزیر خارجه فرانسه تاکید داشت «کشورش خواستار آن است بلگراد یک

1- France Press, 25 March 1999.

2- Ibid.

خودگردانی واقعی، با تضمین نظامی بین‌المللی به کوزوو اعطا کند.» وی افزود «آنچه که ما از بلگراد می‌خواهیم چیز فوق‌العاده‌ای نیست^۱».

آلمان

گروهارد شرودر صدراعظم آلمان ضمن اعلام حمایت کامل از اقدامات ناتو حملات هوایی را در راستای جلوگیری از روند جنایات علیه مردم بی‌دفاع کوزوو و اقدامی جهت بستن راه‌های جنایات علیه دیگر اقلیتها دانست و خواستار همبستگی مردم آلمان با سربازان کشورشان در این جنگ شد. وزیر دفاع آلمان نیز با حضور در پارلمان کشورش تاکید داشت «مسئولیت اقدامات نظامی علیه یوگسلاوی صرفاً متوجه اسلوبودان میلوشویچ است.^۲» وی شرکت آلمان در حملات اخیر را اقدامی بشردوستانه برای جلوگیری از جنایات دولت مرکزی یوگسلاوی علیه مردم کوزوو دانست.

ایتالیا

ماسیمو دالما نخست‌وزیر وقت ایتالیا بلحاظ وضعیت داخلی کشورش و نیز همسایگی با یوگسلاوی در مخالفت با حملات هوایی پیمان آتلانتیک شمالی سخن راند و اظهار داشت کشورش به منظور قطع حملات هوایی ناتو برای برگزاری اجلاس گروه تماس بین‌المللی در بالاترین سطح آن تلاش می‌نماید. دالما دو روز پس از شروع حملات هوایی ناتو که عمدتاً از خاک ایتالیا صورت می‌گرفت، در اولین نشست مجلس نمایندگان این کشور شرکت کرده و گفت: ایتالیا با صداقت به وظیفه خود عمل نموده و درست همین وظیفه‌شناسی به ما این حق را می‌دهد که خواهان از سرگیری مذاکرات شویم» وی افزود: فکر می‌کنم وقت آن رسیده است اجازه دهیم تا اقدام سیاسی صورت پذیرد^۳».

1- Ibid.

۲- خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، ایرنا ۱۳۷۸/۰۱/۰۶

۳- خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، ایرنا ۷۸/۱/۶

کانادا

لوید آکسورثی وزیر خارجه کانادا در واکنشی به حملات ناتو در بالکان گفت «همه ما به دلیل استفاده از زور متأسف هستیم. اما می‌خواهم تأکید کنم کانادا عمیقاً مصمم است با اشتباهاتی که طی دو سال گذشته موجب وقایع دهشتناکی در کوزوو شده است، برخورد کند.^۱»

دبیرکل سازمان ملل متحد:

کوفی انان دبیرکل سازمان ملل متحد یک روز پس از تهاجم ناتو در جمع خبرنگاران گفت: در این مقطع زمانی نقشی در تحولات کوزوو ندارم و رهبری تحولات در دست شش کشور گروه تماس بین‌المللی (آمریکا، انگلیس، فرانسه، آلمان و ایتالیا و روسیه) است. این گروه بحران را هدایت می‌کند و من در حال حاضر برنامه‌ای برای دخالت فوری در این قضیه ندارم.^۲»

ج: کشورهای اسلامی

کشورهای اسلامی و عربی با توجه به نگرش سیاسی حاکم بر این کشورها و نیز ماهیت روابط خود با غرب پیرامون حملات ناتو موضع گیریهای متفاوتی داشتند. دولتهای میانه‌روی عربی نظیر امارات متحده عربی، کویت، اردن و عربستان از حملات ناتو جانبداری کردند ولی حکومت‌های عراق، لیبی، سوریه، سودان و الجزایر عملیات ناتو در کوزوو را محکوم کردند. جمهوری اسلامی ایران نیز ضمن ابراز تأسف از تحرکات نظامی ناتو در بالکان و نیز محکومیت پاکسازی مسلمانان آلبانی تبار کوزوو توسط ارتش صربستان بر حل مسالمت‌آمیز بحران تأکید کرد.

سخنگوی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران از تحرکات نظامی ناتو علیه یوگسلاوی ابراز تأسف و نگرانی کرد و گفت: هرگونه درگیری، تنش و حمله نظامی تنها به وخامت بیشتر اوضاع منجر شده و بحران بالکان را پیچیده‌تر خواهد کرد. وی همچنین پیرامون

اقدام نظامی ناتو که بدون مجوز شورای امنیت سازمان ملل صورت پذیرفت، گفت این حملات که بدون اخذ مجوز از شورای امنیت سازمان ملل صورت گرفته است، هیچ کمکی به حل بحران نکرده و در عوض بیم آن می‌رود که با توجه به حساسیت بالکان، بحران را به دیگر مناطق سرایت دهد». سخنگوی وزارت خارجه ایران پیرامون اقدام دولت بلگراد علیه مردم کوزوو گفت: متأسفانه دولت بلگراد با تعلیق قانون اساسی ۱۹۷۴ یوگسلاوی و منحل کردن دولت خودمختار کوزوو در سالهای قبل، سنگ بنای محرومیت مردم کوزوو و از بین رفتن آزادیهای اساسی و اولیه ایشان را فراهم نمود و با تداوم این وضع در طول یک سال اخیر باعث اشتعال بیشتر این بحران در منطقه مهم و تأثیرگذار بالکان شد.

وی با تأکید بر استمرار تلاشهای سیاسی برای حل و فصل بحران گفت «جمهوری اسلامی ایران روابط قدیمی و سنتی با همه دولت‌ها، ملل و اقوام بالکان داشته و حاضر است از نفوذ خود برای حل مسالمت‌آمیز بحران بهره بگیرد و بیش از پیش جامعه جهانی را یاری دهد».

فصل ششم

عملیات ناتو و افزایش تشنج در منطقه

تشدید آوارگی مردم کوزوو

ناتو در اولین هفته عملیات نظامی خود علیه مواضع مختلف در کوزوو به یکباره با عمل مقابل به مثل ارتش صربستان در این ایالت مواجه شد که عواقب آن تشدید و سرایت بحران آوارگان کوزووئی به کشورهای همسایه یوگسلاوی بویژه آلبانی و مقدونیه بود. براساس برخی گزارشات تعداد کشته شدگان و آوارگان کوزووئی در طول هفته اول جنگ ناتو به اندازه کل کشته شدگان و (تقریباً) آوارگان یک سال قبل بود. ارتش صربستان به نیت پاکسازی قومی، تصفیه نژادی و همچنین انتقام از آنان که بهانه مداخله ناتو را فراهم کرده بودند، بر استراتژی کوچ دهی سازماندهی شده آلبانی تباران شدت بخشید و در این راستا به غارت اموال، ویرانی خانه‌های مسکونی و کلیه دارائی‌های آلبانی تباران دست زد. سیل پناهندگان کوزووئی در پی حمله ارتش یوگسلاوی که پس از حملات هوایی ناتو علیه یوگسلاوی صورت گرفت، بسیار گسترده بود^۱.

بطوری که براساس آمار منتشره در طول هفته اول حملات ناتو در کوزوو قریب ۱۵۰ هزار نفر از مردم این ایالت آواره و به آلبانی، مقدونیه و مونته نگرو کوچ کردند. این آوارگان در طول جنگ ۷۸ روزه بلحاظ تجارب جنگ بوسنی و نیز حضور گسترده نیروهای امنیتی صربستان در کوزوو اعتماد لازم در بازگشت به سرزمین خود نداشته و فشار شدیدی را به کشورهای همسایه و اروپائی وارد آوردند. میلووشویچ رئیس جمهور یوگسلاوی که تلاش داشت از اهرم آوارگان در فشار به کشورهای اروپائی در توقف عملیات ناتو استفاده نماید،

1- Oxford Analytical 25 March 1999.

برخلاف انتظاراتش بلحاظ توانمندی‌ها و نیز آمادگیهای غرب تحت فشار روزافزون افکار عمومی بین‌المللی قرار گرفت و موضوع بازگشت آوارگان به عنوان پیش شرط مهم و اساسی از سوی ناتو در پایان یافتن حملات مبدل گردید.

از میان کشورهای مهاجرپذیر، دولت اسکوپیه بیش از سایر کشورها بعلت حضور اقلیت قدرتمند آلبانی تبار احساس خطر می‌کرد زیرا که موج عظیم ورود این آوارگان میتوانست در تغییر بافت نژادی - جمعیتی کشور و نیز تحولات سیاسی آتی آن نقش آفرین باشد. به همین دلیل رهبران مقدونیه کراراً نگرانی خویش را در این خصوص ابراز می‌داشتند. مشکلات اقتصادی ناشی از حضور آوارگان در مقدونیه و آلبانی آنچنان بر دوش دولتهای فقیر و ضعیف این دو کشور سنگینی می‌کرد که آنان مجبور شدند از کلیه کشورها درخواست ارسال سریع کمک نمایند. در کمتر از یک هفته تعداد پنجاه هزار آواره آلبانی تبار وارد خاک مقدونیه شده و تقریباً به همین تعداد در پشت مرزهای مقدونیه - یوگسلاوی منتظر کسب مجوز ورود به این کشور بودند. دولت اسکوپیه حتی علیرغم فشار واشنگتن و غرب در یک اقدام غیرمنتظره نسبت به ورود سیل آسای آوارگان مخالفت نموده و مانع برپائی اردوگاههای بیشتر برای آنان شد. همزمانی سیل گسترده و سرگردانی آوارگان و ضرورت یافتن سرپناهی برای آنان در منطقه فشاری بود که بطور غیرمستقیم متوجه ناتو و غرب گردید.

موضوع آوارگان در این برهه زمان مورد توجه رهبران ناتو قرار گرفت و غرب نسبت به اقدامات دولت مقدونیه به شدت نگران بود. دولت آمریکا در فشار به رهبران اسکوپیه در پذیرش آوارگان کوزوو علناً شدت عمل نشان داده و خواستار همکاری بیشتر مقدونیه گردید. جیمز روبین سخنگوی وقت وزرات خارجه آمریکا در این خصوص اظهار داشت تلاش زیادی در جریان است تا دولت مقدونیه مجاب به گشودن مجدد مرزهایش شود. وی افزود: ما پیام شدیدالحنی برای دولت مقدونیه فرستادیم و در آن یادآور شدیم که قوانین بین‌المللی شناخته شده در زمینه رفتار با پناهندگان و روند پذیرش آنها باید رعایت شود. ما سنگینی باری را که بر

گردن آنها می‌افتد، درک می‌کنیم و مشغول تلاش در جهت رفع آن هستیم^۱».

بیل کلینتون رئیس‌جمهور آمریکا در اوج بحران آوارگان کوزوویی و در تماس تلفنی با رهبران انگلیس، فرانسه، اسپانیا و مقدونیه به گفتگو با آنان پرداخت. هدف از این گفتگوهای تلفنی، پیدا کردن راهحالی برای کمک به سیل پناهندگانی بود که از ایالت کوزوو راهی کشورهای مختلف به ویژه آلبانی و مقدونیه شده بودند. کلینتون که بدنبال کنترل مشکل آوارگان بوده در تماس با همتا‌های خود پیرامون اختصاص مبالغی برای حل موقت مشکل آوارگان تلاش ورزید. وی حتی سعی کرد رهبران اسکوپیه را متقاعد سازد تا با لجاجت کمتر و همدردی بیشتر و کارساز مرزهای مقدونیه را گشوده و پذیرای آوارگان باشند و لذا در کنار این مکالمه تلفنی، تلبوت معاون وزارت خارجه آمریکا عازم اسکوپیه گردید.

همزمان سفرای نوزده کشور عضو ناتو در بروکسل در نشست خود به بررسی اصلی‌ترین مشکل بحران بالکان یعنی موضوع آوارگان پرداخته و توافق نمودند با اعزام نیروهای به آلبانی به کمک آوارگان بشتابند. یک دیپلمات ایتالیایی در ناتو اعلام داشت که دولت این کشور آمادگی دارد نیمی از نیروهای اعزامی به آلبانی را به منظور کمک به سیل عظیم آوارگان تقبل نماید. دولت رم نگران ورود غیرقانونی موج گسترده آوارگان آلبانی تبار کوزوو به خاک کشورش بود. دولت انگلیس در اولین واکنش نسبت به اعزام نیروهای ناتو به خاک آلبانی اعلام کرد به علت حضور یک واحد قوی چند هزار نفری از نیروهای انگلیسی در مقدونیه آمادگی اعزام نیروی جدید به آلبانی را ندارد. حمایت از سازمانهای آلبانیایی و بین‌المللی کمک رسان به پناهجویان کوزوو و توزیع کمکهای بشردوستانه از جمله اهداف اعزام نیروهای ناتو به آلبانی اعلام گردید.

اروپا از موج آوارگان تحت فشار جدی قرار گرفت و بدین لحاظ غرب از ابتکار سفر یوگنی پریماکف نخست‌وزیر وقت روسیه به بلگراد جهت یافتن راه حلی برای توقف جنگ در منطقه بالکان استقبال کرد. پریماکف در ۳۰ مارس ۱۹۹۹ (دهم فروردین ماه ۱۳۷۸) در حالیکه وزرای خارجه و دفاع روسیه وی را همراهی می‌کردند، عازم بلگراد شد و با اسلوبودان

میلوشوویچ رئیس جمهور یوگسلاوی دیدار و گفتگو نمود. پریماکف پس از دیدار شش ساعته از یوگسلاوی و با توجه به قطع روابط روسیه با ناتو به آلمان عزیمت نمود و نتایج گفتگوهایش در بلگراد را به اطلاع سرودر صدراعظم آلمان و رئیس دوره‌ای EU رساند. وی در بن مذاکرات را امیدوار کننده توصیف کرد و اعلام داشت میلوشوویچ پیشنهاد کرد در صورتیکه ناتو حملات خود را متوقف سازد وی نیز حاضر به شروع مذاکرات سیاسی سازنده با کوزوئی‌ها، کاهش حضور نظامیان صرب در کوزوو و تأمین شرایط لازم برای بازگشت آوارگانی که از یوگسلاوی (کوزوو) خارج شده و خواهان زندگی مسالمت‌آمیز در این کشور هستند، می‌باشد. اما این پیشنهاد بسرعت از سوی سران ناتو رد شد و واشنگتن این قولها را ناکافی دانست. جیمز روبین سخنگوی وقت وزارت خارجه آمریکا در این خصوص گفت «پیشنهاد صلح رهبر یوگسلاوی بطور اسفناکی ناکافی بوده و کمتر از چیزی است که برای متوقف کردن حملات هوایی ناتو ضروری می‌باشد. موضع ما مشخص است. میلوشوویچ باید حملات خود را علیه آلبانیایی تبارهای کوزوو متوقف، نیروهای صرب را از آنجا خارج سازد و راه حلی که در قالب چارچوب رامبویه فرانسه تعیین شده است را بپذیرد»^۱.

از آنجا که میلوشوویچ هرگونه اقدامی را به توقف بمبارانهای ناتو منوط کرده بود، پیمان آتلانتیک شمالی نیز خاتمه بمبارانها را به پایان یافتن کوچ دسته جمعی آوارگان، عقب نشینی نظامیان و ماموران امنیتی صرب از کوزوو و پذیرش حضور نیروهای ناتو در ایالت کوزوو براساس مفاد کنفرانس صلح رامبویه مرتبط نمود.

همزمان با تشدید حملات ناتو، واشنگتن تاکید داشت میلوشوویچ می‌بایست به خواسته‌های اصلی پیمان آتلانتیک شمالی پاسخ روشن دهد. کلیتتون تصمیم خود را به ادامه حملات هوایی و موشکی ناتو تا زمانی که میلوشوویچ راه حل سیاسی در کوزوو را برمبنای خودمختاری این ایالت، بازگشت پناهندگان و استقرار نیروهای ناظر ناتو بپذیرد، مورد تاکید قرار داد^۲. وی افزود طرح ما طولانی و تا زمانی ادامه خواهد داشت که ما دست بالا را داشته باشیم.

1- France Press, 31 March 1999.

2- Reuters, 28 March 1999.

رئیس جمهور آمریکا قول پایان دادن به کشتارها در کوزووئی که از آزادی محروم و از جمعیت خالی است را غیرقابل پذیرش خواند.

در این میان اسلوبودان میلوشوویچ با هدف توقف حملات ناتو پیشنهادی ارائه داد که با مخالف جدی واشنگتن مواجه شد. اسلوبودان میلوشوویچ رئیس جمهور یوگسلاوی در ۲۸ آوریل ۱۹۹۹ طی مصاحبه‌ای با خبرنگار یو.پی.آی پیشنهاد کرد:

- به حملات ارتش یوگسلاوی خاتمه خواهد داد به شرط آنکه ناتو حملات هوایی خود را متوقف سازد،

- چنانچه ناتو از نیروهای خود در مقدونیه بکاهد، و نیز تعدادی از آنها را به میزانی که در توافقات اکتبر ۱۹۹۹ اعلام شد تقلیل دهد، تعداد سربازان یوگسلاوی در ایالت (کوزوو) را کاهش خواهد داد.^۱

جیمز روبین سخنگوی وقت وزارت امور خارجه آمریکا با تاکید بر شرایط ناتو در خاتمه یافتن بحران کوزوو گفت «حال که میلوشوویچ به هدف خود برای پاک کردن نود درصد از اقوام کوزوو نزدیک می‌شود، فرضیاتی وجود دارد که ممکن است بزودی پیشنهاد صلحی به ناتو بدهد. شواهدی وجود دارد که این فرض امکان دارد بوقوع بپیوندد، لذا آبرایت با همتای انگلیسی، آلمانی، ایتالیایی خود در حال گفتگو است تا مشخص کنند کشورهای عضو ناتو به سادگی حرفهای بی اساس صلح را نخواهند پذیرفت.»

اسارت سربازان آمریکائی

در حالی که میلوشوویچ تحت فشار حملات سنگین ناتو قرار داشت، نیروهای پلیس صرب در اول آوریل ۱۹۹۹ طی یک عملیات حیرت‌انگیز در داخل خاک مقدونیه سه نظامی آمریکائی را به اسارت درآورده، آنها را بسرعت بداخل صربستان منتقل نمودند. دستگیری این افراد در عمق ۵ کیلومتری خاک مقدونیه یک نوع قدرت نمایی نیروی امنیتی و پلیس صربستان

در نشان دادن اقتدار و مهارت عملیات خود در آنسوی مرزها و بیانگر مخالفت آنان با حضور نیروهای ناتو در خاک کشور همسایه تعبیر گردید. همچنین این تحلیل مطرح گردید که بلگراد به این وسیله خواسته است به آمریکایی‌ها هشدار دهد که تهاجم زمینی چه مخاطراتی را برای آنان در برخواهد داشت. اسارت سربازان آمریکائی از داخل خاک مقدونیه شوک بزرگی را به واشنگتن وارد نموده و کلیتون شخص میلوشوویچ را مسئول حفظ جان این سربازان دانست و گفت «سربازان آمریکائی از نیروهای حافظ صلح سازمان ملل متحد در مقدونیه و در وضعیت دفاعی بوده و در عملیات ناتو شرکت نداشته‌اند و دلیلی برای دستگیری و محاکمه آنان وجود ندارد». بیل کلیتون گفت «رئیس جمهور میلوشوویچ نباید مرتکب اشتباه شود. آمریکا مراقب اتباعش است. ما رئیس جمهور میلوشوویچ را شخصاً مسئول امنیت آنها و خوش رفتاری با آنها می‌دانیم^۱». در مقابل صربها اعلام داشتند که آنها را در یک دادگاه نظامی محاکمه خواهند کرد. دراشکوویچ معاون نخست وزیر یوگسلاوی قول داد که با سربازان آمریکایی رفتار مناسبی داشته باشد و مانند اسیر با آنان برخورد گردد.

تلاش برای آزادی اسرای آمریکائی

جسی جکسون یکی از کاندیداهای سابق ریاست جمهوری آمریکا به منظور آزادی سه اسیر آمریکائی عازم یوگسلاوی و با میلوشوویچ دیدار نمود. وی قبل از ورود به بلگراد به مدت ۱۵ دقیقه طی تماس تلفنی با سندی برگر مشاور امنیت ملی رئیس جمهوری آمریکا پیرامون سفر خود گفتگو کرد. در پی مذاکرات میلوشوویچ - جکسون و انتشار گزارشات مبنی بر اعلام آمادگی رئیس جمهور یوگسلاوی در آزادی اسرای آمریکائی، برخی ناظران این اقدام را اولین نشانه مثبت میلوشوویچ در پیدا کردن یک راه حل سیاسی برای بحران کوزوو تلقی کردند. مقامات کاخ سفید در اظهارات خویش خواستار آزادی سریع اسرای آمریکائی شده و به منظور پاسخگویی به افکار عمومی داخلی جهت استمرار تلاشهای سیاسی خود در آزادی اسرا به

نحوی حتی در تمجید صربها پرداختند. بیل کلینتون در جریان یک مصاحبه مطبوعاتی، صربها را متحدین غرب در جریان جنگ جهانی دوم دانست که در مقابل ارتش هیتلر مقاومت کردند. این اظهارات در راستای سفر جسی جکسون به بلگراد برای آزادی اسرای آمریکائی صورت گرفت، اما پنتاگون تاکید داشت که آزادی اسرای آمریکائی تاثیری بر روند تحرکات نظامی ناتو نخواهد گذارد و تا تحقق اهداف این سازمان، حملات هوائی همچنان ادامه خواهد یافت.

جسی جکسون در بلگراد خواستار توقف حملات هوائی ناتو گردید و اعلام داشت به میلوشوویچ گفته است میتواند حامل نامه شخصی وی به بیل کلینتون باشد. همچنین گزارش شده بود که میلوشوویچ خواستار مذاکره مستقیم با رئیس جمهور آمریکا گردید. این تحلیل وجود داشت میلوشوویچ با توجه به تجربه بحران بوسنی - هرزگوین و نیز سنگینی بمباران هوائی و موشکی ناتو در سراسر خاک یوگسلاوی به این نتیجه رسیده بود که مانع اصلی توقف حملات هوائی ناتو واشنگتن است. در همین زمان طرح چرنومردین مطرح بود ولی میلوشوویچ به این فکر افتاده بود خود مستقیماً وارد مذاکره با واشنگتن شود زیرا تجارب سالهای گذشته نشان می داد که وجود نوعی ارتباط مستقیم می تواند دستاوردهای بیشتری برای وی به همراه داشته باشد تا اینکه از طریق کشور ثالث (همچون روسیه) وارد گفتگو با آمریکا شود.^۱ فلذا در یک چنین موقعیتی که توقف بمباران ناتو در صدر اولویت میلوشوویچ قرار داشت، رئیس جمهور یوگسلاوی تلاش داشت با آزادی دو افسر صرب که توسط ارتش آزاد بیخس کوزوو اسیر و تحویل آمریکا شده بودند، و نیز بدست گرفتن ابتکار عمل تلاش سیاسی در حل و فصل بحران کوزوو شخصاً وارد صحنه شود تا از این طریق بتواند در بهای کاخ سفید را به صدا درآورد و رضایت واشنگتن را جلب نماید.

۱- علیرغم تلاش دیپلماتیک و میانجی گرانه رئیس جمهور قبرس متحد رهبری بلگراد در آزاد نمودن سه سرباز آمریکائی که سرانجام به شکست انجامید.

آزادی اسرای آمریکائی و نامه میلوشوویچ به کلیتون

با وساطت جسی جکسون، سه سرباز اسیر آمریکائی در دوم ماه می ۱۹۹۹ آزاد و به کشورشان بازگشتند. جکسون طی مصاحبه مطبوعاتی تأیید کرد حامل پیام کتبی رئیس جمهور یوگسلاوی جهت بیل کلیتون است که در برگیرنده ابتکار صلح پیرامون بحران کوزوو نیز می‌باشد. وی افزود میلوشوویچ ملاقات و گفتگو با رئیس جمهور آمریکا را نیز در این نامه پیشنهاد نمود. جکسون خواستار توقف حملات ناتو علیه یوگسلاوی و واکنش مثبت دیپلماتیک ناتو در قبال ابتکار عمل میلوشوویچ گردید. جسی جکسون که حامل پیام کتبی میلوشوویچ برای رئیس جمهور آمریکا بود، پس از بازگشت از بلغراد به مدت ۴۵ دقیقه با کلیتون گفتگو نمود و سعی کرد کلیتون را متقاعد سازد تا در مواضع خویش نسبت به بلغراد تجدیدنظر نماید. تلویزیون بی بی سی طی گزارشی در خصوص آزادی سه اسیر آمریکائی گزارش داد «آزادی سه سرباز آمریکایی به معنای آغاز تلاشهای دیپلماتیک میلوشوویچ برای پایان بحران کوزوو است»^۱ گرچه جکسون به میلوشوویچ وعده داده بود زمینه برقراری تماس تلفنی وی با کلیتون را فراهم خواهد نمود، اما عملاً در برقراری ارتباط بین رهبران واشنگتن و بلغراد موفقیتی کسب نمود. همزمان با سفر چرنومردین (فرستاده ویژه رئیس جمهوری روسیه در امور یوگسلاوی) به واشنگتن و آزادی سه سرباز اسیر آمریکائی توسط صربها و نیز پیام اسلوبودان میلوشوویچ به رئیس جمهور آمریکا، یک مقام ارشد در کاخ سفید اعلام داشت رئیس جمهوری پس از باخبر شدن از فحواي نامه رئیس جمهور یوگسلاوی هیچ برنامه‌ای برای برقراری تماس تلفنی با میلوشوویچ ندارد. مقامات پنتاگون ضمن استقبال از اقدام بلغراد تأکید کردند حملات ناتو همچنان تا تحقق شرایط این سازمان ادامه خواهد یافت. بیل کلیتون اظهار داشت «هرچند اقدام میلوشوویچ رئیس جمهوری یوگسلاوی (در آزادی اسرای آمریکائی) اقدامی بشردوستانه و در چارچوب حقوق بین‌الملل است، اما تاثیری بر سیاست آمریکا در قبال وی نخواهد گذاشت»^۲. ناتو نیز با استقبال از آزادی اسرای آمریکائی اعلام کرد که پیمان آتلانتیک

۱- همان منبع ۱۳۷۸/۰۲/۱۲

۲- همان منبع، ۱۳۷۸/۰۲/۱۳

شمالی هرگز در قبال آزادی اسرای آمریکائی به میلوشوویچ پاداش نخواهد داد. تالبوت معاون وزیر خارجه آمریکا که در این مقطع پیرامون ابتکار عمل چرنومردین با رهبران مسکو دیدار و گفتگو داشت، در قبال آزادی اسرای آمریکائی گفت آمریکا در حال مذاکره با میلوشوویچ نیست و برعکس ما بر سر رژیم میلوشوویچ بمب می‌ریزیم. وی حتی تاکید کرد که میلوشوویچ باید کلیه شرایط ناتو را بپذیرد.

واشنگتن دو هفته بعد از اقدام بلگراد در آزادی سه اسیر آمریکائی، در هیجدهم ماه می ۱۹۹۹ دو افسر اسیر صرب که در هفدهم آوریل توسط ارتش آزادیبخش کوزوو،^۱ در این ایالت دستگیر و تحویل ارتش آمریکا شده بود، را آزاد کرد. پنتاگون اعلام داشت «دو اسیر جنگی بر اساس عهدنامه ۱۹۴۹ ژنو آزاد و به دولت یوگسلاوی تحویل داده خواهند شد»^۲.

از نامه اسلوبودان میلوشوویچ به بیل کلینتون، بعنوان ابتکار صلح رئیس جمهور یوگسلاوی یاد گردید که مفاد آن براساس گزارشات رسانه‌های گروهی صربستان در چهار اصل به شرح زیر تبیین گردیده بود.

۱- پایان سریع جنگ و خشونت در بالکان،

۲- بازگشت سریع شهروندان یوگسلاو به خانه هایشان بدون توجه به مذهب و ملیت آنان،

۳- تبیین خود مختاری برای کوزوو در چارچوب صربستان و براساس اصول برابر جهت کلیه جوامع ملی،

۴- پذیرش ماموریت سازمان ملل در کوزوو.

دو نکته در ابتکار صلح میلوشوویچ وجود داشت. نکته اول اینکه میلوشوویچ در این طرح حاضر نشد نامی از آوارگان آلبانی تبار کوزوو آورده شود. نکته دوم اینکه وی پیرامون حساس‌ترین موضوع مورد اختلاف با آمریکا و ناتو یعنی استقرار نیروی نظامی حافظ صلح در کوزوو تنها به پذیرش ماموریت سازمان ملل در یوگسلاوی اکتفا کرد.

واشنگتن و ناتو در عین حال برای آزادی اسرای خود از هیچ کوششی دریغ نورزیدند، اما

طوری عمل کردند که سیاست عدم اعتماد به اسلوبودان میلوشوویچ نیز خدشه دار نگردد. به همین دلیل با وجود آزادی سه اسیر آمریکائی و ارسال نامه محرمانه میلوشوویچ برای رئیس جمهوری آمریکا، ناتو در برخورد با رهبران بلغراد نه تنها کوتاهی ننموده بلکه با سرسختی و جدیت بیشتر بر تحقق اهداف پنجگانه خود اصرار داشت. این امر مبین آن است که واشنگتن در بحران کوزوو برخلاف بحران بوسنی حاضر به اعطای هیچ امتیازی به رئیس جمهوری یوگسلاوی نبوده و اعتمادی به میلوشوویچ نداشت.

فصل هفتم

استراتژی ناتو در کوزوو

نشست‌های ناتو

در پی آوارگی موج عظیم مردم کوزوو به آلبانی و مقدونیه، سفرای ناتو روز سوم آوریل ۱۹۹۹ تصمیم گرفتند «هزاران سرباز مسلح خود را برای کمک به توزیع کمک‌های بشردوستانه به ۱۳۰ هزار پناهنده کوزووئی به آلبانی اعزام دارند»^۱. سفرای ناتو به فرماندهان نظامی این سازمان دستور دادند، طرح نیروی حفاظتی را که با حمایت دریائی و هوائی همراه خواهد بود، تنظیم کنند.

شورای دائمی ناتو در ۱۱ آوریل عملیات امن متحدین را تصویب نمود که براساس آن «۸۰۰۰ نیرو در آلبانی به منظور اطمینان از وصول کمک‌های بشردوستانه، حمل و نقل و توزیع آن به پناهندگان استقرار می‌یافتند. همچنین مقرر شد ناتو در حمایت از مقامات محلی و کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل متحد که نقش اصلی را در امدادسانی بعهده داشتند، اقدام کند»^۲. در ششم آوریل ۱۹۹۹، ویلیام کوهن وزیر دفاع آمریکا در بروکسل با خاویر سولانا دبیرکل وقت ناتو و ویسلی کلارک (فرمانده عالی وقت ناتو) پیرامون عملیات این سازمان بحث و گفتگو کرد. در آستانه آغاز سومین هفته شروع حملات ناتو، در دوازدهم آوریل ۱۹۹۹ نشست فوق العاده وزرای خارجه پیمان آتلانتیک شمالی در بروکسل برگزار شد. هدف از نشست وزارتی این بود که به جهانیان نشان داده شود که متحدین یکپارچه می‌باشند. پس از پایان آن، دبیرکل ناتو اعلام داشت «بحران در کوزوو یک گام تعیین کننده در تعریف دیدگاه ما از اروپای جدید است که

1- France Press, 3 April 1999.

2- United Press, 11 April 1999.

در آن حقوق بشر، ارزشهای دموکراتیک و حاکمیت قانون حکمفرما می‌شود. تمامی کشورهای ناتو انزجار خویش از پاکسازی قومی جاری در کوزوو توسط نیروهای امنیتی یوگسلاوی و نیز اخراج اجباری بخش اعظم جمعیت آن را اعلام کرده‌اند. ما تصمیم خود را برای پایان دادن به این اقدامات وحشیانه یادآوری نموده تا پاکسازی قومی متوقف شود و صلح در کوزوو برقرار گردد.» وی تاکید کرد «عملیات هوایی ناتو تا زمانیکه لازم باشد، ادامه خواهد یافت تا اینکه میلوشوویچ را به پذیرش اهدافمان متقاعد سازیم.»^۱

در پایان نشست وزرای خارجه شورای آتلانتیک شمالی بیانیه ۱۴ ماده‌ای منتشر گردید که در ماده ۴ آن بر موارد زیر تاکید گردید:

ماده ۴: حملات هوایی ناتو تا پذیرش تقاضای جامعه بین‌المللی توسط میلوشوویچ ادامه خواهد یافت. میلوشوویچ باید:

۱- نسبت به توقف قابل تایید تمامی اقدامات نظامی و خاتمه فوری خشونت و سرکوب تضمین دهد،

۲- نیروهای نظامی، پلیس و شبه نظامی صرب را از کوزوو خارج سازد،

۳- با استقرار یک حضور نظامی بین‌المللی در کوزوو موافقت نماید،

۴- با بازگشت بی قید و شرط، بی خطر تمامی پناهنجویان و نیز افراد آواره و دسترسی آزاد سازمانهای امدادی بشردوستانه به آنها موافقت نماید،

۵- اطمینان لازم دهد که می‌خواهد بر مبنای موافقتنامه رامبویه در تدوین یک چهارچوب سیاسی برای کوزوو و نیز هماهنگ با قواعد و منشور سازمان ملل متحد فعالیت کند.^۲

در نشست ناتو تاکید گردید که حملات هوایی این سازمان تا برقراری آتش بس، خروج نیروهای صرب از کوزوو، بازگشت آوارگان به اوطان خود و استقرار نیروهای نظامی بین‌المللی به منظور نظارت بر ایجاد یک ساختار سیاسی جدید برای کوزوو ادامه خواهد داشت. در اولین

1- Atlantic News, 12 April 1999.

۲- برای اطلاع بیشتر ر.ک به متن بیانیه ۱۴ ماده‌ای ناتو در آتلانتیک نیور مورخ ۱۲/۰۴/۱۹۹۹

اجلاس وزاری خارجه ناتو، پس از شروع حملات شکاف چندانی در بین اعضا مشاهده نگردید. این اجلاس که به ابتکار آلبرایت برگزار شده بود، توانست به خوبی پیروزی ناتو را در تضعیف ارتش و تخریب اقتصاد یوگسلاوی برای اعضای ناتو تشریح نماید و ایشان را مجاب کند که بر عکس دو هفته اول که حل بحران آوارگان ترجیح کاملی را حتی برای ماشین جنگی ناتو ایجاد کرده بود، بحران در شرایط حاضر مدیریت خوبی یافته و فشارهای سیاسی و اقتصادی مؤثر واقع گردیده بود. گرچه ابتکار یک جانبه میلوشوویچ برای برقراری آتش بس از نمونه‌های خوب مانور او برای تنفس و تجدیدقوا بوده ولی همزمان نشانگر فشار جدی بود که بر او وارد شده و ادامه یافت. ناتو پس از انهدام ارکان نظامی، متوجه اهداف اقتصادی در یوگسلاوی گردید، بنوعی که صدمات فراوانی را بر مخازن سوخت و کارخانجات صنعتی (از جمله ماشین سازی نویساد) وارد آورد و یوگسلاوها در محدودیت شدید سوخت قرار گرفتند.

به مناسبت پنجاهمین سالگرد تأسیس پیمان آتلانتیک شمالی، اجلاس سران ناتو با شرکت ۱۹ کشور عضو ناتو و ۲۵ هیات رسمی در واشنگتن از روز جمعه بیست و سوم آوریل ۱۹۹۹ شروع بکار کرد. در جریان این نشست سران ناتو استراتژی واحد و منسجم این سازمان باهدف تداوم حملات هوایی علیه یوگسلاوی را اعلام داشتند. در حالی که مطبوعات غرب هر از چند گاهی بر ضرورت اعزام نیروی زمینی ناتو به کوزوو اصرار می‌ورزید و حتی برخی از کشورهای عضو ناتو همچون انگلیس حامی اعزام نیرو به کوزوو بودند، تعدادی از کشورهای اروپایی نسبت به این امر ابراز تردید داشتند.

در بیانیه پایانی نشست سران ناتو در واشنگتن بحران کوزوو بعنوان یک چالش اساسی با ارزشهای ناتو تلقی و بر تداوم حملات هوایی و موشکی تاکید گردید. نکته قابل ملاحظه بیانیه این بود که سران ناتو بر حفظ و تمامیت ارضی یوگسلاوی و اعطای خودمختاری گسترده به آلبانی تباران کوزوو اشاره و از میلوشوویچ رئیس جمهور یوگسلاوی خواستند تا موارد زیر را بپذیرد:

۱- کلیه عملیات نظامی را متوقف و سریعاً به خشونت در کوزوو خاتمه بخشد،

- ۲- کلیه نیروهای نظامی، شبه نظامی و پلیس صرب را از کوزوو خارج سازد،
- ۳- با استقرار نیروهای نظامی بین‌المللی در کوزوو موافقت نماید،
- ۴- نسبت به بازگشت بدون قید و شرط کلیه آوارگان به کوزوو و دسترسی آنان به کمکهای بشردوستانه از سوی سازمانهای بین‌المللی موافقت نماید،
- ۵- اطمینانهای لازم در خصوص انعقاد موافقت‌نامه سیاسی براساس کنفرانس صلح رامبویه را فراهم آورد.

با وجود اختلاف نظر بین اعضای ناتو بر سر موضوعاتی همچون تداوم حملات هوایی ناتو علیه مواضع غیرنظامی و نیز اعمال تحریم سوختی علیه بلغراد، آمریکا تلاش کرد سازمان آتلانتیک شمالی را یکپارچه و متحد نگه دارد. همگام با واشنگتن، تونی بلر نخست‌وزیر انگلیس و سولانا دبیرکل ناتو بر یکپارچگی پیمان آتلانتیک شمالی تاکید ورزیدند. انگلیس‌ها بیش از سایر اعضای ناتو در قبال اقدامات ناتو در یوگسلاوی با واشنگتن هماهنگ بودند.

اهم استراتژی ناتو

ناتو با هدف حفظ حضور دائمی و مقتدرانه خود در منطقه بالکان و فتح آخرین سنگر در اروپا، از منازعه کوزوو حداکثر بهره‌برداری را بعمل آورد. در این فرآیند، با شکست مذاکرات صلح رامبویه، بهانه لازم در حمله این سازمان به یوگسلاوی (تنها کشور مخالف گسترش ناتو در منطقه بالکان) فراهم آمد. ناتو بدلائل متعدد از جمله خطر کشته شدن نیروهای کشورهای عضو سازمان در حمله زمینی به یوگسلاوی بر استراتژی تداوم حملات هوایی و موشکی صحه گذارد. مهمترین مفاد استراتژی ناتو در کوزوو به طور خلاصه به شرح زیر بودند:

الف: تداوم حملات هوایی و موشکی

استراتژی ناتو بر تداوم عملیات هوایی و موشکی علیه یوگسلاوی تا پذیرش کلیه شرایط پنجگانه این سازمان توسط اسلوبودان میلوشویچ تمرکز داشت. خاویروسولانا دبیرکل

ناتو با اشاره به استراتژی ناتو در بالکان اظهار داشت «عملیات هوایی ناتو تا زمانی که لازم باشد، ادامه خواهد یافت تا اینکه میلوشوویچ را به پذیرش اهدافمان متقاعد سازیم»^۱»
انتظار ناتو در آغاز حملات هوایی این بود که دستاوردهای استراتژی بکارگیری نیروی هوایی در یک جنگ تمام عیار بزودی روشن خواهد شد، لکن بعلت مقاومت صربها اختلاف نظرهایی بین اعضای ناتو بوجود آمد و واشنگتن بلحاظ تأثیرات منفی اعزام نیروی زمینی، همچنان بر تداوم حملات هوایی تا تحقق خواسته‌های پیمان آتلانتیک شمالی اصرار داشت. آمریکا در راستای استراتژی فوق‌الذکر سعی داشت حلقه‌های محاصره بلگراد را تنگ‌تر نماید که اهم آن به شرح ذیل بودند:

۱- برخورداری از کریدور هوایی کشورهای همسایه یوگسلاوی

ناتو در یک حرکت جدید از رهبران صوفیا در خواست کریدور هوایی نمود که این امر نیازمند تصویب پارلمان بلغارستان بود. گرچه برخی از نمایندگان پارلمان بلغارستان اعلام داشتند چه مستقیم و چه غیرمستقیم در جنگ بالکان شرکت نخواهند کرد، اما با توجه به علاقمندی رهبران صوفیا در ورود به ساختارهای سیاسی - نظامی غرب، سرانجام با مجوز مجلس بلغارستان هواپیماهای ناتو این امکان را پیدا کردند تا از فضای یکی از همسایگان یوگسلاوی در حمله به مواضع صربها برخوردار گردند.

۲- استقرار هواپیماهای سوخت رسان ناتو در همسایگی یوگسلاوی

پیمان آتلانتیک شمالی با هدف کاهش هزینه‌های نظامی خود در جنگ بالکان و افزایش فشار بر میلوشوویچ از دولت مجارستان (تازه‌ترین عضو ناتو و همسایه یوگسلاوی) خواست با استقرار هواپیماهای سوخت رسان ناتو که در آلمان مستقر بودند در خاک این کشور موافقت کند و این تقاضا مورد پذیرش دولت بوداپست واقع گردید. ورود این هواپیماها به خاک مجارستان در تنگتر شدن حلقه محاصره بلگراد و نیز ایجاد جنگ روانی علیه یوگسلاوی بی‌تاثیر نبودند.

ب: اعمال تحریم سوختی علیه یوگسلاوی

یکی از راهکارهای اعمال فشار بر یوگسلاوی بکارگیری تحریم سوختی علیه بلگراد بود. ایالات متحده آمریکا کوشش می‌کرد حمایت کلیه اعضای ناتو پیرامون بلوکه نمودن سوخت یوگسلاوی را بدست آورد، اما در ارتباط با این ابتکار عمل برخی از اعضای ناتو نظیر فرانسه و یونان در ابتدا مقاومت به خرج دادند. آنها تاکید داشتند که منابع تامین سوخت یوگسلاوی بایست کاهش یابد اما موافق قطع کامل آن نبودند ولی مقامات آمریکا اصرار داشتند عدم دسترسی میلوشوویچ به فرآورده‌های نفتی نقش مهمی در فروکش نمودن ماشین جنگی این کشور خواهد گذارد. حملات هوایی خسارت سنگینی بر تصفیه خانه‌های نفت این کشور بجای گذاشت و منابع تامین سوخت از خارج یوگسلاوی نیز تحت تاثیر قرار گرفت. وزارت خارجه آمریکا تلاش گسترده‌ای بعمل آورد تا دول اروپائی را در اعمال تحریم سوختی بلگراد متقاعد سازد. مادلین آلبرایت در تماس با هم‌تایان اروپائی خود پیرامون راههای ممانعت ورود سوخت به یوگسلاوی گفتگوهای متعددی داشت. چندین بار موضوع تحریم سوختی یوگسلاوی در ناتو به بحث و بررسی گذاشته شد، اما نسبت به رهیافت فراگیر توافقی حاصل نشد. آمریکا در نشست فوق العاده وزاری خارجه ناتو در ۱۲ آوریل در بروکسل خواستار اعمال تحریم نفتی علیه بلگراد شد ولی فرانسه مخالف بلوکه نمودن مواد سوختی به یوگسلاوی بود و بر این امر تأکید می‌ورزید که یک چنین اقدامی نیازمند مصوبه سازمان ملل متحد می‌باشد. لکن واشنگتن تاکید داشت دلایل زیادی برای این حرکت وجود دارد. روین سخنگوی وزارت خارجه آمریکا در توجیه این امر گفت که در نظر داشته باشید که ما با یوگسلاوی در جنگ هستیم و ما فکر می‌کنیم که یک چنین اقدامی نیاز به مصوبه سازمان ملل متحد ندارد. گرهارد شرودر صدراعظم آلمان خواستار تنگ‌تر نمودن فشارها به یوگسلاوی شده و حتی از مجارستان، بخاطر صدور مجوز لازم برای عبور کامیونهای حامل مواد سوختی روسی به یوگسلاوی سخت انتقاد کرد.

نظر به اختلافات موجود بین کشورهای اروپائی در چگونگی اعمال تحریم سوختی^۱،

۱- متعاقب پایان جنگ بوسنی - هرزگوین، تحریم تسلیحاتی سازمان ملل علیه یوگسلاوی وجود داشت، اما

در بیستم آوریل ۱۹۹۹ مدیران کل سیاسی پانزده کشور اتحادیه اروپایی به منظور بررسی راههای عملی تحریم سوختی علیه یوگسلاوی به ویژه قطع راههای ورود مواد نفتی به این کشور در بروکسل به بحث و گفتگو نشستند که به هیچ نتیجه‌ای نرسیدند. وزیر خارجه کشورهای اتحادیه اروپایی در بیست و ششم آوریل ۱۹۹۹ پیرامون بررسی تحریم سوختی بلگراد تشکیل جلسه داده و جوانب مختلف آن را مورد بحث و بررسی قرار دادند. باید اذعان داشت که این نشست در راستای پیشنهاد سران ناتو در واشنگتن تشکیل گردید. (دریند پنجم بیانیه سران ناتو ضمن تاکید بر استفاده از تمامی ابزارها برای اعمال فشار بیشتر به رژیم بلگراد، بر اجرای تحریم اقتصادی و نیز تحریم سوختی علیه بلگراد که در این خصوص ابتکار اروپایی مورد خرسندی قرار گرفته، تاکید شد). واشنگتن می‌کوشید در جریان نشست سران ناتو، اعمال تحریم سوختی علیه بلگراد را به تصویب برساند. ایوانف وزیر خارجه روسیه در واکنش به تلاش ناتو در اعمال تحریم سوختی علیه یوگسلاوی تاکید کرد «کشورش با توجه به تعهدی که نسبت به تامین نیازهای نفتی یوگسلاوی دارد، در صورت اعمال تحریم سوختی علیه بلگراد نیازهای نفتی این کشور را تامین خواهد کرد»^۱.

اگرچه ابتدا فرانسه مخالف تحریمهای سوختی علیه یوگسلاوی بود و برای اعمال آن بر فقدان ادله حقوقی تاکید داشت، اما پس از ملاقات کلیتون - شیراک در حاشیه اجلاس سران ناتو در واشنگتن این اختلاف نظر کاهش یافت و براساس بند ۵ بیانیه سران ناتو در روز جمعه بیست و سوم آوریل ۱۹۹۹، قرار شد اتحادیه اروپا تصمیم نهائی در خصوص اعمال تحریم نفتی را اتخاذ نماید. تنها یونان بود که سرسختانه با اعمال تحریم سوختی علیه بلگراد مخالفت می‌ورزید. مخالفت آتن تنها بلحاظ سیاست جانبداری از بلگراد نبود بلکه اعمال این تحریم بشدت به اقتصاد این کشور لطمه وارد می‌ساخت. وزیر خارجه یونان در همین رابطه اظهار داشت هرگاه تحریم نفتی علیه بلگراد صورت گیرد این امر مشکلات زیادی را برای یونان ایجاد خواهد کرد. این اقدام سبب قطع تجارت یونان با اروپا نیز خواهد شد.

قبل از نشست اتحادیه اروپا در بیست و ششم آوریل، وزرای دفاع ناتو به ویسلی کلارک اجازه دادند فرماندهان این سازمان طرح عملیاتی اجرای تحریم نفتی شامل توقف و تفتیش کشتی‌های نفتی به مقصد یوگسلاوی را آماده نمایند. وزاری خارجه پانزده کشور اتحادیه اروپائی در بیست و ششم آوریل ۱۹۹۹ در لوکزامبورگ تصمیم گرفتند به تحریم‌های خود علیه بلگراد شدت بخشند، و آن را به همراه محدودیتهای دیگر از تاریخ اول ماه می به مورد اجرا در آورند. مهمترین نکات تصمیمات نشست وزاری خارجه اتحادیه اروپائی به شرح ذیل بودند:^۱

۱- امتناع از اعطای روادید به میلوشوویچ، اعضای خانواده‌اش، وزیران و مقامات یوگسلاوی و صربستان،

۲- گسترش انسداد دارایی‌های یوگسلاوی در خارج بویژه افراد وابسته به میلوشوویچ و شرکتهای تحت کنترل یا عمل کننده برای یوگسلاوی و صربستان،

۳- ممنوعیت صادرات به یوگسلاوی و سرمایه گذاری در این کشور و افزایش تحریم هوایی یوگسلاوی،

۴- تصویب موافقت نامه اتحادیه اروپائی در خصوص اعمال تحریم سوختی و فرآورده‌های نفتی به یوگسلاوی به منظور از کار انداختن ماشین جنگی صربستان،

۵- دعوت از ابراهیم روگوا رهبر میانه روی آلبانی تباران کوزوو در نشست آتی اتحادیه در بروکسل.

در بیانیه پایانی نشست وزرای خارجه اتحادیه اروپائی آمده بود «میلوشوویچ باید به پنج خواسته جامعه بین‌المللی به منظور پایان بخشیدن به عملیات نظامی ناتو تن دردهد^۲».

در واکنش به اعمال تحریم سوختی علیه بلگراد، ایوانف وزیر خارجه روسیه روز سه‌شنبه بیست و هفتم آوریل ۱۹۹۹ ضمن رد این تحریم، آن را باعث تعمیق و پیچیدگیهای بیشتر منازعه کوزوو خواند و گفت: فقط شورای امنیت سازمان ملل حق دارد علیه کشورها تحریم‌هایی را برقرار سازد. وی افزود تحریم‌های ناتو فقط به ۱۹ کشور عضو ناتو مربوط می‌شود و ارتباطی به روسیه ندارد. وزیر خارجه روسیه همچنین افزود اگر ناتو واقعاً خواستار

صلح در یوگسلاوی است، به عنوان اولین قدم باید حملات هوایی خود علیه این کشور را متوقف کند^۱. از سوی دیگر معاون دبیرکل سازمان ملل متحد نیز پیرامون اعمال تحریم نفتی علیه بلگراد گفت که غیر نظامیان اولین قربانی این تحریم علیه یوگسلاوی می‌باشند.

خاویر سولانا دبیرکل ناتو تاکید کرد کشتی‌های ناتو مستقر در آدریاتیک حتی کشتی‌های روسی حامل سوخت به سوی بلگراد را تفتیش خواهند کرد^۲. با توجه به اینکه ارسال سوخت از طریق مرزهای زمینی به یوگسلاوی توسط روسها امکان‌پذیر نبوده، فلذا تنها راه ارسال سوخت از طریق دریای آدریاتیک میسر بود. اما باید اذعان داشت که عملاً در طول بحران کوزوو هیچ برخورد جدی بین روسیه و غرب در ارتباط با ارسال سوخت به یوگسلاوی صورت نگرفت. چند روز پس از اعمال تحریم سوختی، روزنامه فاینشال تایمز چاپ لندن گزارش داد که بلوکه نمودن و تحریم سوختی بلگراد به نحوی کنار نهاده شده و به سوی اعمال داوطلبانه آن سوق پیدا کرده است. این گزارش نشان داد برخی از کشورهای همسایه یوگسلاوی و حتی عضو ناتو عملاً استراتژی سازمان پیمان آتلانتیک شمالی را نقض می‌کردند^۳. برخی از مقامات بوداپست نیز تاکید کردند که روزانه بالغ بر ۸۵۰۰۰ لیتر بنزین بصورت معمولی از طریق ۹۰۰ وسیله نقلیه شخصی و باری دارای مخازن سوخت استاندارد از نقاط مختلف مرزی مجارستان وارد یوگسلاوی می‌شدند. نخست وزیر رومانی نیز در این خصوص گفت هنوز هیچ دستورالعملی از سوی اتحادیه اروپا و ناتو برای اعمال تحریمهای نفتی علیه یوگسلاوی دریافت نداشته است. این اظهارات مبین عدم رعایت تحریم نفتی از سوی کشورهای همسایه یوگسلاوی بود که این مهم درآمدهای کلانی برای کشورهای همسایه یوگسلاوی به همراه داشت. بعدها مطبوعات برخی کشورها نظیر رومانی، بلغارستان و مجارستان بر امر قاچاق مواد سوختی به یوگسلاوی گزارشات متعددی به چاپ رساندند.

۲- خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، ایرنا ۱۳۷۸/۰۲/۰۶

۱- خبرگزاری تاس، ۱۹۹۹/۰۴/۲۷

۳- خبرگزاری فرانس پرس ۱۹۹۹/۰۴/۲۲

اختلافات اعضای ناتو

الف - اختلافات سیاسی

طولانی شدن حملات، عدم توفیق سریع ناتو و نیز افزایش تلاشهای سیاسی شرایطی جدید را بوجود آورده بود که واشنگتن بعنوان هدایت‌کننده اصلی بحران کوزوو تحت فشار شدید تلاشهای دیپلماتیک روسیه برای برگزاری نشست وزاری خارجه گروه هشت^۱ قرار گیرد و هم اینکه برخی از اعضای ناتو و فرماندهان عالی نظامی این سازمان براین امر تاکید داشته باشند که دیگر قادر به جلوگیری از قتل عام در کوزوو توسط صربها نبوده و صرف حملات هوایی کافی نمی‌باشد.^۲

رهبران بلگراد با توجه به گستردگی فاجعه آوارگان کوزوویی، حساسیت افکار عمومی بین‌المللی و نیز اولویت ناتو در حل این معضل از هر تلاشی برای توقف عملیات نظامی جانبداری و حمایت می‌کردند. اما برعکس واشنگتن و لندن تاکید داشتند که این خواسته میلوشوویچ است و نباید به آن تن داد، در مقابل رهبران برخی از کشورهای عضو ناتو همچون یونان و ایتالیا بعلت شرایط داخلی خود بر توسل به راه‌های سیاسی اهمیت قائل بودند.

با گذشت دو هفته از عملیات ناتو، میلوشوویچ همچنان برنده میدان جنگ بود زیرا عملیات ناتو اروپا را با بحران‌ها، ترس و بی‌ثباتی‌های جدیدی مواجه ساخته و میلوشوویچ با پاکسازی نژادی موج عظیمی از آلبانی‌تباران را آواره کرده بود که کمتر اعتماد و امیدی به بازگشت به سرزمینشان داشتند. دولت بلگراد در ششم آوریل ۱۹۹۹ با اعلان آتش بس یک جانبه خواستار توقف درگیریها در بالکان شد و اعلام کرد «از ساعت ۱۹ به وقت محلی تمام تحرکات نظامی ارتش، پلیس و سایر نیروهای مسلح این کشور در کوزوو متوقف می‌شود. همچنین بلگراد آمادگی خود برای مذاکره سیاسی با نیروهای تحت رهبری ابراهیم روگوا رهبر میانه رو آلبانی‌تبار را اعلام داشت^۳».

آمریکا و ناتو ضمن رد آتش بس یوگسلاوی، بر خواست پنج‌گانه خود شامل بازگشت

۱- مجموعه تلاشهای هفت کشور صنعتی و روسیه در فصول آتی به طور مفصل به بحث گذاشته خواهد شد.

۲- اظهارات ویسلی کلارک در این خصوص قابل ملاحظه است.

۳- خبرگزاریها بین‌المللی به نقل از تانویک ۱۹۹۹/۰۴/۰۶

آوارگان، خروج ارتش صرب از کوزوو، استقرار نیروهای ناتو در این ایالت و نیز اجرای طرح صلح کوزوو براساس گفتگوهای رامبویه، تاکید کردند. بیل کلینتون بر تقاضای خویش مبنی بر پیروی میلوشوویچ از شرایط ناتو تاکید کرد. وی افزود «زمانی جنگ هوایی ناتو علیه یوگسلاوی پایان می‌پذیرد که تمامی شرایط ناتو مورد قبول یوگسلاوی قرار گیرد. میلوشوویچ باید پیش از آنکه خیلی دیر شود، نیروهای خود را از کوزوو خارج و راه را برای استقرار نیروهای بین‌المللی حافظ صلح هموار سازد^۱».

مهمترین اعضای ناتو یعنی آمریکا، انگلیس، آلمان، فرانسه به شدت پیشنهاد آتش بس یک جانبه بلگراد را رد کرده و خواستار تسلیم میلوشوویچ شدند. هنری کسینجر وزیر خارجه اسبق آمریکا طی مصاحبه‌ای با شبکه سی ان ان گفت آمریکا قبل از اقدام نظامی ناتو تحرکات سیاسی کافی نداشت فلذا فاجعه انسانی بوقوع پیوست. وی همچنین افزود در حال حاضر اعتبار ناتو در میان بوده چنانچه این عملیات به نتیجه ملموس منتج نگردد، حیثیت ناتو بیش از پیش زیر سوال می‌رود. فلذا وی توجیه نمود ناتو بایست حرکات سیاسی را با عملیات نظامی ممزوج کند.

رابرتسون وزیر دفاع وقت انگلیس گفت که جامعه جهانی خواستار علائم مثبتی است که میلوشوویچ بطور دائم خشونت، کشتار و تعدی در کوزوو را متوقف سازد و از سوزاندن منازل آلبانی‌تباران دست بردارد. ژاک شیراک رئیس جمهور فرانسه در دومین نطق تلویزیونی خود از ابتدای جنگ در یوگسلاوی، آتش بس یک طرفه میلوشوویچ را لازم الاجرا اما غیرکافی خواند و گفت «در چهارچوب یک توافق سیاسی، لزوماً مجموعه اقداماتی که می‌تواند به بازگشت موثر صلح و امنیت در کوزوو منجر شود، باید همراه باشد. شیراک همچنین گفت «فرانسه با مردم صرب احساس دوستی و احترام می‌کند و امیدوار است که مردم صرب سرانجام چشمهای خود را بر واقعیت رژیم خود باز کنند^۲».

ژاک شیراک همچنین در نطق تلویزیونی خود پیرامون بحران کوزوو و ضرورت تشدید

۱- خبرگزاری یونایتدپرس ۱۹۹۹/۰۴/۰۶

۲- خبرگزاری فرانس پرس ۱۹۹۹/۰۴/۰۶ و ۱۹۹۹/۰۴/۰۷

فشارهای ناتو علیه بلگراد اظهار داشت «تا زمانی که رژیم صرب به طور شفاهی و کتبی به تقاضای این سازمان پاسخ مثبت ندهد، حملات (ناتو) باید ادامه یابد»^۱. دبیرکل ناتو ضمن رد پیشنهاد آتش بس یک طرفه بلگراد، گفت «میلوشوویچ بایست به تقاضاهای جامعه جهانی گردن نهد»^۲.

یونان تنها عضو ناتو و متحد سنتی صربها، ابتکار میلوشوویچ را «اولین قدم» برای توقف جنگ در بالکان تلقی نمود. وزیر دفاع یونان اکیس تسوهاتزوپولوس به هنگام بازدید رسمی از مقدونیه گفت «یونان احساس می‌کند که فعالیتهای نظامی باید متوقف شود و زمان آن فرا رسیده است که برای مذاکرات گرد هم بنشینند»^۳.

بدنبال ابتکار صلح کوفی انان دبیرکل سازمان ملل متحد مبنی بر اعلام آتش بس، عقب نشینی نیروهای صرب از کوزوو و نیز توقف بمبارانهای ناتو، دالما نخست وزیر وقت ایتالیا که از حامیان برقراری تماس با بلگراد و شروع گفتگوهای صلح بود، پس از تماس تلفنی با رهبران آمریکا، فرانسه، آلمان و دبیرکل ناتو اظهار امیدواری کرد واکنش مشترک و مثبت کشورهای عضو ناتو نسبت به پیشنهاد کوفی انان بتواند مقامات بلگراد را به قبول شرایط ارائه شده از سوی سازمان ملل متحد متقاعد سازد^۴.

در یک جمع بندی کلی پیرامون وجود اختلاف نظرهایی بین اعضای ناتو در خصوص چگونگی پایان بخشیدن به بحران کوزوو باید اذعان داشت که در داخل پیمان آتلانتیک شمالی دیدگاههای متفاوتی وجود داشت که اهم آن به شرح ذیل خلاصه می‌گردد:

۱- آمریکا و انگلیس در سیاستهای خود علیه بلگراد از هماهنگی بیشتری برخوردار بوده و عمدتاً مخالف هرگونه نرمش و سازش بامیلوشوویچ بودند. واشنگتن و لندن، با اتخاذ سیاست تهاجمی علیه بلگراد کوشش داشتند سایر اعضای ناتو را متقاعد به پیروی از استراتژی تعیین شده این سازمان بنمایند.

۱- همان منبع ۱۹۹۹/۰۴/۱۰

۲- خبرگزاری رویتر و فرانس پرس ۱۹۹۹/۰۴/۰۷

۳- خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، ایرنا ۱۳۷۸/۱/۱۴

۴- خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، ایرنا ۱۳۷۸/۰۱/۲۱

۲- آلمان و فرانسه ضمن جانبداری از مواضع ناتو در استمرار حملات هوایی و موشکی علیه بلگراد با ابتکارات صلح نیز مخالفتی نداشته و معتقد بودند که اسلوبودان میلوشویچ بایست به خواسته‌های ناتو پاسخ مثبت بدهد.

۳- ایتالیا ظاهراً حامی ابتکارات صلح بوده و بر ضرورت تماس و گفتگو با رهبران بلگراد تاکید داشت و راه مذاکره با بلگراد را باز گذاشته بود، اما عملاً امکانات و تسهیلات لازم ناتو در حمله به یوگسلاوی را فراهم آورده و رسماً فاقد قدرت مخالفت با این سازمان بود.

۴- یونان بلحاظ همسایگی با یوگسلاوی و داشتن روابط سنتی، تاریخی و مذهبی با این کشور از هرگونه گفتگو با رهبران یوگسلاوی استقبال می‌کرد و برخی از مقامات این کشور رسماً و علناً مخالفت خود را با عملیات ناتو در یوگسلاوی ابراز می‌داشتند اما رهبران آن‌ها همچون رم در چارچوب عضویت ناتو مجبور به اعطای تسهیلات و امکانات لازم به پیمان آتلانتیک شمالی بودند.

۵- سه کشور جدید الورود ناتو (جمهوری چک، لهستان و مجارستان) با قبول مسئولیت‌های خویش در قبال اقدام ناتو در بالکان، فضای کشور خود و سایر امکانات لازم را در اختیار ناتو قرار داده و از میلوشویچ می‌خواستند شرایط جامعه بین‌المللی را بپذیرد.

نکته جالب توجه اینکه علیرغم وجود اختلاف نظرهایی بین اعضای ناتو، واشنگتن تلاش کرد یکپارچگی و وحدت پیمان آتلانتیک شمالی را در قبال دخالت این سازمان در بالکان حفظ نماید. دیپلماسی آمریکا در طول بحران از طریق تماسهای مستمر رهبران سیاسی و نظامی واشنگتن با مقامات کشورهای عضو ناتو و سایر دول صاحب نفوذ در بحران، برگزاری نشست سران اعضای ناتو در پنجاهمین سالگرد تاسیس آن در واشنگتن و نیز موافقت کلیه اعضای سازمان در تحقق مفاد اعلامیه نهائی واشنگتن که اصول مهم آن بر پذیرش شرایط پنج‌گانه ناتو توسط میلوشویچ تاکید داشت، خود مبین موفقیت آمریکا در مدیریت و هدایت بحران کوزوو بود. در عین حال باید تاکید کرد که ناتو در طول جنگ ۷۸ روزه خود علیه یوگسلاوی با مشکلات عدیده‌ای مواجه گردید که نیازمند هماهنگی و همکاری لازم کلیه اعضای آن بود. در

ابتدای بحران بلحاظ تاکید هر یک از کشورها بر حفظ و اهمیت منافع ملی خویش اختلاف نظرهایی ظاهر گشت، اما بتدریج با طولانی شدن عملیات ناتو در منطقه و حضور مقتدرانه آمریکا در برابر بلگراد و نیز آشکار شدن اثرات تهاجم نظامی ناتو، موج اولیه انتقاد از ناتو بطور علنی کاهش یافته و اغلب کشورها بر تحقق اهداف چندگانه ناتو تاکید ورزیدند.

ب - اختلافات نظامی

طرح اعزام نیروی زمینی

در حالی که حملات هوایی ناتو علیه یوگسلاوی ادامه داشت و نگرانی‌های نسبت به طولانی شدن جنگ هوایی و احتمال عدم موفقیت آن در محافل سیاسی و نظامی غرب بروز کرد، ابتکار اعزام نیروی زمینی ناتو به ایالت کوزوو در صدر توجه مطبوعات و رسانه‌های گروهی این کشورها بویژه انگلستان قرار گرفت.

ژنرال کلارک فرمانده عالی ناتو، بعنوان یک طرح نظامی پیشنهاد استقرار نیروی زمینی ناتو در کوزوو را آماده کرد. مجله آمریکائی نیوزویک به نقل از مقامات پنتاگون نوشت که زمان در منازعه یوگسلاوی کم از دست می‌رود و تنها راه موفقیت در این جنگ اعزام نیروی زمینی به کوزوو می‌باشد. براین اساس رئیس ستاد مشترک آمریکا در نامه‌ای به وزیر دفاع این کشور نوشت که تنها اعزام نیروهای زمینی ضامن اجرای اهداف سیاسی در کوزوو خواهد بود.

روزنامه تایمز به نقل از منابع وزارت دفاع انگلیس اعلام داشت که نیروهای زمینی ناتو حتی بدون انعقاد قرارداد صلح کوزوو در ماه ژوئیه یا اوت ۱۹۹۹ به منطقه اعزام خواهند شد. این روزنامه دست راستی افزود لندن آماده است نیروهای خویش را با اعزام ۲۳۰۰ نیروی اضافی جدید به منطقه بالکان تا سطح ۹۰۰۰ نفر افزایش دهد.

رئیس جمهوری آمریکا با هدف تداوم حملات هوایی ناتو از کنگره این کشور خواست مبلغ شش میلیارد دلار بودجه اضافی برای پنتاگون اختصاص یابد. وی احتیاج به بودجه اضطراری برای حفظ منافع ملی آمریکا را الزامی و فوری خواند.

بیل کلینتون علیرغم ضرورت اعزام نیروی زمینی بخاطر فشار افکار عمومی داخلی و نیز خطراتی که سربازان آمریکایی را تهدید می‌کرد، با اعزام نیروی زمینی مخالفت ورزید. برخی مسئولان پنتاگون علناً تفاوت دیدگاه عملیاتی خود با دیدگاه سیاسی کلینتون را آشکار ساخته بر لزوم اعزام نیروی زمینی تاکید می‌ورزیدند. واشنگتن پست گزارش کرد «افسران چهار ستاره پنتاگون به مقامات دستگاه اداری هشدار داده بودند که بمباران صرف، اهداف سیاسی شان را در کوزوو تحقق نخواهد بخشید. یک افسر عالی‌رتبه گفت که من فکر نمی‌کنم هیچکس این امر را در راستای منافع ملی بدانند^۱». واشنگتن پست می‌افزاید در جریان گفتگو در پشت درهای بسته، افسران نظامی با تئوری دومینوی مطرح شده از سوی خانم آلبرایت وزیر خارجه آمریکا به مقابله پرداختند. او هشدار داده بود هرگاه تجاوز صربستان علیه آلبانی تبارها در کوزوو متوقف نشود، سایر کشورها در منطقه بالکان ناامن خواهند شد. سرانجام افسران عالی‌رتبه موافقت کردند که حملات هوایی ناتو آغاز شود اما پس از ۱۲ روز از تهاجم ناتو، آنان شک و تردید داشتند که حملات هوایی به تنهایی در تحقق اهداف سیاسی وسیع، توقف درگیری در کوزوو و نیز قانع نمودن میلوشوویچ برای چانه زنی در پشت میز مذاکره موثر باشد^۲».

نکته قابل توجه در خصوص اعزام نیروی زمینی ناتو به کوزوو این بود که لندن بیش از همه بر اعزام نیرو (به طور محدود) به کوزوو اصرار می‌ورزید. شاید علت این امر را بتوان بدین صورت دسته بندی کرد:

- ۱- انگلیسها به همراه آمریکائیهها خواهان پیروزی مسلم ناتو بر میلوشوویچ بودند.
- ۲- انعطاف ناتو را جایز نمی‌دانستند و در این خصوص با سفرای دیگر اعضاء ناتو اختلاف نظر جدی داشتند.
- ۳- لندن مایل بود در کمک به واشنگتن افکار عمومی آمریکا و اروپا را برای حمله زمینی در شرایط ناچاری آماده سازد.
- ۴- سیاست سنتی انگلیسیها این است که محوریت بحران باید آتلانتیکی باشد همچنانکه در

بحران عراق همین سیاست تعقیب گردید. دولتهای آلمان، ایتالیا، فرانسه و کانادا مخالف اعزام نیرو به کوزوو بودند و استدلال می‌کردند که قضیه اعزام نیروی زمینی به کوزوو را پس از تصویب قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد مدنظر خواهند داشت. برخی از اعضای ناتو همچون اسپانیا مایل نبودند مواضع رسمی خود را بیان دارند. یونان یکی از اعضای قدیمی ناتو بلحاظ برخی ملاحظات علناً مخالف شدید اعزام نیرو به بالکان بوده و این حرکت را در تشدید بحران دخیل می‌دانست، اما مقامات رسمی این کشور اذعان داشتند که امکانات و تسهیلات بندری خود را در اختیار سازمان آتلانتیک شمالی قرار خواهند داد.

ناتو از ابتدای بحران از اهرم اعزام نیرو به یوگسلاوی در اعمال فشار روزافزون بر اسلوبودان میلوشویچ استفاده کرد، اما هرگز بدون مجوز شورای امنیت و پذیرش آن از سوی دولت بلگراد سربازان خود را وارد خاک یوگسلاوی ننمود. این اقدام ناتو شاید به چند دلیل صورت گرفته باشد که اهم آن به شرح ذیل می‌باشند:

- ۱- رهبران سیاسی اکثر کشورهای عضو ناتو نسبت به اعزام نیرو به یوگسلاوی ملاحظاتی داشتند که مهمترین آن پاسخگویی به افکار عمومی داخل این کشورها بود.
- ۲- رهبران سیاسی دول عضو ناتو بر اولویت استراتژی پیمان آتلانتیک در بکارگیری حملات هوایی و موشکی تا تسلیم میلوشویچ تاکید داشته و اصرار می‌ورزیدند. زیرا عمده این حملات از سوی آمریکا، انگلیس و فرانسه صورت می‌گرفت و خطرات جدی برای سایر اعضای ناتو به همراه نداشت.
- ۳- هواپیماهای ناتو با پرواز در ارتفاع بالا اقدام به بمباران مواضع مختلف صربها می‌نمودند و خطر سقوط این هواپیماها کمتر بوده است. بگزارش ناتو هیچ خلبان این سازمان ظرف ۷۸ روز عملیات در یوگسلاوی کشته و یا زخمی نشدند.
- ۴- ناتو به این نتیجه رسیده بود که بلگراد در انتظار ورود سربازان ناتو در ایالت کوزوو می‌باشد تا انتقام صدمات و خسارات حملات هوایی را جبران نماید. تحلیل‌گران نظامی براین باور بودند که ورود ناتو به یوگسلاوی بدون مجوز شورای امنیت شاید امر آسانی بوده باشد اما با

توجه به سابقه تاریخی جنگ صربها با ارتش هیتلر در جنگ جهانی دوم هر گونه حضور فیزیکی این سازمان در منطقه بالکان، سرانجام ناتو را زمین گیر نموده و این امر در شکست ناتو در تحقق اهدافش نقش به سزائی خواهد داشت.

بررسی اهداف عملیات غرب علیه یوگسلاوی نشان می دهد که ناتو به منظور فشار بیشتر بر میلوشوویچ و نیز فلج کردن اقتصاد صربستان، اهداف خود را از امکانات نظامی به اقتصادی توسعه داده و حتی سعی را بر نابودی اقتصاد این کشور گذاشت. رابین کوک وزیر خارجه انگلیس در تایید این استراتژی تاکید داشت غرب در تلاش است منابع سوخت یوگسلاوی را تخریب و محدود سازد. لامبرتودینی وزیر خارجه ایتالیا طرحی را با هدف فلج کردن صربستان و پایان یافتن بحران کوزوو ارائه کرد. وی بمباران هوائی ناتو را ناکافی دانست و گفت باید صربستان به محاصره و تحریم کامل درآید و با کمک کشورهای مقدونیه، آلبانی، بلغارستان و رومانی در محاصره کامل قرار گیرد. در این طرح نقش اول به نیروهای نظامی داده شده بود که با استقرار در کشورهای همسایه، صربستان را به محاصره کامل در می آوردند. دینی افزود با این طرح ذخیره غذائی در صربستان و راه ارتباطی آن از طریق رودخانه دانوب نیز مورد توجه قرار می گیرد.

در شرایطی که جنگ هوائی در بالکان بیش از حد انتظار ناتو بدرازا کشید و بحران کوزوو در پی تلاشهای سیاسی روسیه، آلمان و دبیرکل سازمان ملل وارد مرحله حساسی گردید، فیشر وزیر خارجه آلمان برافزایش فشار بر بلگراد تا تحقق درخواست ناتو تاکید کرد. وی اظهار داشت تا زمانی که راه حل سیاسی بحران کوزوو تحقق نپذیرد، راه حل نظامی و اعزام نیروی زمینی به کوزوو همچنان به قوت خود باقی است. فیشر حتی تاکید کرد بلگراد بایست پنج شرط ناتو را بپذیرد و شرایط پنجگانه ناتو، بخشی از خواست گروه ۸ می باشد.

همزمان با افزایش حملات هوائی و موشکی ناتو علیه غیرنظامیان در یوگسلاوی و به ویژه پس از حمله به سفارت چین در بلگراد که واکنش منفی در اروپا، آمریکا و آسیا به همراه داشت، واشنگتن کوشید از فشار وارده بر ناتو بکاهد. از اینرو پنتاگون و ناتو ضمن تکیه بر مسئله

پاکسازی قومی در کوزوو توسط ارتش صربستان سعی کردند توجه جهانی را به سوی بلگراد و اسلوبودان میلوشوویچ معطوف سازند. در همین راستا پس از توقیفی چند در خصوص ضرورت اعزام نیروی زمینی به کوزوو بار دیگر موضوع ضرورت تهاجم زمینی به کوزوو مورد توجه بیشتر قرار گرفت. گرچه تعدادی از رهبران اروپائی مایل به تداوم حملات هوائی بوده و تاکید بر ادامه بحران کوزوو برای ماههای طولانی‌تری را داشتند، اما افکار عمومی پذیرای یک چنین بحرانی در اروپا نبودند. فلذا هر از چندگاهی جناح تندروی ناتو (بویژه انگلیس) از موضوع اعزام نیروی زمینی به کوزوو بعنوان یک ابزار فشار علیه بلگراد استفاده می‌کرد.

فصل هشتم

روسیه و بحران کوزوو

اقدامات جانبدارانه مسکو از بلغراد در اوایل بحران

با آغاز تهاجم ناتو، روسیه بلحاظ روابط سنتی - تاریخی خود با صربها در واکنشی تند این حملات را محکوم کرد و همزمان مناسبات خویش با ناتو و غرب را تنزل بخشید. گرچه بلغراد در قبال اقدامات نظامی ناتو از مسکو انتظارات زیادی داشت، اما روسیه با توجه به توانمندی‌های خود وارد تلاشهای سیاسی در حل بحران بالکان گردید که اهم آن به طور خلاصه به شرح ذیل می‌باشند:

۱- در صحنه سازمان ملل متحد

مسکو قطعنامه‌ای را به شورای امنیت سازمان ملل متحد ارائه کرد که براساس آن حملات ناتو علیه یوگسلاوی محکوم می‌شد.^۱ در نشست شورای امنیت تنها دو کشور چین و نامیبیا از پیشنهاد روسیه جانبداری نمودند ولی ۱۲ کشور دیگر عضو شورا که عمدتاً کشورهای شرکت کننده در عملیات ناتو بودند، آن را رد کرده و سد راه حرکت سیاسی روسیه به جانبداری از صربها در سازمان ملل متحد شدند.

۲- در صحنه همکاری نظامی با اسفور در بوسنی

روسیه همچنین اعلان داشت موضوع فراخوانی نیروهای حافظ صلح خود مستقر در بوسنی را مورد بررسی قرار خواهد داد. اما هرگز در طول بحران از این حربه استفاده ننمود.

۳- تعلیق همکاری با ناتو

مسکو اعلام داشت ترتیبات امنیتی ناشی از همکاری این کشور با ناتو مندرج در چارچوب سند بنیانی روسیه - ناتو ۱۹۹۷ را به حالت تعلیق در می‌آورد.

۴- فراخوانی سفرای نظامی از مقر ناتو

روسیه همچنین نمایندگان نظامی خود را از بروکسل فراخواند و از سفیر ناتو در مسکو خواست تا روسیه را ترک کند. تعلیق همکاری روسیه - ناتو مدتها موجبات تیرگی روابط دو جانبه گردید که پس از خاتمه بحران و استقرار نیروهای بین‌المللی حافظ صلح در کوزوو و نیز بهبود تدریجی روابط دو جانبه، همکاریهای روسیه - ناتو بار دیگر از سر گرفته شد.

۵- توقف همکاری مشارکت در صلح

مسکو بطور موقت کلیه فعالیتهای مربوط به برنامه مشارکت برای صلح را نیز متوقف نمود.

۶- تهدید به ارسال تسلیحات

مسکو بلحاظ فشار افکار عمومی و نیز جناحهای حامی صربها در حاکمیت روسیه تهدید کرد ارسال کمکهای نظامی به بلگراد را مورد بررسی قرار خواهد داد که این امر با واکنش ناتو و آمریکا روبرو گردید. در حالیکه وزارت امور خارجه بر امر ضرورت یافتن راه‌حلهای سیاسی در بحران کوزوو اصرار داشت وزارت دفاع روسیه بر نزدیکی بیشتر با مقامات بلگراد تاکید می‌ورزید و در این راستا تحرکاتی بعمل می‌آورد.

۷- حرکت کشتیهای روسی بسوی دریای آدریاتیک

روسیه شش فروند کشتی جنگی و شناسائی خود را به دریای مدیترانه، دریای آدریاتیک و دریای سیاه اعزام داشت و برای اولین بار برای عبور یک ناو بزرگ روسی تقاضای دریافت مجوز از تنگه بسفور ترکیه نمود. از دوران جنگ سرد تا زمان تهاجم ناتو علیه یوگسلاوی، دو بلوک به خط قرمزهای یکدیگر احترام می‌گذاشتند و در نمونه‌هایی چون خلیج خوکها، حدود طرف مقابل را مراعات می‌کردند ولی در وضعیت جدید ضعف درونی روسیه باعث تغییر

خطوط قرمز گردید. آنچه مشهود بود ضعف درونی و تمایل روسیه مبتنی بر تحرکات نمایشی و پرهیز از هرگونه اقدام عملی بود. معذالک آمریکا و انگلیس از اعزام کشتی اطلاعاتی و غیرعملیاتی روسیه نگران شده و از این کشور انتقاد کردند. سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا در مصاحبه مطبوعاتی خود گفت آبرایت با ایوانف مذاکره تلفنی داشته به او یادآور شده که مذاکرات بسیار خوب آمریکا و روسیه نبایستی فدای سمپاتی مسکو به بلگراد شده و آنان را به تحرکات نظامی بکشاند. اگرچه روسیه بسیار تحقیر شده و حرکاتی اکثراً نمایشی داشت، ولی علی‌الظاهر خط قرمز حرکات روسها جلوگیری از احیای فضای جنگ سرد در روابط خارجی‌شان بود. اکثر اقدامات روسها در پاسخ به افکار عمومی داخلی استوار بود.

۸- تلاشهای سیاسی مسکو

تقریباً با گذشت یک هفته از تهاجم ناتو علیه یوگسلاوی و عدم توانایی جدی روسیه در ورود به یک جنگ تمام عیار علیه غرب در پشتیبانی از متحد قدیمی خود در بالکان، تنها اقدام عملی برای مسکو ورود به یک فرآیند طولانی گفتگو با غرب پیرامون بحران کوزوو با هدف دستیابی به یک راه حل سیاسی بود. در اولین مرحله از تلاشهای سیاسی روسیه، یورگنی پریماکف نخست وزیر وقت روسیه در ۳۰ مارس ۱۹۹۹ در حالیکه وزیر امور خارجه و دفاع روسیه وی را همراهی میکردند، وارد بلگراد شد و با اسلوبودان میلوشوویچ دیدار و گفتگو نمود. پریماکف در بن نتایج مذاکرات خود را به اطلاع شرودر صدراعظم آلمان و رئیس دوره‌ای اتحادیه اروپائی رساند و اعلام داشت میلوشوویچ پیشنهاد دارد در صورتیکه ناتو حملات خود را متوقف سازد، وی حاضر به شروع مذاکرات سیاسی سازنده با کوزوئی‌ها می‌باشد. اما این پیشنهاد بسرعت از سوی سران ناتو رد شد و آمریکا این قولها را ناکافی دانست.

با وجود شکست اولین تلاش سیاسی مسکو، ایوانف وزیر خارجه روسیه اعلام داشت همچنان به تلاشهای خود برای حل مسالمت‌آمیز مناقشه یوگسلاوی ادامه می‌دهد. بوریس یلتسین رئیس جمهوری به منظور یافتن راه حل سیاسی برای بحران کوزوو خواستار نشست اضطراری وزیران امور خارجه کشورهای عضو گروه هشت شامل روسیه، آمریکا، انگلیس،

آلمان، فرانسه، ایتالیا، ژاپن و کانادا شد. لامبرتو دینی وزیر خارجه ایتالیا از این پیشقدمی استقبال کرد. اوبرودرین وزیر خارجه فرانسه پس از یک سکوت چند روزه برگزاری این نشست را مفید دانست و در جریان مذاکره با همتای روسی خود اعلام داشت پاریس در نظر دارد برای یافتن راه حلی برای بحران کوزوو گفتگوهای نزدیکی با مسکو داشته باشد. یوشکا فیشر وزیر خارجه آلمان در مذاکره با همتای روسی خود گفت بن پیشنهاد مسکو را مورد بررسی قرار خواهد داد.

نظر به اینکه در میان اعضاء گروه تماس غرب ایتالیا بیش از همه نگران وخامت اوضاع منطقه بالکان بلحاظ همجواری با یوگسلاوی بود، بیش از سایر اعضای ناتو از تلاش جامعه بین‌الملل برای دستیابی به یک راه حل سیاسی پشتیبانی می‌کرد. اظهارات نخست وزیر ایتالیا در پایان نشست رهبران اتحادیه اروپائی در برلین مبنی بر نشست فوری گروه تماس بین‌المللی در عالی‌ترین سطح ممکن مبین نگرانی عمیق رهبران رم نسبت به گسترش منازعه در بالکان بوده است.

دلایل ورود مسکو در روند تلاشهای سیاسی

با توجه به روابط سنتی، تاریخی، فرهنگی و نژادی موجود بین صربها و روسها و علیرغم اهمیت فراوان یوگسلاوی برای روسیه و نیز حمایت افکار عمومی داخلی از یوگسلاوی، انتظار می‌رفت که مسکو در شرایط سخت و دشوار به کمک دولت بلگراد بشتابد، اما شرایط سیاسی، اقتصادی حاکم بر روسیه خود فرصت مناسبی بود تا ناتو از این وضعیت حداکثر استفاده را بعمل آورد. با این تحلیل بسیار بعید بود روسیه فراتر از اقداماتی برای مصرف داخلی، واکنش مهم و قابل توجهی از خود نشان بدهد. سفر فوری رئیس صندوق بین‌المللی پول (IMF) به مسکو و توافق وی برای ارائه وام ۴/۸ میلیارد دلاری یک اقدام حساب شده‌ای بود که میتوانست التیامی بر بدهی ۱۵۰ میلیارد دلاری روسیه و عامل مهمی در مجاب نمودن رهبران این کشور در عدم برخورد جدی و قاطع در قبال تهاجم ناتو بوده باشد، امری که نتیجه

بخش بودن آن بلافاصله هویدا گردید و حتی یلتسین در سخنرانی سالانه و پارلمانی خویش که در واقع استراتژی مسکو در قبال بحران بالکان را تبیین و ارائه نمود، اظهار داشت ما (در کوزوو) وارد جنگ نخواهیم شد و بر این باوریم که اظهارات مان بیش از هر اقدام دیگری جهت حل بحران موثر خواهد افتاد. این سخنان رئیس جمهوری روسیه خود علائم روشن و اطمینان بخشی بود که پیمان آتلانتیک شمالی در تعقیب استراتژی اش در بالکان آن را بدست آورد، هر چند مسکو در بیانیه‌های سیاسی و مطبوعاتی خود حملات هوایی ناتو را به شدت محکوم می‌نمود و دوماً این کشور بر امر ارسال تسلیحات برای کمک به صربها صحنه می‌گذارد. در طول بحران بوریس یلتسین رئیس جمهوری بارها عملیات ناتو را مورد انتقاد شدید قرار داد و آن را اقدامی غیرقانونی دانست که ناقص منشور سازمان ملل و قواعد حقوق بین‌المللی می‌باشد. ایوانف وزیر خارجه نیز تاکید داشت کسانی که دستور انجام این عملیات را داده‌اند، مسئول عواقب آن می‌باشند. بطور کلی رهبران کرملین بکارگیری قوه قهریه در نظام بین‌الملل را عامل بی‌ثباتی دانسته که ثبات و نظم دوران پس از جنگ را مورد تهدید قرار می‌دهد.

علیرغم واکنشهای تند رهبران روسیه، این کشور عملاً اقدام جدی در قبال تهاجم ناتو در حمایت از یوگسلاوی انجام نداد و آشکارا وارد فرآیند میانجی‌گری بین غرب و یوگسلاوی گردید.

فرآیند اقدامات سیاسی روسیه

تقریباً با گذشت یکماه از آغاز حملات ناتو علیه یوگسلاوی که سبب تیرگی مناسبات مسکو - واشنگتن گردید، سرانجام در نوزدهم آوریل ۱۹۹۹ و در اولین تماس تلفنی پنجاه دقیقه‌ای بین بیل کلینتون و بوریس یلتسین روسای جمهور آمریکا و روسیه بحران کوزوو مورد بحث و گفتگو قرار گرفت. این دو رهبر پیرامون موضوعاتی همچون عملیات ناتو در یوگسلاوی، ماموریت نیروهای بین‌المللی، اجرای یک توافقنامه صلح در کوزوو با یکدیگر اختلاف نظر اساسی داشتند. بوریس یلتسین براین عقیده بود که میلوشوویچ رئیس جمهور

یوگسلاوی هرگز تسلیم ناتو نخواهد شد و حملات این سازمان بایست متوقف شود اما وی به رئیس جمهور آمریکا اطمینان داد که روسیه در منازعه کوزوو مداخله نظامی نخواهد کرد. یلتسین نیز گفت ناتو در نظر دارد بر یوگسلاوی فایق آید و یوگسلاوی را تحت الحمایه خود درآورد، اما ما اجازه نمی‌دهیم که چنین شود. بیل کلینتون با اشاره به تلاشهای سیاسی انجام شده در گفتگوهای صلح رامبویه، خواسته‌های پنجگانه ناتو را مورد تاکید قرار داد و خواستار تسلیم میلوشوویچ رئیس جمهوری یوگسلاوی گردید. روسای جمهور دو کشور پیرامون موضوعاتی نظیر ضرورت دستیابی به یک راه حل مسالمت‌آمیز، توقف حملات ارتش صربستان بر علیه آلبانی تباران و نیز بازگشت آوارگان به اوطان خود و اهمیت ادامه کمک رسانی اتفاق نظر داشتند. یلتسین بر تداوم گفتگوها به منظور دستیابی به یک راه حل سیاسی برای اعطای خودمختاری ویژه به کوزوو و نیز حفظ تمامیت ارضی یوگسلاوی تاکید داشت و در خصوص حضور نیروهای بین‌المللی در ایالت کوزوو معتقد بود که این امر بایست با رضایت رهبریت یوگسلاوی صورت پذیرد.

پس از تماس تلفنی یلتسین - کلینتون، ویکتور چرنومردین نخست وزیر پیشین روسیه بعنوان نماینده ویژه ریاست جمهوری این کشور در امور یوگسلاوی تعیین گردید. متعاقب آن تالبوت معاون وزیر خارجه آمریکا مامور بازدید رسمی از مسکو جهت گفتگوهای بیشتر با رهبران کرملین در خصوص کوزوو گردید.

تالبوت معاون وزیر خارجه آمریکا در بیست و هفتم آوریل ۱۹۹۹ در مسکو با ایوانف وزیر خارجه و چرنومردین پیرامون جزئیات طرح چرنومردین در خصوص بحران کوزوو مذاکره کرد. سخنگوی وزارت خارجه آمریکا در واکنش به اولین تماسهای مستقیم نمایندگان دو کشور در خصوص کوزوو آن را سازنده خواند و در عین حال گفت «مذاکرات هیات آمریکائی در روسیه درباره بحران بالکان بی‌نتیجه بود. وی علت شکست گفتگوهای معاون وزیر خارجه آمریکا در روسیه را عدم تغییر مواضع مسکو دانست.^۱» در مقابل روسیه ضمن تاکید بر «توقف

حملات هوایی ناتو علیه بلگراد به شدت مخالف رهبریت نیروهای حافظ صلح در کوزوو از سوی ناتو بود^۱». مذاکرات تالبوت در حالی در مسکو به شکست انجامید که تنها چند روز از نشست اجلاس رهبران ناتو در واشنگتن نگذشته بود.

در اجلاس واشنگتن بر تداوم عملیات ناتو تا تحقق کلیه اهداف پنجگانه این پیمان تاکید شده بود، امری که هم روسها و هم صربها مخالف آن بودند. وزارت خارجه روسیه در بیانیه‌ای در پاسخ به بیانیه پایانی سران ناتو در آمریکا اعلام کرد «در واشنگتن سخنان زیادی در مورد همکاری با روسیه برای دستیابی به صلح در یوگسلاوی زده می‌شود، ولی باید در عمل این همکاریهای صلح جویانه نشان داده شود^۲». علیرغم برخی تلاشهای سیاسی در پایان بخشیدن به بحران کوزوو و افزایش نقش روسیه در این خصوص، شواهد روشنی مبنی بر قبول تقاضای مسکو از سوی ناتو به ویژه توقف حملات پیمان آتلانتیک شمالی علیه بلگراد وجود نداشت.

با شکست مذاکرات تالبوت - چرنومردین، روسیه سعی کرد با سایر کشورهای مهم و صاحب نفوذ در بحران بالکان بویژه آلمان و ایتالیا تماسهای گسترده‌تری برقرار نماید. در این راستا چرنومردین با سفر به آلمان و ایتالیا با رهبران این دو کشور پیرامون بحران کوزوو گفتگو نمود. سرودر صدر اعظم آلمان پس از دیدار با چرنومردین اظهار داشت «دستیابی به صلح در یوگسلاوی، بدون مشارکت روسیه امکان‌پذیر نیست». در همین خصوص چرنومردین در رم گفت «موضوع روسیه و غرب بتدریج به یکدیگر نزدیک می‌شود^۳». تالبوت معاون وقت وزارت خارجه آمریکا در سفر بعدی به مسکو اظهار داشت «روسیه و آمریکا بتدریج بر اختلافات خود فایق می‌آیند^۴». رابین کوک وزیر خارجه انگلیس از تلاشهای روسیه در جهت تحقق صلح در بالکان تقدیر کرد و گفت: آنچه در حال حاضر جالب به نظر می‌رسد، این است که روسیه موضوع چند هفته پیش خود را تغییر داده و اکنون به اهداف ما (غرب) نزدیکتر شده است^۵.

همصدائی رهبران غربی در مشارکت روسیه برای خاتمه بخشیدن به بحران بالکان در

۱- همان منبع.

۲- خبرگزاری تاس ۲۳ آوریل ۱۹۹۹.

۳- خبرگزاری فرانس پرس ۲۸ آوریل ۱۹۹۹.

۴- خبرگزاری تاس ۲۸ آوریل ۱۹۹۹.

۵- خبرگزاری رویتر ۲۸ آوریل ۱۹۹۹.

راستای این امر صورت می‌گرفت که حمله نظامی انجام شده علیه یکی از متحدین مسکو، تا حدی جبران شود و رهبران کرملین احساس نمایند همچنان در صحنه بین‌المللی صاحب اعتبار می‌باشند. انتخاب چرنومردین بعنوان فردی مورد اعتماد غرب، گویای این واقعیت بود که برخی از شرکای غربی از جمله آلمان و ایتالیا بیش از دیگران تمایل داشتند اقدامات دیپلماتیک راه‌حلی برای خاتمه بحران باشد. هرچند چرنومردین پس از اولین ملاقات نه ساعته خویش با میلوشوویچ خبر از موافقت بلگراد با حضور نیروهای بین‌المللی حافظ صلح از میان کشورهای میلوشوویچ که می‌توانند به بازگشت آوارگان کوزوویی کمک نمایند داد، اما بلافاصله وزارت خارجه یوگسلاوی ضمن مفید توصیف نمودن مذاکرات چرنومردین - میلوشوویچ از جمله توافقات این نشست را حضور نیروهای کشورهای با خصومت کمتر دانست.

بلافاصله پس از سفر جسی جکسون رئیس هیات آمریکائی به بلگراد به منظور آزادی سه اسیر آمریکائی، مقامات بلندپایه روسیه پیرامون بحران کوزوو تشکیل جلسه دادند و زمینه تماس تلفنی یلتسین با کلیتون را فراهم نمودند. در این تماس تلفنی طرفین توافق کردند تا چرنومردین برای ارائه طرح صلح خویش^۱ به واشنگتن سفر کند. نماینده ویژه روسیه در امور یوگسلاوی، سوم ماه می ۱۹۹۹ در واشنگتن با بیل کلیتون و الگور معاون وی و در نیویورک با کوفی انان دیدار و گفتگو داشت.

چرنومردین پس از ملاقات نسبتاً طولانی (۹۰ دقیقه‌ای) با کلیتون اظهار داشت «اکنون در لبه یک راه‌حل دیپلماتیک برای خاتمه بحران نزدیک شده‌ایم». یک مقام آمریکائی نیز تاکید کرد «نقطه نظرات کلیتون - چرنومردین به یکدیگر نزدیک شده است و ما فکر می‌کنیم مواضع روسیه به ما نزدیک است تا به مواضع میلوشوویچ^۲». این مقام آمریکائی افزود هنوز برای چرنومردین روشن نیست که آیا میلوشوویچ هم به سمت این مواضع نزدیک خواهد شد یا خیر. وی همچنین گفت ما علاقمندیم تا در خصوص نیروهای حافظ صلح با مشارکت سربازان روسی

۱- طرح چرنومردین در بخش ابتکارات صلح ارائه خواهد شد.

۲- خبرگزاری رویتر پنجم ماه می ۱۹۹۹.

و اکراینی با این شرط که ناتو نقش برتری در آن داشته باشد مذاکره نماییم و از مصوبه سازمان ملل متحد برای استقرار نیروهای حافظ صلح استقبال می‌کنیم.

با در نظر گرفتن وضعیت کلی بحران، دلایل همکاری آمریکا با روسیه را می‌توان به شرح زیر خلاصه کرد:

با توجه به جایگاه بین‌المللی آمریکا، واشنگتن از هرگونه مذاکره مستقیم با میلوشوویچ امتناع می‌ورزید.

- آمریکا تلاش داشت روسیه را از حالت یک متحد استراتژیک یوگسلاوی خارج سازد و پاداش سیاستهای ملایم مسکو در بحران را با اعطای نقش میانجی داده باشد.

- با توجه به نقطه نظرات مسکو در خصوص نیروهای حافظ صلح در کوزوو و تلاش آنها برای متقاعد نمودن بلگراد به پذیرش این نیروها، غرب سعی داشت از نفوذ مسکو بر بلگراد استفاده بهینه نموده و امتیاز اندکی به میلوشوویچ بدهد.

- غرب کوشش داشت با دادن نقش برجسته‌تری به روسیه (بعنوان عضو دائم شورای امنیت)، زمینه صدور قطعنامه بر علیه یوگسلاوی در شورای امنیت را فراهم سازد.

چرنومردین در طول بحران چهارمرتبه به منظور گفتگو و انتقال پیام رهبران غرب به اسلوبودان میلوشوویچ عازم یوگسلاوی شد تا با تامین برخی از تقاضاهای ناتو بحران بالکان را خاتمه بخشد. وی پس از شش ساعت مذاکره با میلوشوویچ، این گفتگوها را خوب توصیف نموده و گفت «بلگراد آماده است نیروهای بین‌المللی حافظ صلح را از میان کشورهای که میتوانند به بازگشت آوارگان کوزوویی کمک کنند، بپذیرد. میانجی روسی در ادامه افزود «درباره بحران کوزوو با مقامات یوگسلاوی به نتایج مهمی دست یافتیم اما هنوز کارهای زیادی باقی مانده است. وی شانس پیشرفت مذاکرات را اندک خواند و گفت «گرچه شانس بزرگی وجود ندارد، اما ما نباید اجازه دهیم همین شانس از دست برود».

در واکنش به اظهارات خوشبینانه چرنومردین پیرامون بحران کوزوو، یک سخنگوی وزارت خارجه یوگسلاوی اعلام داشت «نتایج گفتگوهای چرنومردین با میلوشوویچ مفید بوده

و طرفین در خصوص هفت بند از ابتکارات صلح به توافق رسیدند که کلیدی‌ترین آن استقرار نیروهای غیرمسلح حافظ صلح بین‌المللی تحت پرچم سازمان ملل می‌باشد.^۱ در واکنش به این اظهارات مادلین آلبرایت وزیر خارجه آمریکا گفت «من فکر می‌کنم ما تاکنون در رسیدن به یک پیشنهاد قابل توجه نزدیک نشده‌ایم».

سرانجام بدنبال تسلیم می‌لوشویچ و آمادگی غرب در اعزام نیروهای حافظ صلح به کوزوو رهبران مسکو تصمیم گرفتند نیروهای نظامی خویش را به کوزوو گسیل دارند، اما بر دو تقاضای خود یعنی داشتن یک منطقه انحصاری و ویژه در کوزوو و نیز داشتن فرماندهی مشترک با ناتو اصرار داشتند. مسکو در مذاکرات و چانه‌زنی‌های طولانی خود با واشنگتن نتوانست خواست اول خود یعنی کنترل یک منطقه معین در کوزوو را بدست آورد. همچنین واشنگتن در ارتباط با فرماندهی مشترک تاکید داشت که این فرماندهی می‌بایست واحد باشد و حاضر به اشتراک فرماندهی با روسیه نمی‌باشد. اما آمریکا و ناتو در ازای نقش قابل ملاحظه مسکو در خاتمه بحران، از داشتن حق فرماندهی (با مفهوم خاص) برای واحدهای روسی (براساس بند ۲ موافقتنامه منعقد شده بین وزرای دفاع آمریکا و روسیه) در این ایالت موافقت کردند. ناتو نیز (مطابق بند ۵، ۸ و ۹ موافقت نامه مزبور) خود را صاحب اختیارات فوق‌العاده به ویژه در رهبری و هدایت (فرماندهی) کیفور در کوزوو دانست.

یکی از حرکات نمایشی مسکو در جانبداری از بلغراد اعزام نیروهای اسفور روسی (مستقر در بوسنی - هرزگوین) به کوزوو از طریق بلغراد بود. پیرامون این اقدام غیرمنتظره روسیه (درست پس از تصویب قطعنامه ۱۲۴۴ شورای امنیت سازمان ملل متحد) این تحلیل وجود داشت که ورود سربازان روسی به فرودگاه پرشتینا از یک سو ناشی از وجود اختلاف بین وزارت خارجه و دفاع روسیه در خصوص روند حل بحران کوزوو بوده و از سوی دیگر این اقدام مسکو با هدف پاسخگویی به افکار عمومی داخل کشور بویژه برخی از انتقادات نیروهای رادیکال و ناسیونالیستی و نیز ابراز حمایت سیاسی از صربستان (در وضعیت بسیار دشوار

شکست سیاسی و نظامی صربها) صورت گرفت.

در تبیین استراتژی مسکو در طول منازعه کوزوو باید اذعان داشت که محور اصلی دیپلماسی روسیه، توقف حملات ناتو و در صورت امکان استقرار یک نیروی بین‌المللی تحت نظارت سازمان ملل متحد در ایالت کوزوو با حضور نیروهای روسی بود. اما واشنگتن در خصوص توقف عملیات ناتو و ترکیب یک نیروی پاسدار صلح در کوزوو با مسکو اختلاف نظر جدی داشت. گرچه رهبران سیاسی مسکو با اعزام چرنومردین به کشورهای اروپایی تلاش کردند، در مواضع اعضای ناتو شکاف ایجاد کنند و آنان را به یک راه حل سیاسی که تا حدودی تامین‌کننده منافع بلگراد باشد، وادار سازند اما واشنگتن که رهبری و هدایت بحران را در اختیار داشت، بر حساس‌ترین تقاضای خود یعنی استقرار نیروهای نظامی بین‌المللی در کوزوو اصرار می‌ورزید. در مقابل واشنگتن با توجه به شرایط داخلی روسیه تلاش داشت از نقش مسکو در فشار بر رهبران بلگراد با هدف قبول شرایط پنجگانه ناتو استفاده بهینه نماید.

فصل نهم

تلاشهای دیپلماتیک اتحادیه اروپائی

اتحادیه اروپائی و شروع جنگ

با شکست مذاکرات رامبویه، آغاز تهاجم ناتو، افزایش تشنج در منطقه و نیز سیل عظیم آوارگان کوزوویی به کشورهای همسایه، فشارهای وارده بر اروپا افزایش یافت و موجب شد اتحادیه اروپائی در نخستین گام از ابتکار سفر یوگنی پریماکف نخست وزیر وقت روسیه به بلگراد جهت یافتن راه حلی برای توقف جنگ استقبال نماید. لکن تاکید میلوشوویچ مبنی بر ضرورت توقف حملات ناتو و عدم پذیرش نیروهای بین‌المللی در کوزوو منجر به شکست تلاشهای پریماکف گردید. در این مقطع روسیه با انتخاب نماینده ویژه خود برای بالکان (چرنومردین) کوشش کرد تا نقش میانجی بین یوگسلاوی و مجموعه غرب را ایفا نماید. ناتو همچنان بر تحقق شرایط پنجگانه خود تاکید داشت و میلوشوویچ نیز حاضر به قبول شرایط ناتو نبود فلذا جنگ در منطقه ادامه یافت.

با طولانی شدن جنگ ناتو، برخی از کشورهای اروپائی به موازات تلاشهای دیپلماتیک روسیه، برای یافتن راه حلی سیاسی بمنظور خاتمه بحران، فشارهای خویش را متوجه آمریکا نمودند. عمده‌ترین دلایلی که اروپا را به سمت ضرورت پایان بخشیدن به بحران کشاند، شامل عدم تحقق پیش بینی و برآورد اولیه ناتو در مجبور کردن میلوشوویچ به پذیرش شرایط آن طرف ۹۶ ساعت، ورود موج عظیم آوارگان کوزوویی به کشورهای همسایه و اروپائی و معضلات ایجاد شده از این رهگذر، افزایش قتل عام در کوزوو و تهییج افکار عمومی جهانی، تطویل حملات هوائی ناتو و مبهم بودن دستاورد قابل دفاع ناشی از این حملات و نیز مشکلات

اقتصادی آتی آن بود.

این دلایل بتدریج زمینه‌های بروز اختلاف بین متحدین را فراهم نمود. در حالی که برخی کشورهای اروپائی از جمله ایتالیا، یونان و... بشدت بدنبال راه حلی برای پایان دادن به بحران کوزوو بودند، برخی دیگر از اعضاء به رهبری انگلیس بر ضرورت اعزام و استفاده از نیروی زمینی علیه یوگسلاوی، اصرار می‌ورزیدند. در مجموع در حالی که انگلیس و فرانسه به رهبری آمریکا بر ادامه جنگ تا تسلیم میلوشوویچ تاکید داشتند، آلمان، علی‌رغم نفوذ سنتی خود در بالکان، از ایفای یک نقش اساسی و محوری در خصوص بحران خودداری میکرد، اما روسیه تمایل داشت تا این کشور نقش اساسی‌تری در بحران بعهده گیرد و به همین منظور پریماکف پس از گفتگو با میلوشوویچ راهی بن شد و گزارش دیدار خویش از بلگراد را به اطلاع مقامات آلمانی که ریاست دوره‌ای اتحادیه اروپا را نیز بعهده داشتند، رساند.

با طولانی شدن جنگ و عدم حصول نتایجی محسوس، واشنگتن بمنظور اعمال فشار هرچه بیشتر به بلگراد بر آن شد تا به ابزار تحریم فراورده‌های نفتی بعنوان یکی از تعیین کننده‌ترین عوامل تضعیف ماشین جنگی میلوشوویچ متوسل شود. همچنین واشنگتن با تداوم حملات هوائی تلاش کرد خسارات سنگینی بر ظرفیت و تواناییهای تصفیه نفت این کشور وارد آورده و منابع تامین سوخت (از خارج) یوگسلاوی را با مشکلاتی مواجه سازد. به این ترتیب آمریکا در جریان نشست وزرای خارجه ناتو (در حاشیه نشست سران ناتو در پنجاهمین سال تاسیس این سازمان در واشنگتن)، خواستار اعمال تحریم نفتی علیه بلگراد شد، اما فرانسه نسبت به اعمال این تحریم ابراز مخالفت نمود. سرانجام پس از ملاقات رؤسای جمهور آمریکا و فرانسه و توافق آنان، در بند ۵ بیانیه پایانی سران ناتو در پنجاهمین سالگرد تاسیس این سازمان (جمعه ۲۳ آوریل ۱۹۹۹) تأکید گردید که اتحادیه اروپائی تصمیم نهائی خود را در این خصوص اتخاذ می‌نماید. در این میان یونان بشدت با اعمال تحریم سوختی علیه بلگراد مخالفت می‌ورزید، چراکه آتن معتقد بود این امر به اقتصاد کشورش لطمه وارد می‌سازد.

با وجود برخی اختلاف نظرها، سرانجام وزرای خارجه پانزده کشور اتحادیه اروپائی روز

دوشنبه ۲۶ آوریل ۱۹۹۹، طی نشستی در لوکزامبورگ تصمیم گرفتند به تحریم‌های خود علیه بلگراد شدت بخشند. این استراتژی در بخشی از بیانیه پایانی این نشست به صورت زیر مورد تاکید قرار گرفت:

- خودداری از اعطای روادید به میلوشوویچ، اعضای خانواده وی و وزیران و مقامات یوگسلاوی و صربستان،

- گسترش دامنه مسدود کردن داراییهای یوگسلاوی در خارج به داراییهای افراد حقیقی وابسته به میلوشوویچ و نیز شرکتهای تحت کنترل یا عمل کننده برای یوگسلاوی و صربستان،

- تصویب موافقتنامه در خصوص اعمال تحریم سوختی و فرآورده‌های نفتی به یوگسلاوی بمنظور از کار انداختن ماشین جنگی صربستان.

اگرچه تعدادی از کشورهای عضو اتحادیه اروپا ابتدا با اینگونه تحریمها و نیز تداوم جنگ هوایی مخالف بودند، بویژه که این امر مشکلات حاد اقتصادی برای این کشورها ایجاد نموده و برخی از سرمایه‌گذارهای آنها را در معرض خطر قرار داده بود، ولی در عمل آمریکا موفق شد که با بدست گرفتن مدیریت بحران، همگرایی متحدین را سامان بخشد.

ورود آلمان به صحنه

دولت آلمان که با وجود ریاست دوره‌ای بر اتحادیه اروپایی عملاً در خلال کنفرانس صلح رامبویه نقش بسیار کم رنگی داشت ولی با گذشت زمان و طولانی شدن بحران سعی کرد با ورود به صحنه نقشی یادگار از خود بجای گذاشته و موقعیت برتر خویش را در اتحادیه اروپایی تثبیت نماید. در این رابطه یوشکا فیشر وزیر خارجه آلمان طرح صلحی ارائه داد که خلاصه آن به شرح زیر می‌باشد:

۱- در صورت موافقت میلوشوویچ با خروج نیروهای صرب از کوزوو، حملات ناتو ظرف ۲۴ ساعت متوقف گردد،

۲- نیروهای ارتش آزادبخش کوزوو (KLA) در مواضع خویش باقی مانده و تا زمانیکه نیروهای

- بین‌المللی صلح متشکل از کشورهای دخیل در فرآیند صلح وارد کوزوو شوند، بر آتش بس نظارت خواهند کرد. پس از آن خلع سلاح اعضای (KLA) آغاز خواهد شد،
- ۳- نیروهای هوایی و زمینی ناتو مستقر در مقدونیه و آلبانی نیز وظیفه تامین امنیت آوارگان و نظارت بر بازگشت آنها را بعهده خواهند داشت،
- ۴- براساس این طرح سناریوی تعیین شده، بایستی به تصویب کشورهای عضو گروه هشت رسیده و در شورای امنیت نیز به رای گذاشته شود،
- ۵- شورای امنیت قطعنامه‌ای در خصوص اداره کوزوو چند نژادی (فاقد نیروهای نظامی صرب) تحت حمایت بین‌المللی بمنظور ایجاد یک نظام اداری انتقالی تا زمان حصول به یک راه حل سیاسی نهائی صادر خواهد نمود.
- وزارت خارجه آلمان مفاد این طرح را به اطلاع مقامات مسکو رساند و در جریان نشست وزرای خارجه آمریکا و روسیه در اسلو (نروژ) مفاد آن به مورد بحث گذاشته شد، ولی از آنجا که یوگسلاوی تصور میکرد با رد این طرح و گذشت زمان به طرحهای قابل قبولتری دست خواهد یافت، چندان استقبالی از طرح آلمان نکرد.
- با تشدید فشار غرب و بدنبال حمله ناتو به سفارت چین در بلگراد تحولات بحران کوزوو تحت الشعاع این بمباران قرار گرفت، لکن اهمیت و ضرورت گفتگوهای سیاسی پیرامون این منازعه در صدر توجهات رهبران آمریکا، روسیه و اتحادیه اروپائی قرار گرفت. در همین راستا با فعال شدن آهتیساری رئیس جمهور فنلاند، مذاکرات تروئیکای بین‌المللی صلح شکل گرفت. چرنومردین، آهتیساری و تالبوت بعنوان نمایندگان روسیه، اتحادیه اروپا و آمریکا در امور کوزوو، یک سری مذاکراتی را به منظور نزدیک کردن دیدگاههای سه طرف آغاز کردند که در نهایت به نتیجه رسید.
- بحران کوزوو همچون بحران بوسنی - هرزگوین که هر دو در قلمرو جمهوری فدرال یوگسلاوی سابق اتفاق افتاد، اگرچه یک بحران اروپائی محسوب می‌گردید و قاعدتاً کشورهای اروپائی می‌بایست در قالب اتحادیه اروپا بیش از کشورهای دیگر مدیریت حل آن را به عهده

می‌گرفتند، ولی به دلیل ضعف آنها و نیز اختلافات درونی بین خود قادر به ایفای نقش موثری در این رابطه نبوده و این بار نیز واشنگتن همچون بحران بوسنی مدیریت بحران را بدست گرفته و با اعمال نفوذ در ناتو کشورهای اروپایی و حتی روسیه را بدنبال خویش کشاند. بازیگران بین‌المللی این بحران به تناسب نوع منافع خود در یوگسلاوی و نیز پیشینه روابط سستی خود با این کشور، همجواری با بحران و همچنین سرمایه‌گذاری‌های که در این کشور نموده بودند، واکنشهای بعضاً متناقضی در رابطه با بحران فوق از خود بروز دادند. بعنوان نمونه می‌توان در یک سوی طیف یونانیها و ایتالیاییها را دید که به دلایلی که ذکر آن رفت چندان رغبتی برای هم سو کردن خود با تشدید فشارهای وارده به یوگسلاوی نداشته و بعضاً در مقاطعی محدود تحت فشارهای وارده از سوی آمریکا و اعضای تندرو در ناتو بویژه انگلیس و براساس عضویت شان در سازمان پیمان آتلانتیک شمالی مجبور به مشارکت در طرحها و اقدامات نظامی ناتو علیه یوگسلاوی می‌شدند. در سوی دیگر طیف کشورهای همجورانی همچون آمریکا، آلمان، انگلیس و فرانسه با وجود بعضی اختلاف نظرهایی که بیشتر ناشی از رقابت آنها بر سر هدایت و مدیریت جریانهای اروپایی بود، بر سر مسئله تشدید فشارها علیه یوگسلاوی اتفاق نظر داشتند. اگرچه فرانسه به دلیل آنکه برای خود نقش و شانی مستقل از آمریکا در جامعه جهانی قائل بوده، گاه مواضعی مستقل در این رابطه در پیش می‌گرفت که این خط مشی‌ها با مواضع آمریکا هماهنگ نبود، ولی این کشور نیز در مجموع از هرگونه اقدامی که حساسیت آمریکا و دیگر شرکای اروپایی خود را برانگیزد، اجتناب می‌ورزید. دیگر متحدین در نقاطی بین دو سر طیف یاد شده قرار داشته و بعضاً در رابطه با بحران کوزوو، تابع سیاستهای کلی ناتو و اروپا بودند.

فصل دهم

تداوم حملات ناتو و ابتکارات صلح

در حالی که حملات هوایی و موشکی ناتو علیه یوگسلاوی به شدت ادامه داشت و در چهارمین هفته جنگ بالکان همچنان جهان شاهد پاکسازی نژادی آلبانی تبارهای کوزوو توسط ارتش صربستان بود، ابتکارات صلح کوفی انان دبیر کل سازمان ملل، اتحادیه اروپایی، شرودر صدراعظم آلمان، روسیه و میلووشویچ مطرح بودند که واکنش‌های متفاوتی در صحنه بین‌المللی به همراه داشت.

طرح صلح دبیرکل سازمان ملل متحد

طرح کوفی انان دبیرکل سازمان ملل که در چارچوب نامه‌ای به عنوان اسلو بودان میلووشویچ رئیس‌جمهور یوگسلاوی ارسال گردید، مشتمل بر چند ماده به شرح زیر بود:

- ۱- عقب نشینی نیروهای نظامی یوگسلاوی از کوزوو،
 - ۲- بازگشت بدون قید و شرط تمامی آوارگان کوزوویی به اوطان خویش،
 - ۳- خودمختاری وسیع برای کوزوو،
 - ۴- حضور نیروهای نظامی بین‌المللی در کوزوو بعنوان ناظرین بین‌المللی،
 - ۵- پذیرش طرح از سوی میلووشویچ و قطع بمباران ناتو.
- دبیرکل سازمان ملل اعلام آمادگی نمود در این خصوص حاضر است با میلووشویچ مذاکره نماید. طرح صلح دبیرکل که تنها برای یک طرف درگیر یعنی میلووشویچ ارسال گردید، با

اقبال نسبتاً خوب اتحادیه اروپا روبرو گردید. صدراعظم آلمان و رئیس دوره‌ای اتحادیه اروپا در نشست چهاردهم آوریل ۱۹۹۹ سران اتحادیه در بروکسل از دبیرکل دعوت کرد تا طرح خویش را برای اعضاء اتحادیه تشریح نماید.

در بیانیه پایانی سران اتحادیه اروپائی نیز از طرح دبیرکل حمایت بعمل آمد. همچنین مسکو از طرح صلح دبیرکل استقبال نمود، اما بلگراد با یک هفته سکوت طرح صلح پیشنهادی دبیرکل را نپذیرفت. در نامه یوانوویچ وزیر خارجه وقت یوگسلاوی بعنوان کوفی انان دبیرکل سازمان ملل متحد که توسط کاردار یوگسلاوی نزد سازمان ملل تسلیم دبیرکل گردید آمده است «یوگسلاوی تحت هیچ شرایطی نمی‌تواند حضور نیروهای بین‌المللی در خاک خویش را بپذیرد، زیرا این مسئله ناقض حق حاکمیت یوگسلاوی است^۱». وی همچنین تأکید کرد «سازمان ملل بایستی حملات ناتو علیه یوگسلاوی را محکوم نماید و طرح پیشنهادی دبیرکل تکرار پیشنهادات رئیس جمهوری آمریکا و دبیرکل ناتو می‌باشد»^۲.

مخالفت بلگراد با طرح صلح دبیرکل از دو زاویه قابل بررسی است، اول اینکه میلوشوویچ بر حمایت آمریکا از طرح دبیرکل و همچنین کارائی این طرح مطمئن نبود فلذا سعی داشت با اتخاذ مواضع تند به نوعی از هرگونه سوءاستفاده احتمالی آمریکا جلوگیری و بر ناتوانی خویش پرده پوشی نماید. دوم اینکه با توجه به طرح آلمان و حمایت پاریس و مسکو از آن، و نیز با عنایت به اصرار آمریکا و انگلیس بر تداوم جنگ علیه میلوشوویچ، رهبران بلگراد در صدد بودند تا موجبات ایجاد شکاف در جبهه متحدین را فراهم آورند.

طرح صلح اتحادیه اروپا

سران اتحادیه اروپائی در بیانیه پایانی نشست چهاردهم آوریل ۱۹۹۹ در بروکسل ضمن حمایت از حملات ناتو علیه یوگسلاوی، از ابتکار صلح دبیرکل سازمان ملل متحد جانبداری

۱- خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، ایرنا ۲۸/۱۰/۱۳۷۸

۲- همان منبع

نموده و اعلام داشتند که این ابتکار صلح منجر به تصویب قطعنامه‌ای براساس فصل هفتم منشور ملل متحد گردد. آنها همچنین حمایت خود را از یک راه حل سیاسی برای بحران کوزوو بر مبنای طرح صلح رامبویه که در آن بر خودمختاری اساسی کوزوو در چارچوب مرزهای جمهوری فدرال یوگسلاوی تأکید شده باشد، اعلام داشتند. سران اتحادیه اروپا بر ضرورت نقش فعالتر اتحادیه در بحران کوزوو تأکید و خواستار همکاری روسیه در این فرآیند گردیدند. رهبران اتحادیه موافقت نمودند که عوامل ترتیبات موقت کوزوو پس از پایان این منازعه به مورد اجراء درآید که به شرح ذیل بودند^۱:

الف - برقراری نهاد اداری موقت بین‌المللی بنوعی که اتحادیه اروپا نیز بتواند در آن مشارکت داشته باشد،

ب - ایجاد یک نیروی پلیس محلی که دربرگیرنده ترکیب جمعیتی کوزوو باشد،

ج - برگزاری انتخابات آزاد و عادلانه،

د - استقرار نیروهای نظامی بین‌المللی به منظور حمایت از مردم کوزوو.

ابتکارات فوق که تقریباً در فاصله زمانی یک هفته ارائه گردیدند، از تشابه قابل توجهی برخوردار بودند. در هر دو طرح مزبور در حالیکه بر حضور نیروهای بین‌المللی حافظ صلح در کوزوو تأکید گردید، این مهم بشدت از سوی رهبران بلگراد رد شده بود. در مقابل متحدین بویژه آمریکا و انگلیس ضمن تأکید بر حضور نیروهای بین‌المللی بعنوان نیروهای حافظ صلح به رهبری ناتو اصرار داشتند.

از نکات جالب توجه در این مقطع از بحران این بود که آلبانی سعی در تشدید بحران و وارد نمودن ناتو در یک جنگ زمینی علیه یوگسلاوی را داشت، اما مقدونیه بشدت نگران اوضاع داخلی خود بود و در این خصوص از ناتو قول گرفت تا از خاک کشورش برای حمله زمینی علیه یوگسلاوی استفاده نشود. بلگراد با علم به این مهم و معضلات عدیده‌ای که آوارگان برای اروپا بویژه کشورهای همسایه بوجود آورده بودند، همچنین مشکلات اقتصادی که جنگ

برای کشورهای نظیر بلغارستان، مجارستان، مقدونیه، یونان و ایتالیا داشت (دو کشور اخیر در صنعت جهانگردی با کاهش درآمد قابل توجهی روبرو گردیدند، نخست وزیر یونان و وزیر جهانگردی ایتالیا نسبت به ادامه وضعیت و تأثیر آن بر اقتصاد کشورشان هشدار داده بودند) بر مواضع خویش اصرار می‌ورزید تا شاید بتواند رخنه‌ای در جبهه متحدین ایجاد نماید. این سیاست در جبهه متحدین مشکلاتی ایجاد نمود ولی همانطوریکه گفته شد نتوانست بعنوان یک اهرم فشار جدی علیه غرب مورد استفاده قرار گیرد.

طرح صلح آلمان

همانطوریکه گفته شد آلمان با وجود اینکه ریاست دوره‌ای بر اتحادیه اروپا را بعهده داشت، عملاً در خلال کنفرانس صلح رامبویه نقشی ایفا ننموده، پس از آغاز حملات ناتو سعی کرد از موقعیت خود بهره‌برداری نماید. فلذا طرح صلحی به شرح ذیل ارائه داد^۱:

- ۱- در صورت موافقت میلوشوویچ با خروج نیروهای صرب از کوزوو، حملات ناتو ظرف بیست و چهار ساعت متوقف گردد،
- ۲- نیروهای ارتش آزادبخش کوزوو (KLA) تا زمانیکه نیروهای بین‌المللی صلح متشکل از کشورهای دخیل در فرآیند صلح وارد کوزوو شوند، در مواضع خود باقی بمانند و پس از آن خلع سلاح آغاز شود،
- ۳- نیروهای هوایی و زمینی ناتو مستقر در مقدونیه و آلبانی نیز وظیفه تأمین امنیت آوارگان و نظارت بر بازگشت آنها را بعهده خواهند داشت،
- ۴- براساس این طرح سناریوی تعیین شده بایستی به تصویب کشورهای عضو گروه هشت رسیده و در شورای امنیت نیز به رأی گذاشته شود،
- ۵- شورای امنیت قطعنامه‌ای در خصوص اداره کوزوو چند نژادی بدون حضور نیروهای نظامی صرب و تحت حمایت بین‌المللی به منظور ایجاد یک نظام اداری انتقالی تا حصول

به یک راه حل سیاسی نهائی را صادر نماید.

طرح صلح آلمان به اطلاع مقامات کرملین رسید و در نشست وزرای خارجه آمریکا و روسیه در اسلونیو به بحث گذاشته شد. آمریکا که تا آن مقطع با هر طرح صلحی بویژه حضور نیروهای بین‌المللی (غیرناتو) در کوزوو مخالفت می‌ورزید، در واکنش به طرح آلمان مواضع متعادل‌تری اتخاذ کرد. خانم مادالین آلبرایت وزیر خارجه آمریکا در این خصوص گفت در صورتیکه رهبری نیروهای بین‌المللی در دست ناتو باشد، با طرح آلمان موافق است.

طرح صلح روسیه

همزمان با پنجمین هفته عملیات ناتو و نیز نشست سران پیمان آتلانتیک شمالی به مناسبت پنجاهمین سالگرد تأسیس آن در واشنگتن، حملات هوایی و موشکی این سازمان تشدید گردید که مهمترین آن حمله به دو ساختمان تلویزیون دولتی صربستان و نیز ویلای میلوشوویچ در شهر بلگراد بود. در اوج یک چنین تهاجمی مسکو دست به یک ابتکار عمل سیاسی زد و ویکتور چرنومردین نخست وزیر پیشین این کشور بعنوان نماینده ویژه روسیه در امور یوگسلاوی عازم بلگراد شد. وی پس از دیدار با رئیس جمهور یوگسلاوی در بیست و دوم آوریل ۱۹۹۹ اظهار داشت که اسلوبودان میلوشوویچ برای نخستین بار حضور نظامی بین‌المللی تحت نظارت سازمان ملل در کوزوو با مشارکت وسیع روسیه را پذیرفته است.

وی همچنین افزود در پی پیشنهاد اسلوبودان میلوشوویچ برای برقراری صلح در کوزوو، اکنون توپ در زمین ناتو قرار دارد و در حال حاضر ما باید با سران ناتو گفتگو کنیم تا طرفین درگیر را به پای میز مذاکره بکشانیم. چرنومردین طرح صلح روسیه را با رهبران بلگراد به بحث گذاشت که بدین شرح زیر می‌باشد^۱:

۱- توقف حملات هوایی ناتو،

۲- حضور نیروهای نظامی بین‌المللی تحت نظارت سازمان ملل در کوزوو،

- ۳- عقب نشینی بخشی از نیروهای یوگسلاوی از کوزوو،
- ۴- عقب نشینی نیروهای ناتو مستقر در مرزهای یوگسلاوی،
- ۵- بازگشت آوارگان به کوزوو،
- ۶- آغاز مذاکرات مستقیم مقامات بلغراد با رهبران آلبانی تبارهای کوزوو درباره خودگردانی کوزوو با حفظ تمامیت ارضی و استقلال یوگسلاوی.

در حالیکه چرنومردین اعلام کرده بود بلغراد با حضور نیروهای بین‌المللی در کوزوو موافقت دارد، سخنگوی وزارت امور خارجه یوگسلاوی تأکید کرد بلغراد تنها با حضور نیروهای غیرنظامی بین‌المللی تحت امر سازمان ملل متحد موافقت می‌کند. واشنگتن در واکنش به ابتکار صلح روسیه اعلام داشت در صورتی که میلوشوویچ به طور کامل به خواسته‌های ناتو پاسخ مثبت دهد، راه حل سیاسی را در نظر خواهد گرفت و به حمله هوایی خاتمه خواهد بخشید.

آمریکا و انگلیس با ابتکار روسیه برخورد سردی داشته و خواستار تأمین کلیه شرایط پیمان آتلانتیک شمالی شده و موافقت میلوشوویچ را هم رد نمودند. خاویر سولانا دبیرکل وقت ناتو در این خصوص گفت به منظور تحقق یک موضع مشترک با مسکو، تماس با روسیه پیرامون طرح‌های ناتو افزایش خواهد یافت. وی افزود «من فکر می‌کنم که این نوع تماسها افزایش خواهد یافت و امیدواریم به یک موضع مشترک با روسیه دست یابیم^۱». اگرچه طرح صلح مسکو خواسته‌های ناتو را برآورده ننمود، اما این طرح با استقبال نسبتاً خوبی از سوی متحدین روبرو گردیده بود. متحدین سعی داشتند تنها زمانی از تلاشهای مسکو حمایت کنند که روسیه بتواند در راستای نیات ناتو قدم بردارد، زیرا غرب می‌دانست روسیه نیازمند آنها می‌باشد.

طرح صلح میلوشوویچ

همانگونه که در فصل ششم گفته شد به هنگام آزادی سه سرباز آمریکائی توسط جسی

جکسون، اسلوبودان میلوشوویچ نامه‌ای بعنوان همتای آمریکائی خویش ارسال داشت که از آن بعنوان ابتکار صلح رئیس جمهور یوگسلاوی یاد می‌گردد. این نامه براساس گزارشات رسانه‌های گروهی صربستان دارای چهار اصل به شرح زیر بود:

۱- پایان سریع جنگ و خشونت در بالکان،

۲- بازگشت سریع شهروندان یوگسلاو به خانه هایشان بدون توجه به مذهب و ملیت آنان،

۳- تعیین خودمختاری برای کوزوو در چارچوب صربستان و براساس اصول برابر جهت کلیه قومیت‌های ملی،

۴- پذیرش مأموریت سازمان ملل در کوزوو.

این ابتکار با واکنش ضعیف آمریکا و سایر شرکای اروپائی روبرو گردید. سخنگوی پنتاگون در قبال این پیشنهاد اظهار داشت «پیشنهاد صلح اخیر بلگراد^۱، برای قطع حملات هوائی ناتو کافی نیست زیرا میلوشوویچ همچنان با استقرار یک نیروی بین‌المللی حافظ صلح در کوزوو مخالفت می‌کند^۲».

سخنگوی دولت انگلیس نیز گفت «کلینتون و تونی بلر پیشنهاد بلگراد را رد کردند. آنها براین باورند که پیشنهاد مطرح شده میلوشوویچ با چرنومردین، با خواسته‌های ناتو فاصله زیادی دارد^۳».

کوفی انان دبیرکل سازمان ملل آمادگی رئیس جمهور یوگسلاوی برای حضور نیروهای خارجی در کوزوو با نظارت سازمان ملل را دلگرم کننده خواند.

سخنگوی وزارت خارجه آلمان ضمن اتخاذ موضعی احتیاط‌آمیز اظهار داشت که پیشنهاد میلوشوویچ گامی مثبت در جهت حل بحران کوزوو تلقی می‌شود. وی افزود «آلمان از هر نشان و تحول مثبتی که در قبال بحران کوزوو ظاهر شود، استقبال می‌کند اما رفع بحران منوط

۱- منظور پیشنهاد صلحی است که در بیست و هشتم آوریل ۱۹۹۹ درست چند روز پس از مذاکره چرنومردین با میلوشوویچ در بلگراد، از سوی رئیس جمهوری یوگسلاوی ارایه گردید.

۲- خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، ایرنا ۱۳۷۸/۲/۳.

۳- همان منبع

به آزمون این تحولات و علائم مثبت آن می‌باشد.^۱

شیراک رئیس جمهور فرانسه پیشنهاد میلوشوویچ را کافی ندانست و اظهار داشت آنچه میلوشوویچ گفت کاملاً ناکافی است^۲ وی ضمن تأکید بر ادامه حملات هوایی ناتو خواستار ادامه تلاشهای سیاسی گردید.

فصل یازدهم

تحولات تأثیرگذار بر روند بحران

بمباران سفارت چین در بلگراد

شامگاه جمعه هفتم ماه می ۱۹۹۹، سفارت پنج طبقه چین در بلگراد مورد اصابت سه فروند موشک هوا به زمین ناتو قرار گرفت که بر اثر این حملات سه نفر کشته و بیست و شش تن مجروح شدند. ناتو از زمان شروع حملات هوایی چندین بار مناطق مسکونی، غیرنظامی و مراکز درمانی و خدماتی مختلفی را هدف قرار داده بود که با اعتراض افکار عمومی روبرو گردید. این اقدام ناتو در زمانی که تلاشهایی برای دستیابی به یک راه حل سیاسی تحرک ویژه‌ای یافته بود، به یکباره کلیه تحولات بحران بالکان را تحت الشعاع خود قرار داد.

۱- واکنشها

بیل کلینتون رئیس جمهور آمریکا علاوه بر مصاحبه مطبوعاتی با ارسال نامه‌ای بعنوان همتای چینی خود اقدام ناتو در حمله به سفارت چین در بلگراد را یک اشتباه خواند و با ابراز تأسف، رسماً از دولت و ملت چین عذرخواهی کرد. مادالین آلبرایت وزیر خارجه علاوه بر حضور در محل سفارت چین در واشنگتن و ملاقات با سفیر این کشور طی نامه‌ای جهت همتای چینی خود عذرخواهی دولت آمریکا را اعلام داشت^۱.

خاویر سولانا دبیرکل وقت ناتو نیز ضمن غیرعمدی و اشتباه خواندن اقدام این سازمان، طی تماسی با سفیر چین در بلگراد عذرخواهی سازمان ناتو را مورد تأکید قرار داد. جیمز شی

سخنگوی ناتو در بروکسل ضمن تأیید حمله ناتو، آنرا یک تصادف وحشتناک خواند و نسبت به آن ابراز تأسف کرد^۱. مقامات سیا و ناتو پس از چند روز سرانجام تحت فشار پکن اعلام داشتند که حمله به سفارت چین براساس اطلاعات ناقص و نقشه سال ۱۹۹۲ بلگراد بصورت اشتباهی صورت پذیرفت. مقامات اروپائی و غربی نیز این حرکت ناتو را اشتباه و ناخوشایند خوانده و حتی برخی از آنها (همچون ایتالیا) بطور تلویحی مسئولیت آن را به عهده کلیه کشورهای ناتو دانستند.

کوفی انان دبیرکل سازمان ملل در واکنشی نسبت به این اقدام ابراز نگرانی کرد. بوریس یلتسین رئیس جمهور روسیه طی تماسی با همتای چینی خود تهاجم ناتو را محکوم و آنرا یک عمل وحشیانه و نمونه‌ای از بربریت دانست. وی در یک اقدام نمایشی، (در اعتراض به ناتو) سفر از پیش تعیین شده ایوانف وزیر خارجه روسیه به لندن را لغو کرد، اما در همین حال وی چرنومردین را راهی بن و از آنجا مأمور سفر به پکن نمود.

دولتهای چین، یوگسلاوی، روسیه، قبرس، کره شمالی، تایلند، کامبوج و فیلیپین حمله ناتو را محکوم نموده اما دولت کره جنوبی نسبت به آن ابراز تأسف کرد. سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران نیز اقدام ناتو را غیرقابل قبول خواند^۲.

۲- اقدامات پکن

وزارت خارجه چین سفیر آمریکا در پکن را فراخواند و اعتراض دولت متبوع خویش را در این رابطه به وی تسلیم کرد. رهبران پکن پس از وقوع حادثه بر چهار شرط خود شامل عذرخواهی رسمی ناتو، رسیدگی به این موضوع، اعلان نتایج گزارش تحقیقات و نیز مجازات افراد و یا عناصر دخیل در آن تأکید ورزیدند. چین مسئولیت این حمله را متوجه ناتو و در راس آن آمریکا دانست.

۱- همان منبع

۲- بیانیه وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۸/۲/۲۰

رهبران چین به منظور بهره‌برداری داخلی و در مقابل اعتراضات مستمر غرب پیرامون نقض حقوق بشر و محدودیتهای آزادیهای اساسی در این کشور با برنامه ریزی مشخص راهپیمائی چند صد هزار نفری علیه ناتو و به خصوص آمریکا و انگلیس را در مقابل سفارتخانه‌های این دو کشور و کشورهای غربی در پکن هدایت و رهبری نمودند. یکی از رهبران چین حمایت رسمی دولت از راهپیمائی مردم علیه غرب را مورد تأیید قرار داده بود.

پکن در اولین روز حمله ناتو، خواستار نشست اضطراری شورای امنیت سازمان ملل و محکومیت شدید حمله به سفارت خود در بلگراد شد ولی غربی‌ها و بویژه آمریکا بر امر اشتباه بودن حمله ناتو اصرار داشتند اما دولتهای چین و روسیه بر نقض قوانین بین‌المللی تأکید می‌ورزیدند که نتیجه این نشست در بیانیه پایانی به «ابراز نگرانی و شوکه شدن اعضای شورای امنیت» ختم گردید.

با وجود ابراز امیدواری و اشنگتن مبنی بر تصویب طرح گروه هشت در شورای امنیت و عدم وتوی قطعنامه توسط چین، برخی مطبوعات پکن این تهدید را به طور جدی مطرح کردند و معاون نماینده چین در شورای امنیت تأکید کرد: هرگاه سازمان ملل متحد خواست پکن را در نظر نگیرد و عمل نکند، چین قطعنامه را وتو خواهد کرد.

بدنبال حمله ناتو به سفارت چین در بلگراد و همدردی روسیه و ورود نماینده ویژه یلتسین به پکن، رهبران چین تلاش نمودند حداکثر بهره‌برداری را از این اقدام ناتو در بعد داخلی و خارجی به عمل آورند و با سر سختی بر تحقق خواسته‌های خود اصرار ورزیدند. به همین دلیل پکن در نشست مجدد شورای امنیت در روز سه‌شنبه یازدهم ماه می ۱۹۹۹ خواستار محکومیت ناتو شد که این اجلاس نتیجه‌ای را در بر نداشت. اصرار چین مبنی بر محکومیت ناتو و نیز توقف حملات غرب علیه یوگسلاوی (قبل از هرگونه مذاکره‌ای در مورد مفاد پنجگانه توافقات اجلاس گروه ۸ در بن) مایه خرسندی بلگراد گردید.

در اوج تیرگی مناسبات غرب - چین، سفر شرودر صدراعظم آلمان به پکن که قرار بود چهار روزه باشد به یک روز و با حداقل تشریفات تقلیل یافت که مایه ناخرسندی رهبران بن

گردید. نظر به اینکه ناتو و غرب انتظار یک چنین واکنش تند و قاطعی را از سوی چینی‌ها نداشتند، صدراعظم آلمان با تقبل این مسئولیت تنها به لحاظ نقش مهم و حساس چین در شورای امنیت و نیز ضرورت استقرار صلح و ثبات در بالکان که مورد حمایت غرب و آلمان قرار داشت، حاضر شد بی‌مهریهای آشکار را به منظور ابراز حسن نیت ناتو و نیز جلب نظر دیدگاه رهبران پکن به جان بخرد.

از دیگر اقدامات چین در این رابطه می‌توان به اعلان قطع همکاریهای پکن با آمریکا پیرامون تسلیحات و مسائل حقوق بشر اشاره نمود.

۳- عمدی یا غیرعمدی بودن حمله ناتو

پیرامون عمدی و یا غیرعمدی بودن حمله ناتو به سفارت چین نقطه نظرات و دیدگاههای متفاوتی مطرح گردید. با توجه به موقعیت جغرافیائی سفارت چین در بلگراد که در فضای نسبتاً بازی قرار گرفته و تأسیسات نظامی و اقتصادی مهمی در اطراف آن واقع نگردید و نیز با عنایت به ادعاهای ناتو مبنی دقت عمل خلبانان این سازمان و موشکهای هدایت شونده هوا به زمین در هدف‌گیری، نمی‌توان حمله ناتو به سفارت چین را به عنوان یک اشتباه صرف تلقی کرد بلکه برخی کارشناسان نظامی به نوعی بر عمدی بودن آن تأکید داشتند.

مقامات نظامی ناتو اذعان داشتند اهداف مورد نظر آنها یک پایگاه زیرزمینی در حومه بلگراد و هتل یوگسلاویا در ۴۰۰ متری سفارت چین بوده که به عنوان مرکز فرماندهی آرکان فرمانده شبه نظامیان صرب برای سازماندهی عملیات نظامی در کوزوو مورد استفاده قرار می‌گرفته است. اما تعدادی از موشکها از مسیر منحرف شده و این فاجعه به بار آمد.

در همان مقطع بعضی روزنامه‌های غربی گزارش کردند که چینیه‌ها علیرغم هشدارهای آمریکا برخی نیازمندیهای اساسی یوگسلاوی را تأمین می‌نمودند. مضاف بر این پکن در طول حملات ناتو بدون محکومیت پاکسازی نژادی در کوزوو (حتی تأیید آن) توسط ارتش صربستان، به محکومیت ناتو بسنده نموده و عملاً از یوگسلاوی جانبداری می‌کرد. بعلاوه

اهداف غایی آمریکا براساس آنچه کلیتون در یکی از سخنرانی‌هایش اعلام کرده بود، هم‌آوایی و همراهی روسیه و چین را می‌طلبد که در جنب‌حمله ناتو لزوم تأدیب و همراهی روسیه و چین احساس می‌شد.

حمله ناتو (صرف‌نظر از عمدی و یا غیرعمدی آن)، توافقات نشست وزرای خارجه گروه ۸ که در بن‌گردهم آمده بودند را تحت الشعاع خود قرار داد و دامنه اختلافات مسکو - واشنگتن پیرامون بحران کوزوو را که می‌رفت پس از نشست بن تقلیل یابد، باردیگر افزایش داد. اقدام ناتو عملاً مایه خرسندی و خوشحالی رهبران بلگراد را فراهم آورد زیرا این کشور که برای مدت طولانی حدود شش هفته به تنهایی بمباران گسترده ناتو را تحمل می‌کرد، در شرایط جدید تا حدودی در صحنه داخلی و بین‌المللی صاحب متحدانی همچون چین شد. چینی‌ها با سرسختی و ازدیاد مخالفتهای خود به منظور استفاده بهینه از بروز یک چنین حادثه‌ای (در صحنه داخلی و نیز بین‌المللی)، رهبران غرب به ویژه رئیس‌جمهور آمریکا را مجبور به عذرخواهی رسمی و علنی کردند امری که از سوی رهبران واشنگتن کمتر سابقه داشته است. مقامات ناتو و واشنگتن تحت فشار پکن و افکار عمومی بلحاظ اخطارهای مکرر ناتو تلاش نمودند با واکنشهای رسمی و علنی خود رضایت خاطر رهبران چین را بدست آورند و موج عظیم احساسات ضدناتو را کاهش دهند. واشنگتن به منظور حفظ یکپارچگی ناتو و عدم تغییری توجه بین‌المللی نسبت به میلوشوویچ، سعی داشت با انعطاف و نرمش‌های دیپلماتیک توجه رهبران پکن را به اهمیت مناسبات دوجانبه بخصوص در بخش اقتصادی جلب نماید.

مجموعه اظهارات دلجویانه غرب از چین و نیز سفر یک روزه صدراعظم آلمان به پکن مبین این مهم بود که ناتو و غرب همچنان بر تحقق اهداف خود به ویژه پذیرش اصول پنج‌گانه آن توسط میلوشوویچ تأکید داشتند. شرودر در پکن کوشید موافقت (حداقل همراهی غیرمستقیم) رهبران این کشور پیرامون تصویب قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل در خصوص کوزوو را براساس مفاد نشست گروه ۸ در بن بدست آورد.

گرچه عواقب حملات هوایی ناتو به سفارت چین در بلگراد به تیرگی مناسبات پکن -

غرب منجر گردید، لکن تلاشهای پشت پرده با هدف تخفیف و کاهش این تنش سرعت قابل ملاحظه‌ای یافت. پس از عذرخواهی رسمی رهبران واشنگتن، دیدار سفیر چین با کلینتون و متعاقب آن تماس تلفنی روسای جمهور دو کشور، بار دیگر موضوع حمله ناتو به سفارت چین در بلگراد در شورای امنیت مطرح شد اما خواست اولیه پکن که محکومیت آن در شورا بوده با انعطاف قابل ملاحظه و به شکلی دیگر طی قطعنامه‌ای تحت عنوان «ابراز تأسف عمیق، اندوه عمیق، همدردی عمیق با دولت چین و خانواده قربانیان» به تصویب رسید. در واقع این قطعنامه با وعده غرب مبنی بر تحقق برخی از خواسته‌های پکن (جبران خسارات مالی در آینده) همخوانی داشته است که منجر به توافق طرفین گردید. توافق پکن - غرب خود گامی مهم در پیشبرد مفاد پنجگانه نشست وزرای خارجه گروه هشت در بن و اساس راه حل سیاسی مشترک ناتو - روسیه در پایان بخشیدن به بحران کوزوو بود.

در حالی که چینی‌ها تهدید کرده بودند قطعنامه شورای امنیت پیرامون ابتکار صلح گروه ۸ را وتو نمایند، لکن مقامات واشنگتن اعلام داشتند که پکن مانع تصویب یک چنین قطعنامه‌ای نخواهد شد. سرانجام بعثت دلجوئی‌های آمریکا، مقامات ناتو و نیز احتمال توافقات پشت پرده، چین با رأی ممتنع خود مانع از تصویب ابتکارات صلح گروه هشت در شورای امنیت در قالب قطعنامه ۱۲۴۴ نگردید.

تصمیم دادگاه جنایات جنگی یوگسلاوی سابق

در حالی که تروئیکای صلح بالکان (آمریکا، روسیه و اتحادیه اروپایی) سرگرم مذاکره و گفتگوهای نهائی پیرامون آینده کوزوو و نحوه خاتمه بخشیدن به این منازعه بودند، در یک اقدام غیرمنتظرانه در بیست و هفتم ماه می ۱۹۹۹ دادگاه بین‌المللی جنایات جنگی یوگسلاوی که مقرر آن در لاهه است، اسلوبودان میلوشویچ رئیس جمهور یوگسلاوی و چهار تن از رهبران بلگراد شامل نیکلای شاینویچ معاون نخست وزیر فدرال، میلان میلوتیونویچ رئیس جمهور صربستان، دراگلوایدونویچ رئیس ستاد مشترک ارتش و استانکوویچ وزیر کشور صربستان را

متهم به ارتکاب جنایات جنگی نمود و خواستار دستگیری و محاکمه آنان گردید.^۱ این اقدام در آستانه پیچیدگیهای مذاکرات سه جانبه نمایندگان روسیه، آمریکا و اتحادیه اروپا از چند منظر قابل بررسی می‌باشد:

۱- متحدین غربی هنگامیکه به این نتیجه رسیدند نمی‌توان با ابزارهای موجود سیاسی و از دروازه مسکو رهبری یوگسلاوی و روسیه را متقاعد سازند، با تغییر تاکتیک به نحوی مشروعیت مذاکره با میلوشوویچ سرسخت را زیر سؤال برده، بدنبال راهکار دیگری در این فرآیند برآمدند،

۲- تصمیم دیوان بین‌المللی دادگستری لاهه مبنی بر جنایتکار جنگی بودن میلوشوویچ با هدف تشدید فشار بر رهبری بلغراد صورت گرفته و این نکته را القاء نموده بود که بعد از پایان بحران، میلوشوویچ نمی‌تواند در حاکمیت یوگسلاوی باقی بماند و یا اینکه حداقل مورد قبول غرب نمی‌باشد،

۳- ناتو و غرب با اتخاذ یک چنین تصمیمی از سوی یک نهاد حقوقی بین‌المللی می‌خواهند مشروعیت عملیات ناتو را جنبه قانونی بخشند، و کلیه مسئولیت‌های آتی را متوجه دولت یوگسلاوی نمایند.

تحت تعقیب قرار گرفتن رؤسای جمهوری فدرال یوگسلاوی و جمهوری صربستان که با رای مستقیم و یا غیرمستقیم مردم انتخاب شده بودند، برای اولین بار در تاریخ رخ می‌داد که این روند می‌تواند عواقب بسیار مهمی در نظام بین‌الملل داشته باشد. گفتنی است در کیفرخواست علیه رئیس‌جمهور یوگسلاوی صلاحیت زمامداری وی و ادامه مذاکره در خصوص کوزوو از سوی میلوشوویچ منتفی اعلام گردیده بود.^۲

واکنش‌های جهانی

بیل کلینتون رئیس جمهور آمریکا با استقبال از اقدام دادگاه لاهه اظهار داشت «پیگرد قانونی میلوشوویچ، قربانیان جنایات رژیم بلغراد را مطمئن می‌سازد که صادرکنندگان دستور قتل عام از چنگ قانون رهائی نخواهند یافت.^۱» خانم مادلین آلبرایت وزیر خارجه نیز گفت «ما با روند قضائی که میلوشوویچ رابه دادگاه بین‌المللی جنایات جنگی در یوگسلاوی سابق فراخوانده است، کاملاً موافق هستیم و آن را به دقت تعقیب می‌کنیم. وی همچنین افزود: ما باید تأثیری را که این مسأله در بلغراد و بر روی صربها می‌گذارد برآورد کنیم زیرا ممکن است به همه چیز سرعت بخشد». اظهارات سخنگوی وزارت خارجه آمریکا مبنی بر اینکه ما طرف اصلی هستیم که شواهد و اسناد مربوطه را برای دادگاه فراهم کردیم، نشان می‌داد که این اقدام دادگاه لاهه یک حرکت سیاسی حقوقی علیه زمامداران یوگسلاوی بوده است و با هماهنگی کامل واشنگتن و به منظور افزایش فشار همه جانبه بین‌المللی بر رژیم بلغراد صورت می‌گرفت.

تونی بلر نخست وزیر انگلستان در واکنشی پیرامون حکم دادگاه لاهه گفت «میلوشوویچ اینک یک فرد تحت تعقیب است»^۲ ژاک شیراک رئیس جمهور فرانسه در پنجمین نطق تلویزیونی خود از ابتدای شروع حملات ناتو به مردم کشورش گفت «از تصمیم دیوان بین‌المللی دادگستری لاهه حمایت می‌کنیم و چنین تصمیمی را دلیل قانونی بودن عملیات ناتو علیه یوگسلاوی می‌دانیم. فرانسه به عنوان یکی از دمکراسی‌های جهان از تصمیم دیوان لاهه حمایت می‌کند و باید توجه داشت که در جهانی که به سوی دمکراسی حرکت می‌کند، چنین حرکت سیاسی (اقدامات میلوشوویچ) قابل تحمل نیست»^۳.

ولفگانگ اشینگر معاون وزیر خارجه آلمان نیز اظهار داشت: «آلمان از محاکمه میلوشوویچ در دادگاه بررسی جنایات جنگی سازمان ملل متحد استقبال می‌کند»^۴. کوفی انان دبیرکل سازمان ملل متحد گفت «پیگرد قانونی میلوشوویچ از سوی دادگاه جنایت جنگی سازمان ملل متحد تلاش دیپلماتیک برای دستیابی به صلح را دشوار می‌کند»^۵.

۲- خبرگزاری رویتر ۱۹۹۹/۵/۷

۴- خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، ایرنا ۱۳۷۸/۳/۶

۱- همان منبع

۳- خبرگزاری فرانس پرس ۱۹۹۹/۵/۸

۵- ایرنا مطبوعاتی ۱۳۷۸/۳/۶

در حالی که وزیر خارجه اسپانیا حکم دادگاه بین‌المللی لاهه علیه رهبران بلگراد را یک مشکل اضافی در پیدایش راه حل سیاسی بحران کوزوو خواند و اظهار داشت جامعه بین‌المللی مجبور به مذاکره با میلوشویچ می‌باشد، سخنگوی دولت مادرید از حکم دادگاه لاهه استقبال کرد و افزود: معرفی میلوشویچ بعنوان جنایتکار جنگی حرکتی برای تحت فشار قرار دادن میلوشویچ جهت حل سیاسی بحران در منطقه بالکان است. سخنگوی دولت آتن صدور حکم دیوان بین‌المللی لاهه علیه رهبران بلگراد را یک اقدام نادرست سیاسی خواند.

برخلاف غربیها، دولت روسیه میلوشویچ را رئیس جمهور قانونی و منتخب مردم یوگسلاوی دانست. وزارت خارجه روسیه با صدور بیانیه‌ای این اقدام دادگاه جنایت جنگی را عاملی در افزایش تنشج بالکان خواند. چرنومردین نماینده روسیه در امور یوگسلاوی این حرکت دیوان بین‌المللی جنایات جنگی را «اقدامی ذهنی گرایانه و سیاسی دانست که جنبه حقوقی ندارد»^۱.

تصمیم دادگاه جنایت جنگی پیامهای متفاوتی داشت که اهم آن به شرح زیر می‌باشند:

الف - تصمیم دیوان بین‌المللی جنایات جنگی یکی از ابزارهای مهم و مورد نظر آمریکا و پیمان آتلانتیک شمالی در فشار به میلوشویچ در قبول شرایط پنجگانه ناتو در پایان بخشیدن به بحران کوزوو بود.

ب - ناتو تمایل نداشت میلوشویچ در آینده یوگسلاوی نقش مهمی داشته باشد و لذا در پی حذف وی از اریکه قدرت و یافتن جانشین مورد اعتماد بود.

ج - آمریکا و غرب با اتهام جنایات جنگی علیه میلوشویچ در نظر داشتند در صورت ضرورت در اجرای طرح عملیات زمینی در کوزوو مشروعیت لازم (به بهانه تعقیب جنایتکار جنگی) جهت ورود به خاک یوگسلاوی را داشته باشند. تصمیم دادگاه لاهه می‌توانست زمینه روانی تهاجم زمینی در کوزوو حتی بدون مصوبه شورای امنیت سازمان ملل متحد را فراهم آورد.

فصل دوازدهم

گروه هشت^۱ و بحران کوزوو

نشست کارشناسی گروه هشت

علیرغم ناکامی ابتکارات صلح برخی کشورها، دامنه تلاشهای سیاسی برای حل بحران کوزوو متوقف نگردید بلکه با توجه به حجم گسترده عملیات و خسارات ناشی از آن در منطقه و نیز تمایل دسته جمعی در یافتن یک راه حل سیاسی و همچنین بدنبال تماس تلفنی کلینتون-یلتسین، نمایندگان سیاسی هفت کشور صنعتی غرب و روسیه در یک نشست کارشناسی در بن نسبت به یافتن راهکاری برای خاتمه بحران کوزوو پیش نویسی را تحت عنوان Kosovo road map ارائه نمودند. نکات عمده این پیش نویس عبارت بودند از:

- اجرای راهکاری برای کوزوو با پذیرش قطعنامه شورای امنیت از سوی بلگراد که در آن خشونت محکوم و بر خاتمه درگیریها تأکید گردیده،
- متوقف نمودن حملات هوایی ناتو در مقابل توقف تمامی اقدامات خشونت آمیز بلگراد در کوزوو و آغاز فوری خروج نیروهای صرب از کوزوو،
- توقف هفت روزه عملیات هوایی ناتو به منظور اجازه دادن به خروج کامل نیروهای یوگسلاوی از کوزوو،
- امکان بازگشت تعداد اندکی از نیروهای صرب به کوزوو به منظور حفظ آثار تاریخی مربوط به صربها و حضور محدود در مناطق مرزی،
- توقف کامل عملیات نظامی توسط ارتش آزادپخش کوزوو،

۱- گروه هشت شامل هفت کشور صنعتی غرب و روسیه می باشد.

- حضور نیروهای امنیتی بین‌المللی در اولین فرصت ممکن پس از توقف حملات هوایی با اختیارات نظامی و مدنی.

با توجه به توافقات اولیه بین اعضای گروه تماس هشت پیرامون آینده کوزوو، همچنان اختلافاتی بین روسیه و سایر اعضای این گروه وجود داشت که عمده‌ترین آن با توجه به تقدم و تأخر آن بر روی چهار محور ذیل استوار بودند:

۱- تدوین پیش نویس قطعنامه و تصویب آن توسط شورای امنیت سازمان ملل براساس طرح اولیه ارائه شده توسط گروه ۸

۲- پذیرش قطعنامه شورای امنیت توسط رهبران بلگراد،

۳- توقف حملات هوایی ناتو علیه یوگسلاوی،

۴- عقب نشینی نیروهای صرب از کوزوو.

در مجموعه غرب در خصوص ادامه بمبارانهای هوایی و اعزام نیروی زمینی به کوزوو یک سری بحثهایی در محافل مطبوعاتی اروپائی مبنی بر امکان تغییر تاکتیک ناتو صورت پذیرفت. روزنامه دیلی تلگراف چاپ لندن گزارش داد رهبران ناتو یک تغییر تاکتیکی کلیدی که طی آن بمباران یوگسلاوی متوقف خواهد شد را بررسی خواهند نمود. براساس این طرح، توقف بمباران صربستان قبل از آنکه میلوشوویچ شرایط ۵ ماده‌ای ناتو را بپذیرد، انجام خواهد گرفت. دالما نخست وزیر وقت ایتالیا با ارائه طرحی که مشتمل بر توقف عملیات هوایی ناتو قبل از عقب نشینی نیروهای صرب از کوزوو بود، یک چنین نقطه نظرانی را مطرح کرد. رم به بلگراد هشدار داد در صورتیکه طی دوره توقف عملیات ناتو نیروهای خویش را از کوزوو خارج نسازد، از هر اقدام نظامی ناتو از جمله اعزام نیروی زمینی به کوزوو حمایت خواهد کرد.

اولین نشست وزرای خارجه گروه هشت

در پی توافق غرب و روسیه به همکاری پیرامون بحران کوزوو و دستیابی به یک راه حل سیاسی، وزرای خارجه هفت کشور صنعتی غرب و روسیه که در روز پنجشنبه ششم ماه می

۱۹۹۹ در بن گرد هم آمده بودند، با صدور بیانیه پنج ماده‌ای به کار خویش پایان بخشیدند. متن

کامل بیانیه وزرای خارجه گروه هشت به شرح ذیل بود:^۱

۱- وزاری خارجه گروه ۸ اصول کلی زیر را برای حل سیاسی بحران ایالت کوزوو اتخاذ کرده‌اند:

- پایان فوری و تحقق‌پذیر خشونت و سرکوب در ایالت کوزوو،

- خروج نیروهای نظامی، شبه نظامی و پلیس صرب از ایالت کوزوو،

- حضور امنیتی و مدنی (غیرنظامی) مؤثر بین‌المللی در کوزوو تا بتواند از دست‌آورد اهداف

مشترک در کوزوو پاسداری نماید. حضور این نیروها بایستی به توافق و تأیید سازمان ملل

رسیده باشد،

- ایجاد یک دولت موقت برای کوزوو به منظور اطمینان بخشیدن به ایجاد شرایط مسالمت‌آمیز

و زندگی عادی برای تمام مردم کوزوو،

- بازگشت آزاد و امن تمامی آوارگان به کوزوو از طریق سازمانهای کمک رسانی بشردوستانه،

- ایجاد یک نهاد سیاسی موقت از سوی دولت خودمختار کوزوو. در این روند موارد توافق

رامبویه، اصول حاکمیت و تمامیت ارضی جمهوری فدرال یوگسلاوی و دیگر کشورهای

منطقه و خلع سلاح ارتش آزادیبخش کوزوو در آن منظور شده است،

- دسترسی جامع به تحول اقتصادی و ایجاد ثبات در این منطقه بحرانی.

۲- وزاری خارجه برای اجرای اصول فوق، به مدیران سیاسی خود دستور دادند قطعنامه‌ای

جهت تصویب شورای امنیت سازمان ملل تهیه کنند.

۳- مدیران سیاسی گروه ۸ برای اتخاذ گامهای منسجم بعدی به سوی یک راه حل سیاسی،

جدول زمانی را تنظیم خواهند کرد.

۴- ریاست گروه ۸ رهبری چین را در جریان نتایج نشست (وزرای خارجه گروه ۸) قرار خواهند

داد.

۵- وزاری خارجه گروه ۸ به منظور بررسی پیشرفت‌های بدست آمده در زمان مقرر تشکیل

جلسه خواهند داد.

نکات برجسته بیانیه گروه هشت

- در حالی که از نقطه نظر غرب منظور از پایان سرکوب در کوزوو اشاره به تهاجم صربها علیه مردم آلبانی تبار بود، مسکو سعی داشت همزمان هر دو طرف (ناتو و صربها) را نکوهش نماید. سرانجام مسکو پاکسازی نژادی در کوزوو (توسط صربها) را همگام با غرب رد کرد.
- عقب نشینی نیروهای صرب از کوزوو تعریف نشده بود اینکه آیا تمامی نیروها یا بخشی از آنها باید از کوزوو خارج شوند مشخص نبود.
- در خصوص نیروهای بین‌المللی و ترکیب آن، هیچ تعریفی از این نیروها بعمل نیامده و حتی کلمه نیرو (FORCE) در متن بیانیه بکار گرفته نشد و لفظ امنیتی نیز تعریف نگردید، این امر بعنوان مفری برای وزرای خارجه گروه هشت جهت مجاب ساختن روسها و نیز رهبران بلگراد به منظور پذیرش طرح و کاهش فشار داخلی و دیگر ملاحظات سیاسی صورت گرفت.
- تصویب حضور نیروها توسط شورای امنیت و همچنین تعیین اراده شورای امنیت برای تأسیس دولت موقت، خلع سلاح ارتش آزادیبخش کوزوو، تأکید بر تمامیت ارضی یوگسلاوی و تأیید توافقنامه صلح رامبویه نیز از دیگر نکات مهم توافق مزبور محسوب می‌شدند.
- با پیوستن روسیه به اردوگاه غرب و همچنین تأکید بر مشارکت سازمان ملل متحد در فرآیند تصمیم‌گیریهای آتی برای خاتمه بحران، این امر قدرت مانور بلگراد را بشدت کاهش داد و حلقه محاصره میلوشوویچ را تنگتر کرد، فلذا میلوشوویچ چاره‌ای جز سر تعظیم فرود آوردن به خواست جامعه بین‌المللی نداشت.
- تا این مرحله آمریکا و غرب در همسو نمودن مسکو در اعمال فشار بیشتر بر رهبران یوگسلاوی موفق بودند و میلوشوویچ روزبروز در موضع ضعیفتری قرار گرفت. مضاف بر این وی حتی در صحنه داخلی صاحب مشکلات عدیده‌ای همچون مخالفت برخی نظامیان و گروههای اپوزسیون بود.

واکنش‌های بین‌المللی در قبال طرح صلح گروه هشت

ابتکار صلح وزاری خارجه گروه ۸ که یک اجماع بین‌المللی برای پایان بخشیدن به بحران چند ماهه بالکان بود، بلحاظ اهمیت واکنش‌هایی در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی به همراه داشت که اهم آن به شرح ذیل می‌باشند.

آمریکا

رئیس‌جمهوری آمریکا توافق وزاری خارجه گروه ۸ را گامی مهم و رو به جلو خواند و گفت «فکر می‌کنم فرآیند صلحی واقعی در جریان باشد. ولی این فرآیند تا زمانی که ما وحدت و صلابت ناتو را حفظ نکنیم به نتیجه‌ای رضایت بخش نخواهد رسید^۱». وی در عین حال از ناتو خواست ضمن حفظ وحدت به حملات هوایی خود علیه یوگسلاوی ادامه دهد. کلیتاً قبل از عزیمت به اروپا و مذاکره با دبیرکل و فرماندهان ناتو و همچنین رهبران بن، اعلام داشت اگر توقف حملات هوایی ناتو موجب شود تا بلگراد به تمامی خواسته‌های پیمان آتلانتیک شمالی تن در دهد این اقدام صورت خواهد گرفت. خانم مادالین آلبرایت پس از دیدار با ایوانف همتای روسی خویش قدم بعدی نشست گروه ۸ را حرکت به سوی شورای امنیت و تصویب قطعنامه شورا دانست. سخنگوی پنتاگون اعلام داشت می‌لوشویچ باید توافق گروه هشت در بن را بپذیرد، در غیر اینصورت وی با تشدید بمبارانهای ناتو روبرو خواهد شد.

روسیه

ویکتور چرنومردین نماینده روسیه در امور بالکان گفت اصولی که در بن مطرح شده باید تنظیم شود و مورد بررسی قرار گیرد. وی افزود هر طرحی که برای خاتمه بحران ارائه گردد، بایستی مورد پذیرش دولت بلگراد نیز قرار گیرد. چرنومردین بار دیگر ضروری‌ترین فعالیت سیاسی در این برهه زمانی را تلاش برای خاتمه فوری حملات هوایی و موشکی علیه

یوگسلاوی دانست. همچنین ایوانف وزیر خارجه روسیه گفت نتایج نشست گروه ۸ را نمی‌توان جهشی در مسیر بحران کوزوو تلقی نمود. وی پیشرفت در فرآیند صلح را منوط به قطع حملات هوایی ناتو به یوگسلاوی دانست.^۱ ایوانف قدم بعدی اجلاس گروه ۸ را مذاکره با بلگراد دانست. این خود یکی از موارد اختلاف واشنگتن و مسکو بود.

یوگسلاوی

ولادیسلاو یوانوویچ نماینده وقت یوگسلاوی نزد سازمان ملل در مصاحبه با شبکه خبری CNN گفت «شباهت زیادی در توافق وزرای خارجه گروه ۸ وجود دارد از جمله کاربرد لفظ - حضور امنیتی بین‌المللی در کوزوو - است که روشن نیست منظور از این نیروها چیست.^۲» وی بار دیگر مخالفت بلگراد با حضور نیروهای نظامی خارجی در خاک یوگسلاوی را اعلام داشت.

فرانسه

ژاک شیراک رئیس‌جمهور فرانسه در واکنش به نشست بن اظهار داشت شرایط جدید سیاسی به وجود آمده در بحران بالکان در مجموع به سمت هماهنگی بیشتر بین‌المللی به پیش می‌رود. روسیه در موضعی مشترک با کشورهای غربی قرار گرفته و تحولات به سوی سازمان ملل هدایت می‌شود. همچنین اوبرودرین وزیر خارجه فرانسه توافق وزاری خارجه گروه ۸ را نقطه عطفی در بحران کوزوو دانست که برای نخستین بار در طول بحران بالکان کسب شده است.^۳ وی در خصوص ترکیب نیروهای بین‌المللی مستقر در کوزوو گفت این نیروها تنها به ناتو محدود نمی‌شود، بلکه دیگر کشورهای جهان از جمله ژاپن و اعضاء دیگر شورای امنیت نیز در ترکیب این نیروها در نظر گرفته خواهند شد.

۲- خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، ایرنا ۱۳۷۸/۳/۱۷

۱- خبرگزاری رویتر ۱۹۹۹/۵/۷

۳- خبرگزاری فرانس پرس ۱۹۹۹/۵/۷

آلمان

گهرارت شرودر صدراعظم آلمان اجلاس وزرای خارجه گروه ۸ را پیشرفتی اساسی ارزیابی نمود و بر عدم تغییر استراتژی ناتو تأکید ورزید.

ژاپن

سخنگوی دولت ژاپن از توافق وزرای خارجه گروه ۸ برای خاتمه بحران کوزوو ابراز خشنودی نمود و اظهار داشت توکیو در نظر دارد یاسوشی آکاشی را جهت مذاکره با میلوشوویچ عازم بلگراد سازد. در عین حال سخنگوی دولت ژاپن گفت توکیو در طرح اعزام نیروهای پاسدار صلح سازمان ملل به کوزوو مشارکت نخواهد کرد.

دبیر کل سازمان ملل

کوفی انان ضمن ابراز خشنودی از بیانیه وزرای خارجه گروه ۸ از مهمترین نکات طرح را توافق بر سر حضور نیروهای بین‌المللی و واگذاری مسئولیت اداره موقت ایالت کوزوو به سازمان ملل عنوان کرد.

اسپانیا

وزیر خارجه اسپانیا طرح صلح گروه ۸ را یک پیشنهاد سخاوتمندانه برای میلوشوویچ دانست و از اینکه در این طرح نقش مهمی به سازمان ملل داده شد اظهار خشنودی نمود.

ارتش آزادیبخش کوزوو

سخنگوی KLA ضمن رد پیروی از سیاستهای مسالمت‌آمیز گفت تا زمانیکه میلوشوویچ زمام امور را در دست داشته باشد، ارتش آزادیبخش سلاحهای خویش را به زمین نخواهد گذاشت.

آلبانی

مایکو نخست وزیر وقت آلبانی از توافقات گروه ۸ درباره بحران کوزوو حمایت نموده و افزود تیرانا از توافقات بین‌المللی برای ثبات در منطقه استقبال می‌کند.

ورود فنلاند در بحران کوزوو

همزمان با گسترش حملات هوایی و موشکی ناتو علیه یوگسلاوی که حملات روز جمعه چهاردهم ماه می ۱۹۹۹ شدیدترین آن ظرف ۵۲ روز گذشته بود، غرب تلاشهای سیاسی منسجم خویش را جهت تحقق اهداف کلان در بالکان افزایش داد. این تلاشها با سفرژاک شیراک رئیس جمهوری فرانسه به هلسینکی و ملاقات با مارتی آهتیساری رئیس جمهور آنکشور شدت و تحرک قابل ملاحظه‌ای یافت. شیراک پس از گفتگو با رئیس جمهور فنلاند خواستار ایفای نقش وی در بحران کوزوو شد. در پی ابراز تمایل پاریس در فعال شدن هلسینکی در بحران بالکان، دولتهای روسیه و آمریکا و نیز دبیرکل سازمان ملل متحد نسبت به فعال شدن رئیس جمهور فنلاند استقبال نمودند. در این راستا در هفدهم ماه می ۱۹۹۹، شرودر صدراعظم آلمان با سفر به هلسینکی با رئیس جمهور آنکشور پیرامون بحران کوزوو گفتگو کرد. رئیس جمهور فنلاند همچنین اولین دیدارهای خود را با نمایندگان روسیه (چرنومردین) و آمریکا (تالبوت) انجام داد.

آهتیساری رئیس جمهور فنلاند که در گذشته سمت معاونت دبیرکل سازمان ملل را نیز به عهده داشت و صاحب تجارب ارزنده‌ای در مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی بود، از حمایت مشترک غرب و روسیه برخوردار گردید. همچنین با توجه به سابقه تاریخی فنلاند در دوران جنگ سرد که جایگاه ویژه‌ای در مناسبات غرب و شرق داشت، در جریان تحولات کوزوو بعنوان یک کشور اروپائی غیرعضو پیمان آتلانتیک شمالی ضمن تأیید حملات هوایی ناتو، روابط تاریخی، سنتی و تجاری خویش را با مسکو تحکیم بخشید.

واشنگتن با توجه به سوابق روشن آهتیساری و نیز تلاشهای سیاسی پاریس، با اعزام

تالبوت معاون وزیر خارجه آمریکا به هلسینکی کوشش کرد همگام با فرانسویان بر اقدامات دیپلماتیک خود (و همزمان با تشدید تهاجم علیه بلگراد) بیفزاید.

در حالی که ویکتور چرنومردین اعلام داشت که به اتفاق آهتیساری با ابتکارات جدید در آینده نزدیک از بلگراد دیدن خواهند داشت، رئیس جمهور فنلاند با رد سفر به بلگراد گفت «در فرصت مناسب به عنوان نماینده «فنلاند، اتحادیه اروپا و سازمان ملل متحد از یوگسلاوی دیدن خواهد نمود». آهتیساری همچنین افزود: در شرایطی به یوگسلاوی عزیمت خواهد کرد که غرب و روسیه بر سر فرمول حضور نیروهای بین‌المللی در کوزوو به توافق برسند.

در حالیکه در طول شش هفته اول تهاجم ناتو علیه یوگسلاوی کلیه تماسهای سیاسی غرب با بلگراد از دروازه مسکو صورت می‌گرفت و مسکو تنها به صورت پیام رسان کشورهای غربی عمل می‌نمود، لکن در آخرین هفته‌های عملیات ناتو فنلاند نیز بعنوان کانال تماس با بلگراد وارد صحنه گردید. مجموعه غرب، روسیه و حتی صربها نیز با فعال شدن رئیس جمهور فنلاند در بحران کوزوو روی خوش نشان دادند، که نقطه نظرات هر یک به شرح ذیل می‌باشد:

- ۱- بلگراد تحرک آهتیساری را در جهت تماسهای نزدیکتر با غرب ارزیابی می‌کرد.
- ۲- از دیدگاه ناتو، تحرک سیاسی فنلاند بایست در راستای مفاد بیانیه گروه هشت در بن باشد. سیاست محتاط‌آمیز بلگراد پیرامون بیانیه گروه هشت، نشان می‌داد که میلوشوویچ با تحمل خسارات سنگین، به دنبال روزنه قابل قبولی برای نجات کشورش بوده و ترجیح می‌داد راساً با غرب و ناتو وارد چانه زنی شوند.

محور عمده تلاشهای سیاسی رئیس جمهور فنلاند، تماس و گفتگو با مقامات روسیه، اروپا و آمریکا بود. در همین راستا اولین دور گفتگوهای نمایندگان آمریکا و روسیه در هلسینکی با آهتیساری در هیجدهم ماه می ۱۹۹۹ بلحاظ اختلافات موجود بین ناتو و روسیه، در دو مورد یعنی توقف عملیات ناتو علیه بلگراد و ترکیب نیروهای حافظ صلح در کوزوو بیش از حد انتظار طولانی گردید.

چرنومردین، آهتیساری و تالبوت بعنوان نمایندگان روسیه، اتحادیه اروپا و آمریکا در

امور کوزوو پس از دو روز مذاکرات فشرده در هلسینگی، گفتگوهای خویش را در مسکو پس از بازگشت چرنومردین از بلگراد از سر گرفتند. هرچند در پایان این گفتگوها تالبوت خبر از پیشرفت اندک در روند مذاکرات را داد و اظهار خوش بینی بیشتری نمود، اما طرف روسی نسبت به دستیابی به توافقی با آمریکا و اتحادیه اروپا اظهار یاس کرد. وزارت خارجه آمریکا اعلان داشت در مذاکرات مسکو پیشرفت عمده‌ای حاصل نگردید و روند کار بسیار کند بوده است. در نشست مسکو بار دیگر عمده ترین اختلاف آمریکا - روسیه در خصوص ترکیب نیروهای بین‌المللی حافظ صلح در کوزوو بروز پیدا کرد. ناتو تأکید داشت هسته اصلی آنرا باید نیروهای ناتو بویژه اعضای عمده آن مثل آمریکا، انگلیس، فرانسه و آلمان تشکیل دهند، اما روسیه با این امر به شدت مخالفت می‌ورزید.

دو دور مذاکرات چرنومردین، آهتیساری و تالبوت نتیجه ملموسی در بر نداشت، فلذا ادامه گفتگوها در روز نوزدهم ماه می ۱۹۹۹ در مسکو مجدداً از سر گرفته شد. چرنومردین قبل از این نشست اظهار امیدواری کرده بود، روند مذاکرت به سمتی جهت‌گیری شود که وی بتواند روز پنجشنبه بیستم ماه می ۱۹۹۹ به همراه آهتیساری در بلگراد با میلوشوویچ دیدار و گفتگو داشته باشد. وی افزود در صورتیکه در گفتگوها پیشرفتی حاصل نگردد، روسیه بدون شک از روند مذاکرات خارج خواهد شد. جیمز روبین سخنگوی وزارت خارجه آمریکا پیرامون موانع موجود اظهار داشت «عمده‌ترین اختلاف آمریکا - روسیه و در واقع بن بست تلاشهای دیپلماتیک را ترکیب نیروهای بین‌المللی حافظ صلح در کوزوو تشکیل می‌دهد».

در دور سوم مذاکرات تالبوت، چرنومردین و آهتیساری در مسکو اگرچه نتایج ملموسی بدست نیامد، اما نماینده روسیه روز جمعه بیست و یکم ماه می ۱۹۹۹ راهی بلگراد شد و با میلوشوویچ وارد مذاکره شد.

پذیرش طرح گروه هشت توسط یوگسلاوی

سفر چرنومردین و آهتیساری به بلگراد

در هفتادمین روز حملات ناتو و بعد از پایان مذاکرات چرنومردین در بلگراد، رهبران صرب پس از یک سری اظهارنظرهای ضد و نقیض در خصوص پذیرش طرح صلح گروه هشت اعلام داشتند بطور اصولی این طرح صلح را خواهند پذیرفت. دفتر ریاست جمهوری یوگسلاوی طی بیانیه‌ای در روز پنج شنبه سوم ژوئن ۱۹۹۹ موافقت خود را با طرح گروه هشت اعلام کرد. تانیوک خبرگزاری رسمی یوگسلاوی طی گزارشی اعلام داشت طرح صلحی که نمایندگان روسیه و اتحادیه اروپائی برای کوزوو ارائه داده‌اند، از جانب این کشور پذیرفته شده است^۱.

کاخ سفید این اظهارات را ناکافی دانست، خانم آبرایت وزیر خارجه آمریکا در واکنش به پذیرش طرح گروه هشت از سوی بلگراد در پایان دیدار با همتای ایتالیائی خویش در واشنگتن گفت: بلگراد باید به مراتب شرایط فراتر از آنچه در طرح گروه ۸ آمده است را بپذیرد و آن شرایط پنج گانه ناتو است. وی تأکید کرد که به کمتر از آن رضایت نخواهند داد. جیمز شی سخنگوی ناتو نیز اعلام داشت حملات هوائی تا برآورده شدن بخش اصلی درخواست جامعه بین‌المللی و امضاء سندی ادامه خواهد یافت. در حالی که آمریکا بر شدت عمل علیه بلگراد تأکید داشت لکن دول اروپایی بویژه آلمان نسبت به اعلان آمادگی رهبران یوگسلاوی در پذیرش طرح صلح استقبال کردند.

در پذیرش طرح گروه هشت توسط دولت یوگسلاوی دلایل متعددی وجود داشت که

مهمترین آن به شرح زیر بودند:

- ۱- التزام و وحدت نظر اعضای ناتو در تحقق شرایط پنج گانه این سازمان،
- ۲- وارد آمدن خسارات سنگین بر بنیه و توان اقتصادی کشور،
- ۳- عدم توانایی مسکو در استمرار سیاست حمایتی همه جانبه از بلگراد و ورود این کشور بعنوان یک میانجی،

- ۴- تأکید روسیه و اتحادیه اروپائی به فعال شدن سازمان ملل متحد که خواست اولیه بلگراد بوده،
- ۵- تأکید غرب و بویژه روسیه و اروپا به حفظ تمامیت ارضی یوگسلاوی،
- ۶- توافق گروه هشت مبنی بر تصویب قطعنامه‌ای در شورای امنیت سازمان ملل متحد در راستای ضمانت از تمامیت ارضی یوگسلاوی،
- ۷- ترجیح پذیرش قطعنامه شورای امنیت نسبت به مفاد کنفرانس صلح رامبویه توسط رهبران بلگراد.

دومین نشست وزرای خارجه و اولین اجلاس سران گروه هشت

دومین دور نشست وزرای خارجه هفت کشور صنعتی و روسیه به منظور آماده نمودن بیانیه‌ای که در نهایت در شورای امنیت سازمان ملل متحد بصورت قطعنامه‌ای (۱۲۴۴) به تصویب رسید، طی روزهای هفتم و هشتم ژوئن ۱۹۹۹ در کلن آلمان برگزار شد. همانطوریکه اوبرودرین وزیر خارجه فرانسه اعلام داشت «هدف این نشست آماده نمودن پیش نویس قطعنامه‌ای جهت تصویب در شورای امنیت سازمان ملل متحد برای پایان بخشیدن به جنگ در کوزوو می‌باشد»^۱. اما همچنان دامنه اختلافات روسیه - غرب در تصویب قطعنامه‌ای در شورای امنیت سایه افکنده بود. هرچند در اولین روز مذاکرات توافقات اصولی بر روی ۹۰٪ از مفاد پیش نویس قطعنامه شورای امنیت حاصل گردید، اما اختلافات موجود بین مسکو - واشنگتن در دو الی سه مورد سبب گردید که این اجلاس به درازا کشیده شود تا نتیجه قطعی حاصل گردد.

نظر به شکست دیپلماتیکی که بخاطر همراهی شدید نماینده روسیه با غرب نصیب مسکو گردیده بود، ایوانف وزیر خارجه به لحاظ فشار افکار عمومی داخل کشورش سعی در تحکیم مواضع روسیه در اولین روز اجلاس وزرای خارجه گروه هشت در کلن آلمان داشت.

۱- خبرگزاری فرانس پرس، هفتم ژوئن ۱۹۹۹.

اهم موارد اختلاف روسیه - غرب در اجلاس کلن

- ۱- مسکو مخالف رهبریت ناتو بر نیروهای حافظ صلح کوزوو بود و بر نقش و جایگاه ویژه خود در این نیروها تأکید داشت. ناتو همچنان اصرار داشت که محوریت عمده نیروهای حافظ صلح در کوزوو باید از آن پیمان آتلانتیک شمالی باشد.
 - ۲- روسیه بر این باور بود که ناتو در صدد دیکته نمودن شرایط خود بر یوگسلاوی است، فلذا سعی داشت تلاشهای صلح، عملیات سازمان ملل تلقی گردد و نه عملیات تحت رهبری ناتو.
 - ۳- مسکو اصرار داشت که کلمه ناتو به عنوان نیروی اصلی حافظ صلح در قطعنامه شورای امنیت گنجانده نشده بلکه تحت عنوان نیروهای امنیتی بین‌المللی آورده شود. بنابراین در ارتباط با نیروهای حافظ صلح دو اختلاف بوجود آمد. اول آنکه نیروهای روسی حاضر به پذیرش سیادت ناتو بر خود نبودند، دوم آنکه ناتو نبایستی همان نیروهای حافظ صلح سازمان ملل تلقی شده و نامش رسماً و علناً در قطعنامه سازمان ملل متحد آورده شود.
 - ۴- مسکو با گنجاندن جملاتی در پیش نویس قطعنامه که دربرگیرنده محاکمه میلووشویچ رئیس جمهور یوگسلاوی به عنوان جنایتکار جنگی باشد، نیز مخالفت ورزید.
- علاوه بر این از جمله اختلافات دیگر این بود که مسکو به همراه چین تأکید می‌ورزید ابتدا بایست حملات هوایی ناتو علیه یوگسلاوی متوقف شود، آنگاه به قطعنامه شورای امنیت رأی مثبت خواهد داد. در این خصوص جناح غرب نیز یکپارچه نبود. نکته جالب توجه این بود که انگلیس و فرانسه برخلاف رفتارشان در طول جنگ ۷۸ روزه پیشنهاد کرده بودند فقط قطعنامه شورای امنیت پس از تعلیق حملات ناتو به رای گذاشته شود، ولی مقامات آمریکائی تأکید داشتند حملات هوایی زمانی به تعلیق درمی‌آید که عقب نشینی محسوسی توسط ارتش صربستان صورت پذیرد.
- در اولین روز مذاکرات بلحاظ مشکلات موجود در گفتگوهای وزرای خارجه روسیه و غرب در آلمان، ایگور ایوانف پس از گفتگوی چند ساعته با همتایان غربی خویش به منظور حل

اختلافات بر سر برخی از مفاد پیش نویس قطعنامه مجبور به تماس با بوریس یلتسین رئیس جمهور روسیه و کسب نظر از وی گردید. تداوم مذاکرات در هشتم ژوئن ۱۹۹۹ و تصویب پیش نویس قطعنامه پایانی نشست کلن توسط کلیه شرکت کنندگان نشان داد که یلتسین در مورد موضوعی تصمیم گرفت که ایوانف قدرت تصمیم‌گیری آن را نداشت. قبل از این که ایوانف با یلتسین تماس داشته باشد، روسای جمهور روسیه و آمریکا طی دو دور تماس تلفنی به توافقاتی دست یافته بودند و بدین ترتیب پیش نویس قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد (۱۲۴۴) نهایی گردید. براساس همین توافق در بند هفتم پیش نویس قطعنامه بر - حضور نیروهای امنیتی بین‌المللی در کوزوو - تأکید شده و نامی از ناتو برده نشده است، اما در ضمیمه شماره ۲ و بند ۴ آن از کلمه ناتو استفاده گردید^۱. همچنین در بخش G «فراخوانی و رسیدگی به جنایات جنگی در دادگاه بین‌المللی بررسی جنایات جنگی جمهوری یوگسلاوی سابق» بکار گرفته شد که زمینه لازم برای پایان موفقیت‌آمیز نشست کلن را فراهم آورد.

پس از اجلاس کلن، هشت وزیر خارجه حاضر نشدند در مورد توقف عملیات ناتو قبل از تصویب قطعنامه شورای امنیت سخنی به میان آورند، اما در ارتباط با نحوه خاتمه جنگ به توافق نهایی دست یافتند. از صبح روز نهم ژوئن ۱۹۹۹ مقامات آمریکا اعلام کردند که علائمی دال بر عقب نشینی و آمادگی خروج نیروهای صرب از کوزوو مشاهده می‌شود. همزمان یوگسلاوها نیز اظهار داشتند نیروهای پلیس صرب در حال خروج از کوزوو و حرکت بسمت شمال می‌باشند.

نظر به این که از جمله اختلافات موجود مسکو - واشنگتن، عدم پذیرش رهبری ناتو بر نیروهای روسی در کوزوو بود، کلیتون ضمن اینکه از یلتسین به دلیل نقش سازنده‌اش در رسیدن به صلح در کوزوو تشکر کرد، گفت «تالپوت معاون وزیر خارجه آمریکا در نهم ژوئن به منظور گفتگوی بیشتر با رهبران کرملین درباره شرکت نیروهای روسی در عملیات حفظ صلح در

۱- بند ۴- حضور (نیروهای) امنیتی بین‌المللی با مشارکت اساسی پیمان آتلانتیک شمالی بایست تحت فرماندهی و نظارت واحد با هدف ایجاد محیط مناسبی برای کلیه مردم در کوزوو و نیز برقراری تسهیلات لازم برای بازگشت امن آوارگان به اوطان خود (در کوزوو) استقرار یابند.

کوزوو عازم مسکو می‌شود. اظهارات رئیس جمهوری آمریکا نشان می‌داد که گفتگوهای تالبوت در مسکو می‌بایست پیرامون نحوه هماهنگی بیشتر بین فرماندهی ناتو و فرماندهان روسیه در کوزوو تمرکز داشته باشد، موضوعی که کمترین توافق را در اجلاس G8 در برداشت. علیرغم همراهی و موافقت روسیه در نهائی شدن پیش نویس قطعنامه فوق‌الذکر در کلن آلمان، بوریس یلتسین بلحاظ افکار عمومی داخلی کشورش نسبت به تداوم حملات هوائی ناتو ابراز نگرانی نموده و آن را محکوم کرد. یلتسین در نهم ژوئن ۱۹۹۹ طی تماس تلفنی با سرودر صدر اعظم آلمان تأکید کرد حال که پیش نویس قطعنامه نهائی گردید، نیاز به توقف حملات ناتو علیه یوگسلاوی از حساسیت لازم برخوردار می‌باشد. همچنین رئیس جمهور روسیه تماس تلفنی بیست دقیقه‌ای با تونی بلر نخست وزیر انگلستان داشت که بلر از نقش روسیه در تحقق پیشرفتهای بحران کوزوو تقدیر کرد. اما در همین زمان و در پشت درهای بسته شورای فدراسیون روسیه و مجلس علیا، سرگیف وزیر دفاع گفت که مسکو تنها می‌تواند کمتر از دو هزار نیرو به استان جنوبی یوگسلاوی اعزام دارد، درست کمتر از ده هزار نیروئی که قبلاً توسط چرنومردین نماینده ویژه رئیس جمهوری اعلام شده بود. استیپاشن نخست وزیر وقت نیز در مجلس سفلی (دومای روسیه) اظهار داشت «اعزام ده هزار نیرو به کوزوو برای روسیه حدود یک صد و پنجاه میلیون دلار در سال هزینه خواهد داشت، و ما این پول را از کجا باید تأمین نماییم»^۱.

کشورهای اروپائی و دولت آمریکا از نتایج نشست وزرای خارجه گروه هشت در کلن آلمان ابراز رضایت نمودند، مادلین آلبرایت وزیر خارجه آمریکا اظهار داشت «تمامی آنچه را که ما می‌خواستیم تحقق یافت». همچنین جیمز روبین سخنگوی وزارت خارجه گفت «ما امروز قطعنامه‌ای داریم که تمام اهداف ما را تأمین می‌کند و دربرگیرنده تصمیمات لازم برای اجازه حضور نیروهای حافظ صلح به رهبری ناتو در ایالت کوزوو می‌باشد»^۲. دولت ژاپن و سخنگوی کمیساریای عالی پناهندگان از پیش نویس قطعنامه و روند صلح موجود استقبال نمودند.

متن پیش نویس قطعنامه مزبور در هشتم ژوئن ۱۹۹۹ و بلافاصله پس از اجلاس وزرای خارجه G8 در نشست اضطراری شورای امنیت سازمان ملل متحد به مدت هفتاد دقیقه مورد

۲- خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، ایرنا ۱۳۷۸/۳/۱۸

۱- خبرگزاری فرانس پرس، نهم ژوئن ۱۹۹۹

بحث و بررسی قرار گرفت. نماینده چین در سازمان ملل متحد اعلام داشت که منتظر دریافت دستورالعمل نهائی از پکن می‌باشد. رهبران پکن پیرامون تصویب قطعنامه در شورای امنیت ملاحظاتی به شرح زیر را مطرح نموده بودند:

- قطعنامه تحت فصل هفت منشور نباشد،
- بمباران سفارت چین در بلغراد در پیش نویس ذکر شود،
- تصویب پیش نویس در شورا، موکول به قطع بمباران یوگسلاوی باشد،
- اتهام دادگاه بین‌المللی علیه مقامات صرب سیاسی است و نباید در پیش نویس به دادگاه اشاره شود.

سرانجام توافق پنهان واشنگتن - پکن سبب گردید تا اختلافات دو کشور بتدریج کاهش یابد و دولت چین در نشست شورای امنیت سازمان ملل متحد به قطعنامه مورد حمایت گروه ۸ رای ممتنع بدهد.

نماینده روسیه در شورا تصویب پیش نویس قطعنامه را موکول به توقف بمباران یوگسلاوی کرد. مقامات مسکو همچنین پایان جنگ در یوگسلاوی را منوط به نتایج گفتگوهای هیأت یوگسلاوی - ناتو دانستند که در همین روز (هشتم ژوئن ۱۹۹۹) در مرز یوگسلاوی - مقدونیه (کومونوا) آغاز گردیده بود. همچنین روسیه که موفقیت اجلاس کلن را فراهم آورده بود، به قطعنامه پیشنهادی گروه هشت در شورای امنیت سازمان ملل متحد رای مثبت داد.

نمایندگان کشورهای عضو ناتو در شورای امنیت بر مواضع این سازمان مبنی بر اینکه تنها در صورت شروع مشخص روند خروج نیروهای صرب بمباران ناتو قطع خواهد شد، تأکید کردند. رهبران بلغراد تلاش داشتند تصویب قطعنامه شورای امنیت مقدم بر خروج نیروهای صرب از کوزوو باشد و لذا در شرایطی که مذاکرات نظامیان یوگسلاوی - ناتو ادامه داشت صربها از امضای موافقتنامه نظامی امتناع می‌ورزیدند، اما سرانجام همچنانکه صربها شرایط گروه هشت را پذیرفتند، مجبور شدند قبل از انعقاد قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد (۱۲۴۴) موافقتنامه نظامی ناتو - یوگسلاوی را هم امضا نمایند.

فصل سیزدهم

تصویب قطعنامه شورای امنیت و خاتمه جنگ در کوزوو

آغاز فعالیت کمیته نظامی ناتو - یوگسلاوی

با پذیرش طرح گروه ۸ توسط میلوشوویچ و تأیید آن از سوی پارلمان صربستان (سوم ژوئن ۱۹۹۹) و متعاقب آن سفر چرنومردین و آهتیساری به بلگراد و قبول شرایط پنج گانه ناتو توسط رئیس جمهوری یوگسلاوی، از روز شنبه پنجم ژوئن ۱۹۹۹ مذاکرات فرماندهان نظامی ناتو - یوگسلاوی در کومانوا واقع در منطقه مرزی مقدونیه آغاز گردید. در این مذاکرات همانطوریکه انتظار میرفت، ناتو طرح خود را در مقابل هیأت یوگسلاو قرار داد و از آنها خواست تا آنرا امضاء نمایند. در این طرح شش صفحه‌ای، بر عقب نشینی کامل کلیه نیروها و سازمانهای صربی دارای قابلیت نظامی از ایالت کوزوو تأکید گردید. جیمز شی سخنگوی ناتو به نقل از ژنرال مایکل جکسون رئیس هیأت مذاکره کننده ناتو (انگلیسی) گفت «این خروج علاوه بر واحدهای منظم نظامی شامل گروههای شبه نظامی، گارد ملی، پلیس مرزی، نیروهای ذخیره، پلیس نظامی، نیروهای ضد جاسوسی، نیروهای انتظامی وابسته به وزارت کشور، پلیسهای محلی، ویژه، ضد شورش، ضد تروریست و دیگر گروههای صرب می‌گردد.» در بخش دیگری از این طرح آمده بود «نیروهای نظامی صرب باید ظرف هفت روز کوزوو را ترک نمایند و ناتو در اولین روز عقب نشینی نیروهای صرب از کوزوو پس از آنکه شواهد این عقب نشینی محرز گردد، بمباران را متوقف خواهد ساخت.»^۱ مذاکرات ناتو - یوگسلاوی بنا به درخواست هیأت صرب پیرامون چند مشکل تکنیکی به روز دوم کشیده شد.

دلایل طولانی شدن مذاکرات بین هیاتهای ناتو و یوگسلاوی به شرح زیر بوده است:

۱- خبرگزاریهای بین‌المللی پنجم و ششم ژوئن ۱۹۹۹.

۱- صربها خواستار ابقای حداقل بین ده هزار تا پانزده هزار نیروی صرب در ایالت کوزوو بودند. این تقاضا با مخالفت ناتو روبرو شد و این سازمان تنها رضایت داد چند صد نیروی صرب در این ایالت حضور داشته باشد.

در این خصوص رابین کوک وزیر خارجه انگلیس گفت «طرف یوگسلاو بر حضور ۱۵۰۰۰ نیروی صرب در کوزوو اصرار داشت. آنها حاضر بودند که تعداد نیروهای خود را به زمان قبل از جنگ و در ایام صلح برسانند و این به مفهوم بقای ده الی پانزده هزار نیروی صرب در کوزوو بود.» مقامات آمریکائی نیز اظهار داشتند که پیشنهادات طرف یوگسلاوی مانع بازگشت امن آوارگان آلبانی تبار کوزوو به اوطان خود می‌باشد.

سخنگوی ناتو تأکید کرد بدون عقب نشینی کامل نیروهای صرب و نیز استقرار نیروهای حافظ صلح به رهبری ناتو در کوزوو، آوارگان در نظر ندارند به خانه خود بازگردند. در این صورت ما (ناتو) قادر به استقرار صلح پایدار در کوزوو نخواهیم بود.

۲- بلگراد خواهان تصویب قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد بود، قبل از آنکه ارتش صربستان سند عقب نشینی نیروهای خود از کوزوو را با ناتو امضاء نماید.

مقامات آمریکائی و انگلیسی تأکید داشتند که پیشنهادات تازه صربها مطابق با طرح صلح توافق شده با میلوشوویچ نبوده و تأمین کننده بازگشت امن آوارگان و خروج کامل نیروهای صرب از کوزوو نمی‌باشد. رابین کوک اظهار داشت که مشکل مذاکره پیرامون ترتیبات خروج نیروهای صرب از کوزوو نیست بلکه مشکل اساسی فقدان حسن اعتماد در رعایت موافقتنامه‌ای است که همه نیروها بتوانند از کوزوو خارج شوند.

مایکل جکسون در روز دوم مذاکرات اظهار امیدواری کرد هیأت یوگسلاو بدون درخواست تغییرات اساسی در طرح، آنرا امضاء نماید. با این وجود سخنگوی کاخ سفید گفت که میلوشوویچ بخوبی شرایط ما را می‌داند و بدون پذیرش کامل شرایط ما بمباران ادامه خواهد یافت.

در حالیکه ناتو و یوگسلاوی روی در روی یکدیگر در حال مذاکره بودند، جیمز شی

سخنگوی ناتو تأکید کرد «هیچ گفتگویی در خصوص مناطقی که نیروهای بین‌المللی در آن حضور خواهند یافت به میان نیامد و این امر بسیار روشن است». وی افزود «ناتو هیچ طرحی در خصوص اینکه نقطه خاصی از کوزوو تحت پوشش این سازمان نباشد و در اختیار نیروهای روسی حافظ صلح قرار گیرد، در دست ندارد.» همچنین رابین کوک وزیر خارجه انگلیس اظهار داشت «در زمینه نیروهای پاسدار صلح ناتو در کوزوو، روسیه نمی‌تواند مناطق خاص مربوط به خود داشته باشد. وی در ادامه افزود نیروهای حافظ صلح، زنجیره‌ای از نیروهای کشورهای مختلف هستند و هیچ کشوری منطقه خاص خود را ندارد، ما این مشکل را در بوسنی بدون اینکه نیاز باشد برای روسیه منطقه‌ای جداگانه در نظر بگیریم حل و فصل کرده‌ایم. این روش در بوسنی جواب داد و مطمئناً در کوزوو نیز ما را بی‌پاسخ نخواهد گذاشت.»^۱

در واکنش به این اظهارات چرنومردین نماینده روسیه در امور بالکان تأکید کرد که نیروهای حافظ صلح روسی مستقر در کوزوو تحت فرماندهی ناتو قرار نخواهند گرفت، وی در مصاحبه با تلویزیون مسکو گفت «ما هرگز تحت فرماندهی ناتو نخواهیم رفت، این امر غیرممکن است.» این اظهارات ثابت می‌کرد که در یک چنین شرایطی مسکو بیش از دیگران نگران آینده حضور خود در کوزوو بوده و نشست اضطراری یلتسین با چرنومردین و ایوانف که در همین رابطه برگزار شد، این نگرانی را تأیید می‌نمود.

مسکو به منظور کاهش فشار بر رهبران بلغراد و نیز تحکیم مواضع خویش در قبال ناتو در منطقه بالکان تلاش داشت از طریق حضور نیروهای روسی در بخش‌های معینی از ایالت کوزوو بنحوی پیروزی صرف ناتو در این بحران را تقلیل و پیمان آتلانتیک شمالی را وادار به پذیرش تقاضاهای خویش سازد، لکن تجارب جنگ یازده هفته‌ای ناتو نشان داد که این سازمان هرگز حاضر نبود از مواضع اولیه خود کوتاه بیاید.

صربها در آخرین چانه زنی‌های خود با ناتو می‌کوشیدند تا حضور هرچه بیشتر نیروهای خود در کوزوو را به کرسی بنشانند امری که با مخالفت جدی ناتو روبرو شد. تأکید اولیه رهبران

بلغراد مبنی بر ضرورت تصویب قطعنامه‌ای از سوی شورای امنیت قبل از خروج صربها از کوزوو، عمدتاً به منظور کاهش فشار غرب و نیز پاسخگویی به افکار عمومی داخل کشور صورت می‌گرفت.

تصویب قطعنامه ۱۲۴۴ شورای امنیت

در حالی که اعضای شورای امنیت سازمان ملل سرگرم بحث و بررسی بحران کوزوو به منظور نهائی نمودن قطعنامه این شورا بودند، ناتو و یوگسلاوی در چارچوب کمیته نظامی تلاش داشتند اهداف و نیات خاص خود را به کرسی بنشانند. دو طرف درگیر می‌کوشیدند در آخرین لحظات بحران از حداکثر امتیازات لازم برخوردار شوند. میلوشوویچ به منظور پاسخگویی به افکار داخلی نیاز داشت ابتدا قطعنامه به تصویب برسد، آنگاه ارتش صربستان از کوزوو خارج شود. اما غرب تأکید می‌کرد که اعتمادی به اسلوبودان میلوشوویچ ندارد، فلذا باید علایم ملموسی از عقب نشینی نیروهای صرب از ایالت کوزوو بدست آید. جیمز شی سخنگوی ناتو در این خصوص گفت «تا زمانی که میلوشوویچ شروع به عقب نشینی نکند ما قصد نداریم بی‌موقع از فشار حملات هوایی (ناتو) صرف‌نظر نماییم. اگر میلوشوویچ بخواهد، وضعیت به خوبی پیش خواهد رفت اما اگر وی موانع ایجاد کند که این تصمیم نامبرده است، میلوشوویچ بهای سنگین پرداخت خواهد کرد^۱».

علاوه بر پذیرش شرایط بین‌المللی توسط دولت یوگسلاوی و نیز آغاز مذاکرات مستقیم بلغراد - ناتو که شرایط عملی انعقاد قطعنامه ۱۲۴۴ شورای امنیت سازمان ملل متحد را فراهم آورد، بازیگران اصلی در صحنه بحران کوزوو به ویژه آمریکا، روسیه و اتحادیه اروپائی نیز در تهیه، تنظیم و انعقاد قطعنامه مزبور گفتگوهای متعددی انجام دادند که مسیر تحولات و نقش قدرتهای بزرگ در نهائی شدن آن به طور اجمال تبیین گردید. به هر حال مجموعه شرایط منطقه‌ای و جهانی سبب گردید تا قطعنامه شورای امنیت با اجماع بین‌المللی به تصویب برسد.

۱- خبرگزاریهای بین‌المللی هشتم و نهم ژوئن ۱۹۹۹.

سرانجام در دهم ژوئن ۱۹۹۹، قطعنامه شماره ۱۲۴۴^۱ شورای امنیت سازمان ملل در خصوص برقراری صلح در کوزوو با ۱۴ رای موافق و یک رای ممتنع (چین) به تصویب اعضای شورا رسید و رسماً به جنگ کوزوو بعنوان هشتمین جنگ بالکان در قرن بیستم خاتمه بخشید. مصوبه شورای امنیت با واکنشهایی در صحنه منطقه‌ای و بین‌المللی همراه بود که اهم آن به شرح ذیل خلاصه می‌گردد:

آمریکا

واشنگتن در اولین واکنش پس از تصویب قطعنامه ۱۲۴۴ بر حفظ وحدت اعضاء ناتو تا پایان کامل بحران کوزوو تأکید ورزید. لاکهارت یکی از سخنگویان وزارت امور خارجه آمریکا گفت «عصر پنجشنبه دهم ژوئن ۱۹۹۹ بیل کلینتون با برخی از رهبران کشورهای جهان از جمله بلر، دالما، کرتین نخست وزیران انگلیس، ایتالیا و کانادا و نیز شیراک، یلتسین، آزنار، روسای جمهور فرانسه، روسیه و اسپانیا و همچنین سولانا و کلارک دبیرکل و فرمانده ناتو تماس تلفنی برقرار نموده و به آنان تبریک گفت.^۲ وی همچنین رهبران سنا و کنگره را در جریان آخرین تحولات بحران کوزوو و قطعنامه ۱۲۴۴ شورای امنیت سازمان ملل متحد قرار داد. رئیس جمهور آمریکا در اظهارات دیگری اعلان داشت مادامیکه میلوشوویچ بر مسند قدرت تکیه زند. آمریکا در بازسازی یوگسلاوی مشارکت نخواهد داشت.

فرانسه

ژاک شیراک رئیس جمهور فرانسه در نطق تلویزیونی خود تصویب قطعنامه شورای امنیت را تسلیم بدون قید و شرط میلوشوویچ دانست و گفت «ما آشکارا تصریح کرده بودیم که جای هیچ مذاکره‌ای وجود ندارد و رئیس جمهور یوگسلاوی در انزوای کامل قرار دارد».^۳

۱- متن قطعنامه ۱۲۴۴ مصوب شورای امنیت سازمان ملل متحد ضمیمه می‌باشد.

۲- خبرگزاری فرانس پرس دهم ژوئن ۱۹۹۹

۳- همان منبع

روسیه

بوریس یتسین رئیس جمهور روسیه پایان یافتن بمباران ناتو علیه یوگسلاوی و آغاز مذاکرات سیاسی را یک پیروزی سیاسی برای روسیه خواند و اعلام داشت «علیرغم قطع بمبارانها رابطه روسیه با ناتو سرد و منجمد خواهد بود و باید دید آینده آن چه می‌شود»^۱

چین

سخنگوی وزارت خارجه چین در واکنشی نسبت به قطعنامه ۱۲۴۴ شورای امنیت اظهار داشت «به رغم اینکه قطعنامه دارای ضعفهایی بود، اما از آنجا که منجر به خاتمه حملات هوایی ناتو و آغاز مذاکرات سیاسی گردید، مثبت ارزیابی می‌گردد و چین با تصویب آن مخالفت نکرد. وی اهمیت دادن به نقش شورای امنیت را مهم توصیف نمود و بار دیگر ناتو را متهم به نقض قوانین بین‌المللی طی ۷۸ روز عملیات هوایی علیه بلگراد کرد.

سازمان ملل متحد

کوفی انان دبیرکل سازمان ملل متحد تصویب قطعنامه مزبور را آغازی برای پایان فصل تاریک و زشت از تاریخ منطقه بالکان خواند و گفت «شورای امنیت با تصویب قطعنامه راه را بسوی آینده بهتر برای مردم کوزوو هموار کرد»^۲

ناتو

خاویر سولانا دبیرکل وقت سازمان پیمان آتلانتیک شمالی ضمن اعلام این مطلب که فرماندهی اداری منطقه کوزوو بعهدہ سازمان ملل است گفت آنان طی ساعات آینده نماینده خود را معرفی خواهد نمود. وی در خصوص شرکت نیروهای حافظ صلح کوزوو گفت ۲۰

۱- خبرگزاری تاس دهم ژوئن ۱۹۹۹.

۲- خبرگزاری فرانس پرس دهم ژوئن ۱۹۹۹.

کشور در این نیروها مشارکت خواهند داشت. دبیرکل ناتو ضمن تأکید بر حفظ تمامیت ارضی یوگسلاوی اعلام داشت دولت بلگراد بلحاظ اصول رسمی بر منطقه حاکمیت دارد، اما کنترل کوزوو در دست نیروهای کیفور^۱ خواهد بود.

اهم مفاد قطعنامه ۱۲۴۴ شورای امنیت

قطعنامه ۱۲۴۴ شورای امنیت که به جنگ در کوزوو پایان بخشیده و زمینه حضور نیروهای بین‌المللی در این ایالت را فراهم آورد، دارای نکات مهمی می‌باشد.

در مقدمه قطعنامه ضمن تأیید اهداف و اصول منشور سازمان ملل، مسئولیت اولیه شورای امنیت در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی مورد تأیید قرار گرفته و با اشاره به قطعنامه‌های ۱۱۶۰ (۳۱ مارس ۱۹۹۸)، ۱۱۹۹ (۲۳ سپتامبر ۱۹۹۸)، ۱۲۰۳ (۲۴ اکتبر ۱۹۹۸) و ۱۲۳۹ (۱۴ می ۱۹۹۹)، بر رعایت حقوق بشر در کوزوو، تأمین امنیت و بازگشت آزادانه آوارگان به اوطان خود و محکومیت کلیه اقدامات خشونت‌آمیز و تروریستی توسط هر طرف درگیر تأکید گردید. سایر نکات برجسته قطعنامه عبارتند از:

- شورای امنیت تصمیم گرفت اصول کلی مورد اشاره در ضمایم یک و دو را مبنای حل و فصل بحران کوزوو قرار دهد،
- شورای امنیت ضمن ابراز خرسندی از پذیرش قطعنامه از سوی جمهوری فدرال یوگسلاوی، خواستار توقف سریع خشونت در کوزوو و خروج کلیه نیروهای نظامی و شبه نظامی یوگسلاوی از این ایالت گردید،
- شورای امنیت تأیید کرد بلافاصله پس از عقب نشینی، تعدادی از نیروهای ارتش و پلیس یوگسلاوی براساس ضمیمه دو قطعنامه به کوزوو مراجعت نمایند،
- شورای امنیت براساس مفاد سازمان ملل متحد در ارتباط با استقرار نیروهای امنیتی و غیرنظامی (مدنی) بین‌المللی (با تجهیزات و پرسنل مورد نیاز) از یوگسلاوی بخاطر موافقت

- با حضور یک چنین نیروهایی ابراز خرسندی کرد،
- شورای امنیت از دبیرکل سازمان ملل خواست با مشورت این شورا نماینده ویژه‌ای به منظور نظارت بر اجرای حضور نیروهای غیرنظامی برگزیند،
- شورای امنیت به کشورهای عضو و سازمانهای بین‌المللی مربوطه اجازه داد تا مطابق بند ۴ ضمیمه ۲ اقدام به استقرار یک نیروی بین‌المللی در کوزوو نماید،
- شورا بر ضرورت استقرار سریع و تأثیرگذار نیروهای بین‌المللی در کوزوو تأکید نموده و همکاری کامل کلیه طرفها را درخواست کرده است.
- شورا همچنین به دبیرکل سازمان ملل اختیار داد تا با مساعدت سازمانهای بین‌المللی حضور نیروهای بین‌المللی را با هدف ایجاد نهادهای اداری موقت در کوزوو که براساس آن مردم این ایالت بتوانند از یک خودمختاری اساسی در چارچوب جمهوری فدرال یوگسلاوی برخوردار شوند و همچنین در جهت استقرار نهاد انتقالی برای ایجاد و نظارت بر ارگانهای خودگردان دمکراتیک انتقالی به منظور تأمین شرایط زندگی صلح جویانه و عادی برای کلیه ساکنین کوزوو، فراهم آورد،
- شورا کلیه کشورها و سازمانهای بین‌المللی را به مشارکت برای بازسازی اقتصادی، اجتماعی و نیز بازگشت امن آوارگان و پناهندگان تشویق نموده و بر این اساس براهمیت تشکیل کنفرانس بین‌المللی اعطاکننده کمک تأکید ورزیده است،
- شورا از کلیه طرفها بویژه نیروهای امنیتی خواست تا با دادگاه بین‌المللی جنایت جنگی یوگسلاوی سابق همکاری کنند،
- شورا از ارتش آزادیبخش کوزوو و سایر گروههای مسلح آلبانی تبار کوزوو خواست سریعاً تمامی فعالیتهای تهاجمی (نظامی) خود را متوقف نموده و به خلع سلاح که از سوی ریاست نیروهای بین‌المللی در مشورت با نماینده ویژه دبیرکل سازمان ملل تعیین می‌گردد، ملزم باشند،
- شورا نسبت به تلاشهای اتحادیه اروپا و دیگر سازمانهای بین‌المللی در راستای توسعه همه

جانبه توسعه اقتصادی و ثبات منطقه که با مخاطراتی در طول بحران کوزوو روبرو گردید، از جمله اجرای پیمان ثبات برای جنوب شرقی اروپا به منظور تشویق دموکراسی، رفاه اقتصادی، ثبات و همکاری منطقه‌ای ابراز خرسندی نموده است،

- شورا تصمیم گرفت مدت حضور امنیتی و غیرنظامی بین‌المللی در کوزوو برای یک دوره ۱۲ ماهه باشد. این حضور می‌تواند ادامه یابد. مگر اینکه شورا تصمیم دیگری در این خصوص اتخاذ نماید.

تصویر شماره ۲

خروج نیروهای صرب از کوزوو و ورود کیفور

پس از خاتمه مذاکرات فشرده نمایندگان ناتو و یوگسلاوی و امضای توافقنامه عقب‌نشینی نیروهای صرب از کوزوو توسط فرماندهان نظامی این دو هیات، خروج اولین ستون از نیروهای یوگسلاوی از این ایالت آغاز گردید. با آغاز خروج اولین واحدهای ارتش صربستان از کوزوو، دبیرکل ناتو با انتشار بیانیه‌ای^۱ پایان حملات هوایی علیه یوگسلاوی پس از یازده هفته را اعلام داشت. توقف عملیات نظامی ناتو اگرچه قبل از تصویب قطعنامه ۱۲۴۴ شورای امنیت سازمان ملل متحد صورت پذیرفت، (امری که دولتهای مسکو و پکن بشدت در شورای امنیت بر روی آن اصرار داشتند)، اما این اقدام به معنی عقب‌نشینی ناتو تلقی نگردید زیرا ناتو بر خروج کلیه نیروهای صرب از کوزوو اصرار داشت و با پدیدار شدن اولین نشانه‌های عقب‌نشینی نیروهای صرب از کوزوو عملیات نظامی این سازمان علیه یوگسلاوی متوقف گردید.

پس از تصویب قطعنامه شورای امنیت، اولین ستون از نیروهای حافظ صلح ناتو از کشور انگلیس سپیده دم روز شنبه دوازدهم ژوئن ۱۹۹۹ (۲۲ خرداد ۱۳۷۸) وارد خاک کوزوو شدند و در پرشتینا مرکز این ایالت مستقر گردیدند. هدف اصلی حضور نیروهای حافظ صلح در کوزوو فراهم نمودن زمینه بازگشت آوارگان به اوطان خویش و استقرار ثبات و امنیت در سراسر این ایالت اعلام گردید.

مذاکرات وزاری دفاع آمریکا - روسیه

با آغاز روند استقرار نیروهای حافظ صلح بین‌المللی در کوزوو، در حالیکه مذاکرات تالبوت و هیأت همراه وی مرکب از نظامیان آمریکائی و فنلاندی با مقامات روسی در خصوص چگونگی مشارکت نیروهای روسی شرکت‌کننده در کیفور و فرماندهی این نیروها به نتیجه روشنی نرسیده بود، ۲۰۰ تن از نیروهای روسی مستقر در بوسنی - هرزگوین تحت عنوان اسفور

۱- خبرگزاری رویتر، دهم ژوئن ۱۹۹۹.

با چند فروند نفربر زرهی و دیگر خودروهای نظامی وارد خاک یوگسلاوی شدند و پس از گذشت از شهر بلگراد راهی پرشتینا مرکز کوزوو گردیدند. این اقدام روسیه که در واقع به حمایت از بلگراد و در راستای تقویت روحیه صربها صورت گرفته بود، به نوعی متحدین غربی را شوکه نموده و واکنشهایی را در برداشت. کرملین در اولین واکنش، ضمن تأیید آنرا اشتباه تأسفبار خواند. ایوانف وزیر خارجه روسیه در مصاحبه با شبکه سی ان ان با قرائت بیانیهای ضمن تأیید حضور نیروهای روسی قبل از موعد مقرر در کوزوو، گفت: متأسفانه این حادثه اتفاق افتاد و بزودی دستور خروج آنها صادر می‌گردد^۱. خانم مادلین آلبرایت وزیر خارجه آمریکا پاسخ مسکو را قابل قبول توصیف نمود و از همکاری روسیه ابراز خرسندی کرد. وی که با همتای روسی خویش مکالمه تلفنی داشت از قول وی گفت «ایوانف دریافته است که (ساختار) فرماندهی واحد برای نیروهای حافظ صلح تعیین شود.»

هرچند ایوانف در مقایسه با چرنومردین فردی ملی‌گرا است، اما وی و دستگاه دیپلماسی روسیه نیز از دستورات یلتسین تبعیت می‌نمودند. ایوانف که در اواخر بحران کوزوو بلحاظ اشتباهات چرنومردین در مرکز ثقل دیپلماسی روسیه قرار گرفت، موفق نشد پیروزی ملموسی نصیب مسکو نماید. جناح تندرو در حاکمیت روسیه (ارتش) که به جانبداری از بلگراد شهرت داشت، واکنش نشان داده و سعی کرد موقعیت روسیه در منطقه بالکان را بیش از پیش تقویت نماید. در این راستا ژنرال ایواشوف رئیس هیأت مذاکره‌کننده روسی اظهار داشت «روسیه خواستار استقرار در بخش صرب نشین واقع در شمال کوزوو است و برای اینکار به تأیید و یا تکذیب ناتو نیازی ندارد. وی همچنین گفت این دستور رئیس جمهور است و در صورت نیاز با بلگراد وارد مذاکره خواهیم شد.» این حرکت مسکو که مبین ناراحتی روسیه از روند تحولات بحران بالکان بود، به گفتگوهای طولانی در سطح وزرای دفاع و نیز خارجه آمریکا - روسیه در فنلاند منتهی گردید. گفتگوهای وزرای دفاع دو کشور که در روز چهارشنبه شانزدهم ژوئن ۱۹۹۹ به مدت سه روز به درازا کشید به امضای توافقنامه دوازده ماده‌ای بین

کوهن - سرگیف^۱ منجر گردید، که اهم آن به شرح ذیل می‌باشند:

- ۱- این قرارداد بایست توسط ناتو و دولت روسیه به تصویب برسد. این قرارداد براساس قطعنامه ۱۲۴۴ سازمان ملل متحد و در چهارچوب موافقنامه نظامی KFOR و یوگسلاوی می‌باشد.
- ۲- این قرارداد فرماندهی واحدی که طرف روسی «کنترل سیاسی و نظامی کامل بر روی واحد روسی داشته باشد» را فراهم می‌کند.
- ۳- نمایندگان نظامی روسیه به مقرهای عالی متحدین در اروپا (بروکسل) و مقر ناتو در جنوب اروپا (ناپل ایتالیا) اعزام خواهند شد.
- ۴- واحدهای روسی با پنج گردان به تعداد ۳۶۰۰ نفر شامل ۲۸۵۰ سرباز پیاده، ۷۵۰ سرباز برای پایگاه لجستیک و هوایی پرشتینا به اضافه ۱۶ افسر لژیون می‌باشند.
- ۵- تعداد ۲۸۵۰ سرباز روسیه در مناطق ویژه نیروهای آمریکائی، آلمانی و فرانسوی مستقر خواهند شد که تحت فرماندهی همان بخش خدمت خواهند کرد. افسران روسی نیروهای خود را در مناطق مختلف مأموریت، فرماندهی خواهند کرد.
- ۶- در منطقه آمریکا، یک یا دو گردان روسی در Kosovska Kamenica و در منطقه فرانسویان یک گردان روسی در Lausa و در منطقه آلمانی یک یا دو گردان روسی در Malisevo مستقر خواهند شد.
- ۷- در صورت کاهش نیروهای بین‌المللی مستقر در کوزوو، نیروهای روسی به نسبت معین تقلیل خواهند یافت.
- ۸- هرگاه فرمانده یک منطقه یا فرمانده یک واحد ملی، از اجرای دستور فرماندهی کیفور امتناع ورزید، فرماندهی کیفور با آزادی کامل، این حق را دارد به سایر نیروهای کیفور در هر منطقه‌ای این مأموریت را محول نماید.
- ۹- در صورت امتناع فرماندهی روسیه، فرمانده کیفور اختیار کامل دارد به نیروهای ناتو برای

انجام مأموریت مزبور دستورات (لازم) را صادر نماید.

۱۰- براساس اصول معین شده توسط فرمانده کیفور [با نمایندگان روسیه]، کلیه شرکت‌کنندگان کیفور حق دسترسی به فرودگاه پرشتینارا دارند.

۱۱- یک نظام منسجم واحد به منظور کنترل فضای عملیاتی و زمینی در کوزوو ایجاد خواهد شد.

۱۲- سرویس اطلاعاتی بطور مشترک مورد استفاده و تبادل قرار خواهند گرفت و روند کلی اطلاعات مطابق رویه موجود بین نیروهای حافظ صلح در بوسنی هدایت می‌گردد.

نکاتی چند پیرامون مذاکرات وزرای خارجه و دفاع آمریکا - روسیه

- مطابق توافق بین اعضای ناتو، نیروهای آمریکائی در شرق، نیروهای آلمانی در جنوب، نیروهای فرانسوی در شمال کوزوو و نیروهای انگلیسی در مرکز مستقر شدند که براساس قرارداد منعقد شده بین وزرای دفاع آمریکا - روسیه، از کل ۲۸۵۰ سرباز روسی تعداد یک یا دو گردان روسی در کنار آمریکائیها، یک گردان در کنار نیروهای فرانسوی و یک یا دو گردان در کنار نیروهای آلمانی و تعداد ۷۵۰ سرباز روسی در کنار سربازان انگلیسی در فرودگاه پرشتینا استقرار یافتند.

- روسها بلحاظ مشکلات مالی به جای اعزام ده هزار نیرو که قبلاً از سوی چرنومردین و وزیر دفاع روسیه اعلام شده بود، تنها به اعزام ۳۶۰۰ سرباز به کوزوو بسنده کردند.

- ناتو در کوزوو نمی‌تواند عملاً بر نیروهای روسی فرماندهی تام داشته باشد، اما نیروهای روسی نیز راساً قادر به هر اقدامی در این ایالت نخواهند بود. بهر حال چنانچه اقدامی مورد نظر نیروهای روسی نباشد و از آن استتکاف نماید فرماندهی KFOR، اجرای آن را به بخش دیگر نیروهای حافظ صلح در کوزوو واگذار خواهد کرد.

- در قرارداد روسیه - آمریکا، بر نظام یکپارچه عملیاتی نیروهای کیفور تأکید گردید.

- در حالی که سرگیف وزیر دفاع روسیه در پایان گفتگوها تأکید داشت که نیروهای

روسی حافظ صلح در کوزوو بطور کامل تحت نظارت مسکو و فرماندهی روسیه قرار دارند، کوهن وزیر دفاع آمریکا گفت کلیه نیروهای حافظ صلح در کوزوو تحت نظارت کیفور می‌باشند و کیفور بر نیروهای روسی یک «کنترل تاکتیکی» دارد. همچنین وزیر دفاع آمریکا تأکید نمود دو خواست اساسی در فنلاند برآورد شد که یکی وحدت فرماندهی کیفور و دیگری اعطای نقش بی‌ظیر به روسیه می‌باشد. کوهن افزود «ما به توافقی دست یافتیم که این توافق متضمن برآورد الزامات و ضروریات روسیه - ناتو می‌باشد»^۱

فصل چهاردهم

سازمان کنفرانس اسلامی و بحران کوزوو

سازمان کنفرانس اسلامی که در دهه شصت میلادی بدنبال حوادث مسجد الاقصی اعلان موجودیت نمود، در دو دهه گذشته تلاش کرد همگام با سایر سازمانهای جهانی بلحاظ اهمیت تحولات جهان اسلام ابعاد منطقه‌ای و بین‌المللی خویش را احیا و گسترش بخشد. با شروع بحران بالکان بویژه حوادث دلخراش بوسنی - هرزگوین در دهه نود، سازمان کنفرانس اسلامی با توجه به فروپاشی نظام بین‌الملل دو قطبی حاکم بر عرصه روابط بین‌الملل و افزایش مشارکت بازیگران کوچک منطقه‌ای و بین‌المللی در مدیریت بحرانها فرصت یافت نقش نوینی پیدا نماید. در این راستا بود که سازمان کنفرانس اسلامی با توجه به نقش و تمایل برخی از کشورهای مهم و صاحب نفوذ در این سازمان بویژه جمهوری اسلامی ایران وارد عرصه‌هایی فراتر از مشکل فلسطین گردیده و سعی کرد بعنوان یکی از بازیگران تأثیرگذار در عرصه تحولات جهان اسلام و مسلمانان ایفای نقش نماید. در راستای همین استراتژی سازمان کنفرانس اسلامی در بحران بوسنی - هرزگوین ۹۵-۱۹۹۲ بعنوان یکی از حامیان مسلمانان بالکان به تلاشهای گسترده سیاسی و دیپلماتیک دست زد و با ارسال کمکهای بشردوستانه و استمرار حمایتهای اقتصادی، مالی و معنوی از مسلمانان بوسنی بعنوان یکی از بازیگران برجسته و تأثیرگذار، پرونده قابل قبولی از خویش بجای گذاشت.^۱

۱- نقش سازمان کنفرانس اسلامی در بحران بوسنی نیازمند بررسی مستقل و جداگانه‌ای است.

موقعیت سازمان کنفرانس اسلامی در بحران کوزوو

پس از کسب تجارب ارزشمند در بحران بوسنی - هرزگوین، انتظار می‌رفت جهان اسلام در بحران کوزوو، نقش برجسته‌تری بعهده گیرد، اما به دلایل مختلف که در ذیل به عمده‌ترین آنها پرداخته می‌شود، اینگونه نشد.

۱- با توجه به تجربه بحران بوسنی - هرزگوین، جهان غرب و بویژه ایالات متحده آمریکا تمایل به دخالت کشورهای اسلامی در این بحران از خود نشان ندادند و در این خصوص رهبران آلبانی تبار کوزوو را نیز بشدت تحت فشار قرار داده بودند.

۲- رهبران آلبانی تبار کوزوو سعی داشتند با استفاده از کارت آمریکا و اروپا بازی نمایند و از هرگونه تحرکی که منجر به دلخوری و رنجش واشنگتن می‌گردید، اجتناب می‌ورزیدند.

۳- بحران کوزوو یک بحران داخلی و در چارچوب مرزهای یوگسلاوی بشمار میرفت و این کشور از دخالت کشورهای خارجی تا حد امکان ممانعت بعمل می‌آورد. مضاف بر این برخی دولتها نیز نگران تسری یک چنین بحرانهایی در داخل مرزهای خویش بودند، فلذا برخلاف بحران بوسنی تمایل چندانی به دخالت و یا ایفای نقش فراگیر از خود نشان ندادند.

۴- در این فرآیند روابط حسنه برخی از کشورهای اسلامی (خاورمیانه و آفریقائی) با بلگراد، بعنوان یک عامل بازدارنده در دخالت بیشتر سازمان کنفرانس اسلامی در بحران کوزوو تأثیرگذار بوده است.

ماهیت و وضعیت بحران کوزوو و بویژه نقش بازیگران مهم بین‌المللی نظیر آمریکا و اروپا از عوامل مهم تأثیرگذار بر عرصه دخالت سازمان کنفرانس اسلامی در این بحران بوده است. واشنگتن بلحاظ تأثیرات شگرف آتی نقش جهان اسلام در تقویت روحیه استقلال‌طلبی و نیز هراس از بنیادگرایی اسلامی در منطقه بالکان و اروپا کوشش داشت مانع ورود غیرقابل کنترل سایر بازیگران نظیر سازمان کنفرانس اسلامی گردد. مضاف بر این سازمان کنفرانس اسلامی فاقد یک استراتژی واحد پیرامون بحران کوزوو بوده و حتی در بین اعضای گروه تماس اسلامی (جمهوری اسلامی ایران، عربستان سعودی، ترکیه، مالزی، مصر، پاکستان) شاهد وجود

دیدگاه‌های متفاوت و جناح‌بندی‌هایی همچون جناح حامی و مخالف ناتو بوده‌ایم. ترکیه بعنوان یک کشور اسلامی عضو ناتو و از اعضای گروه تماس اسلامی با عنایت به تعهداتش در قبال غرب از حملات هوایی ناتو علیه یوگسلاوی حمایت نموده و تعدادی از جنگنده‌های هوایی خود را در اختیار آن سازمان قرار داد. این کشور تلاش داشت حمایت سازمان کنفرانس اسلامی از اقدامات ناتو علیه یوگسلاوی را کسب نماید.

مصر، پاکستان، عربستان و مالزی از حملات هوایی ناتو علیه یوگسلاوی حمایت کرده و از بلگراد بخاطر پاکسازی قومی و آواره نمودن مردم کوزوو انتقاد به عمل آوردند. دولت‌های پاکستان و مالزی حتی خواستار اعزام نیرو به کوزوو شده بودند.

ایران ضمن انتقاد از عملکرد ناتو در عدم مراجعه به شورای امنیت و حمله به یک کشور عضو سازمان ملل، سیاست اعمال فشار علیه اکثریت آلبانی‌تباران کوزوو توسط ارتش یوگسلاوی را نیز محکوم نموده و با اشاره به حملات ناتو تأکید داشت که تنش و حمله نظامی تنها به وخامت اوضاع منجر شده و بحران بالکان را پیچیده‌تر می‌کند.

با این تحلیل سازمان کنفرانس اسلامی هم در سطح بین‌المللی و در سطح داخلی در مقایسه با بحران بوسنی با محدودیت‌های متعددی پیرامون اتخاذ یک استراتژی واحد و یکپارچه روبرو بوده است. با این وجود سازمان کنفرانس اسلامی به خصوص پس از بدست گرفتن ریاست سازمان توسط جمهوری اسلامی ایران توجه ویژه‌ای به بحران کوزوو از خود نشان داد و سعی کرد از حقوق مسلمانان کوزوو جانبداری نماید.

تلاش‌های سیاسی ریاست OIC

سازمان کنفرانس اسلامی از زمان آغاز بحران در کوزوو در کلیه مجامع و محافل منطقه‌ای و بین‌المللی با تأکید بر ضرورت استقرار صلح و ثبات در منطقه حساس بالکان، از تلاش‌هایی که در این جهت و نیز احقاق حقوق مشروع مردم کوزوو صورت گرفته بود، حمایت بعمل می‌آورد. در راستای همین استراتژی بود که پس از بروز اولین درگیری‌ها بین نیروهای امنیتی

صرب و آلبانی تبارهای کوزوو، در آوریل ۱۹۹۸ پیام کتبی ریاست جمهوری اسلامی ایران و رئیس سازمان کنفرانس اسلامی توسط معاون اروپا آمریکای وزارت خارجه ایران تسلیم اسلوبودان میلوشوویچ رئیس جمهور یوگسلاوی شد و بر دستیابی به یک راه حل مسالمت‌آمیز در قضیه کوزوو و احقاق حقوق مسلمانان کوزوو تأکید گردید.

پس از شروع جنگ، در سوم آوریل ۱۹۹۹ رئیس سازمان کنفرانس اسلامی با ارسال نامه‌های جداگانه بعنوان سران کشورهای اسلامی خواستار فعال شدن این سازمان در ارتباط با بحران کوزوو گردید. در این خصوص برخی از رهبران کشورهای اسلامی و غیراسلامی از جمله روسای جمهور روسیه، کوبا، ترکیه، آذربایجان، سنگال، امیران قطر، کویت، بحرین، رهبر لیبی، نخست وزیر بنگلادش، رهبر جبهه آزادیبخش فلسطین و... در پیام جداگانه و یا در پاسخ به پیام رئیس جمهوری کشورمان از اهتمام خاص ایشان به بحران کوزوو تشکر و قدردانی نمودند. آقای خاتمی همچنین وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران را مأمور پیگیری مستمر تلاشهای کشورهای اسلامی در راستای کمک اساسی به منظور خاتمه بحران کوزوو نمود.

آقای خرازی وزیر امور خارجه نیز با ارسال پیام کتبی جداگانه بعنوان برخی از هم‌تایان خویش در جهان اسلام و تعدادی از کشورهای ذی نفوذ در بحران کوزوو نسبت به اجرای تمهیدات لازم جهت توقف آوارگی مردم کوزوو و بسیج کمکهای انساندوستانه جهت آوارگان تأکید نمود. در مقابل وزاری خارجه شوراهائی همچون روسیه، کوبا، یوگسلاوی پیامهای جداگانه‌ای بعنوان ایشان ارسال داشتند و ضمن محکوم نمودن حملات هوایی ناتو علیه بلغراد که بدون مجوز شورای امنیت سازمان ملل متحد صورت گرفت، اقدامات ناتو را تهدیدی علیه ثبات و صلح جهانی دانسته و خواستار دمکراتیزه نمودن روابط بین‌المللی، ایجاد جهان چند قطبی و حل و فصل بحران کوزوو از طریق گفتگو و مذاکره شدند.

همچنین در چهارم آوریل ۱۹۹۹ وزیر خارجه وقت یوگسلاوی طی پیام کتبی جهت آقای خرازی از جمهوری اسلامی ایران به عنوان ریاست سازمان کنفرانس اسلامی خواست علیه تجاوز ناتو اقدام و برای توقف درگیری در منطقه بکوشد. در این پیام حمله ناتو به عنوان

تجاوز وحشیانه علیه یک کشور مستقل و دارای حاکمیت، محکوم و خاطرنشان گردید که این تجاوز تخریب کشور و کشتار شهروندان بیگناه از همه اقوام ساکن در یوگسلاوی از جمله آلبان تباران کوزوو را در برداشته است.

ایران بعنوان رئیس سازمان کنفرانس اسلامی تلاش کرد با استفاده از تجارب و عملکرد دول اسلامی در بحران بوسنی همچون برگزاری نشست فوق العاده وزرای خارجه گروه تماس، دست به اقدامات مشابهی بزند. در این راستا وزیر امور خارجه ایران طی چند دور تماس تلفنی با همتایان خویش در کشورهای عضو OIC از جمله ترکیه، عربستان، پاکستان، مالزی، قطر، مصر، مراکش و دبیرکل سازمان کنفرانس اسلامی پیرامون نشست اضطراری وزرای خارجه این گروه در ژنو مذاکره و گفتگو کرد. سرانجام با تلاش و جدیت تهران نشست فوق العاده گروه تماس اسلامی به ریاست رئیس دیپلماسی ایران و با حضور تنی چند از وزرای خارجه دول اسلامی در هفتم آوریل ۱۹۹۹ در ژنو برگزار شد. در این نشست وضعیت کلی بحران، چگونگی مساعدت به آوارگان کوزوویی و تماس با طرفهای درگیر مورد بحث و بررسی قرار گرفت و نمایندگان کشورهای اسلامی با ابراز نگرانی از اوضاع وخیم در کوزوو و محکومیت اقدام بلگراد علیه مردم مسلمان این منطقه و آوارگی صدها هزار تن از مردم بی پناه، بر عزم کشورهای اسلامی برای تلاش در جهت خاتمه بخشیدن به این بحران تأکید ورزیدند. آقای خرازی که ریاست این نشست را به عهده داشت طی سخنانی در جلسه افتتاحیه بر ضرورت اقدام جدی و قاطع شورای امنیت برای خاتمه بحران تأکید و از ناتوانی این شورا در انجام وظیفه خود در این باره ابراز تأسف کرد. ایشان با اشاره به اینکه مقامات بلگراد مسئولیت اصلی این بحران را برعهده دارند، گفت: دولت بلگراد با لغو حقوق مشروع مردم کوزوو بویژه خودداری مستمر از انعطاف برای یافتن یک راه حل صلح آمیز، کشتار مردم غیرنظامی و بیگناه، افزایش تنش و ایجاد بحران، بهانه حمله ناتو علیه یوگسلاوی را فراهم کرده است. رئیس دیپلماسی ایران همچنین بر ضرورت استمرار تماسها و رایزنی های لازم به منظور یافتن یک راه حل صلح آمیز، عادلانه و پایدار برای بحران کوزوو تأکید کرد.

سازمان کنفرانس اسلامی در پایان نشست فوق العاده وزرای خارجه گروه تماس اسلامی ضمن محکوم کردن پاکسازی نژادی نظامیان صرب علیه آلبانی تبارهای کوزوو، خواستار توقف فوری اقدامات سرکوبگرانه مقامات صرب و عقب‌نشینی نیروهای نظامی و شبه نظامی از این ایالت و برپایی دادگاه بین‌المللی جنایات جنگی یوگسلاوی سابق شد. همچنین در بخشی از بیانیه پایانی آمده بود^۱: وزرای خارجه گروه تماس اسلامی تصمیم دارند با تمام طرفهای درگیر در فرصت مناسب تماس برقرار نموده و همکاری بیشتر آنان را با گروه تماس و اعضای آن و نیز رهبری سیاسی کوزوو به منظور حل و فصل عادلانه بحران با اعزام یک هیأت عالی‌رتبه برای گفتگو با آنان تأمین نمایند. همچنین اعلام شد که این سازمان تصمیم دارد فوراً کمکهای بشردوستانه خویش را برای قربانیان تراژدی کوزوو بسیج کند و نیز یک گروه هماهنگ‌کننده از نمایندگان ثابت گروه تماس OIC در ژنو برای هماهنگ نمودن کمکهای سازمان به کوزوو و همکاری با سازمانهای بشردوستانه ایجاد نماید.

براساس تصمیمات اعضای گروه تماس اسلامی در ژنو یک هیأت بلندپایه از گروه تماس این سازمان متشکل از وزیر خارجه سنگال، وزرای مشاور در امور خارجی پاکستان و قطر، معاون وزیر خارجه عربستان به ریاست آقای دکتر خرازی وزیر امور خارجه ایران در ۲۰ آوریل ۱۹۹۹ به منظور گفتگو با وزرای خارجه و دیگر مقامات ارشد سیاسی روسیه، آلبانی، ایتالیا و آلمان راهی پایتخت کشورهای مزبور شدند و در خصوص آخرین وضعیت بحران کوزوو و مشکل آوارگان گفتگو و تبادل نظر نمودند. این هیأت همچنین در آلبانی از اردوگاههای آوارگان بازدید بعمل آوردند و از نزدیک با مشکلات آنان آشنا شدند.^۲

متعاقب آن کشورهای اسلامی به حمایت‌های معنوی و مادی خود از آوارگان کوزوویی ادامه داده و با ارسال کمکهای مالی و بشردوستانه سعی کردند از محنت همکیشان خویش در سراسر اروپا و بویژه در منطقه بالکان بکاهند. سازمان کنفرانس اسلامی با تعیین روزی بعنوان همبستگی با مردم کوزوو تلاش کرد افکار عمومی جهان اسلام را نسبت به جنایات علیه مردم

۱- خبرگزاریهای بین‌المللی، هشتم آوریل ۱۹۹۹. ۲- خبرگزاریهای بین‌المللی ۲۱ آوریل ۱۹۹۹.

بیگناه ایالت کوزوو معطوف سازد. رهبران کشورهای اسلامی به مناسبت‌های مختلف و بویژه در مذاکره با مقامات کشورهای اروپایی صاحب نفوذ در بحران بالکان با اشاره به مصائب و دشواریهای آوارگان سعی کردند توجه جامعه جهانی و بویژه بازیگران مهم بین‌المللی را در حل و فصل سریع بحران و خاتمه فائله آوارگی حدود یک میلیون نفر جلب نمایند. بنظر می‌رسد صرف بکارگیری ابزار سیاسی در تحقق اهداف و آمال یک سازمان در صحنه کنونی تحولات بین‌المللی به تنهایی کارساز نبوده و ضرورت بهره‌گیری از سایر ابزارهای اقتصادی، مالی و حتی نظامی را طلب نماید، امری که استفاده از آنها خود محتاج به وجود یک همگرایی استراتژیک نزد اعضای سازمان داشته و دارد.

عوامل تحدیدکننده نقش سازمان کنفرانس اسلامی

در حالیکه کشورهای اسلامی بویژه گروه تماس آن، چندان راغب به ایفای نقشی برجسته و فعال در بحران کوزوو چه در جریان برگزاری کنفرانس صلح رامبویه و یا حتی پس از آغاز حملات ناتو علیه یوگسلاوی نبود، اما در پی آوارگی خیل عظیم مسلمانان کوزوو و توجه افکار عمومی بین‌المللی و جهان اسلام و همچنین تحرکات سیاسی ریاست سازمان (جمهوری اسلامی ایران)، فضای همکاری در بین کشورهای گروه تماس اسلامی افزایش یافت. لکن اختلاف نظر موجود بین کشورهای گروه تماس اسلامی و عدم تمایل دولتهای غربی در اعطای نقش برجسته‌تر به جهان اسلام از جمله عوامل مؤثر در تحدید اقدامات سازمان کنفرانس اسلامی در بحران کوزوو به شمار می‌رفتند. با این وجود سازمان کنفرانس اسلامی تلاش داشت تا با برگزاری نشست فوق العاده، صدور بیانیه شدید اللحن، اعزام هیأت بلندپایه به بالکان و نزد کشورهای صاحب نفوذ و با ادامه ارسال کمکهای بشردوستانه نقش قابل توجهی ایفا نماید. دولت یوگسلاوی بلحاظ عملکرد ضدبشری خود در کوزوو و نیز بعنوان یک طرف درگیر در بحران با فعال شدن سازمان کنفرانس اسلامی به منظور یافتن راه حلی برای خاتمه بحران تمایلی نداشت. علاوه بر این رهبران آلبانی تبار کوزوو (ابراهیم روگوا و آدم دماچی) برخلاف علی عزت

بگوویچ رهبر مسلمانان بوسنی، تمایلی به رایزنی با جهان اسلام از خویش نشان نمی‌دادند، فلذا دخالت دولتهای اسلامی و زمینه مشارکت فعال سازمان کنفرانس اسلامی محدود گردید. پس از حضور نیروهای بین‌المللی در ایالت کوزوو، دولتهای اسلامی در ترمیم خرابیها و امر بازسازی کوزوو مشارکت داشته و در مجامع بین‌المللی از حقوق مسلمانان این ایالت حمایت به عمل آوردند اما OIC بعنوان یک سازمان اقدام به اعزام واحدهای نظامی به ایالت کوزوو ننمود لکن برخی از کشورهای عضو سازمان نظیر ترکیه، امارات متحده عربی، اردن و مالزی تصمیم به مشارکت در عملیات حفظ صلح در بالکان گرفتند.

فصل پانزدهم

کوزوو یکسال و نیم پس از خروج نیروهای صرب

مردم آلبانی تبار کوزوو در حالی یکمین سال خروج نیروهای صرب از این ایالت را جشن گرفتند که این ایالت کماکان با ناامنی، ترور، آدم ربائی، جنایتهای سازمان یافته و... روبرو بوده و درونمای روشنی از آینده اداره کوزوو بدست نیامده است. طی یکسال و نیم گذشته این بار برخلاف سابق فشار بر روی اقلیت صرب ساکن این ایالت افزایش یافته بود بطوریکه رهبران ناتو و برخی کشورهای غربی نگرانی عمیق خویش را از روند رو به رشد نژادپرستی اعلام داشته و در این خصوص به آلبانی تبارها هشدار دادند.

ادامه روند ترور و ناآرامی در کوزوو که عموماً از ناحیه آلبانی تبارها دامن زده می شد، نگرانی جامعه بین المللی را برانگیخت و سفر دبیرکل سازمان پیمان آتلانتیک شمالی به این ایالت درست چند روز پس از اجلاس وزرای خارجه ناتو در فلورانس ایتالیا (۳۱ مه ۲۰۰۰) نشاندهنده هشدار جدی ناتو به رهبران آلبانی تبار بود. اقلیت صرب کوزوو سعی داشتند تا با استفاده از ابزارهای موجود نظیر افکار عمومی بین المللی، تحریم همکاری با نهادهای اجرائی سازمان ملل در کوزوو و نیز تکیه بر حمایت های مسکو و پکن و... به نحوی جایگاه تضعیف شده خویش را ترمیم نمایند.

برناردو کوشنر رئیس وقت هیأت غیرنظامی سازمان ملل (یونیماک) در نشست دهم ژوئن ۲۰۰۰ شورای امنیت که به منظور بررسی روند اجرائی قطعنامه ۱۲۴۴ و عملکرد یکساله حضور نیروهای بین المللی در کوزوو تشکیل گردیده بود، اعلام داشت «سازمان ملل و نیروهای بین المللی برای سالهای متمادی در کوزوو باقی خواهد ماند.» وی به شورا قول داد که یونیماک و

کیفور تلاش خواهند کرد تا با ایجاد محیط سالم و بی خطر، یک دولت عملی (DE FACTO) در کوزوو ایجاد نمایند. کوشنر با اشاره به وجود ابهام و فقدان شفافیت در بخشی از مفاد قطعنامه ۱۲۴۴ در اعطای خودمختاری اساسی به کوزوو گفت وضعیت این ایالت در هاله‌ای از ابهام و نامعلومی قرار دارد.

رئیس اجرائی سازمان ملل که بشدت مورد انتقاد روسیه و چین قرار داشت، علیرغم حمایت‌های نظامی، سیاسی و اقتصادی بین‌المللی، موفق به انجام کار فوق‌العاده‌ای در کوزوو نگردید، که علت آن را می‌بایست در مفاد قطعنامه ۱۲۴۴، وضعیت سیاسی اجتماعی کوزوو و نیز نقش بازیگران بین‌المللی و منطقه‌ای در بالکان جستجو کرد. کوشنر گرچه با برخی اقدامات نظیر صدور کارت شناسائی، تشکیل گمرک مستقل، تعویض پلاک خودرو، اعطای کد مستقل مخابراتی و... به فاصله گرفتن کوزوو از بدنه اصلی خویش (صربستان) همت گمارد، اما سازمان ملل در این ایالت با مشکلات و فشارهای مختلفی مواجه بوده و نتوانست به اهداف از پیش تعیین شده دست یابد. همچنین با توجه به سابقه حضور پنج ساله نیروهای حافظ صلح بین‌المللی در بوسنی، پیش‌بینی کوشنر در خصوص مدت اقامت نیروهای بین‌المللی در کوزوو دور از انتظار نبوده است. در این فرآیند در حالیکه مردم و رهبران آلبانی تبار بشدت از استقلال کوزوو دفاع مینمایند، دولت بلگراد و صربهای کوزوو استقلال این ایالت را برخلاف قطعنامه ۱۲۴۴ شورای امنیت سازمان ملل متحد دانسته و تحقق آن را باعث بروز جنگ مجدد در بالکان میدانند فلذا مشکل بتوان آینده کوزوو را پیش‌بینی کرد. اما تا زمانی که اسلوبودان میلوشویچ در یوگسلاوی قدرت را در اختیار داشت (اکتبر ۲۰۰۰)، آلبانی تباران از حمایت همه جانبه جامعه بین‌المللی برخوردار بوده و به تحقق آرمانهای دیرینه خود (کسب استقلال) امید داشتند لکن با سقوط میلوشویچ، بقدرت رسیدن کوشتونیتسا و بازگشت یوگسلاوی به جامعه بین‌المللی بتدریج امید آلبانی تباران کم رنگ شده و شاید به همین دلیل در چند ماه اول دوران ریاست جمهوری کوشتونیتسا گروه‌های چریکی آلبانی تبار در جنوب صربستان دست به تحرکات نظامی علیه بلگراد زدند. متعاقب آن معضلات اقلیت آلبانی تبار در مقدونیه بروز نموده

و اکثریت اسلاو با سیاست مشت آهنین و با کمک برخی دولتهای منطقه تلاش کردند سیطره یک جانبه خویش در حاکمیت اسکوپیه را استمرار بخشند که به لحاظ شکنندگی جامعه مقدونی تنها با پذیرش حضور بیشتر آلبانی تباران در نظام سیاسی آتی کشور امکان استقرار ثبات و امنیت در مقدونیه وجود دارد.

نقش بازیگران بین‌المللی در کوزوو پس از جنگ

با تصویب قطعنامه ۱۲۴۴ شورای امنیت سازمان ملل و عقب نشینی نیروهای صرب از کوزوو، جنگ ۷۸ روزه بالکان رسماً خاتمه یافت. یکی از موضوعات پیچیده در این فرآیند چگونگی مشارکت قدرتهای ذی نفوذ بین‌المللی در اداره کوزوو باتوجه به سهم هر یک در جنگ یازده هفته‌ای بوده است. یکی از نمودهای مشارکت قدرتهای تأثیرگذار در اداره کوزوو ترکیب و چگونگی استقرار نیروهای حافظ صلح بین‌المللی بود. در حالیکه ایالات متحده، انگلستان، فرانسه، ایتالیا و آلمان بعنوان متحدین غربی در جنگ یازده هفته‌ای ناتو علیه یوگسلاوی دارای بخشهای تعریف شده‌ای برای استقرار نیروهای خویش در کوزوو بودند، روسها موفق به کسب منطقه ویژه و تعریف شده برای استقرار نیروهای خویش نگردیدند. کشورهای عضو ناتو و آلبانی تبارهای کوزوو مسکو را متهم به جانبداری از صربها می‌کردند و نگران امکان تکرار ماجرای برلین در کوزوو بودند فلذا به شدت با این مهم مخالفت ورزیدند. بطور کلی بازیگران صحنه سیاسی، امنیتی کوزوو در فردای پس از جنگ به دو دسته کشورها و سازمانهای منطقه‌ای و بین‌المللی تقسیم شدند، که در این بخش بطور اجمال به نقش آنان و اهداف درازمدتشان پرداخته می‌شود:

روسیه

روسها در طول قرون متمادی با هدف تأمین امنیت ملی و گسترش حوزه نفوذ خود در اروپا همیشه از صربها بعنوان متحد سنتی، مذهبی، نژادی و قومی خود یاد می‌کردند. اما با توجه

به تحولات شگرف دهه نود و در راس آن فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سابق، این کشور از یک قدرت فائق و نافذ در بالکان به یک قدرت ضعیف و در حد میانجی تنزل یافته است. به همین دلیل واشنگتن با در نظر گرفتن این مهم و با ابتکار طرح مشارکت برای صلح و گسترش ناتو به سمت شرق کوشش کرد تا ضمن ادامه سیاست واگرایی در اعمار روسیه بویژه در منطقه قفقاز، دروازه‌های این ابرقدرت دوران جنگ سرد را گام به گام تسخیر نماید.^۱

پس از پایان جنگ در کوزوو، روسیه بعنوان بزرگترین بازنده میدان نبرد بالکان سعی کرد به نحوی جبران مافات نموده و امتیازاتی در اداره این ایالت کسب نماید. این کشور بلافاصله پس از خاتمه جنگ بر دو تقاضای خویش یعنی داشتن یک منطقه انحصاری و ویژه و داشتن فرماندهی مشترک با ناتو تأکید ورزید. در این فرآیند بلافاصله پس از خروج نیروهای صرب از کوزوو، ۲۰۰ تن از نیروهای روسی مستقر در بوسنی با چند فروند نفر بر زرهی وارد خاک یوگسلاوی شدند و پس از انجام مانور قدرت در خیابانهای بلگراد، راهی پرشتینا مرکز کوزوو گردیدند. این اقدام که نگرانی رهبران غربی را برانگیخته بود، منجر به تشدید فشار بر مسکو گردید. در مذاکرات و چانه زنی‌های طولانی بین روسها و آمریکائیا در خصوص دو درخواست روسیه، واشنگتن موفق شد کرم‌لین را از خواست اول خود یعنی کنترل یک منطقه معین در کوزوو منصرف سازد و در خصوص درخواست دوم (فرماندهی مشترک در کوزوو) هرچند آمریکا با تأکید بر فرماندهی واحد، حاضر به اشتراک فرماندهی با روسیه نگردید، ولی در اعطای نقشی قابل ملاحظه به مسکو در کوزوو و آنهم داشتن حق فرماندهی بر واحدهای روسی در این ایالت موافقت کرد. در واقع ناتو بعنوان طرف پیروز میدان نبرد با داشتن اختیارات فوق العاده به ویژه فرماندهی کیفور، موفق شد روسها را در این مرحله نیز غافلگیر سازد.

مثلث قدرت در بالکان (روسیه، ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپائی) همچنان در تحقق اهداف و نیات خود در منازعه بسر می‌برند. بنظر می‌رسد نقش ضلع روسیه در مقایسه با دوران جنگ و ماههای اول پس از آن، بلحاظ ورود پوتین به صحنه سیاسی این کشور پرنرنگتر

۱- در این فرآیند می‌توان به ناآرامیهای چین بلافاصله پس از فروکش کردن بحران کوزوو اشاره نمود.

شده و در این خصوص مسکو سعی کرد ضمن حمایت از تمامیت ارضی یوگسلاوی و خروج این کشور از انزوای بین‌المللی به نحوی اعتبار از دست رفته خویش را اعاده نماید.

رئیس جمهور روسیه تصریح دارد که مسئله بالکان و مشکلات کوزوو فقط بر پایه اجرای کامل قطعنامه ۱۲۴۴ شورای امنیت سازمان ملل قابل حل است. فلذا مسکو سعی دارد با حضور فیزیکی هرچند کم‌رنگ در بالکان (بوسنی - هرزگوین و کوزوو)، در روند توسعه‌طلبی بیشتر واشنگتن اخلال ایجاد نمایند. در راستای همین سیاست روسها با تأکید بر اجرای بدون قید و شرط قطعنامه ۱۲۴۴ شورای امنیت، مخالف جدی اعطای استقلال به کوزوو می‌باشند.

ایالات متحده آمریکا

پس از فروپاشی نظام بین‌الملل دو قطبی، آمریکا بعنوان قدرت غالب تلاش کرد نظم نوین مورد نظر خود را در جهان به مورد اجرا درآورد، فلذا از ایجاد یک نظام چند قطبی در هزاره سوم میلادی که جایگاه واشنگتن تضعیف گردد، ناخرسند بوده و از هر ابزاری برای تغییر وضعیت موجود با هدف سلطه جهانی خود استفاده می‌نماید. در راستای همین سیاست واشنگتن در پنجاهمین سال تأسیس ناتو، با بهره‌گیری از شرایط بحرانی در منطقه بالکان اقدام به قدرت نمایی همه جانبه سیاسی و نظامی علیه اروپا و روسیه نمود. گرچه واشنگتن برای متحدین اروپائی خود بعنوان شرکای جدی در ایالت کوزوو نقش اساسی قایل است اما همچنان صحنه گردان اصلی کوزوو می‌باشد. واشنگتن طی دهه گذشته با حمایت از استراتژی واگرائی در منطقه بالکان دامنه نفوذ و سیطره خود را به مرزهای روسیه نزدیکتر کرد و تلاش دارد پس از استقرار نیروهای ناتو در بالکان، به تقویت و استمرار حضور سربازانش در جنوب شرقی اروپا پردازد، تا بتدریج کنترل سرتاسر این قاره را از آن خود سازد. استراتژی واشنگتن بر محور عدم پذیرش هزینه‌های مالی بیشتر، بهره‌گیری از طرح پیمان ثبات بالکان، بویژه برقراری دموکراسی در بالکان متمرکز دارد و در این فرآیند می‌کوشد با کسب حمایت دولتهای اروپایی و کشورهای منطقه اهداف خود را محقق سازد.

انتظار می‌رود واشنگتن در آینده با تأکید بر همگرایی منطقه‌ای به تحکیم اهداف درازمدت خویش در این منطقه بپردازد. فلذا هرگاه استقلال کوزوو خدشه‌ای به اهداف متصور وارد سازد، منتفی و در غیر این صورت قابل تحقق خواهد بود. از سوی دیگر ایالات متحده آمریکا در اولین واکنش پس از خاتمه جنگ اعلام داشت مادامیکه میلوشوویچ بر مسند قدرت تکیه زند، این کشور در بازسازی یوگسلاوی مشارکت نخواهد کرد. پس از میلوشوویچ نیز نگاه آمریکا به کوزوو از شفافیت چندانی برخوردار نبوده و در همین خصوص برخی مقامات یوگسلاوی نسبت به این عدم شفافیت از واشنگتن انتقاد نمودند. سیر تحولات در یوگسلاوی نشان می‌دهد که با سقوط میلوشوویچ و روی کار آمدن کوشتونیتسا، واشنگتن همچنان بر دستگیری و محاکمه رئیس جمهور سابق یوگسلاوی تأکید داشته است. رهبران جدید بلغراد با دستگیری و به زندان انداختن میلوشوویچ در مارس ۲۰۰۱ اعلام آمادگی نموده‌اند تا در همکاری بیشتر با دادگاه بین‌المللی جنایات جنگی وی را به لاهه منتقل نمایند. سرانجام با موافقت دولت صربستان اسلوبودان میلوشوویچ در ژوئن ۲۰۰۱ به لاهه منتقل شد.

اتحادیه اروپا

کشورهای اروپایی در بحران کوزوو در مقایسه با بحران بوسنی جایگاه مناسب‌تری را بخود اختصاص دادند. با شروع بحران دو کشور فرانسه و انگلیس سعی کردند نقش برجسته‌تری ایفا نمایند، اما با شکست کنفرانس رامبویه و آغاز حملات ناتو و با توجه به جایگاه ایالات متحده در این سازمان، اتحادیه اروپا در حاشیه قرار گرفت. پس از خاتمه جنگ بار دیگر اروپا در بازسازی کوزوو و کشورهای عضو بالکان قدرتمندانه ظاهر شد. در واقع اتحادیه در راستای تقویت نقش خویش در امنیت اروپا، علناً بر تشکیل نهاد دفاعی مستقل اروپایی تأکید می‌ورزد. ملل قاره کهن خواهان حفظ امنیت و آرامش در منطقه بالکان بوده و با حمایت از طرح پیمان ثبات بالکان می‌کوشند از ادامه منازعه بکاهند و نقش رو به گسترش خود در حل مشکلات اروپایی را به اثبات برسانند تا جایگاه ویژه خود را در نظام آتی بین‌الملل به نمایش بگذارند. اروپائیان به لحاظ اثرات و عواقب سیاسی، اجتماعی و امنیتی بروز بحرانهای جدید در

منطقه بالکان که میتواند منجر به تشدید اختلافات در خانواده اروپائی گردد، از اعطای استقلال به مردم کوزوو نگران بوده و بر حفظ وضعیت موجود تأکید دارند.

سازمان ملل متحد

سازمان ملل متحد نیز بعنوان یک بازیگر مؤثر در کنار مثلث آمریکا، اروپا و روسیه، در ایجاد نهادهای دموکراتیک، برقراری نظم عمومی، رعایت قانون و... تلاش گسترده‌ای بعمل می‌آورد. این سازمان که برخلاف دیگر بحرانهای بین‌المللی و منطقه‌ای در طول جنگ یازده هفته‌ای ناتو علیه یوگسلاوی نقش کمرنگ و حاشیه‌ای بعهدہ داشت، در آخرین هفته جنگ مرکز توجه بین‌المللی قرار گرفت. تصویب قطعنامه ۱۲۴۴ توسط شورای امنیت و در نظر گرفتن نقش تعیین‌کننده و محوری برای دبیرکل در ایجاد نهادهای سیاسی در کوزوو از جمله امتیازات برجسته سازمان ملل در بحران کوزوو بشمار می‌رود.

با وجود تلاشهای بعمل آمده بلحاظ ادامه خشونت‌های قومی بین اکثریت آلبانی‌تبار و اقلیت صرب تحقق اهداف تعیین شده در مفاد قطعنامه شورای امنیت با مشکلات اساسی روبرو گردید. هرچند مجموعه اقدامات سازمان ملل بسوی تحقق اعطای یک خودمختاری گسترده به کوزوو پیش می‌رود، اما تا زمانی که اسلوبودان میلوشویچ بر سر قدرت بود رهبران روسیه، بلگراد و چین نمایندگان این سازمان را متهم به تحقق استقلال کوزوو می‌کردند. کوفی انان و برنارد کوشنر وجود ابهام و فقدان شفافیت در بخشی از مفاد قطعنامه ۱۲۴۴ را دلیل اصلی وضعیت نامشخص کوزوو ذکر می‌کردند. آنچه مسلم است خواست اکثریت مردم کوزوو کسب استقلال است، لکن در شرایط کنونی بازیگران عمده صحنه سیاسی و امنیتی این ایالت هیچ تصمیمی در این خصوص اتخاذ ننمودند. ضمن اینکه با روی کار آمدن کوشتنیچ در بلگراد دستیابی به این هدف برای آلبانی‌تبارها به مراتب مشکلتر شده است و به همین دلیل تحرکات آلبانی‌تباران در جنوب صربستان بار دیگر تحولات بالکان را در صدر مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی قرار داد.

سازمان پیمان آتلانتیک شمالی ناتو

اولین حرکت برای گسترش ناتو به سوی شرق درست پنج روز قبل از کناره‌گیری گورباچف از ریاست جمهوری اتحاد جماهیر شوروی سابق و دو هفته بعد از ایجاد کشورهای مستقل مشترک المنافع (در ۲۰ دسامبر ۱۹۹۱) با تأسیس «شورای همکاری آتلانتیک شمالی» آغاز گردید. نظر به فروپاشی پیمان ورشو و نیز ایجاد خلاء امنیتی در منطقه، کشورهای عضو این پیمان علاقمندی خود را برای پیوستن به ناتو ابراز داشتند. در ژانویه ۱۹۹۴ به منظور تحقق این هدف مهم، ابتکار واشنگتن تحت عنوان «طرح مشارکت برای صلح» ارائه گردید که با اقبال خوبی روبرو شد.

با آغاز بحران بوسنی (۹۵-۱۹۹۲) روند گسترش ناتو به سوی شرق به یک موضوع عینی تبدیل و تلاش کشورهای منطقه برای پیوستن به آن شدت گرفت. در آوریل ۱۹۹۹ در پنجاهمین سالگرد تأسیس ناتو و در کوران حملات پیمان آتلانتیک شمالی به یوگسلاوی، سه کشور اروپای مرکزی و شمالی شامل جمهوری چک، مجارستان و لهستان بلحاظ برتری‌های اقتصادی، ژئوپلیتیک و تثبیت نظام سیاسی، به طور رسمی به عضویت ناتو درآمدند. در واقع دو عامل مؤثر منجر به اتخاذ استراتژی گسترش به شرق از سوی ناتو گردید.

۱- هدف اولیه تأسیس ناتو مقابله با تهدید شوروی و کمونیسم و گسترش نظام سرمایه‌داری بود که با فروپاشی شوروی، یکی از موانع بزرگ بازدارنده در این فرآیند حذف گردید اما هنوز کلیه موانع از بین نرفته بود، فلذا ضرورت گسترش آن وجود داشته و دارد.

۲- راز بقای نظام سرمایه‌داری گسترش آن در تمامی ابعاد از جمله نظامی - امنیتی است.

ناتو به مدت یازده هفته در یک عملیات گسترده هوایی و موشکی ضمن تنبیه یکی از سرسخت‌ترین مخالفین گسترش این سازمان به سمت شرق عملاً حضور خود را در گلوگاه حساس بالکان مشروعیت بخشید. این سازمان بعنوان یک بازیگر منطقه‌ای سعی کرد به مانند دوران جنگ، نقش تأثیرگذار در روند تحولات کوزوو بعهده گیرد. کشورهای عضو ناتو که بخش اعظم نیروهای حافظ صلح بین‌المللی (کیفور) را تشکیل می‌دهند، از ضرورت حضور

طولانی مدت سربازان این سازمان در کوزوو خبر دادند.

جمهوری فدرال یوگسلاوی

پس از پایان حملات هوایی ناتو، احزاب مخالف در صربستان همگام با رهبران جمهوری مونته نگرو تلاشهای سیاسی گسترده‌ای به منظور تضعیف میلوشوویچ و وادار کردن وی به کناره‌گیری از قدرت بعمل آوردند. احزاب مخالف با برگزاری بزرگترین تجمع‌های خیابانی در بلگراد و سایر شهرهای بزرگ صربستان چهره تهاجمی بخود گرفتند، ولی میلوشوویچ هرگز خود را در گرداب تحولات غرق شده نیافت و با تمام قدرت بر اوضاع مسلط بوده است.

ارزیابی‌های اولیه از صحنه سیاسی یوگسلاوی (صربستان و مونته نگرو) حکایت از آن داشت که با گذشت زمان و تشدید فشارهای بین‌المللی جهت کنار گذاشتن میلوشوویچ از قدرت، نیروهای مخالف بتوانند پایگاههای قدرت را تسخیر نمایند، اما با توجه به نقش و جایگاه میلوشوویچ در ساختار قدرت از یک سو و عدم وجود هماهنگی حتی در بین احزاب مخالف در صربستان، امکان اینکه مخالفین در کوتاه مدت، قادر به کنار گذاشتن وی از قدرت باشند، بسیار دور از ذهن بوده است. اما اشتباه تاکتیکی میلوشوویچ در برگزاری انتخابات ریاست جمهوری پیش از موعد منجر به سقوط وی از قدرت و روی کار آمدن ویسلاو کوشتونیتسا در اکتبر ۲۰۰۰ گردید.^۱

جمهوری مونته نگرو بعنوان یکی از دو جمهوری تشکیل دهنده جمهوری فدرال یوگسلاوی در شرایط ویژه‌ای بسر می‌برد. چند سال اخیر اختلافات زیادی بین مقامات دو جمهوری از یک سو و رهبران مونته نگرو با مقامات دولت فدرال بروز کرد. مونته نگرو تحت ریاست جمهوری جوکانوویچ در بسیاری از زمینه‌ها از جمله امور گمرکی، سیاست ارزی، سیاست خارجی، گشایش مرزها، همکاری با جامعه بین‌المللی بویژه غرب و... راه مستقلى را در پیش گرفت. این جمهوری با جمعیتی بالغ بر ۶۵۰۰۰۰ نفر خواستار حقوقی کاملاً برابر با

۱- در فصل شانزدهم به تحولات یوگسلاوی پس از روی کار آمدن کوشتونیتسا پرداخته می‌شود.

جمهوری صربستان در قالب جمهوری فدرال یوگسلاوی می‌باشد.

احزاب ائتلافی حاکم در مونته‌نگرو از دو سال پیش موفق شدند قدرت را بدست گیرند ولی طی این مدت همکاری و هماهنگی بین نهادهای فدرال با مونته‌نگرو بسیار اندک بوده است و مقامات این جمهوری بدون در نظر گرفتن قوانین و مقررات فدرال در زمینه‌های مختلف با کشورهای غربی و برخی کشورهای همسایه (آلبانی، کرواسی) مراودات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی برقرار نمودند که این امر انتقاد بلگراد را به همراه داشت.

از اوایل ژوئیه ۲۰۰۰، مجلس فدرال با تغییر برخی از مفاد قانون اساسی از جمله انتخابات رئیس جمهور فدرال با رای مستقیم مردم، عملاً قدرت مونته‌نگرو را که تنها ۶۵۰ هزار جمعیت دارد در ساختار قدرت سیاسی یوگسلاوی به یک کانتون تقلیل داد. این اقدام واکنش شدیدی در مونته‌نگرو به همراه داشت. اما با پیروزی کوشتونیتسا هرچند جوکانوویچ همچنان بر طبل جدائی می‌کوبید، ولی در مقایسه با دوران میلوشویچ چندان از حمایت غرب برخوردار نبود. رئیس جمهور فدرال اعلام داشت با برگزاری همه‌پرسی برای آینده فدراسیون صربستان با مونته‌نگرو موافق است. نتیجه این همه‌پرسی در آینده تحولات بالکان تأثیرگذار خواهد بود.

پیمان ثبات بالکان

در حالیکه ملل اروپای غربی با پشت سر گذاشتن دوران پرتنش و جنگهای خانمانسوز گذشته، اکنون دوران طلایی همگرایی را تجربه می‌نمایند، ملل ساکن در سرزمین پوست پلنگی بالکان درگیر منازعات قومی داخلی و منطقه‌ای می‌باشند. بدون شک بحران و ناآرامی در جنوب شرق اروپا (بالکان) و بویژه دو جنگ سخت و دشوار بوسنی و کوزوو در پایان هزاره دوم میلادی تأثیرات شگرفی بر روند تحولات رو به رشد همگرایی اروپای غربی در چارچوب اتحادیه اروپا گذاشته است، فلذا کشورهای این اتحادیه با نگرانی‌های ویژه مسائل و تحولات منطقه را تعقیب می‌نمایند.

پس از پایان جنگ ناتو علیه یوگسلاوی، دول غربی که مدل همگرایی بجا مانده از گذشته را برای سرزمین‌های یوگسلاوی سابق نمی‌پسندیدند و از تز واگرایی حمایت می‌کردند، یکبار دیگر تلاش‌های خویش را معطوف به ارائه نوع جدیدی از همگرایی منطقه‌ای نمودند. ایده همگرایی منطقه بالکان به قبل از بروز جنگ ناتو برمی‌گردد، ولی در طول عملیات، گفتگوهای جدی در خصوص آینده بالکان صورت پذیرفت و تلاش‌هایی در جهت برقراری ثبات مورد علاقه غرب در این منطقه آغاز شد. این طرح اولین بار توسط یوشکا فیشر وزیر خارجه آلمان در اواسط آوریل ۱۹۹۹ پیشنهاد گردید^۱ و متعاقب آن اولین نشست در ۲۵ می ۱۹۹۹ در پایتخت آلمان برگزار و پیش نویس آنچه که اکنون بنام پیمان ثبات نامیده می‌شود، تنظیم و تهیه گردید.

دومین اجلاس نهائی پیمان ثبات جنوب شرقی اروپا در تاریخ دهم ژوئن ۱۹۹۹ و با شرکت وزرای خارجه کشورهای عضو گروه تماس بین‌المللی، ژاپن، کانادا، نماینده ویژه سازمان ملل در بالکان، نمایندگانی از برخی سازمان‌های بین‌المللی، کمیسیون و پارلمان اروپا در کلن آلمان برگزار شد، که با اندک تغییراتی متن پیش نویس مصوبه ۲۵ ماه می بن تصویب رسید.

اولین اجلاس سران پیمان ثبات بالکان در تاریخ ۲۹ ژوئیه ۱۹۹۹ در ساریوو با حضور رهبران و نمایندگان ۳۹ کشور جهان از جمله ۱۵ کشور عضو EU، کشورهای منطقه بالکان (به استثنای رهبران بلگراد)، آمریکا، روسیه، ژاپن و سازمان‌های مختلف بین‌المللی برگزار گردید،^۲ و بیانیه‌ای منتشر شد که به اعلامیه ساریوو شهرت دارد.

عمده رئوس کاری این اجلاس را باید در سه محور بازسازی اقتصادی کشورهای منطقه، اصلاحات دمکراتیک در ساختارهای مدنی و ایجاد ترتیبات مؤثر و نوین امنیتی در منطقه دانست که همگی در جهت هماهنگی و همگرایی کشورهای منطقه بالکان با اتحادیه اروپائی می‌باشد. هدف اصلی پیمان کمک به تقویت کشورهای جنوب شرق اروپا در تلاش‌هایشان برای تحکیم دمکراسی، صلح، احترام به حقوق بشر و رفاه اقتصادی به منظور رسیدن به ثبات در کل

منطقه اعلام گردید. محورهای عمده این پیمان به شرح ذیل می‌باشد:^۱

- پایان بخشیدن به تنشها و بحرانها به عنوان پیش شرط لازم برای صلح پایدار،
- زمینه سازی برای روند دمکراتیک از طریق برگزاری انتخابات آزاد و عادلانه،
- برقراری صلح با اجرای معاهده هلسینکی، سازمان امنیت و همکاری اروپا،
- ایجاد اقتصاد بازار پرتحرک براساس سیاستهای کلان سالم و باز کردن بازارها برای تجارت خارجی و سرمایه‌گذاری بخشهای خصوصی.

- ایجاد و پیگیری سیاستهای شفاف و مؤثر مالیاتی و تجاری و مقررات کارآ،
 - توسعه بازارهای قوی سرمایه و تنوع بخشیدن به مالکیت، خصوصی سازی،
 - تحکیم فعالیتهای اقتصادی در منطقه و اروپا و جهان از طریق مناطق آزاد تجاری،
 - یوگسلاوی می‌تواند پس از حل و فصل بحران کوزوو به عضویت پیمان درآید.
- در واقع بانیان پیمان ثبات بالکان سعی دارند به مانند طرح مارشال که بعد از جنگ جهانی دوم در بخش اروپای باختری به مورد اجرا گذاشته شد، با استفاده از تجارب گذشته ساختارهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کهن این منطقه را اصلاح و الگوی مناسبی را جایگزین نمایند. رمز موفقیت این ابتکار ضرورت ایجاد تغییرات ساختاری در این منطقه می‌باشد که گامهای اولیه آن برداشته شد.

رهبران اروپائی به این نتیجه رسیده‌اند که فقر، ضعف اقتصادی و نیز بی ثباتی سیاسی عامل بسیار مهمی در تشدید اختلافات در بالکان بوده، فلذا تلاش دارند تا با اعطا کمکهای اقتصادی و گره زدن منافع اقتصادی کشورهای منطقه به یکدیگر آنها را ترغیب نمایند که راه همکاری را دنبال کنند. با گذشت دو سال از عمر پیمان ثبات که طی این مدت کشورهای منطقه با همکاری گروههای کاری سه گانه (حقوق بشر و دمکراسی، بازسازی اقتصادی و توسعه و مسائل امنیتی) موفق شدند طرحهای متعددی را تهیه و ارائه نمایند، اما دستاورد قابل توجهی متوجه کشورها نگردید.

آنچه مسلم است کشورهای منطقه استقبال در خور توجهی از پیمان بعمل آورده‌اند و انتظار دارند پیمان ثبات به مانند طرح مارشال موجب رشد و شکوفایی اقتصادی و نهادهای دمکراتیک گردد. نکته قابل توجه تلاش بانیان پیمان در حفظ انزوای بلگراد تا زمان حضور میلوشوویچ بر مسند قدرت بود، اما با روی کار آمدن دولت جدید در اولین اقدام یوگسلاوی نیز به پیمان ثبات دعوت و رسماً بعضویت آن درآمد.

فصل شانزدهم

سقوط میلوشوویچ و روی کار آمدن کوشتونیتسا

بالکان بعنوان یکی از حساس‌ترین و پیچیده‌ترین مناطق جنوب اروپا، در طول تاریخ با مصائب و سختی‌های متعددی روبرو گردید. اگر برخی از مناطق جهان از نقطه نظر جغرافیایی بر روی خط زلزله قرار گرفته‌اند، منطقه بالکان نیز بر روی خط بحران قرار دارد و هر از چند گاهی با بحران جدی و بعضاً خانمانسوزی روبرو می‌گردد^۱. وجود اقوام و ملیتهای گوناگون در این منطقه که آنرا به یک سرزمین پوست پلنگی (بلحاظ تنوع نژادی و قومی) تبدیل نموده است، از یک سو و تلاقی دو مکتب بزرگ الهی اسلام، مسیحیت و دو مذهب ارتدکس و کاتولیک از سوی دیگر و همچنین سلطه قدرتهای بزرگ و استعماری در طول تاریخ بر بالکان از جمله عواملی هستند که زمینه‌های بالفعل و بالقوه بروز بحران را مهیا می‌نمایند.

همزمان با رشد روند همگرایی در اتحادیه اروپا و تغییرات شگرف در نظام بین‌الملل، امیدهای تازه‌ای در بین ملل اروپای شرقی، بویژه بالکان بوجود آمد اما بلحاظ وجود بستر منازعه و خصومت در منطقه از جمله حضور رهبران ناسیونالیست در جمهوریهای بحران خیز یوگسلاوی سابق (توچمان در کرواسی، میلوشوویچ در صربستان و کاراویچ در بوسنی) طی دهه ۹۰، روند تحولات دمکراتیک در سرزمینهای یوگسلاوی سابق را با تأخیر روبرو ساخت و کماکان ملل این بخش از اروپا با بحران و ناآرامی‌های متعددی مواجه می‌باشند.

صربها که در مقایسه با دیگر ملل و قومیتهای ساکن یوگسلاوی سابق از جمعیت، موقعیت ژئوپلیتیکی و قدرت تأثیرگذاری بیشتری در طول تاریخ برخوردار بودند، همواره مرکز

۱- در طول یک قرن گذشته بیش از هشت جنگ مهم در این منطقه بوقوع پیوست.

ثقل تحولات منطقه قرار داشتند. بدنبال فروپاشی نظام بین‌الملل دوقطبی و تجزیه جمهوری فدرال سوسیالیستی یوگسلاوی سابق، بالکان نیز شاهد بحرانها و جنگهای متعدد و بعضاً خونینی بوده و کماکان نقاط کور فراوانی که استعداد زیادی برای بالغ شدن دارند روبروی خود دارد. اسلوبودان میلوشویچ رهبر ملی‌گرائی صربها که ۱۳ سال بر اریکه قدرت تکیه زده بود یکی از عوامل برجسته بروز بحران طی دهه ۹۰ در بالکان بشمار می‌رفت. وی سرانجام مجبور شد با فشار جامعه بین‌المللی و اعتراضات داخلی بعنوان آخرین دیکتاتور اروپا قدرت را کنار بگذارد.

روی کار آمدن کوشتونیتسا سبب بهبود مناسبات بلگراد - غرب شده و اتحادیه اروپا در یک اقدام سریع تحریمهای اعمال شده علیه یوگسلاوی را لغو و رهبران غربی از جمله نخست وزیر ایتالیا و وزرای خارجه فرانسه، آلمان، یونان، نروژ، رومانی، چک، اسپانیا، اسلواک، اتریش، مجارستان و... در بلگراد با رهبران جدید این کشور دیدار و گفتگو نمودند. موفقیت کوشتونیتسا با استقبال گسترده اروپا و آمریکا روبرو شده و دولتهای اروپایی هر یک در جهت احیای روابط با بلگراد به تکاپو افتادند و بار دیگر یوگسلاوی بعنوان مرکز ثقل بالکان مورد توجه جهانیان قرار گرفت و این امر موجب نگرانی برخی از کشورهای منطقه که عملاً به حاشیه رانده می‌شوند، گردید. شکی نیست که یوگسلاوی همچنان آستان حوادث مهم میباشد و رئیس‌جمهور جدید با چالشهای گوناگون در سطوح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی روبرو می‌باشد.

اهداف میلوشویچ در برگزاری انتخابات زودرس

اسلوبودان میلوشویچ رئیس‌جمهور یوگسلاوی که پس از شکست در جنگ یازده هفته‌ای ناتو در سال ۱۹۹۹ روند کاهش محبوبیت خویش را نزد افکار عمومی صربستان احساس می‌کرد، تلاش نمود تا با بهره‌گیری از احساسات ناسیونالیستی صربی و تغییر سیستم

انتخابات ریاست جمهوری فدرال^۱ و نیز برگزاری انتخابات زودرس در ۲۴ سپتامبر ۲۰۰۰ برای یک دوره چهارساله دیگر بر اریکه قدرت باقی بماند. اما بدلائل متعدد از جمله تأثیرات منفی فروپاشی یوگسلاوی، شکست سنگین در جنگ با ناتو، سرافکنندگی ارتش در بحران کوزوو، افزایش مخالفتهای درونی ارتش، ورشکستگی اقتصادی، فراگیری جنبش مدنی و افزایش تبلیغات گسترده غرب علیه میلوشوویچ (پس از جنگ کوزوو) و نیز سیاست تبلیغاتی حساب شده رقیب انتخاباتی (کوشتونیتسا) در مخالفت با میلوشوویچ و بطور کلی تحقیر ملت صرب طی دهه گذشته، شرایطی پدید آمد که میلوشوویچ شکست را پذیرا شود و در ناباوری قدرت را کنار بگذارد.

میلوشوویچ ابتدا تلاش داشت نتیجه انتخابات را بنفع خویش تغییر دهد و یا حداقل به دور دوم بکشد، اما ائتلاف مخالفین با اعلام پیروزی کوشتونیتسا در مرحله اول انتخابات عملاً وی را در تنگنا قرار دادند. حمایت تبلیغاتی غرب به همراه گسترش اعتصابات و ناآرامیهای سراسری علیرغم تلاشهای بعمل آمده از سوی نهادهای دولتی بویژه دادگاه قانون اساسی در تخفیف بحران و همچنین عزل و نصب فرماندهان نیروهای امنیتی و پلیس به منظور برخورد با اعتصابات و تظاهرات مردمی، راه به جایی نبرد و میلوشوویچ مجبور شد عقب نشینی نماید. در این میان ارتش یوگسلاوی که تنها تکیه گاه میلوشوویچ بحساب می آمد تسلیم خواست مردم گردید و رهبری بلغراد را تنها گذاشت.

نقش بازیگران بین المللی در تحولات جاری یوگسلاوی

گرچه هنوز زوایای مختلف بحران داخلی یوگسلاوی که منجر به تسلیم میلوشوویچ گردید کاملاً شناخته نشد، اما پرواضح است که بازیگران بین المللی در بالکان نظیر روسیه،

۱- تاکنون رئیس جمهور یوگسلاوی از طریق پارلمان فدرال انتخاب می گردید ولی با تغییر برخی از مفاد قانون اساسی مقرر گردید رئیس جمهور جدید با رای مستقیم مردم انتخاب شود که با توجه به بافت جمعیتی دو جمهوری تشکیل دهنده یوگسلاوی یعنی صربستان و مونته نگرو عملاً مونته نگرو هرگز نخواهد توانست با جمعیت اندک خویش پست ریاست جمهوری یوگسلاوی را بدست گیرد.

فرانسه، انگلستان، آلمان و آمریکا در نقش آفرینی فرآیند تحولات داخلی یوگسلاوی تأثیر بسزایی داشته‌اند. این تأثیرات را بایست در تحرکات گسترده دیپلماتیک غرب قبل از نضج بحران انتخابات ۲۴ سپتامبر یوگسلاوی از جمله سفر شرودر صدراعظم آلمان به روسیه، دیدار وزیر خارجه فرانسه از مسکو، تماسهای تلفنی کلیتون، شرودر و شیراک با پوتین و سرانجام سفر ایوانف وزیر خارجه روسیه به بلگراد در ششم اکتبر و ملاقات جداگانه وی با میلوشوویچ و کوشتونیتسا و دعوت شیراک از رئیس جمهور جدید یوگسلاوی جهت شرکت در نشست سران اتحادیه اروپا و... جستجو کرد.

روسیه که از متحدین نزدیک یوگسلاوی بشمار می‌رود، در ابتدای منازعه میلوشوویچ با مخالفین پیشنهاد میانجیگری مسکو را مطرح کرد که مورد توجه طرفین قرار نگرفت. اختلاف نظر ارتش و دوما روسیه از یک سو و دستگاه سیاست خارجی این کشور از سوی دیگر پیرامون تحولات یوگسلاوی بار دیگر آشکار گردید، اما پوتین رئیس جمهور روسیه توانست بر تفاوت نگرشهای موجود غلبه و سکان دیپلماسی را به مانند دیگر امور داخلی و بین‌المللی بدست گیرد و پایان خوشی را به ارمغان آورد. مسکو با به رسمیت شناختن نتایج انتخابات، موفقیت مخالفین میلوشوویچ و نیز با همکاری و هماهنگی غرب موفق شد تا از بروز احتمالی تقابل نظامی بین هواداران میلوشوویچ و مخالفان جلوگیری کند. رهبری کرملین با وجود حمایتهایی که از میلوشوویچ بعمل آورد، اولین پیام تبریک یک مقام خارجی به عنوان کوشتونیتسا را ارسال نمود و از وی جهت دیدار رسمی از مسکو دعوت بعمل آورد. این سفر نیز بعنوان اولین سفر رسمی رئیس جمهور جدید یوگسلاوی انجام پذیرفت.

واشنگتن از ابتدای برگزاری انتخابات جو تبلیغاتی شدیدی علیه میلوشوویچ و در حمایت از مخالفین براه انداخت و بر ضرورت کناره‌گیری میلوشوویچ از قدرت و محاکمه وی نزد دادگاه جنایتکاران جنگی اصرار ورزید. آمریکا حذف میلوشوویچ را مقدمه رفع تحریم بین‌المللی علیه یوگسلاوی دانست و حمایت خویش را از کوشتونیتسا اعلام داشت. رهبری جدید یوگسلاوی در برخورد با آمریکا با توجه به جو سیاسی حاکم بر افکار عمومی و سنگینی

حملات هوایی و موشکی آمریکا علیه مراکز مختلف صربستان سعی نمود جوانب امر را در نظر گرفته و با احتیاط بیشتر به آینده روابط با ایالات متحده بنگرد.

لندن (از متحدین نزدیک واشنگتن) نیز بر پیروزی جنبش مخالفین میلوشوویچ تأکید و با استقبال از روی کار آمدن کوشتونیتسا، خواستار تسلیم میلوشوویچ در برابر دادگاه بین‌المللی جنایتکاران جنگی شد.

فرانسه^۱ بعنوان رئیس دوره‌ای اتحادیه اروپا و یکی از بازیگران مهم بالکان از تغییرات ایجاد شده در یوگسلاوی استقبال و آمادگی کشورش برای کمک به بازگشت بلگراد به خانواده اروپایی و جامعه جهانی را اعلام داشت.

پکن از متحدین اسلوبودان میلوشوویچ پیروزی ائتلاف بزرگ مخالفان را به رسمیت شناخت و رئیس جمهور چین با ارسال پیام تبریک برای رئیس جمهور منتخب یوگسلاوی سابقه دیرینه مناسبات پکن - بلگراد را مورد تأکید قرار داد.

برخلاف واشنگتن و لندن که با احتیاط بیشتری در برابر رئیس جمهور جدید یوگسلاوی واکنش نشان داده بودند، برلین بدون اشاره به ضرورت محاکمه میلوشوویچ همچون پاریس خواستار بازگشت سریع بلگراد به جامعه بین‌الملل و کمک به رهبران جدید در فایق آمدن بر مشکلات اقتصادی و رفع تحریم علیه صربستان گردید. سایر کشورهای مهم و تأثیرگذار در تحولات بالکان نظیر ایتالیا، اسپانیا، یونان، اطریش، کانادا، استرالیا و ژاپن بر جانبداری از کوشتونیتسا و عدم ایجاد چالش تازه با رهبران بلگراد موضع‌گیری نمودند.

سازمان ملل، سازمان پیمان آتلانتیک شمالی ناتو و سازمان امنیت و همکاری اروپا از تحولات دمکراتیک در یوگسلاوی استقبال و ابراز خرسندی نمودند. کوفی انان دبیرکل سازمان ملل گفت این سازمان آمادگی دارد با رئیس جمهور جدید همکاری کند تا یوگسلاوی با حفظ تمامی حقوق و مسئولیتها دوباره در متن جامعه بین‌المللی قرار گیرد. سخنگوی ناتو گفت این

۱- بلحاظ نقش برجسته فرانسه بعنوان رئیس دوره‌ای اتحادیه اروپا و یکی از برگزارکنندگان کنفرانس رامبویه بصورت مجزا به نقش این کشور در تحولات یوگسلاوی پرداخته خواهد شد.

سازمان متحد کشورهای دموکراتیک است.

فرانسه و تحولات اخیر یوگسلاوی

فرانسه بعنوان یکی از بازیگران برجسته صحنه سیاسی اروپا و جهان طی چند قرن گذشته، تأثیرات قابل توجهی بر روند شکل‌گیری تحولات قاره کهن و بعضاً سایر نقاط بحران خیز جهان داشته است. فرانسویان بعنوان اولین ملت متمدن اروپا با انقلاب کبیر خویش تأثیرات شگرفی بر فرهنگ سایر ملل اروپائی بر جای گذاشتند و همواره از آن بعنوان یک امتیاز بهره‌برداریهایی زیادی بعمل آوردند. تک نوازی فرانسه به رهبری ژنرال دوگل در دهه اول شکل‌گیری نظام بین‌الملل دوقطبی غیرمنعطف به رهبری ایالات متحده آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی (سابق) خسارتهای فراوانی را به جناح غرب متحمل نمود. بدون شک این تک نوازی ریشه در تاریخ گلیسم فرانسوی داشته و هنوز هم رهبران پاریس علیرغم تأکید بر همگرایی اروپائی و شعار حقوق برابر ملل عضو اتحادیه اروپا، خویش را برجسته‌تر و مستحق رهبری بر اتحادیه می‌دانند.

در طول بحران بوسنی (۵-۱۹۹۲) که همزمان با تجزیه یوگسلاوی سابق آغاز گردیده بود، بلحاظ پیچیدگی بحران بویژه تقابل سه ملیت صرب، مسلمان و کروات در این منازعه عملاً فرانسه و اروپا علیرغم تلاشهای فراوان موفق به ایفای نقش تعیین‌کننده نشده بودند و پس از تنظیم موافقتنامه صلح دیتون تنها فرانسه موفق شد میزبان تشریفات سران به هنگام امضاء رسمی موافقتنامه را بدست آورد (معمار اصلی دیتون آمریکا بود).

در سال ۱۹۹۸ بحران کوزوو آغاز گردید. در این بحران فرانسه سعی داشت نقش برجسته‌تری ایفاء نماید و در راستای همین سیاست قدمهای جدی در بین‌المللی شدن بحران برداشت. پس از کشتار آلبانی‌تبارها در روستای راجاک کوزوو توسط نیروهای نظامی صرب و متعاقب آن برگزاری نشست وزرای خارجه گروه تماس بین‌المللی (متشکل از وزرای خارجه فرانسه، انگلستان، ایتالیا، روسیه، آلمان و ایالات متحده) در لندن در ژانویه ۱۹۹۸، فرانسه

تلاش کرد تا با همکاری انگلستان رهبری گفتگوهای صلح را بدست گیرد. ریاست مشترک رابین کوک و اوبرودرین بر کنفرانس صلح رامبویه در حالی صورت پذیرفت که کاخ سفید درگیر رسوایی جنسی بیل کلینتون رئیس جمهور آمریکا بود و آلمان نیز علیرغم ریاست دوره‌ای بر اتحادیه اروپا بلحاظ جوان بودن دولت سوسیال دمکرات آقای شرودر تمایل چندانی از خویش در بعهده گرفتن نقش کلیدی در بحران کوزوو نشان نداده بود.

با شکست مذاکرات صلح رامبویه که به نوعی شکست دیپلماسی اروپا بویژه فرانسه و انگلستان محسوب می‌شد، جنگ ناتو علیه یوگسلاوی آغاز گردید. پرواضح است که در این هنگام نقش فرانسه تا حدود قابل توجهی تضعیف گردیده و ایالات متحده صحنه گردان اصلی بحران بشمار می‌رفت.^۱

پس از خاتمه جنگ ناتو علیه بلغراد، برناردو کوشنر وزیر بهداشت کابینه ژوسپین بعنوان رئیس اجرایی سازمان ملل در کوزوو برگزیده شد و فرانسه بعنوان یکی از پنج کشور بزرگ، نیروی نظامی قابل توجهی به کوزوو گسیل و منطقه تعریف شده‌ای در بخش شمالی کوزوو (هم مرز با صربستان) در اختیار گرفت.^۲

بدنبال برگزاری انتخابات ریاست جمهوری و پارلمانی در ۲۴ سپتامبر ۲۰۰۰ یوگسلاوی و متعاقب آن بروز بحران در این کشور، فرانسه بعنوان رئیس دوره‌ای اتحادیه اروپا تلاشهای جدی را برای تشویق مردم به عدم رای به میلوشوویچ و همچنین اعلام نارضایتی نسبت به نتایج اعلام شده انتخابات بعمل آورد. سفر ودرین به مسکو و تماسهای تلفنی شیراک با پوتین (در دهلی نو) در آستانه ورود یوگسلاوی به یک بحران جدی داخلی به منظور جلب نظر مسکو در حمایت از کوشتونیتسا و فراهم نمودن زمینه سقوط میلوشوویچ از قدرت صورت پذیرفت.

فرانسه یکی از اولین کشورهای اروپایی بود که در مقابل این تحول بزرگ واکنش نشان

۱- واشنگتن از ابزار نیروهای محلی کوزوو همچون هاشم تاجچی و... بعنوان بازیگران داخلی در بحران کوزوو بخوبی بهره جست.

۲- واشنگتن سعی کرد متحدین خود را پس از پایان بحران کوزوو در اداره این ایالت سهیم سازد.

داد. ژاک شیراک با کوشتونیتسا تماس تلفنی برقرار نمود و پس از نشست وزرای خارجه اتحادیه اروپا و لغو تحریم‌های بین‌المللی علیه یوگسلاوی اوبر ودرین راهی بلگراد شد تا ضمن اعلام رسمی خبر لغو تحریمها، کمک دو میلیون فرانکی فوری فرانسه به یوگسلاوی را تحویل نماید. همچنین شیراک که تا حدود زیادی ابتکار عمل را در تحولات یوگسلاوی در دست گرفته بود، ضمن دعوت از کوشتونیتسا جهت شرکت در نشست غیررسمی سران اتحادیه در بیاریتس فرانسه، مهمانی نهار به افتخار ایشان ترتیب داد و در همان نشست کمک فوری ۲۰۰ میلیون یور اتحادیه به یوگسلاوی را به ایشان اعلام داشت. پاریس با استفاده بهینه از ریاست ادواری اتحادیه اروپا و همچنین روابط سنتی گذشته با صربها تلاش کرد زمینه بازگشت یوگسلاوی دموکراتیک را به صحنه بین‌المللی و اروپائی هموار نماید.

با توجه به نقش برجسته آمریکا در طول جنگ یازده هفته‌ای ناتو، رهبران جوان یوگسلاوی با احتیاط بیشتر در خصوص نزدیکی با واشنگتن اظهار نظر می‌کردند، ضمن اینکه آمریکا کوشتونیتسا را در همکاری با دادگاه جنایتکاران جنگی و تحویل میلوشوویچ به لاهه تحت فشار قرار داده، فرانسه چنین حساسیتی بخرج نداده بود. علیرغم اینکه در زمان میلوشوویچ روابط دیپلماتیک دو کشور (فرانسه و یوگسلاوی) کاملاً قطع بود، اما با توجه به نقش پاریس در بازگشت یوگسلاوی به صحنه اروپا، آینده مناسبات این دو کشور بسیار روشن است و فرانسه در کنار ایتالیا، یونان، اتریش و آلمان سهم بسزائی در بازسازی یوگسلاوی بعهدہ خواهد گرفت. در ضمن باید توجه کرد که واشنگتن همچنان صاحب کارتهایی نظیر نفوذ در بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول می‌باشد که می‌تواند جهت حرکت دیپلماسی بلگراد را از اروپا به آمریکا تغییر دهد.

چالشهای رئیس جمهور جدید

کوشتونیتسا رئیس جمهور جدید وارث کشوری بود که از جنگ ۷۸ روزه ناتو شکست خورده و با برخی از اعضای ناتو و تأثیرگذار بر تحولات بالکان نیز روابط رسمی سیاسی

نداشت. وی در اولین قدم مجبور به ترمیم روابط با غرب بویژه آمریکا، انگلیس، فرانسه و آلمان بوده که این مهم روز جمعه ۱۷ نوامبر ۲۰۰۰ با برقراری روابط سیاسی با واشنگتن، لندن، پاریس و برلین بدست آمد.

- بهبود مناسبات دو جمهوری صربستان و مونته نگرو در چارچوب جمهوری فدرال یوگسلاوی که ظرف دو سال گذشته این دو جمهوری دارای بدترین نوع روابط بوده‌اند.
- تنظیم روابط با احزاب و گروههای صربستان، با توجه به اینکه حزب سوسیالیست صربستان به رهبری میلوشوویچ کماکان بعنوان حزب اپوزیسیون در پارلمان فدرال حضور دارد.
- اعاده حاکمیت یوگسلاوی و صربستان بر کوزوو با توجه به اینکه این ایالت براساس قطعنامه ۱۲۴۴ شورای امنیت بعنوان بخشی از یوگسلاوی به رسمیت شناخته شده است، اما در حال حاضر توسط سازمان ملل اداره می‌گردد و اکثریت آلبانی تباران کوزوو بدنبال استقلال می‌باشند.

- مسئله تسلیم میلوشوویچ به دادگاه بین‌المللی جنایتکاران جنگی امری که کوشتونیتسا تأکید دارد که در اولویت کاری اش قرار ندارد، اما وی با محاکمه میلوشوویچ در بلغراد مخالفتی ننمود (سرانجام دولت یوگسلاوی تحت فشار ایالات متحده آمریکا مجبور به تحویل میلوشوویچ به دادگاه بین‌المللی جنایتکاران جنگی در لاهه شد).

- تنظیم روابط با جمهوریهای یوگسلاوی سابق که بلحاظ مشکلات عدیده از جمله مسئله جانشینی یوگسلاوی سابق دارای حساسیت ویژه‌ای می‌باشد.

- ورود به سازمانها، ارگانها و نهادهای بین‌المللی و منطقه‌ای بویژه سازمان ملل متحد، سازمان امنیت و همکاری اروپا و... که یوگسلاوی در هیچ کدام از آنها عضویت نداشت. کوشتونیتسا در اولین اقدام جسورانه درخواست عضویت در سازمان ملل با نام جدید «فدراسیون صربستان و مونته نگرو» را تسلیم دبیرخانه سازمان نمود و بلافاصله این درخواست مورد بررسی شورای امنیت و مجمع عمومی قرار گرفت و یوگسلاوی بعضویت سازمان ملل متحد در آمد. همچنین در نشستهای اخیر سازمان امنیت و همکاری اروپا در وین و سران

کشورهای عضو پیمان ثبات بالکان در اسکوپیه، یوگسلاوی رسماً بعضویت OSCE و پیمان ثبات بالکان درآمد. اکنون یوگسلاوی به عضویت اغلب نهادهای سیاسی، پولی و مالی بین‌المللی درآمده است.

رهبران دوران بحران همزمان از قدرت کنار گذاشته شدند

علی عزت بگوویچ رهبر مسلمانان طی یک دهه حساس و بحرانی حاکم بر سرنوشت بوسنی و یکی از امضاء کنندگان موافقت نامه صلح دیتون چند روز پس از سقوط میلوشوویچ رسماً از مقام سیاسی خویش کناره‌گیری نمود. وی که عضو مسلمان شورای سه نفره ریاست جمهوری بوسنی - هرزگوین بود، از ماه ژوئن سال ۲۰۰۰ اعلام داشت بعلت کهولت سن و وضعیت جسمانی تصمیم دارد از قدرت کناره‌گیری نماید.

در حالی عزت بگوویچ از قدر کناره‌گیری نمود که رهبران دوران بحران و جنگ جمهوریهای یوگسلاوی سابق بویژه امضاء کنندگان موافقت نامه صلح دیتون (توجمان، میلوشوویچ و بگوویچ) در فاصله زمانی کمتر از یکسال از قدرت کنار رفتند. توجمان رئیس جمهور ملی گرای کرواسی در دسامبر ۱۹۹۹ بر اثر بیماری سرطان از دنیا رفت و بجای وی میسیچ واقعگرا به قدرت رسید. در ششم اکتبر ۲۰۰۰ اسلوبودان میلوشوویچ رئیس جمهور سابق یوگسلاوی نیز پس از مقاومت کوتاه تسلیم اراده ملت شد و رسماً از قدرت کناره‌گیری کرد و کوشتونیتسا زمام امور را بدست گرفت. سرانجام میلوشوویچ در ژوئن ۲۰۰۱ تحویل دادگاه بین‌المللی جنایتکاران جنگی در لاهه شد.

پنج سال پیش به ابتکار آمریکا رهبران سه ملت صرب، مسلمان و کروات بوسنی پس از جنگ و درگیری خونین و طولانی در دیتون آمریکا گردهم آمدند و طی سه هفته مذاکرات فشرده و تنظیم موافقت نامه دیتون عملاً به جنگ داخلی این کشور خاتمه بخشیدند. بدون شک استمرار آرامش در بوسنی طی پنج سال گذشته مرهون حضور پرتعداد نیروهای نظامی بین‌المللی (اسفور) بوده است. غرب تمایل داشت تا رهبران دوران جنگ منطقه که از روحیات ناسیونالیستی برخوردارند، از قدرت کناره‌گیری نمایند و جای خویش را به رهبران جوان و

دمکراتیک دهند تا عملاً فضای جدیدی بر منطقه حاکم و در یک دوره زمان بندی شده زمینه خروج نیروهای نظامی بین‌المللی نیز مهیا گردد. در همین راستا از دو سال پیش فشارهای سیاسی مضاعفی بر رهبران کهنسال بالکان وارد آمد و به نوعی از آنها خواسته شد تا از قدرت کنارگیری نمایند. بدین ترتیب بود که توجمان و شوشاک بعنوان رهبران تندروی کرواسی سرنوشت مشابهی پیدا کردند و هر دو پس از ابتلاء به بیماری سرطان از دنیا رفتند. میلوشوویچ، کاراویچ و ملادیچ بعنوان رهبران صرب متهمین به جنایتکاران جنگی از قدرت کنار گذاشته شده‌اند و بگوویچ نیز بعلت کهولت سن از قدرت کنارگیری کرد. بالکان در آستانه ورود به قرن بیست یکم با رهبران جوان، واقعگرا و متمایل به غرب می‌رود تا در چارچوب پیمان ثبات بالکان وارد مرحله نوینی گردد. غرب تلاش دارد تا با ابزارهای اقتصادی و پوشش امنیتی، چتر حمایتی خویش را در بالکان گسترده نماید و رهبران جدید منطقه نیز از آن استقبال می‌کنند.

انتخاب اولین وزیر مسلمان در یوگسلاوی

کوشتونیتسا در اولین اقدام به منظور پیاده نمودن سیاست تنش زدائی خویش راسیم لائیچ یکی از رهبران مسلمان منطقه مسلمان نشین سنجاک و متحدش در دوران مبارزه انتخاباتی را بعنوان وزیر اقلیتها در کابینه فدرال برگزید. این اولین وزیر مسلمان در طول تاریخ یوگسلاوی می‌باشد. این انتخاب با اهداف خاصی صورت پذیرفته است که اهم آن به شرح ذیل می‌باشند:

- مشکل اقلیتها در یوگسلاوی ریشه تاریخی دارد و این مهم طی دهه گذشته مسائل منطقه را نیز تحت الشعاع خویش قرار داده و موجب بروز بحران و آغاز جنگ گردیده است. انتخاب حساب شده و با انگیزه کوشتونیتسا می‌تواند تا حدود زیادی فشارهای احتمالی آینده بر بلگراد را تقلیل دهد.

- انتخاب یک مسلمان بعنوان وزیر اقلیتها در کشوری که با معضل جدی اقلیتهای قومی و نژادی روبروست، می‌تواند حاکی از این باشد که رهبران بلگراد سعی دارند با قرار دادن یک نماینده

اقلیت (مسلمان) در مقابل دیگر اقلیتهای قومی و نژادی (آلبانی‌تبار، مجاری تبار، کولی‌ها، ترکها و...) عملاً برای بروز هرگونه تنش احتمالی در آینده یک حاشیه امنیتی ایجاد نموده و از فشار مستقیم بر صربها بکاهند.

- رهبران جدید بلگراد با هدف افزایش وجه بین‌المللی و مشارکت دادن اقلیتهای در امور کشور از لیاچیچ استفاده نمودند.

- ایجاد تفرقه در جامعه مسلمانان سنجاک که خواستار خودمختاری از صربستان میباشند. (در این خصوص سلیمان اوگلانین دیگر رهبر مسلمان سنجاک ضمن اعتراض به این انتخاب آنرا به نوعی حق خود می‌دانست).

- بلگراد این آمادگی را دارد که در صورت فراهم شدن شرایط لازم از سایر رهبران اقلیتهای قومی بعنوان اعضاء کابینه دعوت بعمل آورد.

لیاچیچ در اولین اظهار نظر رسمی در خصوص قضیه کوزوو گفت «مشکل کوزوو در سطح اقلیتهای قومی قابل حل نیست و این مشکل را نمی‌توان بزودی حل کرد و ممکن است حل این معضل چندین سال طول بکشد. وی افزود نمایندگان کوزوو باید ارتباط عادی خود را با هدف حل کلیه مشکلات مردم منطقه (با بلگراد) برقرار سازند.» در واقع لیاچیچ ضمن تأیید بین‌المللی بودن مشکل کوزوو اعتراف دارد تا زمانی که مردم کوزوو نخواهند با سایر اقوام موجود در منطقه (صربها) روابط عادی داشته باشند، معضل بالکان همچنان پایدار باقی خواهد ماند و امیدی به حل سریع آن در آینده نزدیک وجود ندارد. در همین خصوص میروکوشاویچ نامزد ریاست جمهوری صربسکا (یکی از دو نهاد تشکیل دهنده جمهوری بوسنی - هرزگوین) اعلام داشت اگر کوزوو از استقلال برخوردار شود، جمهوری صربسکا نیز خواستار استقلال از بوسنی - هرزگوین خواهد شد.

تعارض جدی خواست رهبران بلگراد با تقاضای مردم آلبانی‌تبار کوزوو مبنی بر کسب استقلال ریشه اصلی استمرار بحران کوزوو در آینده به شمار می‌آید. این معضل هراز چند گاهی با توجه به تغییر جایگاه بازیگران، همسویی منافع قدرتهای بزرگ با نیروهای محلی و منطقه‌ای

فراز و نشیب پیدا می‌کند، لکن بستر بحران همچنان باز می‌باشد. از سوی دیگر گره زدن مشکلات منطقه به یکدیگر که تا حدود قابل توجهی شبیه هم می‌باشند، می‌تواند آلبانی‌تبارها را از رسیدن به هدف غائی خویش یعنی کسب استقلال دور نماید. اما تنها نکته اتکای آلبانی‌تبارها مواضع مبهم و غیرشفاف آمریکا در این فرآیند می‌باشد. آمریکا بدنبال تدوین منشور جدید کوزووست که با مخالفت اروپا روبرو می‌باشد. اروپا بدنبال حل و فصل مسئله در چارچوب قطعنامه ۱۲۴۴ می‌باشد.

فصل هفدهم

تأثیر تحولات کوزوو بر کشورهای بالکان

با اوج‌گیری بحران کوزوو طی سالهای ۹۹-۱۹۹۸ و دخالت قدرتهای بزرگ، بتدریج منازعه داخلی کوزوو ابعاد منطقه‌ای و بین‌المللی به خود گرفته و کنترل آن از سوی بلگراد با مشکلات جدی مواجه گردید. ناتو و بازیگران بین‌المللی همچون آمریکا تلاش داشتند رهبران یوگسلاوی بویژه شخص میلوشوویچ را بلحاظ جانبداری از حرکت‌های ناسیونالیستی در منطقه بالکان، دخالت آشکار در منازعه بوسنی - هرزگوین و مخالفت با گسترش ناتو به سوی شرق تأدیب نمایند فلذا منتظر یک چنین فرصتهایی بودند.

غرب و ناتو ضمن حمایت از خواست عمومی مردم آلبانی تبار کوزوو مبنی بر رعایت حقوق بشر در این ایالت و داشتن حق خودمختاری، فشار بر بلگراد را افزایش داده و تهدید نمودند تا تحقق خواسته‌های به حق مردم از بکارگیری هرگونه اقدام لازم کوتاهی نخواهند ورزید. افزون بر این اندیشه‌های ناسیونالیستی صربی میلوشوویچ افکار عمومی یوگسلاوی را به تعارض با غرب هدایت و رهبری می‌نمود که بتدریج چالش جدی دو طرف شکل گرفت. غرب و ناتو با تعیین استراتژی استقرار نیروهای نظامی در بالکان به منظور سیطره کامل بر منطقه و با بهره‌گیری از مجموعه تحرکات و اقدامات ضدبشری میلوشوویچ، عملاً از خواست عمومی مردم کوزوو استفاده بهینه نمودند. در این فرآیند زمینه‌های بکارگیری هرگونه اقدام علیه رهبران بلگراد را مناسب ارزیابی و در راستای تحقق اهداف درازمدت خود ضمن همراه نمودن افکار عمومی بین‌المللی با خویش، گام به گام به کوزوو نزدیک می‌شدند.

قبل از آغاز حملات هوایی و موشکی ناتو بسیاری از کشورهای مهم جهان و بویژه دول

بالکان نسبت به ایجاد یک بحران جدی منطقه‌ای و بین‌المللی در جنوب شرق اروپا هشدار می‌دادند.

در حالی که ارتش آزادیبخش کوزوو در راستای اهداف عالیه نظام تشکیلاتی خویش با هدف خاتمه بخشیدن به حضور قدرتمندانه ارتش یوگسلاوی در کوزوو و رسیدن به هدف دیرینه و تاریخی خویش در کسب استقلال تلاش داشت از ابزار دولتهای غربی و ناتو در اعمال فشار بر بلگراد بهره برداری نماید، دولتهای منطقه از بیم افزایش تشنج و درگیری، ایجاد بی‌ثباتی و ناامنی در بالکان و نیز احتمال بروز تغییراتی در وضع موجود به شدت نگران بوده و بر حل و فصل سریع معضل کوزوو تأکید داشتند.

آلبانی

دولت آلبانی که طی سالیان متمادی از مبارزات مردم کوزوو علیه حاکمیت یوگسلاوی در ایالت کوزوو حمایت می‌کرد و در استراتژی نهایی خود خواستار ایجاد آلبانی بزرگ بود، فرصت را مناسب ارزیابی کرد و با جانبداری از خواست عمومی مردم کوزوو عملاً از حامیان جدی منطقه‌ای ارتش آزادیبخش کوزوو به شمار می‌رفت. رهبران تیرانا با استقبال از حضور و استقرار سربازان ناتو در خاک کشورشان با هدف تنگتر کردن حلقه فشار بر بلگراد، بستر حمایت عملی از آلبانی‌تباران کوزوو را فراهم دیدند. بدنبال حملات ۷۸ روزه ناتو و قبول بلگراد در پذیرش خواست جامعه جهانی برای استقرار نیروهای حافظ صلح در کوزوو و آغاز اداره این ایالت توسط ناتو و سازمان ملل، دولت تیرانا تلاش کرد با افتتاح دفتر سیاسی در پرشتینا موجودیت نوینی برای ایالت کوزوو قایل شود. مقامات ارتش آزادیبخش کوزوو که ارتباطات تنگاتنگی با رهبران تیرانا داشتند، پس از حضور نیروهای بین‌المللی در کوزوو همچون رهبران یک کشور مستقل در آلبانی مورد استقبال قرار می‌گرفتند. در این مقطع دیدارهای متناوب مقامات عالی‌رتبه آلبانی و کوزوو از پرشتینا و تیرانا حکایت از نقطه نظرات مشابه و نزدیک آنان

نسبت به تحولات منطقه داشته است. این تحرکات و ارتباطات گسترده آلبانی تباران کوزوو و آلبانی که مایه نگرانی دول اروپایی نسبت به تغییر وضعیت موجود در منطقه بوده و نیز تعارض خواسته‌های آنان با منافع ملی اروپاییان در بالکان سبب گردید تا حساسیتهایی در قبال این امر صورت پذیرد. گرچه رهبران تیرانا استقلال کوزوو را تأمین کننده منافع استراتژیک خود در منطقه میدانند، لکن فشار اروپاییان بلحاظ هراس از تغییر مرزها در بالکان باعث شده است تا آلبانی نیز پذیرای اجرای قطعنامه ۱۲۴۴ باشد.

مقدونیه

قبل از شروع حملات هوایی ناتو، دولت مقدونیه که یک سوم جمعیت آن را آلبانی تبارها تشکیل می‌دهند، با نگرانی تمام تحولات کوزوو را دنبال می‌کرد و مخالف هرگونه تنش و درگیری در منطقه بود که بر امنیت ملی و ثبات سیاسی کشور تأثیر مستقیم داشت. با شروع حملات ناتو در مارس ۱۹۹۹، اسکوپیه همچون آلبانی همسایه کوزوو پذیرای موج عظیم آوارگان آلبانی تبار بوده است، که کنترل و نظارت بر آنان مشکلات زیادی را برای دولت فراهم آورد. در طول جنگ ناتو مذاکرات و تماسهای گسترده‌ای بین رهبران ناتو و مقامات مقدونیه برای حل معطل آوارگان صورت گرفت که مرکز ثقل نگرانی و توجه دولت اسکوپیه را تشکیل می‌داد. با استقرار نیروهای بین‌المللی در کوزوو و خروج نیروهای صرب از این ایالت بلحاظ حضور نیروهای ناتو در مقدونیه این کشور عملاً بعنوان پشت جبهه تقویت نیروهای بین‌المللی در کوزوو عمل می‌نمود. اسکوپیه تلاش داشت خواست مردم کوزوو آنگونه شکل پذیرد که موجب ایجاد تغییراتی در مرزهای بین‌المللی در منطقه نگردد. فلذا این کشور از حامیان جدی قطعنامه ۱۲۴۴ شورای امنیت سازمان ملل پیرامون کوزوو بوده است.

بوسنی - هرزگوین

کشور بوسنی بلحاظ اینکه عملاً از سوی سازمان ملل و ناتو اداره می‌شود، نمی‌توانست

برخلاف مواضع این دو سازمان در قبال تحولات کوزوو موضع‌گیری نماید. گرچه رهبران اقوام و نژادها با گرایش‌های مختلف دارای دیدگاه متفاوتی می‌باشند لکن دولت سارایوو بلحاظ ساختار حاکم بر این کشور تابع خواست جامعه بین‌الملل بوده و از آن جانبداری می‌نماید. در طول جنگ ۷۸ روزه ناتو، مسلمانان و کرواتها از فشار وارده بر یوگسلاوی خرسند و جانبداری می‌کردند لکن صربهای بوسنی ضمن همدردی با هم نژادیه‌های یوگسلاو به شدت ناراضی و نگران بودند.

کرواسی

کرواسی از زمان کسب استقلال از یوگسلاوی سابق در سال ۱۹۹۲ با رهبران بلغراد مشکلات سیاسی و نظامی داشته در این مقطع حساس تلاش خویش را به درگیر نمودن بیشتر یوگسلاوی معطوف کرده بود. برخی گزارشات حاکی است که زاگرب در تقویت توانمندیهای نظامی و ارسال تسلیحات برای ارتش آزادیبخش کوزوو و نیز آموزش نیروهای آلبانی تبار کوزوو سهیم بوده است. زاگرب همگام با افکار عمومی بین‌المللی از خواست آلبانی تباران جانبداری نموده و از اعمال فشار بر یوگسلاوی خرسند بود. دولت کرواسی در طول عملیات هوایی ناتو از غرب جانبداری کرد و پس از تصویب قطعنامه ۱۲۴۴ شورای امنیت از خواست جامعه جهانی حمایت بعمل آورد.

یونان

یونانیها از متحدین سنتی صربها در جنوب شرقی اروپا به شمار می‌آیند. علی‌رغم عضویت یونان در پیمان ناتو و اتحادیه اروپا که تعهداتی را برای این کشور به همراه دارد رهبران آتن طی یک دهه گذشته مناسبات نزدیک خود با بلغراد را حفظ نموده و در مناقشات محلی و منطقه‌ای سرزمینهای یوگسلاوی سابق همواره خود را در کنار یوگسلاوها میدیدند. آتن در جریان بحران کوزوو بلحاظ هراس از تحقق خواست دیرینه اکثریت مردم کوزوو به داشتن کشوری مستقل و تغییر وضعیت موجود در منطقه و متعاقب آن امکان تولد آلبانی بزرگ منافع و دیدگاه نزدیک و مشترکی با بلغراد داشته است. یونان با استفاده از عضویت خود در ناتو تلاش

داشت خطر تحقق خواست اکثریت آلبانی تبار به داشتن کشوری مستقل و احتمال اتحاد با آلبانی در ایجاد آلبانی بزرگ را عامل مهمی در تهدید ثبات منطقه و اروپا گوشزد نموده و بر ضرورت استقرار صلح و امنیت منطقه‌ای تأکید ورزد، فلذا آتن ضمن مخالفت با هرگونه تغییر مرزها در بالکان سعی داشت تنش موجود تقلیل یافته و آرامش لازم برای توسعه سیاسی، اقتصادی این بخش از اروپا فراهم آید.

ترکیه

ترکیه بعنوان یکی از مهمترین کشورهای بالکان که در جریان جنگ بوسنی در کنار مسلمانان بوده است، تلاش داشت با تعقیب استراتژی نفوذ در بالکان، جایگاه سنتی - تاریخی خود را در منطقه تحکیم و تقویت نماید. با بروز منازعه کوزوو رهبران آنکارا در راستای اهداف درازمدت خویش در جنوب شرق اروپا و نیز التزام به مفاد پیمان آتلانتیک شمالی بر ضد یوگسلاوی وارد صحنه شده و توانستند از اهرم عضویت در ناتو در اعزام نیروهای نظامی خود به کوزوو بهره‌مند شوند.

بلغارستان، رومانی

دولتهای بلغارستان و رومانی که در دوران سلطه کمونیسم بر اروپای شرقی دارای روابط تاریخی و سنتی نزدیکی با یوگسلاوی بودند، با توجه به فروپاشی اتحاد شوروی و یوگسلاوی و افزایش چتر امنیتی - سیاسی غرب در منطقه عطش زیادی برای ورود به ساختارهای سیاسی، نظامی و مالی اروپایی از خود نشان دادند. این دو کشور سعی کردند از بحران کوزوو استفاده بهینه نمایند و تنها با هدف جلب نقطه نظرات غربیها در ورود به پیمان آتلانتیک شمالی و اتحادیه اروپائی، بتدریج از بلغراد فاصله گرفته و به اردوگاه غرب نزدیکتر شوند. مقامات این دو کشور برخلاف افکار عمومی داخلی که از صربها حمایت و مخالف حملات هوایی و موشکی ناتو بودند، در راستای اهداف درازمدت خویش، از ناتو حمایت و تسهیلاتی نیز در اختیار آن سازمان قرار دادند. آنها براین نظر بودند که حفظ منافع ملی در شرایط کنونی به جانبداری از

خواست غرب خلاصه میشود، فلذا امکانات متعدد هوایی، زمینی و لجستیکی در اختیار ناتو قرار دادند، اما با خاتمه جنگ کوزوو و تصویب قطعنامه ۱۲۴۴ شورای امنیت سازمان ملل و استقرار نیروهای کیفور در کوزوو، رهبران این دو کشور نسبت به میزان توجه غرب به آنان ناخرسند بودند. آنها انتظار داشتند مزد خدمات شایسته خویش در دوران سخت و دشوار را از غرب دریافت نمایند، اما وقتی انتظارات آنان برآورده نگردید، واکنش نشان دادند.

سایر کشورهای منطقه

کشورهای مجارستان، لهستان و چک که تازه به عضویت سازمان پیمان آتلانتیک شمالی درآمده بودند، هر نوع موضع‌گیری خلاف ناتو را ناقض منافع ملی خویش ارزیابی و بر استراتژی جانبداری همه جانبه از ناتو در تحولات منطقه‌ای اصرار می‌ورزیدند. مجالس این کشورها نیز همگام با خواست رهبران آنها با تصویب قوانین لازم زمینه حمایت علنی این کشورها از ناتو و نیز ارائه امکانات هوایی، زمینی و لجستیکی در کمک به آن در جریان حملات هوایی علیه یوگسلاوی را تسهیل نمودند. اقدام این کشورها در حمایت از دستورالعمل‌های ناتو عملاً به مفهوم ورود در جنگ با یوگسلاوی بود. دولت‌های مزبور با علم به خطرات ناشی از یک چنین حمایت‌هایی از اجرای تحریم بر ضد بلگراد کوتاهی نورزیده و تا استقرار نیروهای کیفور در کوزوو از اجرای تعهدات خود به ناتو شانه خالی ننمودند. ماهیت منافع استراتژی این کشورها در ناتو عملاً بر مناسبات بلگراد با آنها تأثیر گذاشت و به تیرگی و سردی گرایید.

بدون شک کشورهای منطقه بالکان و اروپای مرکزی در روند تحولات بدنبال منافع ملی خویش بودند و در این فرآیند با توجه به رویکرد جهانی به جانبداری از ناتو و آلبانی‌تبارهای کوزوو در جنگ یازده هفته‌ای ناتو، سیاست‌های خویش را تصحیح و تعدیل کردند. اکثر کشورهای منطقه در این راستا چشم به آینده دوخته بودند و انتظار داشتند در فردای پس از جنگ مورد توجه غرب و نهادهای غربی قرار گیرند. پیمان ثبات بالکان بهترین پاداش برای برخی از این کشورها بوده است.

فصل هجدهم

نتایج اولین انتخابات آزاد در کوزوو

انتخابات محلی ایالت کوزوو در تاریخ ۲۸ سپتامبر ۲۰۰۰ در ۳۰ ناحیه و ۱۴۶۴ حوزه اخذ رای با آرامش نسبی برگزار گردید. در این انتخابات ۲۰ حزب سیاسی، دو گروه ائتلافی، سه گروه شهروندان و ۱۵ نامزد مستقل (جمعاً ۵۵۰۰ نامزد) برای احراز ۹۲۰ کرسی در ۳۰ انجمن محلی (شورای شهر) به رقابت پرداختند. در این انتخابات که در فضای آرام و بدون خشونت صورت پذیرفت (تنها یک نارنجک در نزدیکی یکی از حوزه‌های انتخابیه در شهر پیچ منفجر شد) حدود ۹۰۰ هزار آلبانی تبار و گروه اندکی از صربها شرکت داشتند.

این انتخابات که اولین همه پرسی سراسری کوزوو پس از خروج نیروهای صرب از این ایالت بوده است، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود. تمامی نامزدها در شعارهای انتخاباتی خویش از استقلال کوزوو سخن به میان می‌آوردند و این در حالی است که با تحولات دمکراتیک در صربستان به رهبری کوشتونیسا، وضعیت کوزوو پیچیده‌تر گردید. در واقع این انتخابات مقدمه‌ای برای برگزاری انتخابات پارلمانی و ریاست جمهوری تلقی می‌شود که احتمالاً در سال ۲۰۰۱ در این ایالت برگزار خواهد شد.

انتخابات محلی کوزوو که برخی از صاحب‌نظران از آن بعنوان نقطه عطفی در تاریخ ایالت کوزوو یاد می‌نمایند، اولین چالش جدی پیش روی مردم، رهبران آلبانی تبار و همچنین نمایندگان جامعه بین‌المللی مستقر در این ایالت بشمار می‌رفت. مهمترین احزاب رقیب شامل حزب دمکراتیک کوزوو به رهبری هاشم تاجپی، حزب جامعه دمکراتیک کوزوو به رهبری ابراهیم روگوا و حزب اتحاد برای آینده کوزوو به رهبری راموش خیرالدینی بودند.

ابراهیم روگوا رهبر حزب جامعه دمکراتیک کوزوو موفق شد در این انتخابات با کسب ۶۰ درصد از آراء، رقیب سرسخت خویش هاشم تاچی را شکست دهد و کنترل ۲۱ ناحیه از ۳۰ ناحیه محلی ایالت کوزوو را بدست گیرد. این پیروزی در صورتی رقم خورد که دو حزب عمده رقیب که از خاکستر ارتش آزادیبخش کوزوو شکل گرفته بودند و طی ۱۷ ماه حضور نیروهای بین‌المللی در کوزوو، اکثر پستهای کلیدی و فعالیتهای اقتصادی را تحت اختیار خویش قرار داده بودند، انتظار داشتند حداقل در اولین انتخابات سراسری پس از جنگ پیروز میدان مبارزه باشند. روگوا علیرغم بدنامی هائی که در طول جنگ یازده هفته‌ای ناتو برای وی بوجود آمده بود موفق شد کنترل تمامی شهرهای بزرگ کوزوو را بدست گیرد. بعنوان مثال وی در شهر پرشتینا مرکز ایالت کوزوو از ۵۴ کرسی شورای شهر متعلق به آلبانی‌تبارها ۵۱ کرسی را بدست آورد و این یک پیروزی بزرگی برای او بشمار می‌رفت.

هاشم تاچی در اولین واکنش ضمن پذیرش نتایج انتخابات اعلام داشت بطور قطع تقلب صورت پذیرفت. وی همچنین حزب جامعه دمکراتیک روگوا را متهم نمود در برخی از حوزه‌ها با متوسل شدن به انواع فشارها و تهمت زنی‌ها، توانسته است پیروز شود. نماینده سازمان امنیت و همکاری اروپا که سازماندهی انتخابات را بعهده داشت، ضمن رد ادعاهای تاچی انتخابات کوزوو را سالم و بدون نقص خواند. در همین خصوص برنارد کوشنر رئیس اجرائی یونیماک خواستار انتقال مسالمت‌آمیز قدرت گردید. وی همچنین اظهار امیدواری نمود همانطوریکه انتخاباتی آرام داشتیم، انتقال قدرت آرام و مسالمت‌آمیزی داشته باشیم. کوشنر همچنین افزود وقت آن رسیده است تا در خصوص برگزاری انتخابات سراسری کوزوو در سال آینده برنامه ریزی نموده و پس از مذاکره با اعضای کلیدی جامعه بین‌الملل زمان دقیق آن تعیین خواهد شد.

پس از اعلام نتایج انتخابات بیشتر نگرانیها از احتمال واکنش تند رزمندگان دوران جنگ در تحویل قدرت به حزب روگوا بود. این رزمندگان که احساس می‌کردند سهم قابل توجهی در خروج نیروهای صرب از کوزوو بعهده داشتند، حق مسلم خویش می‌دانستند همچنان بر مسند

قدرت تکیه زنند و در این فرآیند واکنش هاشم تاچی موجبات بروز نگرانی هایی گردید. هولبروک نماینده آمریکا نزد سازمان ملل طی دیداری که یک هفته قبل از برگزاری انتخابات از کوزوو داشت به تمامی طرفهای آلبانی تبار نسبت به احتمال بروز بحران جدید داخلی هشدار داده بود.

از سوی دیگر پیروزی میانه روها در کوزوو خوشحالی صربها را نیز به همراه داشت. صربهای ساکن کوزوو که انتخابات را تحریم کرده بودند، بیشتر نگران ادامه حضور رزمندگان دوران جنگ بر مسند قدرت بودند، که دارای دیدگاههای ضد صربی و تهاجمی بوده اند. هر چند تمامی رهبران سیاسی آلبانی تبار کوزوو در مبارزات انتخاباتی خویش از استقلال کوزوو حمایت بعمل می آوردند، اما روگوا سیاست آرامتر و ملایم تری را در مقایسه با دیگر رقیبان خویش در برخورد با صربها در پیش گرفته و طی سالهای متمادی نشان داده است که فرد میانه رویی است. رهبران بلگراد نسبت به موفقیت روگوا ابراز خرسندی کردند. کوشتونیتسا رئیس جمهور یوگسلاوی در واکنش به پیروزی روگوا اظهار امیدواری کرد تا در فرصت ممکن بتواند با وی دیدار و گفتگو نماید. روگوا در اولین کنفرانس مطبوعاتی پس از پیروزی التزام خویش به بردباری و دعوت از کلیه جوامع کوزوویی در نهادهای جدید شهرداری را مورد تاکید قرار داد. هر چند روگوا در واکنش اولیه خود پاسخ منعطفی داده بود اما با توجه به فشار افکار عمومی و نیز مخالفت صریح مخالفین سیاسی اش دیدار با رئیس جمهور یوگسلاوی پیرامون آینده کوزوو را رد کرد.

دلایل پیروزی حزب روگوا

در بررسی علل پیروزی روگوا و شکست رقبایش می توان به عوامل ذیل اشاره کرد:

۱- حزب اتحادیه دمکراتیک کوزوو که در سال ۱۹۹۰ تأسیس گردید و طی دهه نود بعنوان تنها حزب تشکیلاتی و قدرتمند کوزوو انتخابات غیررسمی ریاست جمهوری و پارلمانی را سازماندهی کرده بود، صاحب تجربه کافی و تشکیلات حزبی قوی بود و در بین طبقه متوسط جامعه شهرنشین نفوذ قابل ملاحظه ای داشت. این حزب علیرغم اینکه طی دو سال گذشته کاملاً به حاشیه رانده شده بود، اما عملکرد ضعیف رزمندگان دوران جنگ در

تشکیلات اداری کوزوو زمینه توجه مجدد مردم به روگوا را فراهم آورد.

۲- حزب دمکراتیک کوزوو به رهبری تاچی و حزب اتحاد برای آینده کوزوو به رهبری خیرالدینی که هر دو از رهبران ارتش آزادیبخش کوزوو طی دوران بحران و جنگ (۹۹-۱۹۹۸) و نیز مدیران اجرائی طی ۱۷ ماه حضور نیروهای بین‌المللی در کوزوو بودند، از احزاب جوان، بدون تشکیلات منظم، تجربه کار حزبی و همچنین متهم به اختلاس مالی و مافیای اقتصادی بویژه در زمینه واردات سوخت، سیگار، قهوه و... به کوزوو بودند که تا حدود قابل توجهی این عوامل از محبوبیت آنها کاسته است.

۳- مردم کوزوو علیرغم اینکه شدیداً از استقلال کوزوو حمایت می‌نمایند اما بلحاظ تحمل مصائب و گرفتاریهای طاقت فرسا طی دهه گذشته بویژه سالهای پایانی دهه ۹۰ بدنبال یک زندگی آرام و کم خطر می‌باشند و با توجه به دیدگاههای تند و رادیکالی احزاب تندرو تمایل خویش را به روگوا رهبر میانه رو که بطور سنتی از سیاست گفتگو و ماماشات حمایت می‌نماید اعلام داشتند. اقبال عمومی به روگوا به نوعی اقبال مردم به زندگی مسالمت‌آمیز در منطقه ارزیابی می‌گردد.

۴- جامعه بین‌المللی و مجریان سازمان ملل متحد مستقر در کوزوو نیز که نگران روند تک قومیت‌گرایی کوزوو می‌باشند، بیشتر تمایل دارند تا کسانی درحکومت کوزوو وارد شوند که دارای افکار ملایمتری باشند تا در این رهگذر بتوانند صربها، کولیه‌ها، ترکها و دیگر اقلیتهای قومی را به مانند گذشته به کوزوو بازگردانند. در حال حاضر تعداد قابل توجهی از صربها و سایر اقلیتهای قومی جرأت بازگشت به کوزوو را ندارند و شاید با عقب نشینی گروههای تندرو از حکومتهای محلی زمینه بازگشت آنها تا حدود قابل توجهی فراهم گردد.

احزاب عمده کوزوو چشم به انتخابات پارلمانی سال ۲۰۰۱ دوخته‌اند که در صورت ادامه روند کنونی و تأیید سیاستهای آینده روگوا از سوی مردم امکان افزایش محبوبیت حزب اتحاد دمکراتیک کوزوو محتمل است.

روگوا که طی ده سال گذشته بدون استفاده از ابزار خشونت یک مبارزه آرام را علیه

میلوشوویچ آغاز کرده بود، طی دوران جنگ عملکرد مطلوبی از خویش به یادگار نگذاشت. حتی وی پس از حضور نیروهای بین‌المللی در کوزوو به سختی توانست وارد کوزوو شود. اما با توجه به سابقه مبارزاتی وی و حزب قدرتمند جامعه دمکراتیک کوزوو که از تجربه به مراتب بیشتر و بهتری نسبت به احزاب جوان دیگر برخوردار است، موفق شد در اولین اعلام نتایج از رقبای خویش پیشی گیرد.

واکنش‌های بین‌المللی پیرامون انتخابات کوزوو

آمریکا

قبل از برگزاری انتخابات محلی ریچارد هالبروک نماینده آمریکا در سازمان ملل و معمار موافقت نامه دیتون در کوزوو با رهبران اقلیت صرب و اکثریت آلبانی تبار دیدار و از آنها خواست تا نتیجه انتخابات را به رسمیت بشناسند. هالبروک تأکید داشت که رهبران کوزوو بایست با تغییرات دمکراتیک بوجود آمده در بلگراد هماهنگ شوند.

روسیه

بدنبال سفر یک روزه کوشتونیتسا رئیس جمهور یوگسلاوی به مسکو (۲۷ اکتبر ۲۰۰۰) و در بیانیه پایانی، دو کشور خواستار اجرای قطعنامه ۱۲۴۴ شورای امنیت و نیز شروع هرچه سریعتر مذاکرات سیاسی و امضای یک توافقنامه در مورد وضعیت حقوقی کوزوو در چارچوب یوگسلاوی شدند.

یوگسلاوی

وزارت خارجه یوگسلاوی با صدور بیانیه‌ای نسبت به برگزاری انتخابات محلی در کوزوو ابراز نگرانی نموده و خواستار تعویق آن گردید. همچنین در این بیانیه آمده است «تصمیم کیفور به برگزاری انتخابات در کوزوو با حمایت علنی و جدی جامعه جهانی از تغییرات

دمکراتیک در یوگسلاوی همخوانی ندارد.»

سازمان امنیت و همکاری اروپا

Bebita Ferrero Waldner وزیر خارجه اتریش و رئیس دوره‌ای سازمان امنیت و همکاری

اروپا گفت این فرصت تاریخی در اختیار مردم کوزوو است تا نقطه نظرات خویش را آزادانه و درست به جامعه جهانی نشان دهند.

نتیجه‌گیری

در نیمه اول دهه ۹۰ جهان غرب در منطقه بالکان با بحران بوسنی - هرزگوین مواجه گردید که فاقد یک مدیریت منسجم بوده است. اما در پایان همین دهه بار دیگر با نضج بحران کوزوو و با توجه به تجارب تلخ حوادث خونین بوسنی - هرزگوین انتظار می‌رفت غرب در مدیریت بحران جدید با دشواریهای کمتری مواجه شود. اما بلحاظ تضاد منافع بازیگران ذی‌نفوذ در بحران کوزوو و نیز تفاوت ماهوی بین دو بحران (بحران بوسنی بعنوان یک منازعه قومی در سرزمین چند ملیتی و کوزوو بعنوان بخشی از یک کشور مستقل)، دستیابی به یک توافق فراگیر با پیچیدگیهای زیادی همراه بوده است. در یک چنین وضعیتی اروپا که خود در چارچوب اتحادیه اروپائی یک همگرایی اقتصادی، سیاسی و امنیتی را تجربه می‌کرد، تلاش داشت در منازعه کوزوو در مقایسه با بحران پیشین (بوسنی) نقش برجسته‌تری بعهده گیرد. نکته قابل توجه اینکه کشورهای مهم عضو اتحادیه اروپائی که بعضاً داعیه رهبری قاره کهن را در سر دارند، در این فرآیند وارد رقابت پنهان و آشکاری با یکدیگر شده بودند که این امر بعضاً مورد بهره‌برداری دیگر قدرتهای دخیل در بحران بویژه ایالات متحده آمریکا قرار گرفت. واشنگتن که بدنبال تحکیم جایگاه خویش در امنیت اروپایی (در قالب ناتو) بود، پس از آنکه مذاکرات صلح رامبویه به بن بست منتهی گردید، سعی کرد با اتخاذ سیاست مشت آهنین و جانبداری از حملات هوایی و موشکی علیه یوگسلاوی و تقبل بالغ بر ۷۵٪ از هزینه عملیات، رهبری بحران را در اختیار گیرد و حضور بلامنازع خویش در اروپا را تضمین نماید. اروپائیان که بار دیگر (همچون بحران بوسنی) خود را در حل یک بحران اروپایی ناتوان می‌دیدند، مجبور شدند نقش برجسته آمریکا در قبال موضوعات مهم سیاسی، نظامی و امنیتی قاره اروپا را پذیرا باشند.

علاوه بر موارد فوق باید اذعان داشت جنگ ۷۸ روزه ناتو علیه یوگسلاوی در نوع خود

بعد از پایان جنگ سرد، تحولی نوین در روابط بین‌الملل محسوب می‌شد، که مهمترین و برجسته‌ترین آن به شرح زیر بودند:

- ۱- ناتو بدون مراجعه به شورای امنیت و با تأکید بر ضرورت رعایت حقوق بشر موفق شد در یک منازعه داخلی که به یک معضل منطقه‌ای و بین‌المللی تبدیل شده بود، وارد عمل شده و جایگاه خویش را در حل و فصل منازعات منطقه‌ای بویژه اروپائی تقویت نماید.
- ۲- این سازمان موفق شد همزمان در کنار اقدامات نظامی، از ابزارهای سیاسی نیز استفاده نماید.
- ۳- در بحران کوزوو غرب موفق شد بدون مراجعه به شورای امنیت تحریم اقتصادی فراگیر را علیه یک کشور مستقل اعمال نماید. ابتدا اعمال تحریم سوختی علیه بلغراد در نشست ناتو در واشنگتن مطرح و متعاقب آن اتحادیه اروپائی با تصویب آن خود را ملزم به رعایت مفاد تحریم دانست.
- ۴- با توجه به نیازمندیهای نوین کشورهای منطقه بالکان و بلوک شرق سابق که اکثر آنان متحدین سنتی یوگسلاوی بشمار می‌رفتند، ناتو موفق شد ضمن استفاده از امکانات لجستیکی کشورهای رومانی، بلغارستان، مقدونیه، آلبانی... در جنگ ۷۸ روزه دولتهای فوق‌الذکر را از طریق وعده ورود به ساختارهای سیاسی، نظامی و مالی اروپائی به سوی خود جلب نماید.
- ۴- ناتو توانست یوگسلاوی را در صحنه بین‌المللی و منطقه‌ای به شدت منزوی سازد و پس از حملات بی‌امان هوایی و موشکی، این کشور را مجبور به پذیرش شرایط خویش تحت عنوان شرایط جامعه جهانی نماید.
- ۵- بلغراد (بدنبال فشارهای سیاسی نظامی غرب) نه تنها حضور نیروهای بیگانه در خاک خود را پذیرفت، بلکه عملاً حاکمیت سیاسی بر بخشی از سرزمین خویش (ایالت کوزوو) را از دست داده و حتی آینده بازگشت مجدد حاکمیت بلغراد بر کوزوو در هاله‌ای از ابهام قرار گرفت.
- ۶- غرب به منظور تحکیم موقعیت خویش در بالکان، طرح پیمان ثبات بالکان را در ۳۰ ژوئیه

۱۹۹۹ از تصویب گذراند. این پیمان با هدف تغییر ساختار سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشورهای منطقه، به مانند طرح مارشال بعد از جنگ جهانی دوم در اروپای غربی تبیین گردید و با عدم دعوت از رهبران بلغراد در اجلاس مزبور، نظام سیاسی یوگسلاوی را مورد هدف قرار داد و تأکید داشت تا سرنگونی میلوشوویچ (بعنوان جنایتکار جنگی) از اعطای کمک با هدف بازسازی یوگسلاوی امتناع دارد.

۷- حمله ناتو به یوگسلاوی نگرانی کشورهای را که به نوعی دارای معضل اقلیت قومی و نژادی بودند برانگیخت و در مقابل توجه و رضایت خاطر تعدادی از کشورهای همسو با غرب را در بکارگیری قوه قهریه در این نوع از منازعات فراهم آورد.

۸- از دستاوردهای روشن بحران کوزوو میتوان به آشکار شدن نقش ضعیف و حاشیه‌ای سازمان ملل متحد و دبیرکل آن اشاره کرد. شاید بتوان دلیل اصلی عدم توانایی سازمان ملل در مدیریت بحران کوزوو را در وجود بازیگران مختلف بین‌المللی و نیز عدم اجماع لازم بین اعضای دائم شورای امنیت در چگونگی برخورد با این بحران جستجو کرد. اما یکی از شگفتیهای نتایج بحران کوزوو این بود که علیرغم تفاوت منافع قدرتهای بزرگ و مخالفت اولیه برخی از آنها در اعطای نقش برجسته به این سازمان، سرانجام غرب به منظور مشروعیت بخشیدن به اقدامات خویش در کوزوو مجبور شد به سازمان ملل متحد مراجعه نمایند.

گرچه جنگ کوزوو با دخالت ناتو و سایر بازیگران بین‌المللی خاتمه پیدا کرد، لکن این بحران بطور اساسی و اصولی فیصله نیافت. زیرا دولت بلغراد براساس قطعنامه ۱۲۴۴ ایالت کوزوو را بخش جدائی‌ناپذیر از سرزمین خویش می‌داند. آلبانی‌تبارهای کوزوو بر حق تعیین سرنوشت خویش و کسب استقلال اصرار نموده و با تمجید از حمایت جامعه جهانی بلحاظ وادار نمودن ارتش صربستان به خروج از این ایالت و استقرار نیروهای بین‌المللی، بر این باورند که قطعنامه ۱۲۴۴ آمال نهائی آنان (کسب استقلال) را تأمین نخواهد کرد.

وضعیت کلی ایالت کوزوو بلحاظ تناقض آشکاری که بین منافع کلان بازیگران محلی،

منطقه‌ای و بین‌المللی وجود دارد به شرح ذیل می‌باشد:

- صربهای ساکن کوزوو خواستار الحاق مجدد این ایالت به صربستان بوده و از روند تحولاتی که منجر به عمیق‌تر شدن فاصله این ایالت از صربستان می‌گردد ناراضی و بعضاً در حد توان خویش در آن اخلال ایجاد می‌نمایند. با توجه به شکست میلوشوویچ در انتخابات زودرس و روی کار آمدن کوشتونیتسا در بلغراد مواضع آنها تا حدود قابل توجهی تقویت گردیده است.

- آلبانی‌تبارهای کوزوو مخالف الحاق مجدد این ایالت به صربستان بوده و بر حق تعیین سرنوشت خویش و کسب استقلال تأکید می‌ورزند. آنان معتقدند هرگاه این ایالت به استقلال نرسد، بار دیگر جنگ منطقه را در بر خواهد گرفت. با توجه به سقوط میلوشوویچ و روی کار آمدن کوشتونیتسا، در صحنه سیاسی منطقه تغییرات شگرفی روی داده است و در این فرآیند مواضع آلبانی‌تبارها تضعیف گردیده است. اروپا از تغییر مرزهای سیاسی منطقه مخالفت می‌ورزد و از بروز بحران جدید در منطقه نگران است.

- دولت جدید یوگسلاوی تلاش دارد با بهره‌گیری از فضای سیاسی موجود به نحوی مسئله کوزوو را به نفع خویش تغییر دهد. بلغراد ضمن تأکید بر حفظ تمامیت ارضی یوگسلاوی و قطعنامه ۱۲۴۴ شورای امنیت سازمان ملل سعی دارد سرنوشت کوزوو را به جمهوری صربسکا و حتی تمامیت ارضی مقدونیه گره زند و نسبت به بروز بحران جدید فراگیر در منطقه هشدار می‌دهد.

- برخی از کشورهای منطقه (مقدونیه، یونان) نگران روند جدائی کوزوو از صربستان می‌باشند و این روند را تهدیدی علیه تمامیت ارضی و منافع ملی خویش و همچنین برهم خوردن توازن قدرت در بالکان ارزیابی می‌نمایند.

- جامعه بین‌المللی براساس قطعنامه ۱۲۴۴ شورای امنیت بر اعطای خودمختاری وسیع به کوزوو و حفظ تمامیت ارضی یوگسلاوی تأکید دارد. اما واقعیت آن است که قطعنامه فاقد شفافیت کافی بوده و دارای تناقض می‌باشد، امری که از زمان حضور نیروهای بین‌المللی در

کوزوو مورد تأیید دبیرکل سازمان ملل و نماینده وی در این ایالت (کوشنر) قرار گرفت. با این وجود سناریوهای زیر برای آینده کوزوو قابل تصور است.

۱- استقرار نهادهای دمکراتیک در کوزوو، اعطای خودمختاری گسترده و تقلیل حاکمیت صربستان بر این ایالت و تحمیل شرایط جامعه جهانی بر کوزوو (مطابق قطعنامه ۱۲۴۴). این وضعیت خواست مشترک بازیگران بین‌المللی است.

۲- ارتقاء وضعیت کوزوو به یک جمهوری مستقل همدریف دو جمهوری دیگر تشکیل دهنده کوزوو (صربستان و مونته‌نگرو) در قالب جمهوری فدرال یوگسلاوی. برخی از بازیگران بین‌المللی (احتمالاً آمریکا) و رهبران میانه رو در کوزوو از این سناریو جانبداری می‌نمایند.

۳- افزایش تقاضای آلبانی‌تبارهای کوزوو در کسب استقلال و بروز اختلاف بین مردم و جامعه بین‌المللی و یوگسلاوی و نهایتاً بروز بحران و جنگهای محدود داخلی که بعضاً به خارج از مرزهای کوزوو کشیده خواهد شد.

۴- با توجه به رویکرد کشورهای منطقه به پیمان ثبات بالکان، مدل جدیدی برای کوزوو طراحی و اجراء گردد. این مدل می‌تواند کوزوو را به یک منطقه ویژه اقتصادی در بالکان تبدیل نماید که تحت امر اتحادیه اروپائی، سازمان ملل و OSCE قرار گیرد و اداره گردد.

با سقوط اسلوبودان میلوشوویچ و روی کار آمدن ویسلاو کوشتونیتسا و نیز پیروزی ابراهیم روگوا در انتخابات محلی کوزوو تا حدودی احتمال وقوع انتخاب اول را تقویت می‌نماید، اما باید اذعان داشت نظر به تعارض موجود بین قطعنامه شورای امنیت و خواست عمومی مردم و نیز ملاحظات برخی از بازیگران بین‌المللی بویژه آمریکا انتخاب نوع دوم میتواند بعنوان راه حل بحران در آینده مطرح گردد.

ایالات متحده آمریکا بعنوان یک بازیگر مهم و کلیدی در بحران کوزوو پیرامون تفسیر قطعنامه ۱۲۴۴ شورای امنیت سازمان ملل بر این باور است که ایالت کوزوو بعنوان بخشی از یوگسلاوی به رسمیت شناخته میشود اما اینکه این ایالت جزئی از صربستان باشد هیچ اشاره‌ای

به آن نشده است.^۱ اما هرگاه اجرای سناریوهای نوع اول و دوم از مقبولیت کلیه طرفهای درگیر (جامعه بین‌المللی، یوگسلاوی و آلبانی تباران) برخوردار نباشد و وضعیت کنونی حضور ناتو و سازمان ملل در ایالت کوزوو استمرار یابد، ثبات و آرامش منطقه دائمی نخواهد بود و ابهامات و تعارضات موجود میتواند بار دیگر بالکان را آستان حوادث خطرناک سازد.

از سوی دیگر تحولات آتی جمهوری مونته‌نگرو که رهبران آن فرآیند جدائی از جمهوری فدرال یوگسلاوی را تعقیب می‌نمایند، می‌تواند بر تحولات آتی ایالت کوزوو تأثیرات شگرفی داشته باشد. در این خصوص رهبران جمهوری مونته‌نگرو و یوگسلاوی توافق کردند تا در ماه ژوئن سال ۲۰۰۱ مردم این جمهوری طی فراندی نسبت به آینده خویش اعلام نظر نمایند.

۱- برای اطلاعات بیشتر رک به مصاحبه ریچارد هولبروک نماینده ایالات متحده آمریکا نزد سازمان ملل با بی‌بی‌سی ششم نوامبر ۱۹۹۹.

فهرست منابع

الف: منابع فارسی

- جعفری احمد، کتاب سبز جمهوری فدرال یوگسلاوی، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران ۱۳۷۷.
- نونل مالکوم، تاریخ اجمالی کوزوو، ترجمه باقر نصیری، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران، ۱۳۷۸.
- براتیسلاو گراباچیچ، بین استقلال و حفظ وضع موجود، بلگراد تایمز، شماره ۲، ۲۷ آوریل ۱۹۹۸.
- خرسند مسعود، واقعیتهای جنگ کوزوو، ریشه درگیریها «گزارشی از شکل‌گیری بحران کوزوو و نقش آمریکا و ناتو در قبال آن». مجله پیام امروز، ۱۳۷۸.
- ولی الهی ملک‌شاه حبیب‌الله، کتاب سبز آلبانی، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، سال ۱۳۷۵.
- دیدگاهها و تحلیلها، شماره ۱۲۵، تهران دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، سال سیزدهم اردیبهشت ۱۳۷۸.
- دیدگاهها و تحلیلها، شماره ۱۲۹، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، سال سیزدهم شهریور ۱۳۷۸.
- دیدگاهها و تحلیلها، شماره ۱۳۰، تهران دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، سال سیزدهم مهرماه ۱۳۷۸.
- دیدگاهها و تحلیلها، شماره ۱۳۲، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، سال سیزدهم آذرماه ۱۳۷۸.

- دیدگاهها و تحلیلها، شماره ۱۳۳، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، سال سیزدهم
دیماه ۱۳۷۸.
- دیدگاهها و تحلیلها، شماره ۱۳۶، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، سال چهاردهم،
فروردین ۱۳۷۹.
- دیدگاهها و تحلیلها، شماره ۱۳۷، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، سال چهاردهم،
اردیبهشت ۱۳۷۹.
- دانیل تورر، روزنامه آلمانی زبان NZZ چاپ برن، سوم آوریل ۱۹۹۹.
- بولتن سیاسی - امنیتی اروپا آتلانتیک، شماره‌های ۱۰۰ الی ۱۵۰، سفارت جمهوری اسلامی
ایران - بروکسل ۷۸-۱۳۷۷.
- خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران «ایرنا»، ۷۸-۱۳۷۷.
- ایرنا مطبوعاتی ۷۸-۱۳۷۷.
- خبرگزاری تانیوک، جمهوری فدرال یوگسلاوی، ژانویه، فوریه، مارس، آوریل، ژوئن ۱۹۹۹.
- بیانیه ۱۴ ماده‌ای ناتو در آتلانتیک نیوز، مورخ ۱۲/۰۴/۱۹۹۹.
- منشور آتلانتیک ۱۲/۰۴/۱۹۹۹.
- آتلانتیک نیوز ۱۲/۰۴/۱۹۹۹.
- واشنگتن پست ۰۵/۰۴/۱۹۹۹.
- فاکس خبری سفارت جمهوری اسلامی ایران - بلغراد ۷۸-۱۳۷۷.
- بیانیه‌های وزارت امور خارجه، جمهوری اسلامی ایران ۷۸-۱۳۷۷.
- متن قطعنامه ۱۲۴۴ مصوب شورای امنیت سازمان ملل متحد ۱۰/۵/۱۹۹۹.
- لوموند دیپلماتیک ژوئن ۱۹۹۹.

ب: منابع انگلیسی

- Bruce W, Nelan Into The Fire, TIME, 5 April 1999.
- Warfighting Primer, Mark Thompson, Newsweek , 21 June 1999.
- Noel Malcolm, Kosovo A Short History, London, Macmillan Publisher, 1998.
- The Balkan Analyst, Institute of International And Strategic Studies (IISS), Tirana, Year 4 , July
- September 1999.
- Atlantic News, 12 April 1999.
- France Press, 1998- 99.
- Reuters News Agency, 1998-99.
- United Press, 11 April 1999.
- U.S Today, 23 March 1999.
- Tass news Agency, 1998-99.
- Review of International affairs, belgrade, 1998.

ضمائم

